

کتابخانه ای ساده و سبک برای نگاشت اطلاعات یک شی به شی دیگر به صورت خودکار هست و... اگه این پست رو مطالعه کرده باشید یه مشکل امنیتی بنام «Mass Assignment» مطرح شد. برای رفع این مشکل یک روش استفاده از **ViewModel** بود. فرض کنید ما

```
public class User
{
    public int Id { get; set; }

    public string FirstName { get; set; }

    public string LastName { get; set; }

    public string UserName { get; set; }

    public string Password { get; set; }

    public bool IsAdmin { get; set; }

    public virtual ICollection<BlogPost> BlogPosts { get; set; }
}
```

و **ViewModel** ما

```
public class UserViewModel
{
    public string FirstName { get; set; }

    public string LastName { get; set; }

    public string Password { get; set; }
}
```

باشه(توجه کنید در واقع من برای View ی مورد نظرم فقط به نام ، نام خانوادگی و پسورد نیاز دارم) برای استفاده UserViewModel در View مدل بعنوان UserViewModel باید شی User را با اطلاعات شی User مقدار دهی کنیم مثلًا با کدی مثل این در کنترلر.

```
public ActionResult Index(int id = 1)
{
    var user = _userService.GetById(id);
    var userViewModel = new UserViewModel
    {
        FirstName = user.FirstName,
        LastName = user.LastName,
        Password = user.Password
    };
    return View(userViewModel);
}
```

رهایی از نوشتن اینجور کدهای تکراری و خسته کننده باعث پیدایش AutoMapper شد... برای استفاده از AutoMapper از نوگت استفاده میکنیم.

PM> Install-Package AutoMapper

در شروع برنامه نگاشت‌ها را تعریف می‌کنیم. یک روش [ابداعی](#) تعریف نگاشت‌ها در یک کلاس استاتیک و فراخوانی اون تو متدر. Application_Start

```
public static class AutoMapperWebConfiguration
{
    public static void Configure()
    {
        ConfigureUserMapping();
    }

    private static void ConfigureUserMapping()
    {
        Mapper.CreateMap<User, UserViewModel>();
    }
}
```

اولین پارامتر نوع مبدا و دومین پارامتر نوع مقصد هست.
برای انجام نگاشت هم از متدر Map استفاده می‌کنیم.

```
public ActionResult Index(int id=1)
{
    var user = _userService.GetById(id);
    var userViewModel=new UserViewModel();
    AutoMapper.Mapper.Map(user, userViewModel);

    return View(userViewModel);
}
```

همنطور که می‌بینید با نوشتتن چندین خط کد عملیات نگاشت اطلاعات یک شی به شی دیگه انجام شد.
ادامه دارد...

نظرات خوانندگان

نویسنده: رضا
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۴/۱۳ ۱۷:۳۲

دمت گرم مدته معطل همین مپینگ‌ها به صورت دستی هستم

نویسنده: سروش ترک زاده
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۴/۱۳ ۱۷:۳۳

سلام
ممnon،
راه حل ساده واقعا لذت بخش هست...

نویسنده: daniel
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۴/۱۳ ۲۱:۱۳

تو [valueinjecter](#) از Compact Framework باید استفاده کرد.

نویسنده: امیرحسین جلوداری
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۴/۱۳ ۲۳:۲

خیلی ممنونم ... میشه این سمپل رو ضمیمه کنید!

نویسنده: رضاب
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۴/۱۳ ۲۳:۴۶

تشکر بابت معرفی.
کاربرد این Auto Mapper در اینجور نگاشتها معنی میده فقط؟ یعنی نگاشت یه شی جزء به شی کل؟ یا مثلا کاربردهایی مثل ORM هم میتواند داشته باشد؟

نویسنده: محمد صاحب
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۴/۱۴ ۹:۲۱

یکی از مهمترین کاربردها نگاشت از یک مدل بزرگ و پیچیده به یک مدل ساده هست که بهش Flattening میگن و کاربردهای دیگه مثل [Projection](#) و ... که همنظور که آخر پست گفتم تو پست‌های بعدی تکمیلش میکنم.
برای مطالعه بیشتر همه به این [ویکی](#) مراجعه کنید.

نویسنده: محمد صاحب
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۴/۱۴ ۱۲:۱۶

سمپل خاصی نیست کدها رو از یک پروژه کشیدم بیرون...
تنها قسمتی که تو این پست نداشتمن (و البته نیاز هم نبود) View ش بود.

```
@model DotnetDevBlog.Web.Models.UserViewModel  
{@  
    ViewBag.Title = "Index";  
}  
  
<h2>Index</h2>  
@Html.DisplayForModel()
```

نویسنده: سعید یزدانی
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۴/۰۲ ۱۶:۱۹

با سلام
منون از مطلب مفیدتون
میخواستم بدونم اگه از چند model بخواهیم استفاده کنیم باید چکار کنیم؟

نویسنده: محمد صاحب
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۴/۰۴ ۱۰:۵۸

از این کلاس کمک استفاده کن

hossein101211 نویسنده:
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۴/۱۰ ۱۳:۵۸

با سلام میخواستم ببینم آیا امکان استفاده از automapper بدین صورت هم وجود دارد؟

```
public void Edit_news_ajax(News news)
{
    using (var Context = new ProCamContext())
    {
        var q=Context.News.Find(news.id);
        AutoMapper.Mapper.Map(news,q);
        //NewsRepository.EditNews(news.id, q);
        Context.SaveChanges();
    } //end news
}
```

با تشکر

hossein101211 نویسنده:
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۴/۱۰ ۱۴:۳۰

اگه q از نوع news هست که نیازی به AutoMapper نداری!

```
AutoMapper.Mapper.Map(news,q);
```

این خط مشکلی نداره

hossein101211 نویسنده:
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۴/۱۰ ۱۵:۵

من میخواهم محتویات news رو (که توسط model binding پر شده) رو در سطحی از جدولم بریزم (با اون آیدی که با find پیدا کردم جایگزین بشه) اینکار با AutoMapper امکان پذیر هست؟
برای اینکار نیاز به create.map هم دارم؟
با تشکر

hossein101211 نویسنده:
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۴/۱۱ ۱۱:۲۷

اگه نوع هاشون متفاوته بله باید Mapper.CreateMap را تعریف کنی.

در ASP.NET MVC امکان استفاده از چند View Engine به صورت همزمان وجود دارد و همچنین هر بار که قرار است View ای رندر شود، از تمام این‌ها تا یافتن موتور مناسب نمایش View جاری کوئری می‌گیرد. بدیهی است هر چقدر تعداد موتورهای ثبت شده در اینجا بیشتر باشند، زمان بیشتری نیز برای یافتن موتور نمایشی مناسب صرف خواهد شد؛ خصوصاً اگر موتور مناسب در آخر لیست ثبت شده باشد.

در ASP.NET MVC 3 دو موتور نمایشی به صورت پیش فرض نصب هستند (WebForms and Razor). بنابراین اگر صرفاً از Razor استفاده می‌کنید، می‌توان موتور اول را کلا از سیستم پردازشی برنامه حذف کرد. برای اینکار تنها کافی است در فایل global.asax.cs برنامه بنویسیم:

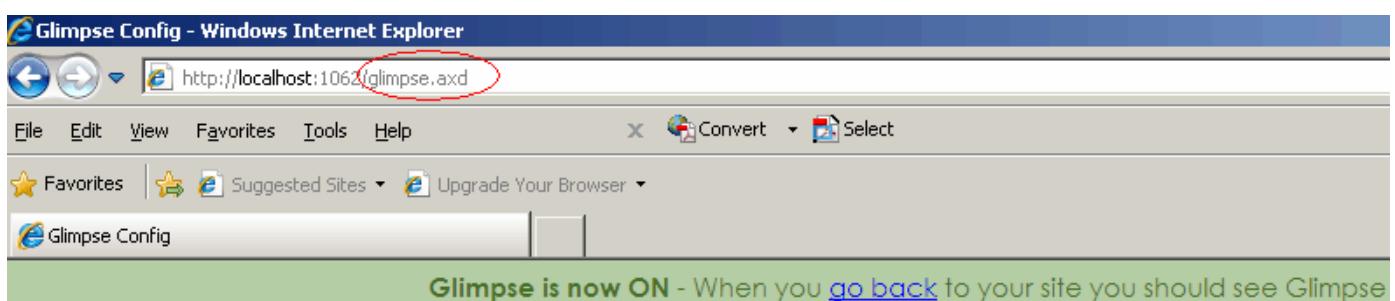
```
protected void Application_Start() {
    ViewEngines.Engines.Clear();
    ViewEngines.Engines.Add(new RazorViewEngine());
    ...
}
```

این موارد را توسط [Glimpse](#) بهتر می‌توان بررسی کرد. Glimpse یک پروفایلر سمت سرور ASP.NET است و دارای نسخه مخصوص ASP.NET MVC نیز می‌باشد. برای نصب آن باید از طریق NuGet اقدام کرد و حتماً دقت داشته باشید که نسخه MVC آن باید نصب شود تا برگه‌های Routing و View ظاهر شوند.

پس از نصب از طریق NuGet، به صورت خودکار اسمبلی‌های لازم به پروژه اضافه شده و همچنین فایل web.config برنامه نیز ویرایش می‌شود. در انتهای این فایل سطر ذیل مشخص می‌کند که Glimpse فعال باشد یا خیر.

```
<glimpse enabled="true" />
```

پس از نصب، برنامه را اجرا کرده و به آدرس <http://localhost/glimpse.axd> مراجعه کنید تا صفحه تنظیمات آن ظاهر شود. تنها کاری که باید در اینجا صورت گیرد کلیک بر روی دکمه Turn Glimpse On است.



What Firebug
the server... in
Glimpse into w



به این ترتیب یک کوکی به مرورگر اضافه شده و اکنون پس از بازگشت به صفحه اصلی برنامه و refresh کامل صفحه، در کنار سمت راست پایین صفحه، آیکن آن ظاهر خواهد شد.



بر روی این آیکن کلیک نمائید تا در برگه‌ی View آن، انواع View‌هایی که در گیر نمایش صفحه جاری بوده‌اند، مشخص شوند:

Ajax	Binding	Config	Environment	Execution	MetaData	Remote	Request	Routes	Server
Ordinal	Requested View	Master Override	Partial	View Engine	Check Cache	Found	Details		
1	Index		False	WebFormViewEngine	True	False	Not Found In WebFormViewEngine cache		
2	Index		False	RazorViewEngine	True	False	Not Found In RazorViewEngine cache		
3	Index		False	WebFormViewEngine	False	False	Not Found In ~/Views/Home/Index.aspx ~/Views/Home/Index.ascx ~/Views/Shared/Index.aspx ~/Views/Shared/Index.ascx		
4	Index		False	RazorViewEngine	False	True	Key Value ViewData -- Model -- TempData --		

همانطور که ملاحظه می‌کنید در اینجا دو موتور پیش فرض فعال بوده و پس از سعی و خطای صورت گرفته، در انتهای کار Razor انتخاب شده است. اکنون اگر نکته حذف موتورهای نمایشی اضافی را اعمال کنیم به تصویر زیر خواهیم رسید:

The screenshot shows a configuration table for 'View Engine' settings. The columns include: Ordinal, Requested View, Master Override, Partial, View Engine, Check Cache, Found (highlighted with a red oval), and Details. Row 1 (Ordinal 1) shows 'Index' as the requested view, 'RazorViewEngine' as the view engine, and 'True' as the check cache value. The 'Found' column is circled in red and shows 'Not Found In' with 'RazorViewEngine cache'. Row 2 (Ordinal 2) also shows 'Index' as the requested view, 'RazorViewEngine' as the view engine, and 'False' as the check cache value. The 'Found' column is circled in red and shows 'True'. The 'Details' section for row 2 shows three entries: ViewData (Value: --), Model (Value: --), and TempData (Value: --).

Ordinal	Requested View	Master Override	Partial	View Engine	Check Cache	Found	Details								
1	Index		False	RazorViewEngine	True	Not Found In RazorViewEngine cache									
2	Index		False	RazorViewEngine	False	True	<table border="1"><thead><tr><th>Key</th><th>Value</th></tr></thead><tbody><tr><td>ViewData</td><td>--</td></tr><tr><td>Model</td><td>--</td></tr><tr><td>TempData</td><td>--</td></tr></tbody></table>	Key	Value	ViewData	--	Model	--	TempData	--
Key	Value														
ViewData	--														
Model	--														
TempData	--														

هم تعداد سعی و خطاهای کمتر شده و هم تعداد فایل‌هایی که بررسی شده است به حداقل رسیده (برای مثال در حالتیکه موتور WebForms فعال باشد، چهار فایل با پسوندات مختلف در مکان‌های پیش فرض نیز حتما جستجو خواهد شد).

نظرات خوانندگان

نویسنده: شهریار جعفری
تاریخ: ۲۳:۵۸ ۱۳۹۱/۰۴/۱۳

یه سوال شاید نه چندان حرفه ای
شما گفتید که ا مکان استفاده از چند View Engine به صورت همزمان وجود دارد. آیا میشه تو یک ویو این کارو انجام داد؟

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳:۹۱/۰۴/۱۴

خیر. همزمانی در اینجا به معنای امکان استفاده همزمان از فایل‌های مستقل aspx و cshtml یا vbhtml است.

نویسنده: شهریار جعفری
تاریخ: ۰:۱۹ ۱۳۹۱/۰۴/۱۴

یه سوال نامرتبه Ninject چیه؟ کاره همون structuremap میکنه؟

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۰:۲۷ ۱۳۹۱/۰۴/۱۴

بله. از این نوع کتابخانه‌ها زیاد است. [Ninject](#), [StructureMap](#), [AutoFac](#) هم یک نمونه دیگر به نام Unity دارد.

یک ادیتور آنلاین را تصور کنید که کاربران در قسمت ارسال تصویر آن قرار است فقط فایل‌های jpg, png و gif ارسال کنند و نه ASP.NET و موارد مشابه. در اینجا برای محدود کردن نوع فایل‌های آپلود شده می‌توان از فیلترهای سفارشی test.aspx کمک گرفت:

```

using System;
using System.Collections.Generic;
using System.IO;
using System.Linq;
using System.Web.Mvc;

namespace SecurityModule
{
    public class AllowUploadSpecialFilesOnlyAttribute : ActionFilterAttribute
    {
        readonly List<string> _toFilter = new List<string>();
        readonly string _extensionsWhiteList;
        public AllowUploadSpecialFilesOnlyAttribute(string extensionsWhiteList)
        {
            if (string.IsNullOrWhiteSpace(extensionsWhiteList))
                throw new ArgumentNullException("extensionsWhiteList");

            _extensionsWhiteList = extensionsWhiteList;
            var extensions = extensionsWhiteList.Split(',');
            foreach (var ext in extensions.Where(ext => !string.IsNullOrWhiteSpace(ext)))
            {
                _toFilter.Add(ext.ToLowerInvariant().Trim());
            }
        }

        bool canUpload(string fileName)
        {
            if (string.IsNullOrWhiteSpace(fileName)) return false;

            var ext = Path.GetExtension(fileName.ToLowerInvariant());
            return _toFilter.Contains(ext);
        }

        public override void OnActionExecuting(ActionExecutingContext filterContext)
        {
            var files = filterContext.HttpContext.Request.Files;
            foreach (string file in files)
            {
                var postedFile = files[file];
                if (postedFile == null || postedFile.ContentLength == 0) continue;

                if (!canUpload(postedFile.FileName))
                    throw new InvalidOperationException(
                        string.Format("You are not allowed to upload {0} file. Please upload only these
files: {1}.",
                        Path.GetFileName(postedFile.FileName),
                        _extensionsWhiteList));
            }
            base.OnActionExecuting(filterContext);
        }
    }
}

```

توضیحات کدهای فوق:

برای تهیه فیلتر محدود سازی نوع فایل‌های قابل ارسال به سرور، با ارث بری از ActionFilterAttribute شروع خواهیم کرد. سپس با تحریف متد OnActionExecuting آن، توسط HttpContext.Request.Files می‌توان به کلیه فایل‌های در حال ارسال به سرور در طی درخواست جاری، دسترسی یافت. به این ترتیب از طریق مقدار خاصیت postedFile.FileName می‌توان به پسوند فایل در حال ارسال رسید و بر این اساس امکان

ارسال فایل‌های غیرمجاز را در نیمه راه با صدور یک استثناء سلب کرد.

برای استفاده از این فیلتر سفارشی تهیه شده نیز می‌توان به نحو زیر عمل کرد:

```
[AllowUploadSpecialFilesOnly(".jpg,.gif,.png")]
public ActionResult ImageUpload(HttpPostedFileBase file)
```

در اینجا پسوند فایل‌های مجاز قابل ارسال، توسط یک کاما از هم جدا خواهند شد.

یک نکته تکمیلی:

اگر کاربر قرار است تنها تصویر ارسال کند، بررسی پسوند فایل لازم است اما کافی نیست. برای این منظور می‌توان از کلاس `Image` واقع شده در فضای نام `System.Drawing` نیز کمک گرفت:

```
public static bool IsImageFile(HttpPostedFileBase photoFile)
{
    using (var img = Image.FromStream(photoFile.InputStream))
    {
        return img.Width > 0;
    }
}
```

در اینجا اگر فایل ارسالی تصویر نباشد، به صورت خودکار یک استثناء صادر خواهد شد.

نظرات خوانندگان

نویسنده: حسین مرادی نیا
تاریخ: ۱۴:۵ ۱۳۹۱/۰۴/۱۷

سلام

همانطور که گفتید چک کردن پسوند فایل الزامی است ولی کافی نیست. برای همین از کلاس `Image` استفاده کردید که اگر فایل ارسال شده یک فایل تصویری نبود استثنای صادر شود. حالا برای فایل‌ها با فرمتهای دیگه چیکار کنیم؟ (مثلًا ممکن است بخواهیم به کاربر اجازه ارسال فایل‌های `zip` و یا `rar` بدھیم و مواردی از این دست).

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۴:۱۶ ۱۳۹۱/۰۴/۱۷

برای بررسی محتوای خاص، نیاز به `parser` مخصوص این نوع فایل‌ها است تا بتواند بررسی کند محتوای دریافتی معتبر است یا نه و عموماً کسی محتوای این نوع فایل‌ها را بررسی نمی‌کند. بنابراین بررسی پسوند در اکثر موارد کافی است. مشکل این نیست که فایل `rar` واقعاً `rar` است یا نه. مشکل این است که این فایل ارسالی، قابلیت اجرا را از طریق فرآخوانی آدرس آن در مرورگر، نداشته باشد. بحث بررسی پسوند هم به همین دلیل است. فایل `aspx` را می‌شود از طریق فرآخوانی در مرورگر بر روی سرور اجرا کرد ولی فایلی با پسوند `rar` این قابلیت را ندارد.

نویسنده: شاهین کیاست
تاریخ: ۲:۱ ۱۳۹۱/۰۵/۰۹

ممnon ، استثنای که صادر می‌شود را چطور میشه ؟ در بدنی `Action` مربوطه مدیریت کرد ؟

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۸:۲۳ ۱۳۹۱/۰۵/۰۹

لازم نیست مدیریت کنید. هدف این بوده که نظم جاری را تغییر دهد. این استثناء توسط `ELmah` دریافت و ثبت خواهد شد. همچنین کاربر به یکی از صفحات پیش فرض خطای برنامه هدایت می‌شود و متوجه خواهد شد که خطایی رخداده است. ولی در کل می‌شود `IExceptionFilter` را نیز پیاده سازی و مدیریت کرد:

```
public class CustomFilter : FilterAttribute, IExceptionFilter
{
    public void OnException(ExceptionContext filterContext)
    {
```

نویسنده: رضوی
تاریخ: ۸:۵۳ ۱۳۹۱/۰۵/۲۸

سلام

چند نکته تکمیلی برای امنیت بیشتر

- ۱- بهتر است که فایل روی دیتابیس ذخیره شود، در غیر اینصورت نام فایل و پسوند توسط سیستم تعیین شود.
- ۲- نام و پسوند ارسالی در نظر گرفته نشود.
- ۳- با اندازه گیری سایز فایل `GIF` نمیتوان به معتبر بودن آن اطمینان داشت.

<http://www.pyxsoft.com/en/hacking-hackers.html>
<http://www.exploit-db.com/exploits/16181>

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۳/۰۱/۰۷ ۱۱:۱۶

یک نکته‌ی تکمیلی
نحوه‌ی فقط خواندنی کردنی دسترسی به فایل‌های یک پوشه (گرفتن دسترسی اجرا)

```
<location path="upload">
  <system.webServer>
    <handlers accessPolicy="Read" />
  </system.webServer>
</location>
```

در پست [قبلی](#) مقدمه‌ای داشتیم بر AutoMapper؛ مثالی که در اون پست عنوان شد ساده‌ترین و پرکاربردترین روش استفاده از Flattening هست بنام AutoMapper کارش رو بر اساس قراردادها انجام میده یا همون Convention Base. یکی از همانطور که در قسمت اول گفتم AutoMapper کارش رو بر اساس قراردادها انجام میده یا همون FirstName در مبداء، به خاصیتی با همین قراردادهای AutoMapper، نگاشت براساس نام اعضای اون شی هست؛ مثلا در مثال قبلی FirstName نگاشت شد و ...

Projection

روش استفاده بعدی که به اون **Projection** (معنی فارسی خوب برا Projection چیه؟) می‌گن برای موقعی هست که اعضای یک شی در مبداء، همتایی در مقصد ندارد (از نظر نام) و در واقع می‌خواهیم یک شی را به یک شی دیگه تغییر شکل بدیم. مدل زیر رو در نظر بگیرید:

```
public class Person
{
    public int Id { get; set; }

    public string FirstName { get; set; }

    public string LastName { get; set; }

}
```

که قرار است به مدل PersonDTO نگاشت بشه.

```
public class PersonDTO
{
    public int Id { get; set; }

    public string Name { get; set; }

    public string Family { get; set; }

    public string FullName { get; set; }

    public string Email { get; set; }

}
```

همانطور که می‌بینید در مقصد خصیت‌هایی داریم که در مبداء همتایی ندارند. برای نگاشت چنین اشیایی، از متده استفاده و نگاشت‌های شی‌های موردنظر رو Custom می‌کنیم.

```
Mapper.CreateMap<Person, PersonDTO>().ForMember(des => des.Name, op => op.MapFrom(src =>
src.FirstName)).ForMember(des => des.FullName, op => op.MapFrom(src => src.FirstName + " " +
src.LastName)).ForMember(
des => des.Email, op => op.Ignore());
```

متده **ForMember** از یک **Action Delegate** برای کانفیگ کردن هر عضو استفاده می‌کنه. در مثال بالا ما از **MapFrom** برای اعمال نگاشت Custom استفاده کردیم.

```
AutoMapper.IMappingExpression<TSource, TDestination>.ForMember(System.Linq.Expressions.Expression<System.Func<TDestination, object>>, System.Action<AutoMapper.IMemberConfigurationExpression<TSource>>)
```

نکته: برای تست کردن اینکه آیا نگاشت ما **Exception** داره یا نه میتوان از متده زیر استفاده کرد.

ویژگی های پیشرفته‌ی AutoMapper - قسمت اول

```
Mapper.AssertConfigurationIsValid();
```

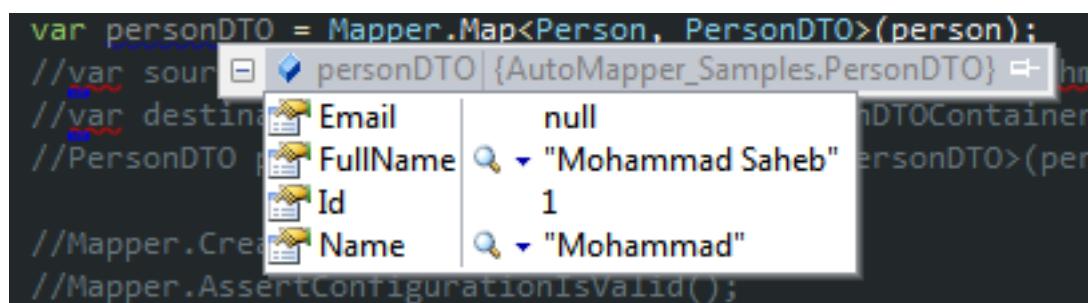
نکته: همیشه موقع نگاشت، اعضای شیء مقصد برای AutoMapper مهم‌ان: مثلا در مثال بالا خاصیت LastName در مبداء به هیچ عضوی در مقصد نگاشت نشده (به صورت مستقیم) و این تولید Exception نمی‌کنه ولی بر عکس اون باعث تولید Exception می‌شود: مثلا اگه خاصیت Email رو که در مبداء همتای نداره رو کافیگ نکنیم، باعث تولید Exception می‌شود.

نحوه استفاده

```
var person = new Person
{
    Id = 1,
    FirstName = "Mohammad",
    LastName = "Saheb",
};

var personDTO = Mapper.Map<Person, PersonDTO>(person);
```

خروجی به شکل زیر می‌شود



Collection

بعد از نوشتن کافیگ نگاشت‌ها، بدون نیاز به تنظیمات خاصی می‌توانیم مجموعه‌ای از شی‌های مبداء را به مقصد نگاشت کنیم. مجموعه‌های پشتیبانی شده به شرح زیرند.

```
IEnumerable, IEnumerable<T>, ICollection, ICollection<T>, IList, IList<T>, List<T>.
```

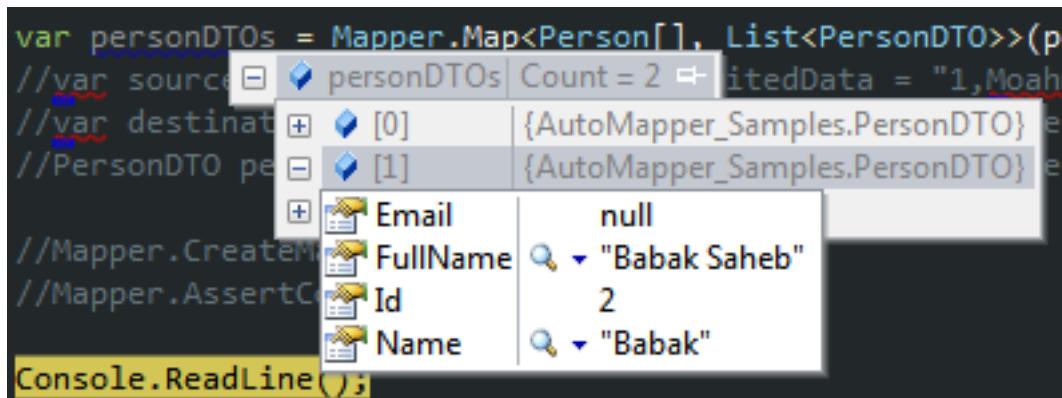
و البته آرایه‌ها.

مثال

```
var persons = new[]
{
    new Person { Id = 1, FirstName = "Mohammad", LastName = "Saheb" },
    new Person { Id = 2, FirstName = "Babak", LastName = "Saheb" }
};

var personDTOs = Mapper.Map<Person[], List<PersonDTO>>(persons);
```

خروجی به شکل زیر می‌شود



Nested Mappings

برای نگاشت کلاس‌های تو در تو از این روش استفاده می‌کنیم و ...
فرض کنید در کلاس Person خاصیتی از نوع Address داریم و در کلاس PersonDTO خاصیتی از نوع

```
public class Address
{
    public string Ad1 { get; set; }
    public string Ad2 { get; set; }
}

public class AddressDTO
{
    public string Ad1 { get; set; }
    public string Ad2 { get; set; }
}
```

برای نگاشت‌هایی از این دست باید تنظیمات نگاشت مربوط به نوع‌های تودرتو را صریحاً معین کنیم.

```
Mapper.CreateMap<Address, AddressDTO>();
```

نکته: هرچند منطقی‌تر بنظر میرسه که تعریف نگاشت‌های داخلی ابتدا بیاد، ولی فرقی نمیکنه که تعریف این نگاشت قبل یا بعد از نگاشت اصلی باشه.
ادامه دارد...

نظرات خوانندگان

نویسنده: ابراهیم
تاریخ: ۲۱:۴۱ ۱۳۹۱/۰۴/۲۲

ممnon از مطالب خوبtan. Projection را به صورت پرتو در درس پایگاه داده استاد حق جو شنیده‌ام و به نظرم ترجمه خوبی است.

نویسنده: فرهاد یزدان پناه
تاریخ: ۱۰:۳ ۱۳۹۲/۰۳/۱۰

وقت بخیر جناب صاحب در حالاتی که از AutoMapper در یک عبارت LINQ استفاده بشه در صورت وجود مواردی همچون FullName در مقصد خطای آیا شما هم با چنین مشکلی برخورد کردید؟

نویسنده: محمد صاحب
تاریخ: ۱۰:۴۶ ۱۳۹۲/۰۳/۱۱

نمیدونم شاید برای بررسی بیشتر کدهاش رو بذار

نویسنده: لیلا
تاریخ: ۰۴:۱۶ ۱۳۹۲/۰۹/۰۴

با تشکر

به چه روشی می‌توان یک viewmodel که ترکیبی از ۳ model هست به مدل‌های مربوطه به وسیله AutoMapper، نگاشت کرد

احتمال بوجود امدن خطا در اجرای یک برنامه همیشه هست. خطاهایی که برنامه نویس ممکن‌هی هیچ وقت فکر نکنه چنین خطای در اجرای برنامه ای که نوشته بوجود بیاد و هیچ وقت هم از اون خطا اطلاع پیدا نکنه. ثبت و بررسی خطاهایی که در برنامه بوجود میاد میتوانه مفید باشه اما آیا باید همه‌ی خطاهای خطا را ثبت کرد؟ خیر. ممکن‌هی برخی از این خطاهای سلامت سیستم رو به خطر ندازه و اصلاً ارتباطی هم به برنامه نداشته باشه. به طور مثال زمانی که کاربر یک صفحه‌ای و یا فایلی رو درخواست میده که وجود نداره. توسط رویداد OnException میتوانیم به خطاهای بوجود ا moden در سطح یک Controller دسترسی داشته باشیم و اون رو مدیریت کنیم.

```

protected override void OnException(ExceptionContext filterContext)
{
  // Bail if we can't do anything
  if (filterContext == null)
    return;

  // log
  var ex = filterContext.Exception ??
    new Exception("No further information exists.");
  // save log ex.Message

  filterContext.ExceptionHandled = true;

  filterContext.Result = View("ViewName");
  base.OnException(filterContext);
}
  
```

ما تمام خطاهایی که در سطح یک کنترل اتفاق می‌افته رو با دوباره نویسی(override) متده OnException مدیریت میکنیم. اما اگه بخواهیم محدوده‌ی این مدیریت رو بیشتر کنیم و کاری کنیم که روی تمام نرم افزار اعمال بشه باید چه کار کنیم؟ روبداد Global.asax در Application_Error محل مناسبی برای انجام این کار هست اما باید چند مسئله رو در نظر بگیریم:

Server.Transfer : این متده یک فایل (میتوانه یک صفحه باشه) رو به خروجی میفرسته بدون اینکه آدرس تغییر کنه(کاربر به صفحه دیگه ای منتقل بشه) نکته ای که وجود داره اینه که برای انتقال نیاز به وجود یک فایل فیزیکی بر روی سیستم داره تا اون فایل رو به خروجی منتقل کنه ، در پروژه‌های MVC فایل فیزیکی (به شکلی که در ASP.NET وجود داره) وجود نداره و بوسیله `route` ، `controller` و `view` ها یک صفحه(خروجی) تولید میشه بنابراین ما نمیتوانیم در MVC از این متده استفاده کنیم و باید به دنبال راه حلی برای فرستادن پاسخ مناسب باشیم.

Response.Redirect : این متده کاربر رو به یک صفحه‌ی دیگه منتقل میکنه و StatusCode را برابر با 301 مقدار دهی میکنه که معنای انتقال صفحه هست و برای مشخص کردن "خطای داخلی سرور" (Internal Server Error) با کد 500 و پیدا نشدن فایل با کد 404 مناسب نیست. این کد (StatusCode) برای موتورهای جستجو اهمیت زیادی داره لیست کامل این کدها و توضیحاتشون رو میتوانید در [این آدرس](#) مطالعه کنید.

Response.Clear : این متده باید فراخوانی بشه تا خروجی تولید شده تا این لحظه رو پاک کنیم.
Server.ClearError : این متده باید فراخوانی بشه تا از ایجاد صفحه زرد رنگ خطا جلوگیری کنه. با توجه به نکات بالا، با طی کردن مراحل زیر میتوانیم خطاهای ایجاد شده رو مدیریت کنیم.

بدست آوردن آخرین خطای ایجاد شده.
 بدست آوردن کد خطای ایجاد شده.

ثبت خطای برای بررسی (ممکن هست شما برخی خطاهای مثل پیدا نشدن فایل رو ثبت نکنید).
 پاک کردن خروجی ایجاد شده تا این لحظه.
 پاک کردن خطای ایجاد شده در سرور.
 فرستادن یک خروجی مناسب بدون تغییر مسیر.

```

protected void Application_Error(object sender, EventArgs e)
{
    var error = Server.GetLastError();
    var code = (error is HttpException) ? (error as HttpException).GetHttpCode() : 500;

    if (code != 404)
    {
        // save log error.Message
    }

    Response.Clear();
    Server.ClearError();

    string path = Request.Path;
    Context.RewritePath(string.Format("~/Errors/Http{0}", code), false);
    IHttpHandler httpHandler = new MvcHttpHandler();
    httpHandler.ProcessRequest(Context);
    Context.RewritePath(path, false);
}

```

خروجی مناسب به کاربر از طریق از یکی از Action های انجام میشے که در ErrorsController هست. باید توجه داشته باشید که اگه در خود این ErrorsController خطای رخ بده ، یک حلقه‌ی بی پایان بین این کنترلر و رویداد Application_Error اتفاق خواهد افتاد.

```

public class ErrorsController : Controller
{
    [HttpGet]
    public ActionResult HttpNotFound()
    {
        Response.StatusCode = 404;
        return View();
    }

    [HttpGet]
    public ActionResult HttpNotFound()
    {
        Response.StatusCode = 500;
        return View();
    }
}

```

نظرات خوانندگان

نوبسند: eli
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۴/۲۵ ۱۱:۳۷

عالی بود مرسی ممنون

پیشیازها:

- نحوه ارسال فایل به سرور توسط ASP.NET MVC
- نحوه اعتبار سنجی سمت سرور ارسال فایل‌ها

در C# برای آپلود فایل‌ها عموماً عنوان می‌شود که از تگ input به نحو زیر استفاده شود:

```
<input type="file" name="file" />
```

مشکلی که با این روش وجود دارد، عدم فعال شدن اعتبار سنجی سمت کاربر در حد مثلاً «لطفاً یک فایل را انتخاب کنید» است. برای فعال سازی آن می‌توان از همان روش unobtrusive معرفی شده در ASP.NET MVC 3 به نحو زیر به صورت دستی استفاده کرد:

```
<input type="file" data-val="true" data-val-required="لطفاً فایلی را انتخاب کنید" name="file" />  
@Html.ValidationMessage("file")
```

در اینجا ویژگی‌های data-val و data-val-required به صورت خودکار اعتبار سنجی سمت کاربر را فعال خواهند کرد (شبیه به required field validator عمل می‌کنند).

از این نکته خصوصاً در طراحی `html helper`‌های سفارشی نیز می‌توان استفاده کرد. برای مثال فرض کنید مشغول طراحی یک کنترل captcha هستید. قسمتی از آن مربوط به دریافت ورودی از کاربر است. به علاوه، پیغام خطایی هم که باید نمایش داده شود نیز باید توسط کاربر قابلیت سفارشی شدن را داشته باشد (و نمی‌توان آن را توسط یک attribute به سادگی به یک مدل خاص انتساب داد).

در این حالت تنظیم data-val و data-val-required به کمک `data-val-attribute` پارامتر `htmlAttributes` می‌سر نیست (چون بین حروف آن `dash` وجود دارد) و باید از `overload` و نوع `dictionary` دار آن به نحو زیر استفاده کرد:

```
htmlHelper.TextBox("CaptchaInputText", string.Empty,  
    new Dictionary<string, object>  
    {  
        { "data-val", "true"},  
        { "data-val-required", validationErrorMessage},  
    })
```

نظرات خوانندگان

نوبنده: مولانا
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۲/۱۷ ۱۷:۳۰

با سلام.

آیا امکان آپلود فایل بوسیله `ajax` نیز وجود دارد. و یا این روش معایبی دارد؟ با تشکر.

نوبنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۲/۱۷ ۱۸:۵۴

بله. مرورگرهایی که Level 2 XMLHttpRequest را پشتیبانی کنند ([از ۱۰ IE به بعد مثلًا](#)), امکان Ajax upload توکار به همراه گزارش درصد آپلود را بدون نیاز به فلاش یا سیلورلایت، دارند. [یک نمونه پیاده سازی آن](#)

در سایت جاری از ویرایشگر آنلاین [RedActor](#) استفاده شده و کار کردن با آن هم بسیار ساده است: یک TextArea را به صفحه اضافه کرده و این افزونه جی کوئری را بر روی آن اجرا می کنید. به این ترتیب صورت خودکار تبدیل به یک ویرایشگر مطلوب خواهد شد. برای مثال:

```
@Html.TextAreaFor(model => model.ArticleBody, htmlAttributes: new { style = "width:98%; height:500px" })

<script type="text/javascript">
$('#ArticleBody').redactor({
    autoformat: false,
    convertDivs: false
});
</script>
```

اما فعال سازی قسمت ارسال فایل و تصویر همراه با آن چطور؟ یک سری مثال نوشته شده با PHP به همراه این ویرایشگر آنلاین هستند که برای ایده گرفتن بد نیستند (البته به این معنا نیست که این ویرایشگر نیازی به PHP دارد. تنها قسمت سمت سرور مثال های آن با PHP است). برای مثال اگر در PHP از دستور echo برای ارائه یک نتیجه نهایی به ویرایشگر RedActor استفاده شده، معادل آن در ASP.NET MVC مساوی return Content است.

```
<script type="text/javascript">
$('#ArticleBody').redactor({
    imageUpload: "@Url.Action(result: MVC.RedactorUpload.ImageUpload())",
    fileUpload: "@Url.Action(result: MVC.RedactorUpload.FileUpload())",
    linkFileUpload: "@Url.Action(result: MVC.RedactorUpload.FileLinkUpload())"
    , autoformat: false
    , convertDivs: false
});
</script>
```

برای فعال سازی قسمت آپلود این ادیتور نیاز است پارامترهای imageUpload, fileUpload و linkFileUpload مقدار دهی شوند. همانطور که ملاحظه می کنید از [T4MVC](#) برای م [شخص سازی مسیرها](#) استفاده شده. برای مثال ImageUpload MVC.RedactorUpload به این معنا است که در کنترلری به نام RedactorUpload، اکشن متدهای ImageUpload به این ادیتور خواهد بود و به همین ترتیب در مورد سایر پارامترها. پذیرای ارسال فایل RedactorUploadController هم ساختار بسیار ساده ای دارد. برای مثال هر کدام از متدهای آپلود یاد شده یک چنین امضایی دارد:

```
[HttpPost]
public virtual ActionResult ImageUpload(HttpPostedFileBase file)
{
}
```

البته در مورد مسایل امنیتی آپلود هم پیشتر [در سایت بحث شده است](#). برای مثال در اینجا استفاده از فیلتر زیر را فراموش نکنید:

```
[AllowUploadSpecialFilesOnly(".jpg,.gif,.png")]
```

در هر کدام از متدهای آپلود (به سه متدهای آپلودی که در پوششی [HttpPostedFileBase](#) را در پوششی دارید ذخیره کنید. سپس باید محتوایی را به RedActor بازگشت دهید و اصل کار یکپارچگی با ASP.NET MVC نیز در همینجا است:

در حالت [imageUpload](#)، محتوایی به شکل زیر باید بازگشت داده شود:

```
return Content("<img src='" + path + "' />");
```

در حالت `fileUpload`, پس از ذخیره سازی فایل در سرور, مسیر آن باید به نحو زیر بازگشت داده شود:

```
return Content("<a href='" + path + ">" + someName + "</a>");
```

و در حالت `linkFileUpload` فقط باید مسیر نهایی فایل ذخیره شده بر روی سرور را بازگشت دهید:

```
return Content(path);
```

همچنین باید دقت داشت که کار ارسال فایل به سرور توسط خود افزونه `RedActor` انجام می‌شود و نیازی به کدنویسی ندارد.
فقط باید سمت سرور آنرا به نحوی که عنوان شد مدیریت کنید. ابتدا فایل را در سرور ذخیره کنید. سپس باید یک محتوای رشته‌ای را به نحو یاد شده، ساخت و توسط `return Content` بازگشت داد.

پ.ن.

قسمتی از مطالب متن فوق در نگارش جدید این ویرایشگر به [نحو زیر](#) تغییر کرده است.

نظرات خوانندگان

نویسنده: امیرحسین
تاریخ: ۳:۹ ۱۳۹۱/۰۵/۰۴

آقای نصیری واقعاً شرمند کردی استاد!

واقعاً انتظار نداشتم که به این سرعت پاسخ بدهید.
یک دنیا ممنونم

نویسنده: امیرحسین
تاریخ: ۳:۳۹ ۱۳۹۱/۰۵/۰۴

توی [این لینک](#) و [این](#) هم در مورد تابع‌های سمت سرورش هست که با جمع شدن با این مطلب نیاز شما برطرف می‌شه.
البته این موضوع برای سی کی ادیتور نوشته شده که تفاوتی با این ادیتور نمی‌کنه.

نویسنده: Zahra
تاریخ: ۹:۵ ۱۳۹۱/۰۵/۰۴

سلام

آقای نصیری میشه طریقه استفاده از این ادیتور رو برای asp.net webform هم شرح بدھید؟

باتشکر

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۰:۲۱ ۱۳۹۱/۰۵/۰۴

در وب فرم‌ها:

- یک TextBox را به صفحه اضافه کنید. آن باید TextMode MultiLine باشد تا تبدیل به TextArea شود. همچنین ClientID آن را هم مقدار دهی کنید تا بشود در jQuery ازش استفاده کرد.

- تمام توضیحات یکی است با این تفاوت که:

الف) Response.Write در اینجا می‌شود Content return

ب) بجای کنترلر شما از یک http handler می‌توانید استفاده کنید (فایل‌های ashx معروف)

```
public class Upload : IHttpHandler {  
    public void ProcessRequest (HttpContext context) {  
        HttpPostedFile uploads = context.Request.Files["upload"];  
        //... save the file  
        // return context.Response.Write(...)  
        // and then context.Response.End();  
    }  
}
```

در اینجا context.Request.Files امکان دسترسی به فایل‌های آپلود شده را می‌دهد.
آن‌ها را ذخیره کنید. در آخر کار هم با context.Response.Write مواردی را که در مقاله فوق توضیح داده شد، بازگشت دهید.

نویسنده: ali ghomı
تاریخ: ۱۹:۱۳ ۱۳۹۱/۰۵/۰۴

سلام من در Action مقدار زیر و برمهی گردنم ولی در RedActor نشون نمیده

ولی آپلود درست انجام میشه.

```
string fileName = Path.GetFileName(file.FileName);
string filePath = "~/App_Data/Uploads/Pic/" + file.FileName;
if (file.ContentLength > 0 && fileName != null)
{
    string path = Path.Combine(Server.MapPath("~/App_Data/Uploads/Pic"), fileName);
    file.SaveAs(path);
}

return Content("<img src='" + filePath + "' />");

return Content("<img src='" + path + "' />");
```

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۵/۱۹:۵۵

درسته. علت این است که پوشه App_Data محافظت شده است و از طریق فراخوانی لینک آن به صورت مستقیم قابل دسترسی نیست.

اگر فایل‌ها رو در این پوشه ارسال می‌کنید نیاز هست مثلاً یک کنترلر دیگر به نام file درست کنید و کار این کنترلر فایل، دریافت نام تصویر و ارسال آن به صورت return File به مرورگر کاربر باشد.
یا اینکه کلا از یک پوشه معمولی استفاده کنید.

+
ضمن اینکه کاراکتر ~ برای تگ معمولی img مفهومی ندارد و باید از آن در پایان کار استفاده شود.

نویسنده: محمد آزاد
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۵/۱۱ ۲:۳۷

جناب نصیری من بعد از اجرای خط

```
return Content("<img src='" + filename + "' />");  
//filename =C:\Users\mta\Documents\Visual Studio 2010\Projects\IAUG\GIAU\Images\Actors.png
```

یک ارور جاوا اسکریپتی دارم از این خط:

```
e.match(/.{*\}\/)[0]
```

که مقدارش نال هست.

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۵/۱۱ ۸:۱۷

یک مسیر نسبی است (نسبت به ریشه سایت) مثلاً:
GIAU/Images/Actors.png
یا مثلاً (یک مسیر مطلق):
<http://mysite.com/GIAU/Images/Actors.png>

نویسنده: محمد آزاد
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۵/۱۱ ۲۳:۲۹

جناب نصیری من کدم رو اصلاح کردم. البته بازم همین مشکل رو دارم

```
virtualpath = "Images/Main.jpg";
return Content("<img src='" + virtualpath + "' />");
```

ولی بازهم تو کتابخونه جاوا اسکریپت RedActor از همون خطی که گفتم ارور میگیره

```
var c=e.match(/\{.*\}/)[0];
//e=<IMG src="Images/Main.jpg">
//e.match=null !
```

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۵/۱۱ ۲۳:۵۰

من این سطر e.match را در سورس redactor.js (فایل redactor) پیدا نمی‌کنم. مطمئن هستید تداخلی در برنامه ندارید؟
ضمانت این ویرایشگر با نگارش‌های نهایی مرورگرها سازگاری خوبی دارد.

نویسنده: محمد آزاد
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۵/۱۲ ۰:۱۵

بله درست گفتید اسم فایلش اینه

```
eval code[dynamic]
```

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۵/۱۲ ۰:۱۸

من از نسخه معمولی redactor استفاده می‌کنم.
اگر نیازی به فشرده سازی آن بود از این روش استفاده کنید: ([^](#))

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۵/۱۲ ۹:۴۲

یک نکته تکمیلی رو اینجا اضافه کنم.
نحوه عملکرد RedActor در نگارش جدید آن با نگارش قبلی که من استفاده کردم، کاملاً تفاوت کرده و قسمت‌هایی از مطلب فوق دیگر معتبر نیست.
RedActor اینبار به خروجی json نیاز دارد. برای مثال آن دقت کنید. در نگارش جدید به این نوع خروجی نیاز دارد:

```
// displaying file
$array = array(
'filelink' => '/images/'.$filename
);
echo stripslashes(json_encode($array));
```

معادل آن در ASP.NET MVC به نحو زیر است:

```
var array = new { filelink = "Images/k1.jpg" };
return Json(array, System.Net.Mime.MediaTypeNames.Text.Plain, JsonRequestBehavior.AllowGet);
```

یک anonymously typed object دلخواه را مطابق PHP مثال array آن درست کنید و به JSON result به نحو فوق ارسال کنید.
برای مابقی هم به همین ترتیب است. مثلا file_upload.php مثال آن اینبار به شکل زیر تعریف شده:

```
$array = array(
    'filelink' => '/files/'. $_FILES['file']['name'],
    'filename' => $_FILES['file']['name']
);

echo stripslashes(json_encode($array));
```

معادل ASP.NET MVC آن به نحو زیر است:

```
var array = new { filelink = "files/myfile.zip", filename="myfile.zip" };
return Json(array, System.Net.Mime.MediaTypeNames.Text.Plain, JsonRequestBehavior.AllowGet);
```

نویسنده: امیرحسین
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۵/۱۹ ۱۱:۵۹

سلام

لطفاً این اصلاحات رو توی اصل متن اصلاح کنید
چون همه کامنت‌ها را تا انتهای نمی‌خونند! و حدود دو روز مثل من علاف بشوند!

نویسنده: donya
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۶/۱۵ ۱۵:۳۳

سلام

آقای نصیری من از ادیتور redactor در استفاده کردم، محتوای ادیتور رو در دیتابیس ذخیره می‌کنم اما برای نمایش دادنش مشکل دارم کل تگ‌های HTML رو تو خروجی نشون میده.
در asp.net literal از برای نمایش محتوای ادیتور استفاده می‌کردیم ولی در MVC لیترال وجود نداره و نمیدونم چطوری محتوای ادیتور رو نمایش بدم ممنون می‌شم اگه جواب بدین.
با تشکر

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۶/۱۵ ۱۵:۵۳

نکته‌اش استفاده از HTML.Raw است که در [قسمت پنجم سری MVC](#) توضیح داده شده.

نویسنده: roya
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۶/۱۶ ۱۵:۱

آقای نصیری من برای ذخیره یه متن با redactor به مشکل خوردم. Error ای به صورت زیر میدهد:
System.Web.HttpRequestValidationException: A potentially dangerous Request.Form value was detected from the client (Body=<p>aaaaaaaa...</p>).

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۶/۱۶ ۱۷:۱۴

مراجعه کنید به [قسمت ۱۷ سری MVC](#) سایت؛ قسمت «بررسی اعتبار درخواست (Request Validation) در ASP.NET MVC»

نویسنده: احمد احمدی

۱۵:۳۸ ۱۳۹۱/۰۶/۲۱

تاریخ:

در صورت امکان در مورد وضعیت لایسنس این ادیتور کمی توضیح بدید .
بنده تصمیم دارم به دو صورت از این ادیتور استفاده کنم ، یکی در یک پروژه شخصی ، بار دیگر هم در یک پروژه رایگان و متن باز .

وضعیت لایسنس در هریک از شرایط بالا به چه صورت است ؟

نویسنده: **وحید نصیری**
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۶/۲۱ ۱۶:۱۰

مطابق توضیحات [این صفحه](#) ، اگر نیاز به پشتیبانی خاصی از تیم مربوطه داشته باشد، نیاز است هزینه کرده و مثلا در ایمیل خودتون Paypal transaction number را نیز ارسال کنید تا به شما پاسخ دهند.

نویسنده: **احمد احمدی**
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۶/۲۷ ۱۳:۵۸

لطفا در مورد دکمه ارسال کد کمی توضیح بدید .
آیا از پلاگین خاصی باید استفاده کنیم یا باید بصورت دستی این امکان رو اضافه کنیم؟

نویسنده: **وحید نصیری**
تاریخ: ۱۴:۶ ۱۳۹۱/۰۶/۲۷

نیاز هست افزونه نویسی کنید. استاندارد نیست.

نویسنده: **کیارش سلیمان زاده**
تاریخ: ۱۲:۴۷ ۱۳۹۱/۱۰/۲۰

به نظر من دیگه نسخه رایگان این ادیتور وجود نداره! اگه امکانش هست میشه نسخه ای که شما دارید و رایگانه برای دانلود بذارید؟

نویسنده: **وحید نصیری**
تاریخ: ۱۳:۱۱ ۱۳۹۱/۱۰/۲۰

آخرین نسخه‌ای که من دارم: [redactor803.zip](#)

نویسنده: **کیارش سلیمان زاده**
تاریخ: ۱۳:۱۵ ۱۳۹۱/۱۰/۲۰

ممnon وحید جان،
[این](#) هستش.

نویسنده: **Mohsen**
تاریخ: ۲۳:۲۹ ۱۳۹۱/۱۱/۱۱

با سلام

زمانی که از این ادیتور استفاده می‌کنیم آیا کاربر می‌تواند فونت را تغییر دهد؟ ممنونم

نویسنده: **وحید نصیری**
تاریخ: ۲۳:۴۲ ۱۳۹۱/۱۱/۱۱

خیر. احتمالا به این علت که آنچنان مرسوم نیست از چندین قلم در وب استفاده شود، منهای CSS اصلی سایت و تعریف قلم‌های اصلی برای هدرها و امثال آن. به علاوه قلم متن نمایش داده شده در صفحات باید تابع CSS سایت باشد نه ادیتور آن.

ولی در کل می‌توانید برای افزونه [بنویسید](#) تا اینکار را انجام دهد.

نویسنده: Mohsen
تاریخ: ۱۳۹۱/۱۱/۱۱ ۲۳:۵۲

من هر کاری کردم که فونت پیشفرض اون رو تغییر دهم نتونستم این کار رو انجام بدم حتی تمام property‌های مربوط به فونت رو از فایل CSS حذف کردم ولی باز فونت خودش رو می‌گیره فکر کردم که شاید این کار امکان پذیر نباشد ولی شما این کار رو کردید. امکانش هست بفرمایید چگونه فونت پیشفرض این ادیتور رو تغییر دادید. ممنونم.

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۱/۱۱/۱۲ ۰:۶

من چیزی رو از فایل CSS آن حذف نکرم. فقط یک `tahoma` به اول تعاریف فونت‌های آن اضافه کردم.
به علاوه باید دقت داشت که تمام این ادیتورها در یک `iframe` بارگذاری می‌شوند. یعنی در حین نمایش، `body` آن‌ها تابع خودشون است و نه CSS سایت. به همین جهت نیاز به کمی تغییر دارند:

```
body{
font-family:Tahoma,sans-serif;
font-size:9pt;
margin:0;padding:0;
overflow-x:hidden;
background:#fff;
direction:rtl
}
```

نویسنده: ناصر
تاریخ: ۱۳۹۱/۱۲/۲۰ ۱۹:۰

ببخشید آقای نصیری این نسخه ای که شما گذاشتید (این فایل zip) آیا خروجی JSON می‌خاد یا خروجی باید مثل مثال بالا باشه؟

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۱/۱۲/۲۰ ۱۹:۹

روش تشخیص رو [اینجا](#) توضیح دادم. نیاز به JSON داره.

نویسنده: ناصر
تاریخ: ۱۳۹۱/۱۲/۲۰ ۱۹:۵۳

با عرض پوزش من در یک برنامه ASP.NET Web Form دارم از این ادیتور استفاده می‌کنم و نتونستم معادل دستورات زیر در ASP.NET رو بفهمم.

```
var array = new { filelink = "files/myfile.zip", filename="myfile.zip" };
return Json(array, System.Net.Mime.MediaTypeNames.Text.Plain, JsonRequestBehavior.AllowGet);
```

چیزی که خودم حدس زدم یک خروجی شبیه زیر بود:) اما مثل اینکه درست نبود

```
context.Response.Write("{'filelink':'" + filePath + "'}");
```

لطفا برای هر دو مورد فایل و تصویر راهنمایی بفرمایید چه خروجی JSON مدنظر هست.

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۱/۱۲/۲۰ ۲۱:۴۶

مراجعه کنید به مطلب آشنایی با کلاس JavaScriptSerializer

نویسنده: ناصر
تاریخ: ۱۳۹۱/۱۲/۲۱ ۲۲:۴۶

با تشکر فراوان از لطفتون. همچنین یک راهنمای جالب برای این سایت اینجاست. دوستانی که میخوان کمی تغییرات در این ادیتور بدن مثلا زبان فارسی اضافه کنن یا یک سری امکانات این چنینی حتما آدرس زیر رو ببین. چیزهای جالبی داخلش هست.

[/http://imperavi.com/redactor/docs](http://imperavi.com/redactor/docs)

همچنین داخل این راهنمای خروجی هم دقیقا آئرده شده که من بعد از سوال پیدا کردم. خروجی برای image باید به شکل زیر باشد

```
{ "filelink": "/images/img.jpg" }
```

و برای فایل هم به شکل زیر باشد

```
{ "filelink": "/files/file.doc", "filename": "Filename" }
```

چیزی که خیلی وقت من رو گرفت اون اسلش قبل نام فایل بود که نمیزاشتم و خروجی مد نظر رو بم نمیداد. دوستان این قضیه رو حتما مد نظر داشته باشن تا مثل من وقتیشون زیاد گرفته نشه :)

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۱/۱۲/۲۱ ۲۲:۵۹

یک نکته: سعی نکنید این فرمتهای رو دستی درست کنید. علت این است که کلاس [JavaScriptSerializer](#) ذکر شده، زمانیکه [var array](#) ساخته شده رو دریافت میکنه، یک سری از کاراکترها رو هم [escape میکنه](#).

نویسنده: بهروز
تاریخ: ۱۳۹۱/۱۲/۲۲ ۱۳:۶

آقای نصیری ظاهرا آخرین ورژن (redactor803) که شما گذاشتید با آخرین ورژن کنونی جیکوری (jquery-1.9.1.min.js) سازگاری ندارد و با زدن روی دکمه image پنجره ای برای ارسال باز نمیشود ولی با js jquery-1.8.1.min.js تست کردم مشکلی نبود

آیا راهی برای حل این مشکل وجود دارد؟

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۱/۱۲/۲۲ ۱۳:۱۳

- من دقیقا از آخرین نسخه رایگان این ادیتور استفاده میکنم. نیازی هم به نگارش‌های بعدی آن ندارم، چون نگارش مورد استفاده بدون مشکل کار میکند.
- همچنین از jquery-1.8.3.min.js برای کار با این نسخه استفاده میکنم.
- اگر نیاز به نگارش دیگری دارید بهتر است در انجمن تهیه کنندگان آن این مسایل رو مطرح کنید. البته ابتدا باید هزینه لاینسنس نگارش‌های جدید آنرا پرداخت کنید.
- بسیاری از افزونه‌های jQuery، با نگارش‌های جدید بعد از 1.9 آن سازگار نیستند و فقط این یک مورد نیست. بهتر است عجله نکنید و حداقل 6 ماهی برای ارتقاء صبر کنید.
- پروژه‌ای وجود دارد به نام [jQuery Migrate](#) برای پوشش مواردی که از جی‌کوئری 1.9 به بعد حذف شدن. این مورد رو باید به پروژه اضافه کنید تا با افزونه‌های قدیمی بتونید کار کنید.

نویسنده: میهمان
تاریخ: ۱۳۹۱/۱۲/۲۲ ۱۳:۳۳

سلام جناب آقای مهندس
در لینکی که در اول پست گذاشته اید ، وقتی دکمه Get Redactor را میزنیم ، هیچ نسخه free وجود ندارد!
3 تا گزینه buy a licence وجود دارد و یک گزینه trial version ممnon میشم اگر لینک مستقیم نسخه رایگان رو بگذارید
با سپاس

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۱/۱۲/۲۲ ۱۳:۳۹

کمی بالاتر در بین نظرات ارسال شده.

نویسنده: مولانا
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۲/۱۷ ۲۱:۵۴

با سلام.

من خاصیتی از ویومدل را بصورت زیر تعریف کدم:

```
[Required(ErrorMessageResourceType = typeof(ValidationErrorsResource),  
        ErrorMessageResourceName = ResourceKeys.ValidationErrorsResource.RequiredField)]  
    [MaxLength]  
    [DisplayName("متن")]  
    [AllowHtml]  
    public string FullDescription { get; set; }
```

در ویو هم بصورت زیر:

```
<div> متن </div>  
    <div>@Html.TextAreaFor(p => p.FullDescription)</div>  
    <div>@Html.ValidationMessageFor(p => p.FullDescription)</div>  
  
$('#FullDescription').redactor({  
    autoformat: false,  
    convertDivs: false  
});
```

ولی وقتی کاربر حتی چیزی وارد نمیکند در دیتابیس مقدار "" ذخیره میشود و همین باعث میشود Required کار نکند و پیغامی به کاربر نمایش نمی دهد.
ایراد کارم از کجاست؟ با تشکر.

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۲/۱۷ ۲۲:۴۴

اینطور نیست. مقداری که عنوان کردید به معنای new line وارد شده است که در مرورگرهای مختلف مقدار بومی آن متفاوت است.

نویسنده: مولانا
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۲/۱۸ ۶:۳

با سلام

من پوشه ای بنام upload درست کردم و کد مربوط به کنترل من هم بصورت زیر است:

```
[HttpPost]  
[AllowUploadImagesOnly(".jpg,.gif,.png")]
```

```
public virtual ActionResult ImageUpload(HttpPostedFileBase file)
{
    var newFileName = Server.MapPath(Path.Combine(Links.SiteContents.Upload.Url(),
file.FileName));
    file.SaveAs(newFileName);
    var array = new { filelink = newFileName };
    return Json(array, MediaTypeNames.Text.Plain, JsonRequestBehavior.AllowGet);
}
```

فایل به درستی درون پوشه آپلود قرار میگیرد ولی درون ادیتور نمایش داده نمیشود. علت چیست؟
خطایی هم دریافت نمیکنم.
باتشکر.

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۲/۱۸ ۸:۵۴

علت این است که نباید مستقیما newFileName را بازگشت دهید. در اینجا چیزی است مثل c:\path\folder\site\images\img01.png. یعنی مسیر مطلق است که باید تبدیل به مسیر نسبی img01.png شود برای استفاده در تگ src.

نویسنده: افشار محبی
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۲/۱۸ ۱۲:۱۰

اگر نخواهیم از نسخه‌های قدیمی‌تر (که رایگان بودند) استفاده کنیم و همیشه به روز باشیم باید دست به دامان نسخه‌های کرک یا نسخه‌هایی شویم که از این طرف و اون طرف به صورت غیر قانونی برای دانلود گذاشته می‌شوند.

اگر این موضوع درست باشد پس نمی‌توان از RedActor به صورت به روز و بی‌دردسر استفاده کرد. در نتیجه شاید بهتر باشد از رقبای رایگان مثل CKEditor استفاده شود.

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۲/۱۸ ۱۲:۲۲

سایت جاری از این ادیتور (نگارش قدیمی آن) استفاده می‌کند و به شخصه مشکلی با کیفیت آن ندارم و پاسخگوی نیاز کاری ما است.

نویسنده: افشار محبی
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۲/۱۸ ۱۲:۳۵

آن طور که گفته می‌شود RedActor خیلی بهتر از CKEditor است. در همین سایت هم بدون مشکل در حال کار است. اما امکان به روز رسانی همیشگی باعث می‌شود خیال آدم از آینده راحت‌تر باشد.

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۲/۱۸ ۱۲:۳۸

- هر طور صلاح می‌دونید.
- هدف از این بحث صرفا به اشتراک گذاشتن یک سری نکته بود که شاید هرجایی به این سادگی یافت نشود.

نویسنده: افشار محبی
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۲/۱۸ ۱۲:۳۹

بله. مطمئناً بحث مفیدی بوده است. علاوه بر من، خیلی‌های دیگر استفاده کردند.

نویسنده: محمد رضا برنتی
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۹/۱۴ ۱۲:۳۴

سلام آقای نصیری
امکان داره توضیح بدید چگونه دکمه Code و به این ادیتور اضافه کنیم؟!

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۹/۱۴ ۱۳:۰

باید افزونه بنویسید. فایل آن در مسیر :plugins paste_code.html

```
<label>
    Code:</label>
<textarea id="redactor_insert_code_area" name="redactor_insert_code_area" style="height: 211px; width: 538px;" />
<label>
    Language:</label>
<select id="redactor_insert_code_lang">
    <option>CSharp</option>
    <option>VB</option>
    <option>JScript</option>
    <option>Sql</option>
    <option>XML</option>
    <option>CSS</option>
    <option>Java</option>
    <option>Delphi</option>
</select>
<br />
<input type="button" name="insert" id="redactor_insert_btn" value="%RLANG.insert%" />
```

و قسمت فعال سازی آن در فایل redactor.js ذیل

```
showCodesPage: function () {
    this.modalInit('Insert Code', this.opts.path + '/plugins/paste_code.html', 600,
$.proxy(function () {
    var sel = this.getSelection();
    var currentCode = '';

    this.opts.codeElement = false;
    if ($.browser.msie) {
        var parent = this.getParentNode();
        if (parent.nodeName === 'PRE') {
            this.opts.codeElement = parent;
            currentCode = $(parent).text();
        } else {
            if (this.oldIE()) {
                currentCode = sel.text();
            } else {
                currentCode = sel.toString();
            }
        }
    } else {
        if (sel && sel.anchorNode && sel.anchorNode.parentNode.tagName === 'PRE') {
            this.opts.codeElement = sel.anchorNode.parentNode;
            currentCode = $(sel.anchorNode.parentNode).text();
        } else {
            currentCode = sel.toString();
        }
    }
    if (this.opts.codeElement) {
        $('#redactor_insert_btn').val("Update");
    }
    if (currentCode) $('#redactor_insert_code_area').val(currentCode);

    $('#redactor_insert_code_area').focus();
    $('#redactor_insert_btn').click($.proxy(this.insertCodesPage, this));
}, this));
},
insertCodesPage: function () {
```

```
var lang = $("#redactor_insert_code_lang").val();
var code = $("#redactor_insert_code_area").val();
code = code.replace(/\s+$/,""); //trim;
code = $('<span/>').text(code).html(); // encode

this.$editor.focus();

var preBlock;
if (this.opts.codeElement) {
    preBlock = $(this.getParentNode());
} else {
    preBlock = $("<pre/>");
}
preBlock.replaceWith("");

var htmlCode = "<pre language='" + lang + "' name='code'>" + code + "</pre></div>";
var codeBlock = "<div align='left' dir='ltr'>" + htmlCode + "</div><br/>";
this.execCommand('inserthtml', codeBlock);

this.modalClose();
},
```

و بعد ثبت آن در فایل‌های default.js و public.js ذیل دکمه justify:

```
code:
{
    title: 'Code',
    func: 'showCodesPage'
},
```

به آن هم باید یک سطر ذیل را اضافه کنید:

```
body .redactor_toolbar li a.redactor_btn_code span { background: url(..../img/code_red.png) no-repeat center; }
```

نویسنده: محمد رضا برنتی
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۹/۱۴ ۱۹:۱۳

در این خط:

```
this.modalInit('Insert Code', this.opts.path + '/plugins/paste_code.html', 600, $.proxy(function () {
```

مقدار

```
this.opts.path
```

برابر undefined هست و در نتیجه بعد از کلیک روی دکمه code فقط تب خالی نمایش داده می‌شود! و متأسفانه از این مرحله بیشتر نتوونستم پیش برم...

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۹/۱۴ ۲۰:۰

ممکنه. چون نگارش‌های مختلفی ازش وجود داره و من از آخرین نگارش آن استفاده نمی‌کنم. برای مثال در نگارش‌های جدیدتر دنبال modal_table بگردید تا نحوه تعریف صفحه نمایش اطلاعات را به صورت توکار در همان فایل dz نهایی، مشاهده کنید. کدهای ارسال شده با مقداری تغییر در نگارش‌های بعدی قابل استفاده هستند.

نویسنده: محمد رضا برنتی

تاریخ: ۱۳۹۲/۰۹/۱۵ ۱۳:۳۱

همین الان کارم تموم شد و تونستم دکمه code و با نگارش جدید این ادیتور هماهنگ کنم و در راه حل مشکلم تقریباً یاد گرفتم چجوری باید برای این ادیتور افزونه بنویسم ... و این بدون کمک شما امکان پذیر نبود ... خیلی ممنونم ...

نویسنده: محسن خان
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۹/۱۵ ۱۰:۲۳

اگر دوست داشتید فایل نهایی خودتون رو پیوست کنید. ممنون.

نویسنده: پرویز
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۹/۲۷ ۲۲:۲۷

سلام؛ این آموزش را به صورت زیر انجام دادم. فایل آپلود میشه اما تو ادیتور نمایش داده نمیشه. اگه دوستان لطف کنند راهنمایی کنند ممنون میشم. در ضمن از نسخه ای که تو بخش نظرات ارسال شده، استفاده کردم. با تشکر.

کدها کنترلر

```
public ActionResult FileUpload(HttpPostedFileBase file)
{
    if (file.ContentLength > 0)
    {
        string filePath = Path.Combine(HttpContext.Server.MapPath("../uploade/"),
Path.GetFileName(file.FileName));
        file.SaveAs(filePath);
    }
    return Content("<img src='/uploade/" + file.FileName + "' />");
}
```

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۹/۲۷ ۲۲:۳۲

- نسخه جدیدتر return Json دارد، بجای return Content. کمی بالاتر بحث شده.
+ مسیر نسبی هم باید برای تصاویر بازگشت داده شود.

نویسنده: فرزین بیاتی
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۲/۰۱ ۱۶:۵۰

با سلام؛ فایل های public.js و default.js کجا قرار دارن؟ چون توی اون ورژنی که خودتون واسه دانلود گذاشتید و گفتید که از اون استفاده میکینید، من فقط فایل redactor.js رو پیدا کردم!

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۲/۰۱ ۱۶:۵۳

در نگارش جدیدتر آن این فایلها با همان فایل اصلی ادغام و یکی شده‌اند.

نویسنده: فرزین بیاتی
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۲/۰۱ ۱۷:۱۷

ممنون از پاسختون
من از ورژن v8.0.3 استفاده میکنم
میشه لطفاً بیشتر توضیح بدید که مثلًا چه جوری از فایل paste_code.html باید استفاده کرد یا اینکه code:

```
title: 'Code',
func: 'showCodesPage'
},
```

رو باید کجا اضافه کرد؟ تو سایت خودش واسه نوشتن پلاگین از یه روش دیگه استفاده کرده

نویسنده: فرزین بیاتی
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۲/۰۴ ۱۲:۵۶

سلام میشه لطف کنید مراحل اضافه کردن دکمه‌ی کد رو بفرمایید. با اون روشی که آقای نصیری توضیح داده بودن من نتونستم انجامش بدم.

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۲/۰۴ ۱۳:۵۹

یک مثال کامل برای ارسال کد: کار آقای [احمدی](#) هست: [RedActor-InsertCode.rar](#) کدهای آن را با کدهایی که [کمی بالاتر](#) ارسال کردم، تطابق داده و تکمیل کنید.

نویسنده: فرزین بیاتی
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۲/۰۶ ۱۴:۳۷

دوستان فرق `fileUpload` و `linkFileUpload` چیه و با کدام دکمه فعال میشه؟

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۲/۰۶ ۱۷:۳

دکمه `insert link` چند برگه‌ی مختلف دارد که یکی از آن‌ها مربوط به `linkFileUpload` است. `fileUpload` مستقلانه دکمه‌ی سنجاق مانندی در نوار ابزار دارد.

نویسنده: فرزین بیاتی
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۲/۱۴ ۱۵:۳۳

چطوری میشه `redactor` رو `readonly` کرد؟ من `TextArea` رو به `disabled` اعمال کردم که جواب نداد.

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۲/۱۴ ۱۶:۱۳

برای نمایش فقط خواندنی یک متن HTML از `Html.Raw` استفاده کنید؛ مانند نمایش متن یک مقاله در یک سایت.

نویسنده: جوادنی
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۲/۲۵ ۱۸:۵۳

این کد من که نوشتمن و جواب گرفتم.

```
[HttpPost]
public ActionResult ImageUpload(HttpPostedFileBase file)
{
    string path = "";
    var FileName = "";
    if (file.ContentLength > 0)
    {
        FileName = Path.GetFileName(file.FileName);
        string Extension = file.ContentType;
        string[] ExtensionList = { "image/jpg", "image/jpeg", "image/gif", "image/png" };
        if (ExtensionList.Contains(Extension.ToLower()))
        {
```

```
path = Path.Combine(Server.MapPath("~/Images/uploads"), FileName);
file.SaveAs(path);
}

var array = new { filelink = @"Images\uploads\" + FileName };
return Json(array, System.Net.Mime.MediaTypeNames.Text.Plain, JsonRequestBehavior.AllowGet);
}
```

امید وارم به کارت بیاد.

نویسنده: پویا امینی
تاریخ: ۲۲:۲۲ ۱۳۹۲/۱۲/۲۶

با سلام ، من می خواستم قسمت ارسال فایل را همانند شما فعال کنم مطابق کدی که فرمودید تنظیمات رو انجام دادم ولی هنگام انتخاب عکس از قسمت زیر

```
if (this.uploadOptions.success)
{
if (typeof d !== 'undefined')
{
// Remove bizarre <pre> tag wrappers around our json data:
var rawString = d.body.innerHTML;
var jsonString = rawString.match(/\{.*\}/)[0];
this.uploadOptions.success(jsonString);
}
}
```

خط

```
var jsonString = rawString.match(/\{.*\}/)[0];
```

خطای زیر رو مگیره

0x800a138f - JavaScript runtime error: Unable to get property '0' of undefined or null reference

ممنون میشم راهنمایی کنید

نویسنده: جوادبی
تاریخ: ۲۳:۱۰ ۱۳۹۲/۱۲/۲۷

با سلام؛ من یک ویو دارم که در آن از دوتا redactor استفاده کردم. در واقع ستاریوی من به این شکل است. یکی از این redactor برای ورود خلاصه‌ی متن است و در زیر آن یک لینک ایجکسی وجود دارد که میره و یک partial اون redactor دومی قرار دارد و جالب وقتی که من یک فایلی را در red actor که در پارشال هست آپلود می‌کنم فایل آپلود می‌شود ولی هنگامی که در صفحه‌ی سایتم می‌خوام دانلود کنم Error زیر را می‌دهد.
.The resource you are looking for has been removed, had its name changed, or is temporarily unavailable
حالا باید چه کار کنم؟ ممنون

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۲۳:۳۶ ۱۳۹۲/۱۲/۲۷

لینک تولید شده نهایی در اکشن متده را با لینک واقعی فایل بر روی سرور تطابق دهید.

نویسنده: پرویز
تاریخ: ۱۲:۳۴ ۱۳۹۳/۱۰/۱۶

سلام

فرض کنید یه تعداد عکس را با این ویرایشگر آپلود کردیم ، بعد یه تعداد از عکس رو از درون ویرایشگر حذف کردیم، چون از درون ویرایشگر مسیر عکس‌ها حذف میشه خود عکس رو هاست باقی می‌مونه.

سؤال: چطوری میشه با حذف عکس از درون ویرایشگر خود عکس هم از روی هاست پاک بشه؟

نوبنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۳/۱۰/۱۶ ۱۲:۳۸

چنین قابلیتی را ندارد. برای این مورد از [Froala WYSIWYG Editor](#) استفاده کنید ().

اگر پیشتر سایتی را در آدرس مشخصی در اینترنت داشته‌اید و اکنون تنها نرم افزار آن تغییر کرده است، اما نحوه ارائه خدمات آن خیر، لازم است بتوانید شرایط ذیل را مدیریت کنید:

- موتورهای جستجو مدام اطلاعات قبلی خود را به روز می‌کنند. اگر آدرس قبلی مقاله‌ای در سایت شما <http://site/year/month/day/title> شود وجود خارجی دارد یا خیر (این نکته را از لاغ‌های خطای سایت استخراج کردم).
- سایت‌های زیادی هستند که پیشتر به سایت شما و مطالب آن لینک داده‌اند. نمی‌توانید از آن‌ها درخواست کنید لطفاً بانک اطلاعاتی خود را به روز کنید.
- اگر فید قبلی سایت شما <http://site/feeds/posts> بوده و اکنون چیز دیگری است، باز هم نمی‌توانید از همه درخواست کنید اطلاعات خود را به روز کنند. عده‌ای اینکار را خواهند کرد و تعداد زیادی هم خیر.

برای مدیریت یک چنین مواردی می‌توان از امکانات مسیریابی موجود در ASP.NET MVC استفاده کرد؛ که نمونه‌ای عملی از آن را جهت سازگاری سایت جاری با هاست قبلی آن (بلگر) در ادامه مطالعه خواهید نمود:

الف) سازگار سازی لینک‌های قدیمی برچسب‌های سایت با ساختار جدید آن

در بلگر آدرس‌های برچسب‌ها، به صورت <http://site/search/label/name> تعریف شده است. در سایت جاری برچسب‌ها توسط کنترلر Tag مدیریت می‌شوند. برای هدایت آدرس‌های قدیمی (موجود در موتورهای جستجو یا ثبت شده در سایت‌هایی که به ما لینک داده‌اند) می‌توان از تعریف مسیریابی ذیل در فایل global.asax استفاده کرد:

```
routes.MapRoute(
    "old_bloger_tags_list", // Route name
    "search/label/{name}", // URL with parameters
    new { controller = "Tag", action = "Index", name = UrlParameter.Optional, area = "" }
)
// Parameter defaults
);
```

به این ترتیب به صورت خودکار تمامی آدرس‌های شروع شده با <http://site/search/label> پالیش شده و سپس قسمت name آن‌ها جدا سازی می‌شود. این نام به متدهای `Index` در کنترلر Tag که دارای پارامتری به نام name است ارسال خواهد شد.

ب) از دست ندادن خواندنگان قدیمی فیدهای سایت

دو نوع فید کلی در بلگر وجود دارد: <http://site/feeds/comments/default> و <http://site/feeds/posts/default>: اما در سایت جاری فیدها توسط کنترلری به نام Feed ارائه می‌شوند. برای سازگار سازی آدرس‌های قدیمی و هدایت آن‌ها به صورت خودکار به کنترلر فید می‌توان از دو تعریف مسیریابی ذیل استفاده کرد:

```
routes.MapRoute(
    "old_bloger_posts_feeds_list", // Route name
    "feeds/posts/default", // URL with parameters
    new { controller = "Feed", action = "Posts", name = UrlParameter.Optional, area = "" }
)
// Parameter defaults
);
routes.MapRoute(
    "old_bloger_comments_feeds_list", // Route name
    "feeds/comments/default", // URL with parameters
    new { controller = "Feed", action = "Comments", name = UrlParameter.Optional, area = "" }
)
// Parameter defaults
);
```

در اینجا دو آدرس ذکر شده به کنترلر Feed و متدهای Posts و Comments آن هدایت خواهند شد و به این نحو کاربران قدیمی سایت هیچگونه تغییری را احساس نکرده و باز هم فیدخوان‌های آن‌ها، بدون مشکل کار خواهند کرد.

ج) پردازش لینک‌های قدیمی مطالب سایت و هدایت آنها به آدرس‌های جدید

این مورد اندکی مشکل‌تر از موارد قبلی است:

```
routes.MapRoute(
    "old_bloger_post_urls",
    "{yyyy}/{mm}/{title}",
    new { controller = "Post", action = "OldBloggerLinks" },
    new { yyyy = @"\d{4}", mm = @"\d{1,2}" }
);
```

برای نمونه آدرس مقاله‌ای مانند <http://site/2012/05/ef-code-first-15.html> را در نظر بگیرید. سه قسمت سال، ماه و عنوان آن، حائز اهمیت هستند. این‌ها را در اینجا به کنترلر Post و متد OldBloggerLinks آن هدایت خواهیم کرد. همچنین برای سال و ماه آن نیز قید تعریف شده است. سال عددی 4 رقمی است و ماه عددی یک تا دو رقمی. کدهای متد OldBloggerLinks را در اینجا مشاهده می‌کنید:

```
public virtual ActionResult OldBloggerLinks(int yyyy, int mm, string title)
{
    var oldUrl = string.Format(CultureInfo.InvariantCulture,
    "http://www.dotnettips.info/{0}/{1}/{2}", yyyy, mm.ToString("00"), title);
    var blogPost = _blogPostsService.FindBlogPost(oldUrl);
    if (blogPost != null)
        return RedirectToActionPermanent(actionName: ActionNames.Index, controllerName:
MVC.Post.Name,
                                         routeValues: new { id = blogPost.Id, name =
blogPost.Title.GetPostSlug() });
    return this.Redirect("/");
}
```

در اینجا چون ساختار لینک‌ها کلاً تغییر کرده است، ابتدا بر اساس پارامترهای دریافت شده، لینک قدیمی بازسازی می‌شود. سپس به بانک اطلاعاتی مراجعه شده و لینک قدیمی به همراه شماره مطلب مرتبط با آن یافت می‌شود (یک فیلد oldUrl برای مطالب قدیمی در بانک اطلاعاتی وجود دارد). در آخر هم به کمک متد RedirectToActionPermanent آدرس رسیده به آدرس جدید مطلب در سایت ترجمه و هدایت خواهد شد. Permanent بودن آن برای به روز رسانی خودکار اطلاعات موتورهای جستجو مفید است.

نتیجه گیری

به کمک امکانات مسیریابی توکار ASP.NET MVC می‌توان ساختار قدیمی یک سایت را به ساختار جدید آن ترجمه کرد. به این ترتیب لینک‌های قدیمی ثبت شده در صدها سایت اینترنتی که به سایت ما اشاره می‌کنند، مجدداً بدون مشکل قابل استفاده بوده و همچنین موتورهای جستجو نیز امکان به روز رسانی اطلاعات خود را خواهند یافت.

عنوان: CAPTCHAfa

نوبت‌نده: بهروز راد

تاریخ: ۱۳۹۱/۰۵/۱۵ ۱۲:۴۶

آدرس: www.dotnettips.info

گروه‌ها:

CAPTCHA, reCAPTCHA, CAPTCHAfa, ASP.NET, MVC, ASP.NET MVC

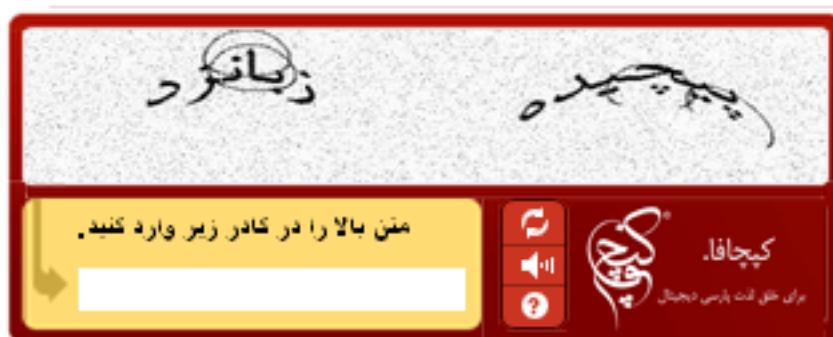
حتماً با CAPTCHA آشنا هستید. فرایندی که در طی آن متنی نمایش داده می‌شود که عمدتاً فقط یک انسان قادر به درک و پاسخگویی به آن است. با این کار از ارسال داده‌های بیهوده توسط ربات‌ها جلوگیری می‌شود. reCAPTCHA ایده‌ای است که با نمایش کلمات واقعی و اسکن شده از کتاب‌های قدیمی، بخشی از مشکلات را حل کرده و از کاربران اینترنت برای شناسایی کلماتی که رایانه توانایی خواندن آن‌ها را ندارد استفاده می‌کند. (شکل زیر)



با وارد کردن درست هر کلمه، بخشی از یک کتاب، روزنامه، و یا مجله‌ی قدیمی در رایانه شناسایی و به فرمت دیجیتال ذخیره می‌شود. به این شکل شما در دیجیتالی کردن متنون کاغذی سهیم هستید.

پروژه‌ی reCAPTCHA توسط گوگل حمایت می‌شود و در [این آدرس](#) قرار دارد.

به تازگی تیمی از دانشکده فنی دانشگاه تهران به همراه انسستیتو تکنولوژی ایلینویز شیکاگو، پروژه‌ای بر همین اساس اما برای متنون فارسی با عنوان CAPTCHAfa تولید کرده اند (شکل زیر) که در [این آدرس](#) در دسترس است. امیدوارم این پروژه به گونه‌ای تغییر کنے که برای دیجیتالی کردن متن‌های پارسی استفاده بشه. در حال حاضر، این پروژه از کلماتی از پیش تعریف شده استفاده می‌کنه.



متاسفانه این پروژه در حال حاضر فقط توسط برنامه‌های PHP قابل استفاده است. از این رو بر آن شدم تا اون رو برای برنامه‌های ASP.NET (هم Web Forms و هم MVC) آماده کنم. برای استفاده از CAPTCHAfa نیاز به یک کلید خصوصی و یک کلید عمومی دارید که از [این آدرس](#) قابل دریافت است. کدهای پروژه‌ی Class Library به شرح زیر است.

```

// =====
//           Captchafa demo for ASP.NET applications
//           by: Behrouz Rad
// =====
namespace Captcha
{
    using System;
    using System.Collections.Generic;
    using System.IO;
    using System.Net;
    using System.Text;
    using System.Web;

    public class Captchafa
    {
        private static readonly string PRIVATE_KEY = "your private key";
        private static readonly string PUBLIC_KEY = "your public key";
        private static readonly string CAPTCHAFA_API_SERVER = "http://www.captchafa.com/api";
        private static readonly string CAPTCHAFA_VERIFY_SERVER =
"http://www.captchafa.com/api/verify/";

        private IDictionary<string, string> CaptchafaData
        {
            get
            {
                HttpContext httpContext = HttpContext.Current;

                string remoteIp = httpContext.Request.ServerVariables["REMOTE_ADDR"];
                string challenge = httpContext.Request.Form["captchafa_challenge_field"];
                string response = httpContext.Request.Form["captchafa_response_field"];

                IDictionary<string, string> data = new Dictionary<string, string>()
                {
                    {"privatekey" , PRIVATE_KEY },
                    {"remoteip"   , remoteIp   },
                    {"challenge" , challenge  },
                    {"response"  , response   }
                };

                return data;
            }
        }

        public static string CaptchafaGetHtml()
        {
            return string.Format("<script type=\"text/javascript\""
src="\{0\}/?challenge&k=\{1\}\\"></script>", CAPTCHAFA_API_SERVER, PUBLIC_KEY);
        }

        public bool IsAnswerCorrect()
        {
            string dataToSend = this.CaptchafaPrepareDataToSend(this.CaptchafaData);

            string result = this.CaptchafaPostResponse(dataToSend);

            return result.StartsWith("true");
        }

        private string CaptchafaPrepareDataToSend(IDictionary<string, string> data)
        {
            string result = string.Empty;
            StringBuilder sb = new StringBuilder();

            foreach (var item in data)
            {
                sb.AppendFormat("{0}={1}&", item.Key, HttpUtility.UrlEncode(item.Value.Replace(@"\", string.Empty)));
            }

            result = sb.ToString();
            sb = null;

            result = result.Substring(0, result.LastIndexOf("&"));

            return result;
        }

        private string CaptchafaPostResponse(string data)
        {
            StreamReader reader = null;

```

```
Stream dataStream = null;
WebResponse response = null;
string responseFromServer = string.Empty;

try
{
    WebRequest request = WebRequest.Create(CAPTCHAFA_VERIFY_SERVER);

    request.Method = "POST";
    request.ContentType = "application/x-www-form-urlencoded";

    byte[] byteData = Encoding.UTF8.GetBytes(data);

    request.ContentLength = byteData.Length;

    dataStream = request.GetRequestStream();

    dataStream.Write(byteData, 0, byteData.Length);

    dataStream.Close();

    response = request.GetResponse();

    dataStream = response.GetResponseStream();

    reader = new StreamReader(dataStream);

    responseFromServer = reader.ReadToEnd();
}
finally
{
    if (reader != null)
    {
        reader.Close();
    }

    if (dataStream != null)
    {
        dataStream.Close();
    }

    if (response != null)
    {
        response.Close();
    }
}

return responseFromServer;
}
```

استفاده در پروژه‌های ASP.NET Web Forms

ابتدا ارجاعی به فایل Captchafa.dll ایجاد کنید و سپس در روای Page_Load، کد زیر را قرار دهید. این کار برای تزریق اسکریپت CAPTCHAFA به صفحه استفاده می‌شود.

```
if (!IsPostBack)
{
    litCaptcha.Text = Captchafa.CaptchafaGetHtml();
}
```

بررسی، صحت مقدار وارد شده توسط کاربر (مثلاً در روال Click یک دکمه) به صورت زیر است.

```
Captchafa captchaFa = new Captchafa();
bool isAnswerCorrect = captchaFa.IsAnswerCorrect();
if (isAnswerCorrect)
{
    پاسخ صحیح است // پاسخ صحیح نیست //
}
else
{
    پاسخ صحیح است // پاسخ صحیح نیست //
}
```

}

استفاده در پروژه‌های ASP.NET MVC

ابتدا ارجاعی به فایل Captchafa.dll ایجاد کنید. در ASP.NET MVC بهتره تا فرایند کار رو در یک HTML helper کپسوله کنیم.

```
public static class CaptchaHelper
{
    public static MvcHtmlString Captchafa(this HtmlHelper htmlHelper)
    {
        return MvcHtmlString.Create(Captcha.Captchafa.CaptchafaGetHtml());
    }
}
```

بررسی صحت مقدار وارد شده توسط کاربر (پس از ارسال فرم به Server) به صورت زیر است.

```
[HttpPost]
[ActionName("Index")]
public ViewResult CaptchaCheck()
{
    Captchafa captchaFa = new Captchafa();

    bool isAnswerCorrect = captchaFa.IsAnswerCorrect();

    if (isAnswerCorrect)
    {
        ViewBag.IsAnswerCorrect = true;
    }
    else
    {
        ViewBag.IsAnswerCorrect = false;
    }

    return View();
}
```

و در نهایت، کدهای View (از سینتکس موتور Razor استفاده شده است).

```
@using CaptchafaDemoMvc.Helpers;

@{
    ViewBag.Title = "Index";
}

<form action="/" method="post">
@Html.Captcha();
<input type="submit" id="btnCaptcha" name="btnCaptcha" value="آزمایش" />

@{
    bool isAnswerExists = ViewBag.IsAnswerCorrect != null;
}

@if (isAnswerExists)
{
    if ((bool)ViewBag.IsAnswerCorrect == true)
    {
        <span id="lblResult">پاسخ صحیح است</span>
    }
    else
    {
        <span id="lblResult">پاسخ صحیح نیست</span>
    }
}
</form>
```

دموی پروژه رو در [این آدرس](#) قرار دادم. پروژه‌ی نمونه نیز از [این آدرس](#) قابل دریافت است.

پ.ن: به زودی برخی بهبودها رو بر روی این پروژه انجام میدم.

نظرات خوانندگان

نویسنده: امیرحسین جلوداری
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۵/۱۵ ۱۵:۹

اول دیدم هر چی تست میکنم میگه صحیح نیست! ... بعد دیدم باید فاصله باشه بین دو کلمه که صحیح است! در صورتی که تو recaptha اصلی فاضله اهمیت نداره! ... چرا اینجوریه؟!

نویسنده: بهروز راد
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۵/۱۵ ۱۵:۳۸

چون در زبان فارسی، حروف وقتی به هم بچسبن، شکلشون تغییر میکنه. بنابراین طبیعیه که "مسلسل" با "مسلسل سل" فرق کنه.

نویسنده: ایمان نعمتی
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۵/۱۵ ۱۵:۴۰

کار جالبی کردی بهروز جان
اما به نظر میرسه خود پروژه خیلی جالب نباشه
اینکه از یه سری کلمات از پیش تعیین شده استفاده میکنه و برای نمایش هم فقط دوتا خط به شکل بیضی روی کلمات میندازه زیاد
جالب نیست به نظرم. شبیه به ریکپتچا خواسته کار کنه اما خب چیز خوبی از کار درنیامده

نویسنده: بهروز راد
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۵/۱۵ ۱۵:۵۲

برای شروع، کار بسیار ارزشمندیه. ضمن اینکه تنوع کلمات مورد استفاده بسیار بالاست. خیلی مشتقاًم که زودتر برای دیجیتالی
کردن متون فارسی بشه ازش استفاده کرد، اما نیاز به یک متولی قوی و پشتیبانی خوب داره. مثل کاری که سایت [گنجور](#) انجام
میده.

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۵/۱۵ ۱۵:۵۳

نوشتن مشابه آن با دات نت زیاد سخت نیست. برای نمونه «[بررسی نحوه برنامه نویسی سایت نستعلیق آنلاین](#)» میتونه ایده
خوبی برای شروع باشه. من این مطلب رو به همراه مطلب «[تبدیل عدد به حروف](#)» کنار هم گذاشتم و یک captcha فارسی ازش
تهیه کردم.

نویسنده: ایمان نعمتی
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۵/۱۵ ۱۹:۵۳

چه جالب!
امیدوارم استفاده از کپتچای فارسی در سایتها فارسی مرسوم بشه

نویسنده: علیرضا اسمراهم
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۵/۱۶ ۹:۵۶

با سلام. جهت حل مشکل کلمات از پیش تعریف شده، میتوان از Google Translate استفاده کرد.
متاسفانه هنوز فرصت نکردم تا جزئیات را دقیق ببینم، اما امیدوارم تلفظ و پخش کلمات بصورت صوتی خوب عمل کند!

نکته دیگر اینکه در مورد پیجیدگی تصویر CAPTCHA، بهترین روش استفاده از نقطه و پاره خط جهت تشویش تصویر است. معمولاً

بیشترین خطاهای در OCR مربوط به این دو شکل پایه‌ی هندسی هستند. البته این موضوع بیشتر در مورد کلمات لاتین مطرح است. شاید در مورد کلمات فارسی بیضی‌هایی که دوستان روی متن انداختند پیشچیدگی را افزایش دهد. آقای ایمان نعمتی لطفاً فراموش نکنیم که هدف از تشویش تصویر، سختی کار برای انسان نیست بلکه پیچیده کار روبات است.

در مجموعه بسیار موضوع خوبی است. اگر دوستانی علاقه به این موضوع داشته باشند ایده و مطلب بسیار خوبی وجود دارد، هرچند پیاده سازی نشده است اما فکر می‌کنم ارزش انتشار و مطالعه را داشته باشد. البته جهت پیاده سازی آن چالشی بر سر راه نیست و فقط کمی وقت آزاد و البته تخصص نیاز دارد.

این مطلب را در این سایت میشه منتشر کرد؟ (با توجه به اینکه هنوز پیاده سازی ندارد و صرفاً بیان الگوریتم است).

نویسنده: هوشنگ
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۵/۱۸ ۱۱:۱۱

"با وارد کردن درست هر کلمه، بخشی از یک کتاب، روزنامه، و یا مجله‌ی قدیمی در رایانه شناسایی و به فرمت دیجیتال ذخیره می‌شود. به این شکل شما در دیجیتالی کردن متون کاغذی سهیم هستید."

این منطقی نیست، با همان شیوه‌ای که کلمه تایپ شده کاربر با عکس مقایسه میشه، به همان طریق میشه متون کاغذی را دیجیتالی کرد و نیازی به استفاده از این شیوه برای دیجیتالی کردن نیست

نویسنده: بهروز راد
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۵/۱۸ ۱۲:۴

دوست من.

تمامی کلمات در یک متن (مخصوصاً اگر اون متن قدیمی باشه و برخی حروف یک کلمه پاک یا ناخوانا باشند) توسط رایانه و برنامه‌های OCR قابل تشخیص نیست.

مدل‌های CAPTCHA مانند reCAPTCHA که بر اساس دیجیتالی کردن متون پیاده سازی شدند، دو کلمه رو به کاربر نشان میدن:

- (1) کلمه‌ای که توسط رایانه به درستی تشخیص داده شده
- (2) کلمه‌یا بخشی از اون که رایانه تونسته اون رو به درستی تشخیص بده.

در صورتی که کاربر، کلمه‌ای که توسط رایانه تونسته تشخیص داده بشه و برای رایانه مشخص هست رو صحیح وارد کنه، فرض بر این گرفته میشه که کلمه‌ی دوم یا بخشی از کلمه‌ی دوم که قابل تشخیص نبوده رو هم تونسته به درستی وارد کنه. پس از این، میانگینی از تعداد عبارت ورودی کاربران برای کلمه‌ی نامشخص گرفته میشه و عبارتی که بیشترین فراوانی رو داشته به عنوان مورد قابل قبول ثبت میشه.

نویسنده: بهروز راد
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۵/۲۸ ۱۲:۵۰

کامپوننت رو آپدیت کردم. نسخه‌ی اولیه بر اساس وفاداری به کدهای PHP و برگردانی از اونها بود. در نسخه‌ی جدید، متدهای GetHtml به CaptchafaGetHtml تغییر پیدا کرد، مدیریت خطاهای اضافه شد و کلیدهای خصوصی و عمومی باید در زمان استفاده به کامپوننت پاس داده شوند. نسخه‌ی جدید را از لینک انتهای مقاله دریافت کنید.

نویسنده: بابک
تاریخ: ۱۳۹۳/۰۸/۲۸ ۱۵:۲۳

آدرس ظاهرا به آدرس زیر تغییر کرده است:

<http://www.captchafa.net>

نویسنده: محمد رضا صفری

فکر کنم که کلا پروژه تعطیل شده ...

Controller ها به نوعی رابط بین View و Model هستند. ساده ترین محل برای قرار دادن کدهای تصمیم گیری (decision-making) code ، قرار دادن منطق تجاری و یا فراهم ساختن داده برای View مثل ایجاد یک لیست از Select List برای یک Controller می باشد. اما انجام این کارها به نرم افزار ما پیچیدگی تحمیل می کند. Controller ها باید در طول زمان توسعه‌ی یک نرم افزار کم حجم و سبک باقی بمانند. در [این مطلب](#) بحث شد که یکی از اهداف استفاده از ASP.NET MVC نوشتن نرم افزار هایی تست پذیر می باشد. نوشتن آزمون واحد و نگهداری Controller هایی که مسئولیت زیادی بر عهده دارند سخت می باشد. Controller ها باید به نحوی توسعه پیدا کنند که نگهداری آنها ساده باشد ، تست پذیر باشند و [اصل SRP](#) را رعایت کرده باشند.

نگهداری آسان

کدی که درک آن ساخت باشد ، تعییر دادن آن نیز سخت است ، هنگامی که درک کدی ساخت باشد زمینه برای به وجود آمدن خطاهای ، دوباره کاری و سردرد فراهم می شود. هنگامی که مسئولیت یک Action به صورت شفاف مشخص نباشد و انواع و اقسام کارها به آن سپرده شده باشد تعییر در آن سخت می شود ، ممکن است این تعییر باید چند جای دیگر هم داده شود در نتیجه فاز نگهداری هزینه و زمان اضافی به نرم افزار تحمیل می کند.

تست پذیری

بهترین راه برای اطمینان از این که درک و تست پذیری سورس کد ما ساده هست انجام و تمرین توسعه‌ی تست محور (TDD) می باشد. هنگامی که از روش TDD استفاده می کنیم با سورسی کار می کنیم که هنوز وجود ندارد. در این مرحله از به وجود آمدن کلاس هایی که تست آنها دشوار یا غیر ممکن است (به دلیل داشتن مسئولیت‌های اضافی) از جمله Controller ها جلوگیری می شود. نوشتن آزمون‌های واحد برای Controller های کم حجم ساده می باشد.

تمرکز بر روی یک مسئولیت

بهترین راه برای ساده سازی Controller ها گرفتن مسئولیت‌های اضافی از آن می باشد به Action زیر توجه کنید :

```
public RedirectToRouteResult Ship(int orderId)
{
  User user = _userSession.GetCurrentUser();
  Order order = _repository.GetById(orderId);
  if (order.IsAuthorized)
  {
    ShippingStatus status = _shippingService.Ship(order);
    if (!string.IsNullOrEmpty(user.EmailAddress))
    {
      Message message = _messageBuilder
        .BuildShippedMessage(order, user);
      _emailSender.Send(message);
    }
    if (status.Successful)
    {
      return RedirectToAction("Shipped", "Order", new {orderId});
    }
  }
  return RedirectToAction("NotShipped", "Order", new {orderId});
}
```

این کار زیادی انجام می دهد ، تقریبا می توان تعداد مسئولیت‌های این Action را با شمارش تعداد If ها پیدا کرد . مسئولیت تصمیم گیری درباره این که آیا Order مورد نظر آماده برای تحويل است یا خیر به این Action سپرده شده ، همچنین تصمیم گیری درباره اینکه آیا کاربر دارای آدرس ایمیل جهت ارسال ایمیل می باشد یا خیر به این Action سپرده شده است. منطق‌های business logic و domain logic نباید در کلاس‌های Controller presentation همانند [Refactor Architecture by Tiers](#) اعمال شود . نگهداری کدی مثل کد بالا دشوار خواهد بود. Refactoring که باید در این Code اعمال شود به نام دارد. این Refactoring به توسعه دهنده می گوید که منطقی که در لایه‌ی نمایش (Presentation) پیدا کرده را به لایه‌ی Business منتقال دهد. پس از منتقال منطق کد بالا به OrderShippingService کد Action ما ساده‌تر می شود :

```
public RedirectToRouteResult Ship(int orderId)
{
  var status = _orderShippingService.Ship(orderId);
  if (status.Successful)
```

```
{  
    return RedirectToAction("Shipped", "Order", new {orderId});  
}  
return RedirectToAction("NotShipped", "Order", new {orderId});  
}
```

پس از انتقال منطق تجاری به محل مناسب خودش تنها مسئولیتی که برای برای Controller باقی مانده این است که کاربر را به کجا Redirect کند. پس از این Refactoring علاوه بر اینکه مسئولیت‌ها در جای مناسب خود قرار گرفته‌اند، اکنون می‌توان به سادگی منطق کار را بدون تحت تاثیر قرار گرفتن کدهای لایه‌ی نمایش تغییر داد.
در آینده به تکنیک‌های ساده سازی Controller‌ها خواهیم پرداخت.

نظرات خوانندگان

نویسنده: محمد صاحب
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۵/۳۱ ۱۸:۹

ممnon موضوع جالبیه...
فصل 7 و م کتاب [Programming Microsoft ASP.NET MVC](#) هم به همین موضوع اختصاص داده شده که برای سبک کردن کنترلر دوتا iPODD و Responsibility-Driven Design گوی رو معرفی میکنه و...

نویسنده: شاهین کیاست
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۵/۳۱ ۱۸:۱۳

ممnon میشم اگر درباره الگوی iPODD لینک بدید.

به این موضوع در سری کتابهای [MVC In Action](#) هم یک فصل کامل اختصاص داده شده .

نویسنده: حسین مرادی نیا
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۵/۳۱ ۲۰:۳۵

ممnon
واقعا لذت بردهم
امیدوارم این مباحث رو همچنان ادامه بدید ...

نویسنده: رضا بزرگی
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۵/۳۱ ۲۰:۳۶

آیا در عماری چندلایه (N-Tier arch) مرزبندی شفافی وجود دارد که از نظر شیگرایی روش یا روش‌های مرجح وجود داشته باشند؟
مثلا علت اینکه شما کنترل‌ها در MVC رو لایه نمایش به حساب میارین متوجه نشدم و مگر در واقع BL ما در کنترلرها اتفاق نمیوافته؟
یا مثلا ViewModel ما اگر با View در دولایه متفاوت هستند (که هستند) جزو همان لایه نمایش به حساب میان؟
اگر برایتان مقدور است در مورد مرزهای شفاف تفکیک منطقی و فیزیکی (Layer & Tier) در MVC توضیح بدین، ممنون میشم.

نویسنده: حسین مرادی نیا
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۵/۳۱ ۲۰:۴۹

طبق چیزی که من میدونم Controller محتوای لازم جهت نمایش در View رو آماده میکنه اما با لایه View متفاوت است. هدف ما از این پیاده سازی همین است (آماده سازی محتوای لازم جهت نمایش در View). با این حال Controller این محتوا را از منبع یا منابع مختلف دریافت میکند. به عبارتی اطلاعات خود را از لایه Service یا همان BL دریافت میکند و کدهای لایه Business درون Controller قرار نمیگیرند.

نویسنده: میثم
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۵/۳۱ ۲۰:۵۵

مرسی ، جالب بود

نویسنده: شاهین کیاست
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۶/۰۱ ۰:۳۱

فقط مصرف کننده‌ی منطق نهایی است ، بدنی کنترلرها جای مناسبی برای پیاده سازی منطق تجاری نیست. BL که شما از آن یاد می‌کنید در لایه‌ی دیگری رخ می‌دهد ، یکی اسم آم را Task می‌گذارد ، یکی Service و دیگری BlaBla .. MVC جایگزینی برای N-Tier نیست ، بلکه روشی برای سازماندهی لایه‌ی نمایش می‌باشد.

باید در View به کاربر نمایش داده شود را نگهداری می‌کنند. نگرانی و مسئولیت Controller فراهم کردن داده (از طریق اجرای Business logic) برای UI می‌باشد.

نویسنده: رضا بزرگی
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۶/۰۱ ۱:۱۴

- تصور من اینست که معماری چندلایه یک stack است از لایه‌های مختلف با وظایف متفاوت. که پایین‌ترین سطح(دیتا سورس) تا بالاترین سطح(رابط کاربری) هست. در این بین بقیه اجزا مثل BL و غیره قرار می‌گیره. سوالم اینه که اگر بخواهیم یه الگوی نسبتا کلی ارائه بدیم این لایه‌ها چطور روی هم چیده میشه.
- تجسم این لایه‌ها شاید از این لحاظ مهم باشه که یکی از مهمترین مفاهیم شی‌گرایی یعنی کپسوله‌سازی و Information hidding باعث تولید ایده‌ی چند لایه‌ای هست. و دانستن و اجرای درست اون خیلی کار توسعه را آسانتر می‌کنه.
- یک معماری برای طراحی هست. ولی MVC یه الگوی طراحی. و این‌ها جایگزین که نه، بلکه به نوعی با هم‌پوشانی کار را اصولی‌تر می‌کند. همانطور که جناب نصیری در سری MVC اشاره‌ای موکد داشتند که Model در MVC در واقع همان ViewModel است . که این ViewModel از الگوی MVVM آمده.

نویسنده: شاهین کیاست
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۶/۰۱ ۱:۴۸

-معماری n-tier یک مدل برای توسعه‌ی نرم افزارهای انعطاف‌پذیر و با قابلیت استفاده‌ی مجدد می‌باشد. MVC یک Web در یک معماری چند لایه وظیفه‌ی لایه‌ی نمایش (Presentation) را بر عهده دارد. همانند MVP در Windows Forms یا MVC-Forms. <http://allthingscs.blogspot.de/2011/03/mvc-vs-3-tier-pattern.html>

ViewModel الگوی MVVM با ما در MVC داریم تفاوت زیادی دارند و ارتباطی با هم ندارند.

نویسنده: اصغر ترابی
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۶/۰۱ ۴:۷

با عذر خواهی

ولی متسفانه این ایده که منطق تجاری را در کنترلر قرار دهیم کاملاً غلط است. واضح‌ترین دلیل هم این است که منطق تجاری ممکن است بین چندین استفاده کننده مشترک باشد، خیلی ساده فرض کنید قرار است نسخه وب و ویندوز یک سیستم ساخته شود.

نویسنده: رضا
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۶/۰۱ ۹:۶

با سلام، معماری لایه‌ای طراحی‌های متفاوتی داره و هر طراحی تو سناریوی خاصی ممکنه پیگیری بشه ولی دو نکته همیشه پابرجا هستش اول این که چون لایه UI پیچیده‌ترین لایه هستش، با یکی از الگوهای معماری زیر سر و سامانی پیدا می‌کنه :

Model - View - Controller
Model View - View Model

Model View Presenter

نکته دوم این هستش که سعی می‌کنن معماری لایه‌ای رو به صورتی پیاده سازی کنند که بر **N-Tier Development** و **Tier** های فیزیکی برنامه منطبق بشه مثلًا DA و BL و Service Layer در سمت سرور، و View و View Model در سمت کلاینت در یک برنامه امیدوارم مطلبم شفافیت رو افزایش داده باشه

نویسنده: محمد صاحب
تاریخ: ۹:۲۴ ۱۳۹۱/۰۶/۰۱

iPODD سرnam Idiomatic Presentation, Orchestration, Domain and Data هست من لینک خاصی تو نت ازش ندیدم تو همون کتاب که معرفی کردم باهاش آشنا شدم...
کتاب رو اگه پیدا نکردی بگو برات میل کنم.

نویسنده: شاهین کیاست
تاریخ: ۱۱:۵ ۱۳۹۱/۰۶/۰۱

در مطلب فعلی هم سعی شده به همین موضوع پرداخته شه که منطق تجاری را در Controller قرار ندهید.
گفته شده Controller باید محل استفاده از خروجی منطق تجاری باشد.

نویسنده: امیرحسین جلوداری
تاریخ: ۰:۶ ۱۳۹۱/۰۶/۰۲

الان برای من یه سوالی پیش اوmd :
طبق حرفایه شاهین و بقیه‌ی بچه‌ها الان MVC از دید معماری سه لایه داره رو لایه‌ی نمایش مانور میده ... خوب برا چی نیومند بگن
چون الان View در واقع همون ViewModel است ! (اون چیزی که تو View استفاده میشه نه (!Domain Model))

نویسنده: شاهین کیاست
تاریخ: ۰:۲۵ ۱۳۹۱/۰۶/۰۲

در مطالب قبلی هم گفته شده بود که M در View Model همان ASP.NET MVC هست م در View Model Of View هست
در الگوی MVC (الگوی MVC به صورت عمومی در همه‌ی چارچوب‌ها) هم تنها وظیفه‌ی تامین داده‌ی View را دارد. در صفحه‌ی Wikipedia الگوی MVC نوشته شده :

A view requests from the model the information that it needs to generate an output representation.

تعريف Domain Entity چیز دیگری هست و برای استفاده از الگوی MVC لزوماً نیازی نیست که برنامه‌ی ما دیتابیس داشته باشد.
[این لینک](#)
هم مفید است.

نویسنده: حسین مرادی نیا
تاریخ: ۲۲:۳۱ ۱۳۹۱/۰۸/۱۹

کدهای بالا رو در نظر بگیرید:
ممکن است در حین عملیات‌های بررسی آماده بودن یک سفارش، بررسی معتبر بودن ایمیل کاربر و ... در صورتی که نتیجه عملیات false باشد بخواهیم پیامی به کاربر نمایش داده شود(نمایش دلیل خطأ به کاربر خطأ(سفارش آماده نیست - ایمیل وارد نشده و ...)). در این حالت چگونه می‌توان این عملیات را به درستی در کد پیاده کرد؟

نویسنده: شاهین کیاست

برای نمایش پیام به کاربر در ASP.NET MVC روش‌های زیادی وجود دارد ، مثلاً می‌توان در ViewModel خود یک پرپرتبی جهت نمایش پیغام به کاربر تعییه کرد و در صورت نیاز به کمک یک Helper در View پیام مورد نظر را نشان داد یا از شیء TempData استفاده کرد.

نوبنده: محسن در پرسنی
تاریخ: ۰۶/۰۲/۹۲ ۳۱:۲۰

اگر طبق راهنمایی‌های همین پست پیش برمی‌ردیم ، من می‌تونم این روش رو پیشنهاد بدم که مقدار متغیر status اگر برابر با successful نبود . به یک متدهای ارسال بشه که مسئولیت ساخت و برگرداندن پیام مناسب رو بر عهده داره . اون پیامها هم بهتره که به جای اینکه در قالب یک سری if یا switch محاسبه بشن در قالب یک dictionary نگهداری بشن .

```
public RedirectToRouteResult Ship(int orderId)
{
    var status = _orderShippingService.Ship(orderId);
    if (status.Successful)
    {
        return RedirectToAction("Shipped", "Order", new {orderId});
    }
    return RedirectToAction("NotShipped", "Order", new {id = orderId, desc = status});
}
```

ولی محل فراخوانی این تابع دوم کجا باید باشد ؟ نظر من اینه که نباید توی این اکشن باشه چون وظیفه‌ی این اکشن چیز دیگری است . بهتره که مقدار status به اکشن NotShipped ارسال بشه و در اونجا پیام استخراج و به view ارسال بشه . چون در اون اکشن احتمالاً دلیل ship نشدن سفارش باید به کاربر نمایش داده بشه .

در ادامه، مراحل ارتقاء پروژه‌های قدیمی MVC3 را به ساختار جدید پروژه‌های MVC4 [مرور خواهیم کرد](#).

(1) نصب پیشیاز

الف) [نصب VS 2012](#)

و یا

ب) نصب بسته [MVC4 مخصوص VS 2010](#) (این مورد جهت سرورهای وب نیز توصیه می‌شود)

پس از نصب باید به این نکته دقت داشت که پوشش‌های زیر حاوی اسمبلی‌های جدید MVC4 هستند و نیازی نیست الزاماً این موارد را از NuGet دریافت و نصب کرد:

```
C:\Program Files\Microsoft ASP.NET\ASP.NET Web Pages\v2.0\Assemblies
C:\Program Files\Microsoft ASP.NET\ASP.NET MVC 4\Assemblies
```

پس از نصب پیشیازها

(2) نیاز است نوع پروژه ارتقاء یابد

به پوشش پروژه MVC3 خود مراجعه کرده و تمام فایل‌های csproj و web.config موجود را با یک ادیتور متنی باز کنید (از خود ویژوال استودیو استفاده نکنید، زیرا نیاز است محتوای فایل‌های پروژه نیز دستی ویرایش شوند).

در فایل‌های csproj (یا همان فایل پروژه؛ که هم می‌تواند باشد) عبارت

```
{E53F8FEA-EAE0-44A6-8774-FFD645390401}
```

را جستجو کرده و با

```
{E3E379DF-F4C6-4180-9B81-6769533ABE47}
```

جایگزین کنید. به این ترتیب نوع پروژه به MVC4 تبدیل می‌شود.

(3) به روز رسانی شماره نگارش‌های قدیمی

سپس تعاریف اسمبلی‌های قدیمی نگارش سه MVC و نگارش یک Razor را یافته (در تمام فایل‌ها، چه فایل‌های پروژه و چه تنظیمات):

```
System.Web.Mvc, Version=3.0.0.0
System.Web.WebPages, Version=1.0.0.0
System.Web.Helpers, Version=1.0.0.0
System.Web.WebPages.Razor, Version=1.0.0.0
```

و این‌ها را با نگارش چهار MVC و نگارش دو Razor جایگزین کنید:

```
System.Web.Mvc, Version=4.0.0.0
System.Web.WebPages, Version=2.0.0.0
System.Web.Helpers, Version=2.0.0.0
System.Web.WebPages.Razor, Version=2.0.0.0
```

این کارها را با [notepad plus-plus](#) توسط replace in all open documents به سادگی می‌توان انجام داد.

4) به روز رسانی مسیرهای قدیمی

به علاوه اگر در پروژه‌های خود از اسembly‌های قدیمی به صورت مستقیم استفاده شده:

```
C:\Program Files\Microsoft ASP.NET\ASP.NET Web Pages\v1.0\Assemblies  
C:\Program Files\Microsoft ASP.NET\ASP.NET MVC 3\Assemblies
```

این‌ها را یافته و به نگارش MVC4 و Razor2 تغییر دهید:

```
C:\Program Files\Microsoft ASP.NET\ASP.NET Web Pages\v2.0\Assemblies  
C:\Program Files\Microsoft ASP.NET\ASP.NET MVC 4\Assemblies
```

5) به روز رسانی قسمت appSettings فایل‌های کانفیگ

در کلیه فایل‌های web.config برنامه، webpages:Version را یافته و شماره نگارش آن را از یک به دو تغییر دهید:

```
<appSettings>  
  <add key="webpages:Version" value="2.0.0.0" />  
  <add key="PreserveLoginUrl" value="true" />  
</appSettings>
```

همچنین یک سطر جدید PreserveLoginUrl را نیز مطابق تنظیم فوق اضافه نمائید.

6) رسیدگی به وضعیت اسembly‌های شرکت‌های ثالث

ممکن است در این زمان از تعدادی کامپوننت و اسembly MVC3 تهیه شده توسط شرکت‌های ثالث نیز استفاده نمائید. برای اینکه این اسembly‌ها را وادار نمایید تا از نگارش‌های MVC4 و Razor2 استفاده کنند، نیاز است bindingRedirect برای این کامپوننت را به فایل‌های web.config برنامه اضافه کنید (در فایل کانفیگ ریشه پروژه):

```
<configuration>  
  <!--... elements deleted for clarity ...-->  
  
<runtime>  
  <assemblyBinding xmlns="urn:schemas-microsoft-com:asm.v1">  
    <dependentAssembly>  
      <assemblyIdentity name="System.Web.Helpers"  
        publicKeyToken="31bf3856ad364e35" />  
      <bindingRedirect oldVersion="1.0.0.0" newVersion="2.0.0.0"/>  
    </dependentAssembly>  
    <dependentAssembly>  
      <assemblyIdentity name="System.Web.Mvc"  
        publicKeyToken="31bf3856ad364e35" />  
      <bindingRedirect oldVersion="1.0.0.0-3.0.0.0" newVersion="4.0.0.0"/>  
    </dependentAssembly>  
    <dependentAssembly>  
      <assemblyIdentity name="System.Web.WebPages"  
        publicKeyToken="31bf3856ad364e35" />  
      <bindingRedirect oldVersion="1.0.0.0" newVersion="2.0.0.0"/>  
    </dependentAssembly>  
  </assemblyBinding>  
</runtime>  
</configuration>
```

اکنون فایل solution را در VS.NET گشوده و یکبار گزینه rebuild را انتخاب کنید تا پروژه مجدداً بر اساس اسembly‌های جدید معرفی شده ساخته شود.

7) استفاده از NuGet برای به روز رسانی بسته‌های نصب شده

یک سری از بسته‌های تشکیل دهنده MVC3 مانند موارد ذیل نیز به روز شده‌اند که لازم است از طریق NuGet دریافت و جایگزین شوند:

Unobtrusive.Ajax.2

Unobtrusive.Validation.2

برای اینکار در solution explorer references را انتخاب کنید. در صفحه باز شده گزینه updates/all را انتخاب کرده و مواردی را که لیست می‌کند به روز نمائید (شامل جی کوئری، EF و غیره خواهد بود).

8) اضافه کردن یک فضای نام جدید

بسه Web Optimization را از طریق NuGet دریافت کنید (برای یافتن آن bundling NuGet را جستجو کنید؛ نام کامل آن ASP.NET Web Optimization Framework 1.0.0 است). این مورد به همراه پوشه MVC4 نیست و باید از طریق NuGet دریافت و نصب شود. (البته پروژه‌های جدید MVC4 شامل این مورد هستند) در فایل وب کانفیگ، فضای نام System.Web.Optimization را نیز اضافه نمایید:

```
<pages>
  <namespaces>
    <add namespace="System.Web.Optimization" />
  </namespaces>
</pages>
```

پس از ارتقاء

اولین مشکلی که مشاهده شد:

بعد از rebuild به مقدار پارامتر salt که به نحو زیر در MVC3 تعریف شده بود، ایراد خواهد گرفت:

```
[ValidateAntiForgeryToken(Salt = "data123")]
```

Salt را در MVC4 منسوخ شده معرفی کرده‌اند: (^)

علت هم این است که salt را اینبار به نحو صحیحی خودشان در پشت صحنه تولید و اعمال می‌کنند. بنابراین این یک مورد را کلا از کدهای خود حذف کنید که نیازی نیست.

مشکل بعدی:

در 5 EF جای یک سری از کلاس‌ها تغییر کرده. مثلاً ویژگی‌های ForeignKey، ComplexType System.ComponentModel.DataAnnotations.Schema منتقل شده‌اند. در همین حد تغییر جهت کامپایل مجدد کدها کفایت می‌کند. همچنین فایل‌های پروژه موجود را باز کرده و ۰.۰.۱ Version=4.۰.۰.۴ نگارش جدید است که باید اصلاح شود (این موارد را بهتر است توسط یک ادیتور معمولی خارج از VS.NET ویرایش کنید). در زمان نگارش این مطلب EF Mini Profiler با ۵ EF سازگار نیست. بنابراین اگر از آن استفاده می‌کنید نیاز است غیرفعالش کنید.

اولین استفاده از امکانات جدید MVC4

استفاده از امکانات System.Web.Optimization که ذکر گردید، می‌تواند اولین تغییر مفید محسوب شود.

برای اینکه با نحوه کار آن بهتر آشنا شوید، یک پروژه جدید MVC4 را در VS.NET (از نوع basic) آغاز کنید. به صورت خودکار یک پوشه جدید را به نام App_Start به ریشه پروژه اضافه می‌کند. داخل آن فایل مثال BundleConfig قرار دارد. این کلاس در فایل global.asax برنامه نیز ثبت شده‌است. باید دقت داشت در حالت دیباگ (compilation debug=true) تغییر خاصی را ملاحظه نخواهید کرد.

تمام این‌ها خوب؛ اما من به نحو زیر از این امکان جدید استفاده می‌کنم:

```
using System.Collections.Generic;
using System.IO;
using System.Web;
using System.Web.Optimization;

namespace Common.WebToolkit
{
    /// <summary>
```

```

/// A custom bundle orderer (IBundleOrderer) that will ensure bundles are
/// included in the order you register them.
/// </summary>
public class AsIsBundleOrderer : IBundleOrderer
{
    public IEnumerable<FileInfo> OrderFiles(BundleContext context, IEnumerable<FileInfo> files)
    {
        return files;
    }
}

public static class BundleConfig
{
    private static void addBundle(string virtualPath, bool isCss, params string[] files)
    {
        BundleTable.EnableOptimizations = true;

        var existing = BundleTable.Bundles.GetBundleFor(virtualPath);
        if (existing != null)
            return;

        var newBundle = isCss ? new Bundle(virtualPath, new CssMinify()) : new Bundle(virtualPath,
new JsMinify());
        newBundle.Orderer = new AsIsBundleOrderer();

        foreach (var file in files)
            newBundle.Include(file);

        BundleTable.Bundles.Add(newBundle);
    }

    public static IHtmlString AddScripts(string virtualPath, params string[] files)
    {
        addBundle(virtualPath, false, files);
        return Scripts.Render(virtualPath);
    }

    public static IHtmlString AddStyles(string virtualPath, params string[] files)
    {
        addBundle(virtualPath, true, files);
        return Styles.Render(virtualPath);
    }

    public static IHtmlString AddScriptUrl(string virtualPath, params string[] files)
    {
        addBundle(virtualPath, false, files);
        return Scripts.Url(virtualPath);
    }

    public static IHtmlString AddStyleUrl(string virtualPath, params string[] files)
    {
        addBundle(virtualPath, true, files);
        return Styles.Url(virtualPath);
    }
}
}

```

کلاس `BundleConfig` فوق را به مجموعه کلاس‌های کمکی خود اضافه کنید.
چند نکته مهم در این کلاس وجود دارد:

الف) توسط `AsIsBundleOrderer` فایل‌ها به همان ترتیبی که به سیستم اضافه می‌شوند، در حاصل نهایی ظاهر خواهند شد. حالت پیش فرض مرتب سازی، بر اساس حروف الفباء است و ... خصوصاً برای اسکریپت‌هایی که ترتیب معرفی آن‌ها مهم است، مساله ساز خواهد بود.

ب) سبب می‌شود تا حتی در حالت `debug` نیز فشرده سازی را مشاهده کنید.
ج) متدهای کمکی تعریف شده این امکان را می‌دهند تا بدون نیاز به کامپایل مجدد پروژه، به سادگی در کدهای `Razor` بتوانید اسکریپت‌ها را اضافه کنید.

سپس نحوه جایگزینی تعاریف قبلی موجود در فایل‌های `Razor` با سیستم جدید، به نحو زیر است:

```

@using Common.WebToolkit
<link href="@BundleConfig.AddStyleUrl("~/Content/blueprint/print", "~/Content/blueprint/print.css")"

```

```
rel="stylesheet" type="text/css" media="print"/>  
@BundleConfig.AddScripts("~/Scripts/js",  
    "~/Scripts/jquery-1.8.0.min.js",  
    "~/Scripts/jquery.unobtrusive-ajax.min.js",  
    "~/Scripts/jquery.validate.min.js")  
  
@BundleConfig.AddStyles("~/Content/css",  
    "~/Content/Site.css",  
    "~/Content/buttons.css")
```

پارامتر اول این متدها، سبب تعریف خودکار routing می‌شود. برای مثال اولین تعریف، آدرس خودکار زیر را تولید می‌کند:

```
http://site/Content/blueprint/print?v=hash
```

بنابراین تعریف آن مهم است. خصوصاً اگر فایل‌های شما در پوشه‌ها و زیرپوشه‌های متعددی قرار گرفته نمی‌توان تمام آن‌ها را در طی یک مرحله معرفی نمود. هر سطح را باید از طریق یک بار معرفی به سیستم اضافه کرد. مثلاً اگر یک زیر پوشه به نام noty دارید (Content/noty)، چون در یک سطح و زیرپوشه مجزا قرار دارد، باید نحوه تعریف آن به صورت زیر باشد:

```
@BundleConfig.AddStyles("~/Content/noty/css",  
    "~/Content/noty/jquery.noty.css",  
    "~/Content/noty/noty_theme_default.css")
```

این مورد خصوصاً در مسیریابی تصاویر مرتبط با اسکریپت‌ها و شیوه نامه‌ها مؤثر است؛ و گرنه این تصاویر تعریف شده در فایل‌های CSS یافت نخواهد شد (تمام مثال‌های موجود در وب با این مساله مشکل دارند و فرض آن‌ها بر این است که کلیه فایل‌های خود را در یک پوشه، بدون هیچگونه زیرپوشه‌ای تعریف کرده‌اید).

پارامترهای بعدی، محل قرارگیری اسکریپت‌ها و CSS‌های برنامه هستند و همانطور که عنوان شد اینبار با خیال راحت می‌توانید ترتیب معرفی خاصی را مدنظر داشته باشید؛ زیرا توسط AsIsBundleOrderer به صورت پیش فرض لحاظ خواهد شد.

نظرات خوانندگان

نویسنده: امیرحسین جلوداری
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۸/۲۵

سلام ... من این کار را کردم به امید اینکه بتونم برنامرو رو هاستی که تا mvc3 ساپورت کنه اجراش کنم! ... ولی به این خط گیر میده :

```
<compilation targetFramework="4.0" />
```

و پروژم دیگه رو 2010 vs ای که mvc3 ساپورت میکنه لود نمیشه! ... مشکل چیه؟! ... اگه مشکلو پیدا نکنم رسما بیچارم! و باید یه پروژه‌ی جدید mvc3 بسازم و فایلارو توش کپی کنم! ... بعد یه سوال دیگه: اگه نشه اونوقت نمیتونم تو برنامه‌ی mvc3 ، وب api و bundling and minification رو داشته باشم؟! خواهشا کمک کنید! خیلی خیلی ضروریه!

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۸/۲۵

- اگر به اون خط ایراد گرفته یعنی تنظیمات IIS آن روی ASP.NET 4.0 و کلا دات نت 4 نیست: (^). هاست باید این مساله را بررسی و تنظیم کند (بررسی هر سه نکته یاد شده در مقاله «[نکات نصب برنامه‌های 4.0 ASP.NET بر روی IIS 6](#)» الزامی است).
- به علاوه [MVC4](#) باید روی هاست و همچنین روی کامپیوتر توسعه نصب باشد.

نویسنده: امیرحسین جلوداری
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۸/۲۵

قبل از اینکه جوابتونو ببینم تماس گرفتم به سرویس دهنده‌ی هاست که مشکلم کامل حل شد: ایکس ... مشکل همونی هست که شما میگین ولی رو وب سایت پنل خودشون رو asp.net 2 تنظیم بود که درستش کردم. الان با این شرایط که من میبینم و اونا هم ساپورت 4 mvc ندارند پس نیازی به روی هاست بودن 4 mvc نیست چون پروژم کاملا داره کار میکنه :دی

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۸/۲۵

- اگر کار می‌کنه یعنی قسمت‌های 3 و 4 مطلب فوق در حین ارتقاء، ناقص انجام شده یا هنوز تغییری نکرده.
- ضمن اینکه حتما برای مدیریت فایل‌های پروژه‌های خودتون از سورس کنترل استفاده کنید تا نگران تغییرات و بازگشت به قبل نباشید.

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۳/۲۴

یک نکته تکمیلی
اولین کاری که باید پس از آغاز یک پروژه جدید [MVC4](#) انجام داد :
خط فرمان پاورشل نیوگت را باز کنید و دستور Update-Package را صادر کنید. تقریبا تمام اجزای MVC4 مرتبا به روز می‌شوند:
PM> Update-Package

خصوصا اسکریپت‌های اعتبارسنجی همراه آن که با نگارش‌های جدیدتر jQuery سازگار شده‌اند.

نویسنده: سیروس

دقیقا تفاوت BundleConfig.AddStyles و BundleConfig.AddStyleUrl چیه؟

نویسنده: مجتبی فخاری
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۲/۵ ۰۵:۵۲

با سلام

زمانی که در صورتی که آنها را در فایل Layout و در قسمت Body به صورت PartialView‌ها نیاز به Jquery Validator است

```
@Scripts.Render("~/bundles/jquery")
@Scripts.Render("~/bundles/jqueryval")
```

تعريف نماییم و آنها نیز در فایل BundleConfig تعریف شده باشند، آیا نیاز است که ما دوباره آنها را بصورت

```
<script src "~/Scripts/jquery-1.8.2.min.js"></script>
<script src "~/Scripts/jquery.validate.min.js"></script>
<script src "~/Scripts/jquery.validate.unobtrusive.min.js"></script>
```

در PartialView‌ها تعريف نماییم؟ اگه خیر پس چرا جواب نمیده؟

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۲/۱۷ ۰:۳۳

نیاز هست با روش دیباگ این نوع برنامه‌ها بیشتر آشنا شوید. [اطلاعات بیشتر](#)
توسط فایرباگ یا حتی کنسول کروم بررسی کنید چه خطاهایی گرفتید، چه فایل‌هایی را گزارش می‌دهد که یافت نشد و امثال آن.
بر این اساس باید برنامه را دیباگ و رفع اشکال کرد.

نویسنده: علی فخرایی
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ ۰:۳۳

ممون از مطلبتون پروردگار طبق آموزش شما ارتقاء دادم و به درستی هم کار کرد اما زمانی که از Bundle خواستم استفاده کنم
به مشکل زیر برخوردم.

آیا نوع خروجی متذ زیر تغییر کرده است؟

```
public IEnumerable<FileInfo> OrderFiles(BundleContext context, IEnumerable<FileInfo> files)
{
    return files;
}
```

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ ۰:۴۴

بله. BundleFile به FileInfo تبدیل شده.

نویسنده: م کریمی
تاریخ: ۱۳۹۳/۰۱/۲۰ ۱۱:۱۷

من از این کلاس شما در 4 mvc استفاده کردم اوکی بودش اما الان در 5 دارم استفاده می‌کنم تمام فایل‌ها
این شکلی می‌شن.

کردم false هم debug

```
<script src="/Asset/Scripts/js?v=></script>
<script src="/Asset/Scripts/JQuery/Zebra/js?v=></script>
```

```
<script src="/Asset/Scripts/Angular/Asset/js?v="></script>
```

مشکل از کجا میتوانه باشه ؟ ممنون

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۳/۰۱/۲۰ ۱۱:۵۰

مشکل مشاهده نشد. با دات نت‌های ۴.۵ و ۴.۵.۱ در یک برنامه ۵.x MVC تست شد و کار می‌کند.
اگر ۷ خالی است، ممکن است اسکریپت‌های مورد استفاده مشکل دارند. آدرس نهایی تولید شده را مستقلا در مرورگر باز کرده و خروجی آن را بررسی کنید. اگر مشکل باشد، در ابتدای خروجی، خطاهای را ذکر می‌کند.

نویسنده: محسن موسوی
تاریخ: ۱۳۹۳/۰۷/۱۲ ۱۰:۵

میتوانه به دلیل این باشه که فایل‌های `js` مربوطه رو پیدا نکرده باشه.
جهت اطلاعات بیشتر

[Unable to generate 'VersionQueryString' when using bundle](#)

نویسنده: حسن اسلامی
تاریخ: ۱۳۹۳/۰۸/۱۱ ۱۳:۵۲

سلام. میخواستم بدونم دلیل خاصی داشته که شما توی مثال، هنگام استفاده از `AddScripts` فایل‌های `min` رو ذکر کردید؟ یعنی حتماً باید خودمون فایل `minify` شده رو اضافه کنیم یا میشه فایل غیر `minify` شده رو اضافه کنیم تا خود سیستم & `Bundling` عمل `minify` کردن رو انجام بد؟
ممنون

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۳/۰۸/۱۱ ۱۴:۳۶

- اگر فایل `min` موجود باشد، این سیستم کار کمتری را انجام داده و از همان نمونه‌ی موجود استفاده می‌کند.
- برای سایر حالات سطر ذیل که در کدهای فوق موجود است:

```
var newBundle = isCss ? new Bundle(virtualPath, new CssMinify()) : new Bundle(virtualPath, new JsMinify());
```

کار فشرده سازی را انجام می‌دهد.

امروزه بازار برنامه های تماما ajax و بدون Postback شدن صفحه بسیار داغ میباشد که از این موارد میتوان به برنامه های تحت وب گوگل اشاره کرد. (gmail , googlePlus , Google Reader) آپلود فایل ها به صورت آنی (مثل attach files گوگل) میباشد. برای حل این در این میان یکی از دغدغه های توسعه دهنگان وب ، آپلود فایل ها به صورت آنی (مثل attach files گوگل) میباشد. برای حل این مسئله ، ابزارها و پلاگین های متعددی وجود دارد که در اینجا به ۱۰ تا از پلاگین های Jquery اشاره شده است. به شخصه با پلاگین [Uploadify](#) کار کرده ام و از استفاده از آن راضی هستم ولی همین دشنبه برای قسمتی از یک پروژه نیاز به ابزاری جهت آپلود فایل ها با امکانات مورد نظرم داشتم که به [PlUpload](#) برخور德 کنم.

از امکاناتی که این ابزار در اختیار شما قرار میدهد :

- یک اینترفیس زیبا جهت آپلود و افزودن فایل ها
- پشتیبانی از زبان های مختلف و همین طور زبان فارسی
- امکان استفاده از قالب [Jquery UI](#)
- امکان Drag&Drop برای مرورگرهایی که از Html5 پشتیبانی میکنند

حال که با امکانات این ابزار بیشتر آشنا شدید برمی سراغ استفاده از این ابزار در asp.net mvc ابتدا پروژه را [از اینجا](#) دانلود کنید. سپس یک پروژه جدید 3 mvc بسازید (از نوع Internet Application و با نام دلخواه). سپس پوششی plupload را در قسمت سلوشن برنامه کپی کنید. حال در فایل head Views->Shared->_Layout.cshtml را جهت افزودن امکانات پلاگین این گونه تغییر دهید :

```
<title>@ViewBag.Title</title>
<link href="@Url.Content("~/Content/Site.css")" rel="stylesheet" type="text/css" />
<link href="../../plupload/js/jquery.plupload.queue/css/jquery.plupload.queue.css" rel="stylesheet" />
<script src="@Url.Content("~/Scripts/jquery-1.7.1.min.js")" type="text/javascript"></script>
<script type="text/javascript" src="http://bp.yahooapis.com/2.4.21/browserplus-min.js"></script>
<script src="../../plupload/js/plupload.full.js"></script>
<script src="../../plupload/js/jquery.plupload.queue/jquery.plupload.queue.js"></script>
<script src="../../plupload/js/i18n/fa.js"></script>
```

نکته : فایل fa.js که جهت استفاده از زبان فارسی در اینترفیس آپلود فایل ها میباشد، که وجود آن در آدرس واضح میباشد. سپس به فایل Views->Home->Index.cshtml بروید و آن را این گونه دوباره نویسی کنید :

```
@{
  ViewBag.Title = "Uploading Files using PlUpload";
}
<h2>@ViewBag.Message</h2>

@using (Html.BeginForm("Post", "home", FormMethod.Post,
  new { enctype = "multipart/form-data" }))
{
  <div id="uploader">
    <p>Your browser doesn't have Flash, Silverlight, Gears, BrowserPlus or HTML5 support.</p>
  </div>
}

<script>
$(function () {
  $("#uploader").pluploadQueue({
    // General settings
    runtimes: 'html5,gears,flash,silverlight,browserplus,html4',
    url: '@Url.Action("Upload", "Home")',
    max_file_size: '10mb',
    chunk_size: '1mb',
  });
})
```

```

unique_names: true,
// Resize images on clientside if we can
resize: { width: 320, height: 240, quality: 90 },
// Specify what files to browse for
filters: [
    { title: "Image files", extensions: "jpg,gif,png" },
    { title: "Zip files", extensions: "zip" }
],
// Flash settings
flash_swf_url: '/plupload/js/plupload.flash.swf',
// Silverlight settings
silverlight_xap_url: '/plupload/js/plupload.silverlight.xap'
});
});
</script>

```

توضیحات و نکات :

- جهت آپلود فایل ها تگ "enctype = "multipart/form-data"" را فراموش نکنید.
- در قسمت مقداردهی به ویژگی های Plupload ، قسمت runtime به صورت ترتیبی کار میکند لذا اگر اولی پشتیبانی نشود سراغ دومی میرود و اگر دومی نشود سومی و ... [در صفحه ای اول سایت PlUpload](#) ، موارد پشتیبانی شده توسط تکنولوژی ها آورده شده است لذا این ترتیب را ترتیب مناسبی میبینم و اگر اولین مورد html5 باشد امکان Drag&Drop وجود خواهد داشت.
- خود سایت [PlUpload داکیومنت](#) خیلی خوبی جهت توضیح موارد مختلف دارد لذا توضیح دوباره لازم نیست.
- همان طور که در ویژگی url مشاهده میکنید به کنترلر Home و اکشن متود Upload اشاره شده است که طرز کار به این گونه است که هر بار که یک فایل آپلود میشود درخواستی به این آدرس و محتوای فایل در قسمت Request.Files ارسال میشود و همین طور نام فایل که unique میشود و chunk که تیکه های فایل است(پست میشود).
- پس اکشنی با نام Upload در کنترلر HomeController بسازید :

```

[HttpPost]
public ActionResult Upload(int? chunk, string name)
{
    var fileUpload = Request.Files[0];
    var uploadPath = Server.MapPath("~/App_Data");
    chunk = chunk ?? 0;
    using (var fs = new FileStream(Path.Combine(uploadPath, name), chunk == 0 ? FileMode.Create
    : FileMode.Append))
    {
        if (fileUpload != null)
        {
            var buffer = new byte[fileUpload.InputStream.Length];
            fileUpload.InputStream.Read(buffer, 0, buffer.Length);
            fs.Write(buffer, 0, buffer.Length);
        }
    }
    return Content("chunk uploaded", "text/plain");
}

```

توضیحات : ابتدا فایل مورد نظر از قسمت Request.Files واکشی میشود و سپس فایل را در پوشه App_Data ذخیره میکند. (یکی از چندین روش ذخیره سازی که مطالعه در این قسمت به خواننده واگذار میشود.)

حال برنامه را اجرا کنید و از این ابزار لذت ببرید: [پروژه ضمیمه شده](#)

نکته : قسمت فارسی ساز اونو تغییر دادم چون که ترجمه‌ی فارسی خودش یه سری نقایصی داشت که گویا از کار با google به وجود اومده بود!

نظرات خوانندگان

نویسنده: امیرحسین جلوداری
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۶/۰۶ ۱۵:۵۲

پروژه ضمیمه شد!

نویسنده: امیرحسین
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۶/۰۶ ۱۶:۲۶

سلام

همه این ابزارها برای ارسال فایل به سرور از فلش استفاده می‌کنند.
و یه طورایی نمی‌شه گفت این کار با ای جکس انجام شده (ولی می‌شه گفت بدون پست بک)
موفق باشید.

نویسنده: امیرحسین جلوداری
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۶/۰۶ ۱۷:۲۷

فلاش یکی از روش هاس ... ولی در کل حرف شما درسته و من به همین خاطر از واژه "آپلود فایل‌ها به صورت آنی" استفاده کردم

نویسنده: مهدی سعیدی فر
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۶/۰۶ ۲۲:۹

ممnon از آموزش شما.

من خودم از [این پلاگین](#) استفاده می‌کنم. پلاگین برای jquery هست و بدون استفاده از فلش و خیلی راحت با استفاده از ajax فایل را آپلود می‌کنم.

بازم ممنون

نویسنده: سعید یزدانی
تاریخ: ۱۳۹۱/۱۱/۲۷ ۱:۴۴

تشکر بابت مطلب کاربردیتون
فقط یک مشکل داره اونم وقتی هست که فایل‌ها upload شدن . دیگه اجازه‌ی upload دوباره نمیده

نویسنده: asal Mansuri
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۱/۰۲ ۲۱:۴۶

سلام

من یک فایل آپلودر خیلی جمع و جور می‌خوام که فقط یک فایل رو آپلود کنه ولی ایجکسی باشه / اگه لطف کنین راهنمایی کنین که چطوری می‌تونم فایل آپلود رو در MVC بتونم به صورت ajax همراه با loading داشته باشم ممنون می‌شم .

نویسنده: ابوالفضل رجب پور
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۲/۱۴ ۱۳:۱۲

سلام

چطور می‌شه از لیست اسمی فایل‌های ارسال شده، در هنگام ثبت اطلاعات مدل در سرور استفاده کرد؟

در واقع اطلاعات فایل ها، قسمتی از اطلاعات مدل من محسوب میشے و در هنگام ثبت در دیتابیس باید این لیست رو هم ثبت کنم. ولی نمیدونم چطور در کنترلر ثبت مدل به اسمی فایلها دسترسی داشته باشم. مثلاً مدل زیر:

```
public class album
{
    public string name;
    public string des;
    public string[] images;
}
```

من اطلاعات مدل رو در حالت آجاس به صورت ajax.beginform ارسال میکنم.

ممنون میشم اگر دوستان پاسخ بدند

نویسنده: محسن خان
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۲/۱۴ ۱۳:۵۳

در متده است fileUpload.FileName بالا public ActionResult Upload اسما واقعی فایل هست؛ پارامتر name یک اسم موقتی.

نویسنده: ابوالفضل رجب پور
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۲/۱۴ ۱۴:۱۶

خیلی ممنون از پاسختون

این قسمتی رو که گفتین درسته. من مرحله بعد از این رو مشکل دارم.

سوال اینه:

بعد از ارسال فایلها به سرور، حالا نوبت ارسال اطلاعات مدل به سرور میرسه که این اسمی فایلها هم قسمتی از اطلاعات مدل

هست. چطور میشود در اکشن ثبت مدل، اسمی فایلها اپلود شده را دریافت کرد و استفاده نمود.

یه راه حلی پیدا کردم که گفته بود بعد از اینکه کار آپلودر تمام شد اطلاعات فایلها را به صورت فیلد مخفی در فرم ذخیره کن تا پست بک شود. نمیدونم آیا راه حل دیگه ای هست؟ این روش درست و اصولیه؟

```
uploader.bind('FileUploaded', function(up, file, info) {
    var obj = JSON.parse(info.response);
    $('form#quoteRequest').append('<input type="hidden" name="file_name" value="' + obj.result.cleanFileName + '" />');
    //note obj.result.cleanFileName instead obj.cleanFileName
});
```

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۲/۱۴ ۱۴:۱۶

اینکار توصیه نمیشه. چون پس از اطمینان کامل از آپلود یک فایل باید نسبت به ذخیره اطلاعات آن اقدام کنید. الزامی نداره که ارسال فرم حتماً به آپلود موفقیت آمیز فایلها در این حالت خاص منجر بشه (چون مثلاً از فلش یا سیلورلایت مجزای از فرم شما هم ممکن است برای ارسال داده‌های فایلها استفاده کنه). یعنی آپلود فایل در اینجا بحث مجزایی از فرم شما است. ابتدا فایلها را آپلود کنید؛ بعد اجازه بدید تا توضیحات مرتبط را ثبت کنند.

یا اینکه می‌شود در حین آپلود توسط افزونه هم یک سری توضیحات اضافی رو ارسال کرد:

```
// JS
up.settings.multipart_params = {
    description: $("#imageDescription").val()
};
// C#
string description = context.Request.Form["description"];
```

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۴:۲۱ ۱۳۹۲/۰۲/۱۴

[پیاده سازی دیگری از بحث PlUpload](#)

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۴:۳۰ ۱۳۹۲/۰۲/۱۴

```
// JS
up.settings.multipart_params = {
    description: $("#imageDescription").val(),
    // other fields ....
};

// C#
string description = context.Request.Form["description"];
```

باید از [multipart_params](#) تنظیمات این افزونه برای ارسال اطلاعات اضافی استفاده کنید.

نویسنده: ابوالفضل رجب پور
تاریخ: ۱۴:۴۳ ۱۳۹۲/۰۲/۱۴

با تشکر از دوستان .

یک مثال عملی؛ یه نرم افزار ارسال ایمیل تحت وب مثل جیمیل رو در نظر بگیرید. یه فرم ارسال ایمیل داره که می خواهد اطلاعات رو بفرسته به سمت سرور. یه سری فایل هم قراره بصورت آجاکسی پیوست بشه. مراحل کار بدین صورته که ابتدا فایل ها آجاکسی به سرور فرستاده می شوند و یه جایی ذخیره می شوند. بعد فرم اطلاعات شامل گیرنده، متن نامه و غیره بصورت آجاکس ارسال میشه. وقتی در سمت سرور می خوایم ایمیل رو بفرستیم، نیاز داریم که نام فایل های پیوست شده در مرحله قبل رو هم داشته باشیم.

همونطور که قبل خدمت دوستان عرض کردم؛ راه حلی که من بذهنم می رسه اینه که بعد از اینکه فایل ها در مرحله اول آپلود شد، اسم فایل ها رو توی فرم در فیلد مخفی تزریق کنیم. بعد که فرم پست شد، طبیعتاً دسترسی به نام فایل ها داریم. کد ذکر شده هم کار تزریق در هنگام تمام شدن ارسال فایل ها انجام میداد.

خواستم بدونم آیا این روش درست هست؟ و آیا روش تمیزتری وجود دارد؟

باز هم تشکر

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۴:۵۶ ۱۳۹۲/۰۲/۱۴

همان روشی که برای دریافت نام فایل های آپلود شده از سرور انتخاب کردید، مناسب است:

```
$("#uploader").pluploadQueue({
    // Post init events, bound after the internal events
    init: {
        FileUploaded: function(up, file, info) {
            // Called when a file has finished uploading
        }
    }
});
```

نویسنده: فرشته محسنیان
تاریخ: ۹:۳۶ ۱۳۹۲/۰۶/۱۵

ممnon از مطالب که گفتin. فقط سایتش دیگه اجازه دانلود نمیده، آیا از جایی دیگه میتونم بگیرم؟ و دوم اینکه 4 mvc رو هم ساپورت میکنه یا نه؟ مرسی

نویسنده: محسن خان

تاریخ: ۱۵/۰۶/۹۳:۲۰:۱۰

سورس باز هست . البته با مجوز GPL. یعنی کار خودتون رو باید سورس باز کنید (یا مجوزش رو [خرید](#)). ضمناً MVC4 با MVC3 سازگار هست. فقط یک سری افزونه بیشتر دارد.

نویسنده: جواد
تاریخ: ۲۱/۰۳/۹۳:۹:۱

سلام. من این کارهایی که گفتید کردم. روی vs مشکلی نداشتم. ولی وقتی نرم افزارمو پابلیش کردم و روی سرور گذاشتم متأسفانه هر کار می‌کنم خطای عدم پشتیبانی مرورگر میده. با فایرباگ چک کردم دیدم به فایلهای کتابخانه اش عدم دسترسی می‌ده. تمام تنظیمات iis رو هم چک کردم. نتوانستم درستش کنم. خطایی که میده اینطوریه:

"NetworkError: 404 Not Found - http://~/Scripts/plupload/js/jquery.ui.plupload/jquery.ui.plupload.js

نویسنده: ناهید
تاریخ: ۰۶/۰۵/۹۳:۹:۴

سلام
یه سوال؟ وقتی بخوایم اطلاعات ذخیره شده (فایلی که قبلاً آپلود کردی) رو نمایش بدیم چجوری فایل رو توی plUpload نمایش بدیم؟ خود سایت `FilesAdded` داره که کار نمیکنه.

راه حل‌های مختلفی جهت **Highlight** کردن لینک صفحه جاری وجود دارد و مهم‌ترین کاربرد آن در منوی اصلی سایت است.



در این مطلب سعی داریم با ارائه یک **Helper** راه حل مناسبی را برای این موضوع ارائه کنیم. مسئولیت این **Helper** ایجاد لینک است با در نظر گرفتن یک شرط: آیا لینک ایجاد شده به **Action** جاری اشاره دارد؟ اگر بله یک **Class** با عنوان **currentMenuItem**

```
public static MvcHtmlString MenuLink(this HtmlHelper helper, string text, string action, string controller)
{
  var routeData = helper.ViewContext.RouteData.Values;
  var currentController = routeData["controller"];
  var currentAction = routeData["action"];

  if(String.Equals(action, currentAction as string,
    StringComparison.OrdinalIgnoreCase)
    && String.Equals(controller, currentController as string,
    StringComparison.OrdinalIgnoreCase))

  {
    return helper.ActionLink(
      text, action, controller, null,
      new { @class="currentMenuItem" }
    );
  }
  return helper.ActionLink(text, action, controller);
}
```

نحوه استفاده:

```
<li>@Html.MenuLink("Contact", "Contact", "Home")</li>
```

و البته کمی تغییرات در فایل **CSS** خود را فراموش نکنید:

```
ul#menu li a {
  background: none;
  color: #999;
  padding: 5px;
  border-radius: 15px;
  text-decoration: none;
}

ul#menu li a.currentMenuItem {
  background-color: black;
  color: white;
}
```

همچنین دوستانی که از **Navbar** و **Bootstrap** آن استفاده می‌کنند می‌توانند با کمی تغییرات در این **Helper** استفاده بهینه ای از آن داشته باشند:

```
public static MvcHtmlString MenuLinkBootstrap(this HtmlHelper helper, string text, string action,
string controller)
{
    var routeData = helper.ViewContext.RouteData.Values;
    var currentController = routeData["controller"];
    var currentAction = routeData["action"];

    if (String.Equals(action, currentAction as string, StringComparison.OrdinalIgnoreCase) &&
String.Equals(controller, currentController as string, StringComparison.OrdinalIgnoreCase))
    {
        return new MvcHtmlString("<li class=\"active\">" + helper.ActionLink(text, action, controller)
+ "</li>");
    }

    return new MvcHtmlString("<li>" + helper.ActionLink(text, action, controller) + "</li>");
}
```

نظرات خوانندگان

نویسنده: امین
تاریخ: ۹:۲۶ ۱۳۹۱/۰۶/۲۰

مطلوب عالی بود مخصوصاً بخش آخر که برای bootstrap رو هم گفتین.

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۲:۳۷ ۱۳۹۱/۰۷/۰۶

ممnon. مطلب جالبی است. یک راه حل عمومی دیگر میتوان بر jQuery :

```
//-----  
انتخاب خودکار لینک‌های بالای صفحه به ازای صفحه جاری-----  
$(document).ready(function () {  
    $("#headermenu a").each(function () {  
        var $a = $(this);  
        var href = $a.attr("href");  
        if (href && (location.pathname.toLowerCase() == href.toLowerCase())) {  
            //صفحه جاری را یافتیم/  
            $a.css({  
                "color": "Yellow",  
                "border-bottom": "1px solid"  
            });  
        }  
    });  
});
```

این روش بر اساس آدرس صفحه جاری و یافتن آن در ناحیه headermenu و سپس رنگی کردن آن کار می‌کند.

نویسنده: امیرحسین مرجانی
تاریخ: ۱۶:۲۳ ۱۳۹۱/۰۷/۲۷

ممnon

نکته خوبی گفتید ... چند وقتی بود دنبال مطلب شما می‌گشتم که الان به چشم خورد.

نویسنده: صابر فتح الهی
تاریخ: ۱۲:۴۸ ۱۳۹۲/۰۱/۰۷

سلام مهندس (تبیریک سال نو با تاخیر)

روشی که گفتین به نظر من یه ایراد کوچک داره و اونم اینه که در صورتی لینک رنگی می‌شه که حتماً آدرس مورد نظر با آدرس لینک برابر باشد، در صورتی که لینک موردنظر یک صفحه فرعی باشد و ان لینک در لیست منو وجود نداشته باشد هیچ لینکی رنگی نمی‌شه، مثلاً در سایت [داد نت تیپس](#) در صورتی که کاربر روی لینک جزئیات یک پروژه کلیک کنه لینک پروژه‌ها رنگی میشه در صورتی که ادرسش توى منوها موجود نیست، من وقتی کدهای سایت مذکور بررسی کردم فهمیدم به جای اون شما از تابع startsWith (تعریف شده توسط شما) استفاده کردین، در این صورت لینکهایی که با قسمتی از آدرس مذکور شروع بشه تغییرات رنگ (استایل مورد نظر) رو اون اعمال میشه.
اگر اشتباه می‌کنم لطفاً تصحیح بفرمایید.

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۲:۵۸ ۱۳۹۲/۰۱/۰۷

بله. هدف این بوده تا حد ممکن شخص بدونه در چه قسمتی از سایت است. مثلاً اگر به جزئیات یک پروژه مراجعه کرده، باید بدونه در قسمت پروژه‌ها هست.
این کد جدید و اصلاح شده است:

```

if (typeof String.prototype.startsWith != 'function') {
    // see below for better implementation!
    String.prototype.startsWith = function (str) {
        return this.indexOf(str) == 0;
    };
}

$(document).ready(function () {
    $("#headermenu a").each(function () {
        var $a = $(this);
        var href = $a.attr("href");

        var path = $.trim(location.pathname.toLowerCase());
        var menuHref = $.trim(href.toLowerCase());

        if (href && (path == menuHref || (menuHref != '/' && path.startsWith(menuHref)))) {
            //صفحه جاری را یافته‌یم
            $a.css({
                "color": "Yellow",
                "border-bottom": "2px solid"
            });
        }
    });
});

```

نویسنده: مهدی موسوی
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۱/۰۸ ۱۵:۱۱

سلام.

به گمانم می‌توانید با یه تغییر کوچک، کدتون رو بهینه کنید. شما می‌توانید پس از یافتن صفحه جاری، `return false` کنید تا سراغ مابقی anchor های موجود نره (چون لینک مورد نظر پیدا شده و CSS مربوطه هم اعمال شده، بنابراین دیگه نیازی نیست این حلقه به کارش ادامه بده؛ مگر اینکه بگیم بیش از یک لینک در صفحه وجود داره که در اون صورت باید `location.pathname` را خارج each یکبار cache کنیم و ...).

البته، می‌توانستیم ابتدا anchor های مورد نظر را filter کنیم، بعد با اضافه کردن کلاس (فرضا) `highlight` همون کارو انجام بدیم:

```

$(function(){
    var loc = location.pathname.toLowerCase();
    $('#headermenu a').filter(function(){
        var href = this.getAttribute('href');
        return href && href.toLowerCase() == loc;
    }).addClass('highlight');
});

```

طبعاً اگر فرض کنیم که کلیه URLها از سمت سرور بصورت Lowercase رender می‌شن، اونوقت می‌توانیم از کد فوق نیز پرهیز کنیم:

```

$('#headermenu a[href="' + location.pathname + '"]').addClass('highlight');

```

موفق باشید.

پ.ن.: البته می‌توانیم از `==` هم استفاده کنیم که مقایسه رشته‌ها بطور خودکار case-insensitive نیز باشد.

نویسنده: Mehdi
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۳/۱۸ ۰:۳۳

منظور از ناحیه `headermenu` چیست؟

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۳/۱۹ ۱۷:۱۴

یک مثال فرضی بود. مثلا یک `div` با `id` مساوی `.headermenu`

در این مطلب با کتابخانه تهیه شده جهت تولید فیدهای RSS سایت جاری آشنا خواهید شد. در این کتابخانه مسایل زیر لحاظ شده است:

- 1) تهیه یک ActionResult جدید به نام FeedResult برای سازگاری و یکپارچگی بهتر با ASP.NET MVC
- 2) اعمال زبان فارسی به خروجی نهایی (این مورد حداقل در IE محترم شمرده می‌شود و فید را، راست به چپ نمایش می‌دهد)
- 3) اعمال جهت‌های rt1 و ltr به متون فارسی یا انگلیسی به صورت خودکار؛ به نحوی که خروجی نهایی در تمام فیدخوان‌ها یکسان به نظر می‌رسد.
- 4) اعمال کاراکتر یونیکد RLE به صورت خودکار به عناوین فارسی (این مساله سبب می‌شود تا عنوان‌های ترکیبی متشکل از حروف و کلمات فارسی و انگلیسی، در فیدخوان‌هایی که متون را، راست به چپ نمایش نمی‌دهند، صحیح و بدون مشکل نمایش داده شود).
- 5) نیازی به کتابخانه اضافی خاصی ندارد و پایه آن فضای نام System.ServiceModel.Syndication داشت است.
- 6) تنظیم صحیح ContentType و ContentEncoding به عنوان فارسی

سورس کامل این کتابخانه به همراه یک مثال استفاده از آن را از اینجا می‌توانید دریافت کنید:

[MvcRssApplication.zip](#)

توضیحاتی در مورد نحوه استفاده از آن

کتابخانه کمکی MvcRssHelper به صورت یک پروژه Class library جدا تهیه شده است. بنابراین تنها کافی است ارجاعی را به اسمبلی آن به پروژه خود اضافه کنید. البته این پروژه برای MVC4 کامپایل شده است؛ اما با MVC3 هم قابل کامپایل است. فقط باید ارجاع به اسمبلی System.Web.Mvc.dll را حذف و نمونه MVC3 آن را جایگزین کنید. پس از اضافه کردن ارجاعی به اسمبلی آن، اکشن متد فید شما یک چنین امضایی را باید بازگشت دهد:

```
FeedResult(string feedTitle, IList<FeedItem> rssItems, string language = "fa-IR")
```

آیتم اول، نام فید است. مورد دوم، لیست عناوینی است که قرار است در فید ظاهر شوند. برای مثال، هر بار 20 آیتم آخر مطالب سایت را گزارش‌گیری کرده و به فرمت لیستی از FeedItem‌ها باید ارائه دهید. FeedItem هم یک چنین ساختاری دارد و در اسمبلی قرار گرفته:

```
using System;
namespace MvcRssHelper
{
  public class FeedItem
  {
    public string Title { set; get; }
    public string AuthorName { set; get; }
    public string Content { set; get; }
    public string Url { set; get; }
    public DateTime LastUpdatedTime { set; get; }
  }
}
```

دو نکته در اینجا حائز اهمیت است:

- الف) تاریخ استاندارد یک فید [میلادی است](#) نه شمسی. به همین جهت DateTime در اینجا ظاهر شده است.
- ب) Url آدرسی است به مطلب متناظر در سایت و باید یک آدرس مطلق مثلاً شروع شده با http باشد.

یک مثال از استفاده آن

فرض کنید مدل مطالب سایت ما به نحو زیر است:

```
using System;
namespace MvcRssApplication.Models
{
    public class Post
    {
        public int Id { set; get; }
        public string Title { set; get; }
        public string AuthorName { set; get; }
        public string Body { set; get; }
        public DateTime Date { set; get; }
    }
}
```

و یک منبع داده فرضی (کوئری از بانک اطلاعاتی یا استفاده از یک ORM یا ... موارد دیگر) نهایتاً تعدادی رکورد را در اختیار ما خواهد گذاشت:

```
using System;
using System.Collections.Generic;
using MvcRssApplication.Models;

namespace MvcRssApplication.DataSource
{
    public static class BlogItems
    {
        public static IList<Post> GetLastBlogPostsList()
        {
            var results = new List<Post>();
            for (int i = 1; i < 21; i++)
            {
                results.Add(new Post
                {
                    AuthorName = "شخص " + i,
                    Body = "طلب " + i,
                    Date = DateTime.Now.AddDays(-i),
                    Id = i,
                    Title = "عنوان " + i
                });
            }
            return results;
        }
    }
}
```

اکنون برای نمایش این اطلاعات به صورت یک فید، تنها کافی است به صورت زیر عمل کنیم:

```
using System.Collections.Generic;
using System.Web.Mvc;
using MvcRssApplication.DataSource;
using MvcRssApplication.Models;
using MvcRssHelper;

namespace MvcRssApplication.Controllers
{
    public class HomeController : Controller
    {
        const int Min15 = 900;

        [OutputCache(Duration = Min15)]
        public ActionResult Index()
        {
            var list = BlogItems.GetLastBlogPostsList();
            var feedItemsList = mapPostsToFeedItems(list);
            return new FeedResult("فید مطالب سایت ما", feedItemsList);
        }

        private List<FeedItem> mapPostsToFeedItems(IList<Post> list)
        {
            var feedItemsList = new List<FeedItem>();
            foreach (var item in list)
```

```
        {
            feedItemsList.Add(new FeedItem
            {
                AuthorName = item.AuthorName,
                Content = item.Body,
                LastUpdatedTime = item.Date,
                Title = item.Title,
                // این آدرس باید مطلق باشد به نحو زیر
                Url = this.Url.Action(actionName: "Details", controllerName: "Post", routeValues:
new { id = item.Id }, protocol: "http")
            });
        }
    return feedItemsList;
}
}
```

توضیحات

BlogItems.GetLastBlogPostsList منبع داده فرضی ما است. در ادامه باید این اطلاعات را به صورت لیستی از FeedItem‌ها در آوریم. می‌توانید از [AutoMapper](#) استفاده کنید یا در این مثال ساده، نحوه انجام کار را در متدهای `mapPostsToFeedItems` ملاحظه می‌کنید.

نکته مهم بکارگرفته شده در متد `mapPostsToFeedItems`, استفاده از [Url.Action](#) برای تولید آدرس‌هایی مطلق متناظر با کنترلر نمایش مطالب سایت است.

پس از اینکه `feedItemsList` نهایی به صورت پویا تهیه شد، تنها کافی است `return new FeedResult` را به نحوی که ملاحظه می‌کنید فراخوانی کنیم تا خروجی حاصل به صورت یک فید RSS نمایش داده شود و قابل استفاده باشد. ضمناً جهت کاهش بار سرور می‌توان از `OutputCache` نیز به مدتی مشخص استفاده کرد.

نظرات خوانندگان

نویسنده: علیرضا اسمهرا
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۶/۲۰ ۱۹:۸

سلام. بسیار کاربردی و عالی. سپاس.

نویسنده: احمدعلی شفیعی
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۶/۲۱ ۰:۳۳

یکسری از وبگاه‌ها عادت دارن از content به جای description استفاده کنند. آیا این کتابخانه این قابلیت رو دارد؟

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۶/۲۱ ۰:۴۳

خروچی کتابخانه فوق، [RSS استاندارد](#) است و مقدایر خواص کلاس FeedItem نهایتاً به این خروچی نگاشت می‌شود.

برای نمونه این خروچی رو می‌توانید در سورس نهایی [فید سایت](#) مشاهده کنید.

نویسنده: محمد صافدل
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۶/۲۱ ۱۰:۳۰

ممnon آقای نصیری. بسیار عالی بود و ابهامات زیادی در مورد Rss برای من برطرف شد.

نویسنده: محمد صافدل
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۶/۲۳ ۱۵:۲۴

در صورت امکان در مورد نحوه استفاده از کتابخانه MvcRssHelper در پروژه‌های ASP.NET و تغییراتی که باید در این کتابخانه انجام شود، راهنمایی کنید. با تشکر

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۶/۲۳ ۱۶:۲۲

آنچنان تفاوتی نداره. فقط اینبار باید از فایل‌های ashx استفاده کنید. روال ProcessRequest آن معادل روال ExecuteResult موجود در فایل FeedResult.cs است.

نویسنده: امیرحسین مرجانی
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۷/۲۲ ۱۹:۹

سلام

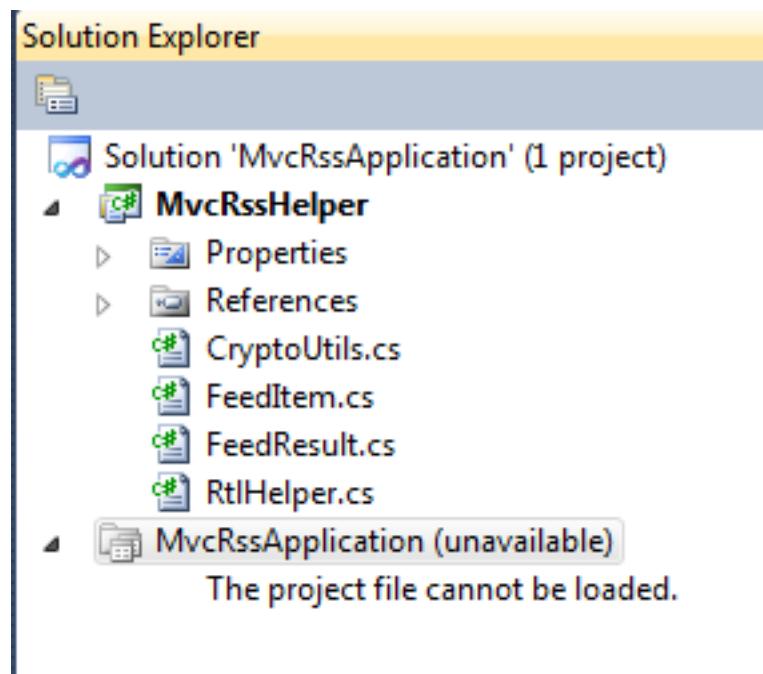
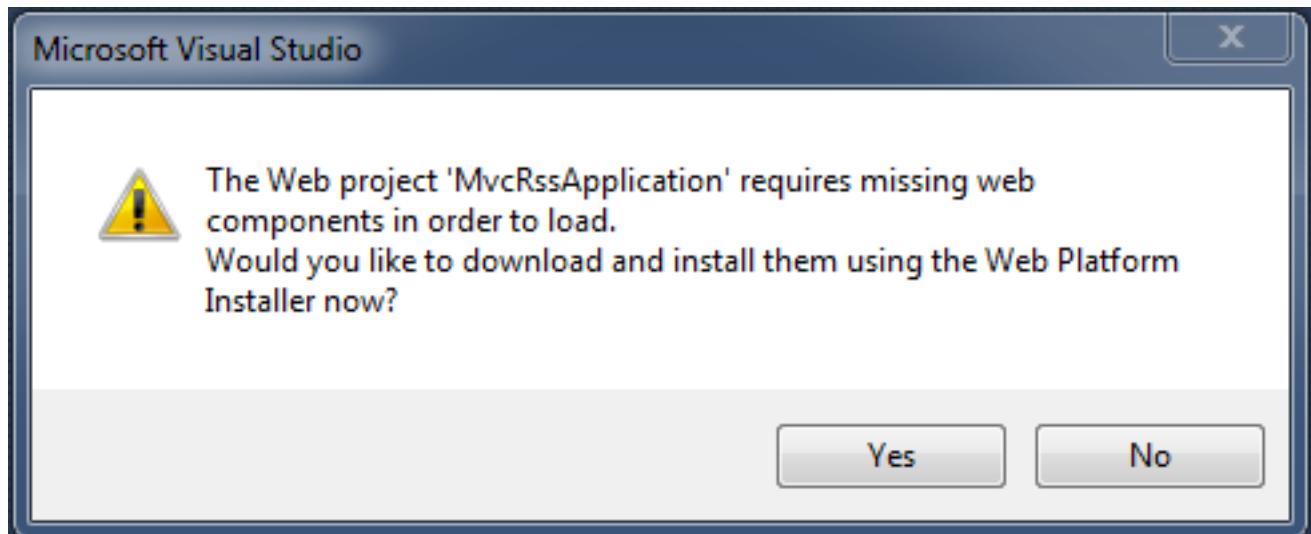
ممnon با بت مطلب خوبتون ولی فایل که برای دانلود گذاشتید مشکل داره پروژه ام وی سی تو ش نیست ... ممنونم می‌شم اگر اصلاح کنید

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۷/۲۲ ۱۹:۴۱

داخل فایل [MvcRssApplication.zip](#) فوق این موارد هست:
پوشه MvcRssApplication: یک پروژه مثال

نویسنده: مهدی پایرونده
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۷/۲۳ ۱۵:۲۲

سلام، من هم توی لود پروژه مشکل دارم، البته همه نسخه‌های mvc را نصب شده داشتم ولی:



نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۷/۲۳ ۱۶:۲۶

- این یک پروژه [MVC4](#) است. همچنین فرض هم بر این است که [IIS Express](#) بر روی سیستم شما نصب است (^).

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۷/۳۰ ۱۱:۰

نسخه به روز شده این پروژه:

[MvcRssApplication.zip](#)

تغییرات:

پیشتر فقط تاریخ به روز رسانی را داشت:

<a10:updated>2012-10-20T16:09:13+03:30</a10:updated>

الان تاریخ انتشار هم به آن اضافه شده:

<pubDate>Sat, 30 Jan 2010 02:26:32 -0800</pubDate>

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۸/۰۲ ۲۳:۷

به روز رسانی سوم:

[MvcRssApplication3.zip](#)

تغییرات (بر اساس نظرات [W3C Feed Validation Service](#)):
- channel link به آن اضافه شد.
- فضای نام a10 ای که تولید می شد با atom جایگزین شد.

نویسنده: امیرحسین مرجانی
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۸/۱۳ ۱۷:۳

سلام

از این روش می شه برای ساخت sitemap هم استفاده کرد؟
اگر نه چطور؟

معرفی HTML Helpers

در صورتی که در مورد ASP.NET Helper ها در MVC اطلاعات بیشتری نیاز دارید پیشنهاد می‌کنم ابتدا این مطلب [+ را مطالعه کنید.](#)

ایجاد یک HTML Helper سفارشی برای نمایش ویدئوهای سایت آپارات
 قبل از ایجاد هر Helper ی باید با خروجی نهایی آن آشنا بود. پس از بررسی خروجی نهایی کافیست بخش هایی از آن را Optional کنیم تا در زمان استفاده از آن، نسبت به مقادیر این دسته از پارامترها تصمیم گیری کنیم. [سایت آپارات](#) نمونه‌ی فارسی سایت YouTube است و امکان اشتراک گذاری فایل‌های ویدئویی را برای کاربران مهیا کرده است. در این سایت در صفحه نمایش هر ویدئو، بخشی با عنوان "دربیافت کد ویدئو" وجود دارد. با کمی بررسی در کدهای نهایی ایجاد شده توسط دستورات ذکر شده در این بخش، کد نهایی برای نمایش یک ویدئو به صورت زیر خواهد بود:

```
<embed height="400" width="500"
flashvars="config=http://www.aparat.com//video/video/config/videohash/BA9Md/watchtype/embed"
allowfullscreen="true"
quality="high" name="aparattv_BA9Md" id="aparattv_BA9Md"
src="http://host10.aparat.com/public/player/aparattv" type="application/x-shockwave-flash">
```

برای تولید پویای این کد Helper زیر می‌تواند مفید باشد:

```
using System.Web.Mvc;
namespace MvcApplication1
{
    public static class AparatPlayerHelper
    {
        public static MvcHtmlString AparatPlayer(this HtmlHelper helper, string mediafile, int height, int width)
        {
            var player = @@"<embed height=""{0}"" width=""{1}"""
flashvars=""config=http://www.aparat.com//video/video/config/videohash/{2}/watchtype/embed"""
                allowfullscreen=""true"""
                quality=""high"""
                name=""aparattv_{2}"" id=""aparattv_{2}"""
src=""http://host10.aparat.com/public/player/aparattv"""
                type=""application/x-shockwave-flash"">";
            player = string.Format(player, height, width, mediafile);
            return new MvcHtmlString(player);
        }
    }
}
```

نحوه استفاده از این Helper

```
@Html.AparatPlayer("BA9Md", 400, 500)
```

اگر به آدرس صفحات در سایت آپارات دقت کنید URL جاری به یک عبارت چند حرفی ختم می‌شود که از این عبارت به عنوان مقدار پارامتر mediafile و شناسه منحصر بفرد فایل ویدئو استفاده شده است.

ایجاد Helper سفارشی جهت نمایش ویدئوهای YouTube

با توجه به توضیحات فوق یک Helper سفارشی برای نمایش ویدئوهای YouTube بصورت زیر است:

```
using System;
using System.Drawing;
using System.Web.Mvc;
```

```

namespace MvcApplication1
{
    public static class YouTubePlayerHelper
    {
        public static MvcHtmlString YouTubePlayer(this HtmlHelper helper, string playerId, string
mediaFile, YouTubePlayerOption youtubePlayerOption)
        {
            const string baseURL = "http://www.youtube.com/v/";

            // YouTube Embedded Code
            var player = @"<div id=""YouTubePlayer_{7}"" width:{1}px; height:{2}px;"">
                <object width=""{1}"" height=""{2}"""
                <param name=""movie"""
value="{{6}{0}&fs=1&border={3}&color1={4}&color2={5}""></param>
                <param name=""allowFullScreen"" value=""true""></param>
                <embed src="{{6}{0}&fs=1&border={3}&color1={4}&color2={5}"""
type = "application/x-shockwave-flash"
width=""{1}"" height=""{2}"" allowfullscreen=""true""></embed>
            </object>
            </div>";

            // Replace All The Value
            player = String.Format(player, mediaFile, youtubePlayerOption.Width,
youtubePlayerOption.Height, (youtubePlayerOption.Border ? "1" : "0"),
ConvertColorToHexa.ConvertColorToHexString(youtubePlayerOption.PrimaryColor),
ConvertColorToHexa.ConvertColorToHexString(youtubePlayerOption.SecondaryColor), baseURL, playerId);

            //Retrun Embedded Code
            return new MvcHtmlString(player);
        }
    }

    public class YouTubePlayerOption
    {
        int _width = 425;
        int _height = 355;
        Color _color1 = Color.Black;
        Color _color2 = Color.Aqua;

        public YouTubePlayerOption()
        {
            Border = false;
        }

        public int Width { get { return _width; } set { _width = value; } }
        public int Height { get { return _height; } set { _height = value; } }
        public Color PrimaryColor { get { return _color1; } set { _color1 = value; } }
        public Color SecondaryColor { get { return _color2; } set { _color2 = value; } }
        public bool Border { get; set; }
    }

    public class ConvertColorToHexa
    {
        private static readonly char[] HexDigits =
        {
            '0', '1', '2', '3', '4', '5', '6', '7',
            '8', '9', 'A', 'B', 'C', 'D', 'E', 'F'
        };

        public static string ConvertColorToHexString(Color color)
        {
            var bytes = new byte[3];
            bytes[0] = color.R;
            bytes[1] = color.G;
            bytes[2] = color.B;
            var chars = new char[bytes.Length * 2];
            for (int i = 0; i < bytes.Length; i++)
            {
                int b = bytes[i];
                chars[i * 2] = HexDigits[b >> 4];
                chars[i * 2 + 1] = HexDigits[b & 0xF];
            }
            return new string(chars);
        }
    }
}

```

نحوه استفاده:

```
@Html.YouTubePlayer("Casablanca", "iLdqKUkkM6w", new YouTubePlayerOption()
{
    Border = true
})
```

در اینجا جهت مقداردهی پارامترهای پخش کننده ویدئو، از کلاس YouTubePlayerOption() استفاده شده است.

نظرات خوانندگان

نویسنده: شاهین کیاست
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۶/۲۲ ۱:۳۹

سلام ،
ممnon.

درباره پخش فایل ویدیویی از دیتابیس راه حل چیست ؟ من روش‌های زیادی رو امتحان کردم که یک فایل ویدیو با پسوند FLV یا MP4 را به کمک JWPlayer پخش کنم ، اما موفق نشدم ، در اینترنت هم مثالی پیدا نکردم . پخش ویدیو از فولدر مشکلی ندارد اما خواند از دیتابیس و ارسال به صورت FileStream کار نمی‌کند .

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۶/۲۲ ۹:۳۵

یک مثال « [SQL2K8 FILESTREAM-WPF-HTTP Sample](#) » در سیلورلایت هم هست (معادل MediaElement مخصوص WPF در

عنوان:	معرفی کتاب: مرجع کامل ASP.NET MVC 4
نویسنده:	بهروز راد
تاریخ:	۱۶:۲۵ ۱۳۹۱/۰۷/۰۶
آدرس:	www.dotnettips.info
گروهها:	ASP.Net MVC, کتاب

کتاب "مرجع کامل 4 ASP.NET MVC"، ترجمه و تالیف اینجانب منتشر شد.

در این کتاب می‌خوانید:

دلایل معرفی و استفاده از ASP.NET MVC

اکشن‌ها، کنترلرها، View‌ها، فیلترها، مسیریابی آشنایی با آزمایش‌های واحد و استفاده از آنها

سفرارشی سازی اجزای ASP.NET MVC
تزریق وابستگی

Model Binding و Model Templates

تعیین اعتبار داده‌ها

استفاده از AJAX و jQuery

امنیت

ASP.NET Web API

انتشار پژوهش

و بسیاری مطالب دیگر...

مطالعه‌ی قسمتی از کتاب...

جزئیات بیشتر...

نظرات خوانندگان

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۷/۰۶ ۱۶:۳۷

تبریگ می‌گم. با آرزوی موفقیت‌های بیشتر.

نویسنده: بهروز راد
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۷/۰۶ ۱۷:۲

ممnonem آقای نصیری.

نویسنده: سید مجتبی حسینی
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۷/۰۶ ۱۷:۵۶

تشکر و سپاس صمیمانه من رو پذیرا باشید
دیشب تقریبا در اولین روز ارائه کتاب، یک دور مختصر آن را تورّق کردم.
اینکه سعی کردید بسیار کاربردی و تا حد امکان آن را حرفة‌ای بنویسید، من را به وجود آوردید!
واقعا خسته نباشید.
به امید سایر فعالیت‌های موفقیت آمیز شما

نویسنده: حسین مرادی نیا
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۷/۰۶ ۱۸:۴

تبریک می‌گم مهندس.

نویسنده: مهدی پایرونده
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۷/۰۶ ۲۰:۵

تبریک می‌گم، که با حوصله و صبرتون این فعالیت‌های با ارزش رو تو کشور رونق میدید
به امید موفقیت بیشتر شما در همه زمینه‌های زندگیتون

نویسنده: بهروز راد
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۷/۰۶ ۲۰:۱۶

مرسی دوست من. لطف دارید.

نویسنده: بهروز راد
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۷/۰۶ ۲۰:۱۶

ممnonem.

نویسنده: بهروز راد
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۷/۰۶ ۲۰:۱۶

متشرکم. شما هم موفق باشید.

نویسنده: سیروان عفیفی
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۷/۰۶ ۲۰:۱۷

تبریک می‌گیم مهندس.

نوبسنده: مهدی سعیدی فر
تاریخ: ۲۰:۲۵ ۱۳۹۱/۰۷/۰۶

تبریک بنده را نیز پذیرا باشید

نوبسنده: بهروز راد
تاریخ: ۲۱:۱۲ ۱۳۹۱/۰۷/۰۶

سپاسگزارم مهندس (:

نوبسنده: بهروز راد
تاریخ: ۲۱:۱۲ ۱۳۹۱/۰۷/۰۶

ممnon از لطف شما

نوبسنده: سالار خلیل زاده
تاریخ: ۲۱:۱۸ ۱۳۹۱/۰۷/۰۶

با تبریک و تشکر و البته خسته نباشید.

نوبسنده: علیرضا اسمراام
تاریخ: ۲۲:۳۵ ۱۳۹۱/۰۷/۰۶

سلام،

تبریک عرض می‌کنم جناب راد.

امیدوارم این کتاب را در هفته آینده شروع کنم.

با آرزوی موفقیت روز افزون برای شما

نوبسنده: علی
تاریخ: ۲۲:۳۹ ۱۳۹۱/۰۷/۰۶

سلام

عالی بود.

میشه فونتیش رو درشتتر بکنین. مثل فونتی که انتشارات appress بکار میبره

با تشکر

نوبسنده: صابر فتح الله
تاریخ: ۲:۹ ۱۳۹۱/۰۷/۰۷

مثل همیشه عالیه مهندس
 فقط کمی کیفیت چاپ پندار پارس پایینه
 در هر صورت از دور دست مریزاد میگم و خسته نباشید

نوبسنده: رضا
تاریخ: ۷:۲۳ ۱۳۹۱/۰۷/۰۷

ممnonم مهندس. بیصرانه منتظر دریافت این کتاب هستم!

نویسنده: بهروز راد
تاریخ: ۹:۱۱ ۱۳۹۱/۰۷/۰۷

قربان شما

نویسنده: بهروز راد
تاریخ: ۹:۱۲ ۱۳۹۱/۰۷/۰۷

مرسى عليرضا جان.

نویسنده: بهروز راد
تاریخ: ۹:۱۳ ۱۳۹۱/۰۷/۰۷

زمانی که تعداد صفحات زیاد میشه، ناشرها از همین فونت استفاده میکنن تا در فضا صرفه جویی بشه. کتاب #۶ انتشارات دیباگران هم با همین فونت هست.

نویسنده: بهروز راد
تاریخ: ۹:۱۴ ۱۳۹۱/۰۷/۰۷

متشرکرم. سلامت باشید.

نویسنده: بهروز راد
تاریخ: ۹:۱۵ ۱۳۹۱/۰۷/۰۷

خواهش میکنم. انشااا... مفید واقع بشه.

نویسنده: مجتبی صحرائی
تاریخ: ۱۰:۵۱ ۱۳۹۱/۰۷/۰۷

سلام بهروز جان

مثل همیشه عالی

موفق باشی

نویسنده: ایمان اسلامی
تاریخ: ۱۱:۳ ۱۳۹۱/۰۷/۰۷

مهندس خسته نباشی.
امیدوارم همیشه سلامت و پر انرژی باشی.

نویسنده: میثم جوادی
تاریخ: ۱۱:۲۷ ۱۳۹۱/۰۷/۰۷

کتاب بسیار غنی و ارزشمندی است و به جامعه فارسی زبانان و همینطور نویسنده گرانقدر اش تبریک عرض میکنم.

نویسنده: بهروز راد
تاریخ: ۱۲:۲۷ ۱۳۹۱/۰۷/۰۷

سلام مجتبی جان.
لطف داری.

نوبتند: بهروز راد
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۷/۰۷ ۱۲:۲۷

مرسی. شما هم همین طور.

نوبتند: بهروز راد
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۷/۰۷ ۱۲:۲۸

ممnonem.

نوبتند: سعدی همتی
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۷/۰۷ ۱۲:۴۲

سلام آقای راد

تبریک میگم. حقیقتا از خواندن کتابهای شما لذت میبرم.
راستش فکر میکنم اگر در مورد EF Code First هم یک کتاب بنویسید، شاهکار خواهد کرد.
من تمام کتابهای شما را خوانده ام. بی صرانه منتظر کتابهای آینده شما هستم.
با تشکر
موفق و سر بلند باشید.

نوبتند: مریم
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۷/۰۷ ۱۳:۱۳

سلام تبریک برای کتاب فوق العادتون
تو سایت برنامه نویس نوشته‌ید 30 جلد از کتابو دارید و هر کی کتاب می‌خواود فیش پرداختی و با ادرس برا من به جیمیل بفرسته
1) اگه تقاضاها از 30 تا بیشتر بود چی میشه؟
2) شما به جیمیل که دسترسی دارید ایشالا بدی

نوبتند: شاهین کیاست
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۷/۰۷ ۱۳:۲۰

قربان صمیمانه تبریک عرض می‌کنم خدمتون <D>

نوبتند: بهروز راد
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۷/۰۷ ۱۶:۲۴

سلام.

1) فکر می‌کنم باید تا چند ساعت دیگه تاپیک رو آپدیت کنم و بگم که کتاب‌ها تمام شد (در این لحظه هنوز چند تا باقی مونده)!
بقیه‌ی دوستان می‌توون از طریق سایت انتشارات یا از کتاب فروشی‌های شهرشون تهیه کنن.
2) بله.

نوبتند: بهروز راد
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۷/۰۷ ۱۶:۲۵

>D> صمیمانه متشرکم

نوبتند: بهروز راد
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۷/۰۷ ۱۶:۲۶

ممnon از لطف شما. انشاا... به زودی با کمک یکی از برجسته‌ترین افراد این سایت، کتاب EF قبلی رو آپدیت می‌کنم.

نویسنده: شهروز جعفری
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۷/۰۷

تبریک میگم مهندس.
آیا امکان خرید آنلاین وجود دارد؟

نویسنده: بهروز راد
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۷/۰۷

به [سایت انتشارات](#) برد. در اونجا توضیح داده شده.

نویسنده: Naser Tahery
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۷/۰۷

باید کتاب محشری باشه.
ممnon مهندس راد. سربلند و موفق باشی. *

نویسنده: بهروز راد
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۷/۰۷

مرسى. شما هم موفق باشید.

نویسنده: محسن درم بخت
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۷/۰۸

با عرض سلام و خسته نباشد
تبریک عرض میکنم به خاطر کتاب بسیار خوبتون
همیشه مشکلی که تو این زمینه داشتیم این بود که بسیار دیر آماده ارائه به مخاطب میشدند که خوشبختانه با وجود دوستانی
مثل شما این مشکل نیز در حال برطرف شدن است
با آرزوی موفقیت‌های بیشتر برای شما

نویسنده: بهروز راد
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۷/۰۸

ممnon از لطف شما.

نویسنده: بهروز راد
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۷/۰۸

با تشکر از استقبال بی نظیر دوستان. کتاب هایی که دست بنده بودند به اتمام رسیدند. دوستان می‌توانند از طریق کتابفروشی‌های
معتبر شهرشان یا از طریق [سایت پندار پارس](#) نسبت به تهیه این کتاب اقدام بفرمایند.

نویسنده: افشین
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۷/۰۸

من کتاب EF شما رو خوندم با اینکه بی نقص نیست ولی بی شک بهترین کتاب فارسی چاپ شده و چاپ نشده است و خیلی
کاربردی توضیح داده شده ...
من حتما این کتاب شما رو هم تهیه میکنم (با وجود قیمت‌های بسیار زیاد کتابها)
از انقلاب که نتونستم گیرش بیارم

کاش امکان خرید آنلاین بصورت پست بانک هم بود توی سایت !
یا اگه کتاب فروشی مشخصی هست بد نیست معرفی کنید !

نویسنده: بهروز راد
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۷/۰۸ ۱۹:۰

برای خرید حضوری در تهران می‌توینید به آدرس زیر مراجعه کنید:
انقلاب، ابتدای کارگر جنوبی، کوی رشتچی، پلاک ۱۴، واحد ۱۶

نویسنده: آرمان فرقانی
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۷/۰۹ ۱۲:۲۰

سلام بر مهندس راد عزیز و عرض تبریک برای انتشار این کتاب. همچنین تشکر فراوان از این همه زحمت و فداکاری شما. در شرایط حال حاضر انجام فعالیت‌های آموزشی و به ویژه نشر کتاب‌هایی از این دست واقعاً نیاز به عشق و فداکاری دارد.

به تازگی مرور سریعی بر کتاب EF 4.1 داشتم تا اگر مناسب بود برای آموزش معرفی کنم. باید بگم هر چند برخی تصاویر کمی بیش از حد کوچک شده اند و چند اشکال کوچک دیگر وجود دارد ولی در مجموع کتاب خوبی بود.

موفق باشید.

نویسنده: شهرور جعفری
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۷/۰۹ ۱۲:۳۵

کتابو تهیه کردم واقعاً تشکر میکنم.

نویسنده: بهروز راد
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۷/۰۹ ۱۲:۴۳

ممnon از لطف شما. برنامه‌ی بعدی من، آپدیت کتاب EF است.

نویسنده: علیرضا ۱
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۷/۱۲ ۹:۲۰

با عرض سلام و خسته نباشد.
نمی دونم چطوری از خدمات بی دریغ شما تشکر کنم .
به امید موفقیت روز افزون شما.

نویسنده: بهروز راد
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۷/۱۲ ۹:۳۶

مرسی. شما هم موفق باشید.

نویسنده: بهمن خلفی
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۸/۳۰ ۱۴:۵۱

با عرض سلام و تبریک خدمت دوست گرامی جناب راد
با توجه به اینکه بنده این کتاب را دارم و برخی مواقع جهت بررسی مسائل و کسب راهنمایی به آن مراجعه میکنم سوالی داشتم :
این کتاب تقریباً براساس فصل بندی‌های کتاب wrox تالیف شده
آیا شما به نظر نویسنده این کتاب کدام کتاب را بیشتر توصیه مینمایید ...
آیا تمامی مطالب مفید و کاربردی MVC4 پوشش داده شده است یا باید به سراغ کتاب wrox بروم؟

در هر صورت خوشحالم که افراد با سوادی همچون شما در کشورمان ایران فعالیت میکنید . با آرزوی سعادت و کامیابی شما

نویسنده: بهروز راد
تاریخ: ۲۱:۵۹ ۱۳۹۱/۰۸/۳۰

بر اساس فصل بندی‌های کتاب Apress نوشته شده. به نظر من کتاب Apress جامع‌تر هست.
تمامی قابلیت‌های برجسته‌ی ۴ ASP.NET در این کتاب هست. اما هر چه بیشتر مطالعه کنید، ضرر نمی‌کنید.

نویسنده: مسعود زیانی
تاریخ: ۲۲:۴۷ ۱۳۹۱/۰۹/۱۶

آقای راد بابت کتاب بسیار مفیدتان تشکر میکنم

نویسنده: Dr.Bronx
تاریخ: ۱۷:۱۳ ۱۳۹۱/۱۰/۲۹

خیلی دنبال یک کتاب خوب بودم .
خوشحالم که قراره کتاب آقای راد رو بخونم .
مطمئنم که مثل کتاب CSS ایشون این هم کتاب فوق العاده هست .
از اینجا : <http://www.pendarepars.com/book/index/137/?filter=MVC>
خریداری کردم . امیدوارم که زودتر به دستم برسه ...

نویسنده: بهروز راد
تاریخ: ۱۸:۴۴ ۱۳۹۱/۱۰/۲۹

مرسی دوست من.
امیدوارم مفید واقع بشه.

نویسنده: عبدالله راد
تاریخ: ۲۲:۵۱ ۱۳۹۲/۰۴/۲۸

بسلام
ضمن تشکر از بابت کتاب پرمحتوای asp.net mvc4 و همچنین entity framework سوالی ازتون داشتم جناب بهروز راد
من آشنایی دارم با asp.net و sql server ولی زیاد حرفه ای نیستم البته مبتدی مبتدی هم نیستم
میخواستم ازتون ببرسم مطالعه این دو تا کتاب شما میتوانه برای بصورت عملی نه تئوری مفید باشه؟ البته تو انجمن آقای کرامتی فر
هم توضیحاتی راجع به همین کتابهای شما رو خوندم میخواستم تهیه کنم بنظرتون در سطحی هستم که بتونم از این کتابهای شما
استفاده کنم؟
بسیار ممنون
موفق باشید

نویسنده: بهروز راد
تاریخ: ۱۹:۲۲ ۱۳۹۳/۰۳/۱۵

کار آپدیت این کتاب به نسخه ۵.۲ به اتمام رسیده. امیدوارم در تیرماه چاپ بشه :

نویسنده: شهریار
تاریخ: ۲۱:۵۴ ۱۳۹۳/۰۳/۱۵

آقای راد در این کتاب موارد به روز شده از قبیل asp.net identity 2.0 نیز گنجانده شده ؟

نوبسنده: بهروز راد
تاریخ: ۱۳۹۳/۰۳/۱۶ ۷:۱۸

قابلیت‌های تغییر پیدا کرده، بازنویسی شدند و تمامی قابلیت‌های جدید ASP.NET MVC آورده شده.

نوبسنده: آتوسا فتوحی
تاریخ: ۱۳۹۳/۰۳/۱۶ ۱۲:۱۰

سلام و عرض خسته نباشین خدمت آقای راد
ویرایش جدید کتاب Entity Framework چه زمانی منتشر می‌شود؟

نوبسنده: بهروز راد
تاریخ: ۱۳۹۳/۰۳/۱۶ ۱۴:۱۳

سلام.
مناسفانه کمبود وقت و گستردگی مباحثت، مانع از تکمیل کار برای کتاب Entity Framework شد.

در پروژه‌های زیادی با مواردی مواجه می‌شویم که دو انتخاب داریم ، و یک انتخاب زیر مجموعه انتخاب دیگر است ، مثلاً رابطه بین استان‌ها و شهرها ، در انتخاب اول استان انتخاب می‌شود و مقادیر DropDownList شهرها حاوی ، شهرهای آن استان می‌شود. در پروژه‌های WebForm این کار به کمک Update Panel انجام می‌شد ، ولی در پروژه‌های MVC ما این امکان را نداریم و خودمان باید به کمک موارد دیگر این درخواست را پیاده سازی کنیم.

در پروژه ای که فعلاً مشغول آن هستم ، با این مورد مواجه شدم ، و دیدم شاید بد نباشد راهکار خودم را با شما در میان بگذارم. صورت مسئله :

کاربری نیاز به وارد کردن اطلاعات یک شیرالات بهداشتی (Tap) را دارد ، از DropDownList اول نوع آن شیر (Type) را انتخاب می‌کند ، و از DropDownList دوم ، که شامل گروه‌های آن نوع است ، گروه (Category) مورد نظر را انتخاب می‌کند. (در انتهای همین مطلب ببینید) ساختار Table‌های دیتابیس به این صورت است:

Taps	
	Column Name
Id	
Title	
Category	
Model	
Description	
IsActive	
CreatedOn	
CreatedBy	
ModifiedOn	
ModifiedBy	
IsDeleted	

Categories	
	Column Name
Id	
Title	
Type	
Description	
ImagePath	
IsActive	
CreatedOn	
CreatedBy	
ModifiedOn	
ModifiedBy	
IsDeleted	

Types	
	Column Name
Id	in
Title	nv
Description	te
ImagePath	va
IsActive	bi
CreatedOn	da
CreatedBy	ur
ModifiedOn	da
ModifiedBy	ur
IsDeleted	bi

رابطه ای از جدول Type به جدول Category.

به کمک Scaffolding یک کنترل برای کلاس Tap (شیر آب) می‌سازیم ، به طور عادی در فایل Create.cshtml مقدار گروه را به صورت DropDownList نمایش می‌دهد ، حال ما نیاز داریم که خودمان DropDownList را برای Type ایجاد کنیم و بعد ارتباط این‌ها را برقرار کنیم.

تابع اولی Create را این طوری ویرایش می‌کنیم :

```
public ActionResult Create()
{
    ViewBag.Type = new SelectList(db.Types, "Id", "Title");
    ViewBag.Category = new SelectList(db.Categories, "Id", "Title");
    return View();
}
```

همان طور که مشخص است ، علاوه بر مقادیر Category که خودش ارسال می کند ، ما نیز مقادیر نوع را به View مورد نظر ارسال می کنیم.

برای نمایش دادن هر دو DropDownList ویو مورد نظر را به این صورت ویرایش می کنیم :

```
<div>
    نوع
    </div>
    <div>
        @Html.DropDownList("Type", (SelectList)ViewBag.Type, "--- انتخاب ---", new { id = "rbTyoe" })
    </div>
    @Html.ValidationMessageFor(model => model.Category)
    </div>

    دسته بندی
    <div>
        <div>
            @Html.DropDownList("Category", (SelectList)ViewBag.Category, "--- انتخاب ---", new { id = "rbCategory" })
        </div>
        @Html.ValidationMessageFor(model => model.Category)
    </div>
```

همان طور که مشاهده می کنید ، در اینجا DropDownList مربوط به Type که خودمان سمت سرور ، مقادیر آن را پر کرده بودیم نمایش می دهیم.

خب شاید تا اینجای کار ، ساده بود ولی میرسیم به اصل مطلب و ارتباط بین این دو (قبل از این قسمت ختماً نگاهی به ساختار `select` یا همان تگ `DropDownList` بیندازید ، اطلاعات جی کوئٹری شما در این قسمت خیلی کمک حال شما است)

برای این کار ما از jQuery استفاده می کنیم ، کار به این صورت است که هنگامی که مقدار DropDownList اول تغییر کرد : ما Id آن را به سرور ارسال می کنیم.

در آنجا Category هایی که دارای Type است مورد نظر هستند را جدا می کنیم
فیلدهای مورد نیاز یعنی Id و Title را می گیریم
و بعد به کمک Json مقادیر را برابر می گردانیم

و مقادیر ارسالی از سرور را در DropDownList دوم (گروهها) قرار می دهم

در ابتدا متدهای در سرور می نویسیم ، کار این متدهای (همان طور که گفته شد) گرفتن Id از نوع Type استو برگرداندن Category های مورد نظر. به این صورت :

```
public ActionResult SelectCategory(int id)
{
    var categoris = db.Categories.Where(m => m.Type1.Id == id).Select(c => new { c.Id, c.Title });
    return Json(categoris, JsonRequestBehavior.AllowGet);
}
```

ابتدا به کمک Where مقدار مورد نظر را پیدا می کنیم و بعد به کمک Select فیلد هایی مورد استفاده را جدا می کنیم و به کمک Json اطلاعات را برابر می گردانیم. توجه داشته باشید که مقادیری که در categoris قرار می گیرد ، شبیه به مقادیر json هستند و ما می تائیم مستیما از این مقادیر در javascript استفاده کنیم.

در کلایت (همان طور که گفته شد) به این نیاز داریم که هنگاهی که مقدار در لیست اول تغییر کرد ، ای دی آن را به تابع بالا بفرستیم و مقادیر بازگشتی را در DropDownList دوم قرار دهیم : به این صورت :

```
$('#rbTyoe').change(function () {
    jQuery.getJSON('@Url.Action("SelectCategory")', { id: $(this).attr('value') }, function (data) {
```

```
$( '#rdbCategory' ).empty();
jQuery.each(data, function ( i ) {
    var option = $('<option></option>').attr("value",
data[i].Id).text(data[i].Title);
    $('#rdbCategory').append(option);
});
```

توضیح کد :

با کمک تابع change() از تغییر مقدار آگاه می‌شویم ، و حالا می‌توانیم مراحل کار را انجام دهیم. حالا وقت ارسال اطلاعات (Id موردنظر گزینه انتخاب شده در تغییر مقدار) به سرور است که ما این کار را به کمک jQuery.getJSON انجام می‌دهیم ، در تابع callback باید کار مقدار دهی انجام شود.

به ازای رکورد هایی که برگشت شده است که حالا در data قرار دارد به کمک تابع each لوب می‌زنیم و هر بار این کار را تکرار می‌کنیم.

ابتدا یک تگ option می‌سازیم

مقادیر مربوطه شامل Id که باید در attribute value مورد نظر قرار گیرد و متن آن که باید به عنوان text باشد را مقدار دهی می‌کنیم آماده شده را به DropDownList دومی (Category) اضافه می‌کنیم.

توجه داشته باشید که هنگامی که کار دریافت اطلاعات با موفقیت انجام شد ، مقادیر داخل DropDownList دومی ، مربوط به Category را به منظور بازیابی دوباره در

```
$( '#rdbCategory' ).empty();
```

حالی می‌کنیم.

نتیجه کار برای من می‌شود این :
قبل از انتخاب :

نوع



دسته بندی

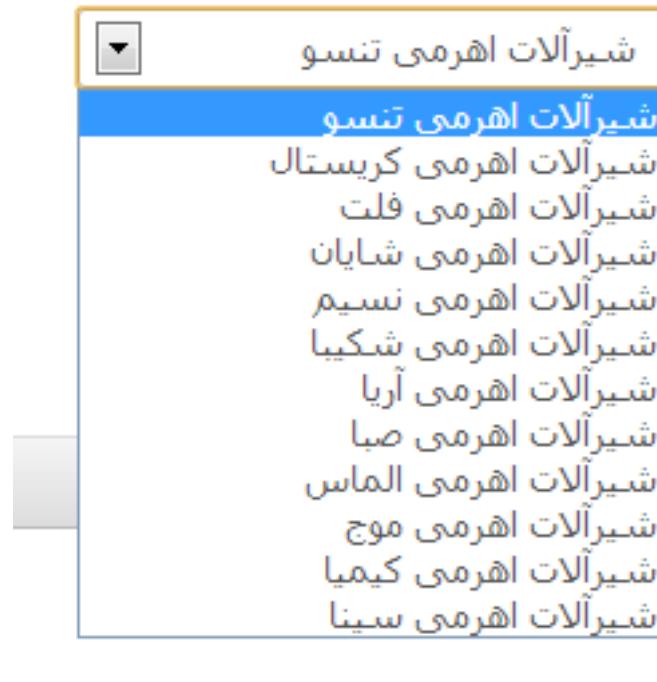


بعد از انتخاب :

نوع



دسته بندی



موفق و پیروز باشید

نظرات خوانندگان

نویسنده: فرشاد کریمی
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۷/۲۷ ۲۳:۲۹

خیلی خوب و جامع بود

Hamid NCH نویسنده:
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۷/۲۹ ۱۵:۲۶

مرسى مفید بود.

نویسنده: امیرسهیل
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۹/۲۱ ۱۳:۲

سلام
من نونم ، خیلی مطلب خوب مفیدی بود
یکی بزرگترین مشکلات ما رو حل کردید ، ما از روش شما در چند پروژه استفاده کردیم.

نویسنده: ابوالفضل
تاریخ: ۱۳۹۱/۱۰/۰۶ ۱۳:۱۸

سلام
برای من کار نکرد. به عبارتی متده `getJSON` اجرا نمی‌شد.
تا قبل از متده `jquery.getjson` اجرا می‌شده. بعد دیگه اجرا نمی‌شده. تو `firebug` هم اساسا درخواستی `json` را اجرا نمی‌کرد. بعد از آن متده `jquery.getjson` اجرا می‌شده. تو `firebug` هم اساسا درخواستی `json` را اجرا نمی‌کند. این مسئله در `jquery-1.8.3` رفع شده است.

نویسنده: ابوالفضل
تاریخ: ۱۳۹۱/۱۰/۰۶ ۱۴:۱۰

مشکلم حل شد.
متده `new` نیست. ولی در قسمت کنترلر حالت چرخشی پیش می‌آمد که نمی‌توانه به `json` تبدیل بشود. با `new` حل شد.

```
var Cities = from c in Cities  
Select new {Id=c.Id, Name=c.Name};  
return Json(Cities , JsonRequestBehavior.AllowGet);
```

نویسنده: سعید
تاریخ: ۱۳۹۱/۱۰/۰۷ ۹:۴۴

بدون `new` هم می‌شه خروجی `linq` گرفت؟

نویسنده: ابوالفضل
تاریخ: ۱۳۹۱/۱۰/۰۷ ۹:۵۶

بله، می‌شه خروجی گرفت. ولی همونطور که گفتم اگر آبجکت 1 به آبجکت 2 ارتباط داشته باشد و آبجکت 2 هم متقابلا از یک مسیر دیگه به آبجکت 1 ارتباط داشته باشد، در اینجا چرخه پیش می‌آید و `json` نمی‌توانه اون رو تبدیل کنه.
بنابراین با `new` یک آبجکت مختصر برای خروجی تولید کردم که شامل خصوصیات دیگر که باعث چرخش می‌شوند نباشد.

البته یه جایی خوندم در نگارش‌های جدید `json.net` حل شده این مشکل.

موفق باشید

نویسنده: سعید
تاریخ: ۱۳۹۱/۱۰/۰۷ ۱۰:۱۴

در مثال شما که نشانی از اشیاء تو در تو نیست. حتی در سؤال شما هم نبود. خروجی json با اشیاء تو در تو مشکلی ندارد. فقط خروجی آن را باید بتوانید سمت کلاینت پردازش کنید.

نویسنده: ابوالفضل
تاریخ: ۱۳۹۱/۱۰/۰۷ ۱۰:۲۵

اشیاء تو در تو با اشیاء چرخشی فرق میکنه دوست عزیز. من گفتم خروجی جیسون با اشیاء چرخشی مشکل دارد. [اینجا](#)

نویسنده: سعید
تاریخ: ۱۳۹۱/۱۰/۰۷ ۱۰:۴۳

اون شیءایی که لینک دادی تو در تو هست و ارجاع حلقوی هم دارد. این نوع سؤال پرسیدن در کل صحیح نیست. افراد از راه دور که نمیتونن صفحه مونیتور شما رو مشاهده کنند. نه خطابی رو نوشته و نه کلاس‌های مدل特 مشخص بود.

نویسنده: سعید یزدانی
تاریخ: ۱۳۹۱/۱۱/۰۶ ۲۳:۷

با تشکر

میشه درباره‌ی selector این خط بیشتر توضیح بد بد

```
var option = $('<option></option>').attr("value", data[i].Id).text(data[i].Title);
```

نویسنده: امیرحسین مرجانی
تاریخ: ۱۳۹۱/۱۱/۰۷ ۱:۷

بین دوست من ، ابتدا [نگاهی به ساختار dropdown](#) لیست‌ها داشته باش.
مقداری که باید توی dropdown نشان داده بشند چیزی به این صورت‌هه :

```
<option value="value">Name</option>
```

مقداری که به سرور ارسال می‌شه مقدار داخل value هست و چیزی که نمایش داده می‌شه جای Name قرار می‌گیره حالا ما این جا می‌خواهیم این قسمت‌ها رو خودمان درست کنیم.

در یک حلقه each به اضافی مقادیری که از سرور گرفتیم loop می‌زنیم option را می‌سازیم و به dropdown اضافه می‌کنیم.
در مورد این قسمت هم باید بگم

```
.attr("value", data[i].Id).text(data[i].Title)
```

برای ایجاد کردن یک اتریبیوت به یک المان هست و از text هم برای مقداری دهی به خود المان به کار می‌رود.
مثلا برای یک رکورد که داری ای دی 100 و عنوان AmirHossein هست این option اینطوری ساخته می‌شه:

```
<option value="100">AmirHossein</option>
```

نویسنده: سعید یزدانی
تاریخ: ۱۳۹۱/۱۱/۰۷ ۱۹:۱۹

مرسى از جواب کاملتون

نویسنده: ziya
تاریخ: ۱۷:۴۵ ۱۳۹۲/۰۲/۰۶

1- من dropdownlist رو درست کردم ولی لازمه که توی کنترلرم مقدارش رو بدونم تا بتونم توی دیتابیسم ذخیره کنم ... چه جوری بدونم مقدارش چیه؟

2- با تگ input دوتا radio button درست کردم به مقدارهای این دو هم چه جوری از کنترلر دستری پیدا کنم (یعنی چطور متوجه شم که کاربر کدام را انتخاب کرده که براساس انتخابش باید توی جدولهای جداآگونه ذخیره بشه)

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۲۱:۴۵ ۱۳۹۲/۰۲/۰۶

- در مورد radio button list [مطلوب داریم](#) در سایت.
- برای استفاده مقدماتی از DropDownList [یک مثال کامل](#) در سایت ASP.NET هست.

نویسنده: امیرحسین مرجانی
تاریخ: ۲۱:۵۶ ۱۳۹۲/۰۲/۰۶

سلام

1- به کامنت بالایی مراجعه کنید و ساختار DropDownList رو مطالعه کنید. همان طور که میبینید مقداری که به سرور ارسال میشود همان مقدار داخل Value است.

این شما هستید که DropDownList رو میسازید، همان مقداری که در value قرار میدهید ارسال میشود.

2- برای این هم شما رو ارجاع میدم به [ساختار Radio button](#).
نمونه:

```
<form>
<input type="radio" name="sex" value="male">Male<br>
<input type="radio" name="sex" value="female">Female
</form>
```

شما در اینجا دو radio دارید که دارای نام یکسان هستند و مقادیر Value آنها تفاوت دارد.

در اینجا هم شما میتوانید در کنترلر خود با name ان radio مقدار آن را در یافت کنید.

به عنوان مثال شما در کنترلر یکی از مقدارهای male و female را دریافت میکنید.

نویسنده: nasim
تاریخ: ۱۸:۴۷ ۱۳۹۲/۰۲/۱۴

سلام

من از SelectListItem linq استفاده کرم. در view هم از این SelectListItem مشکل چیه؟

لطفا راهنمایی کنید

نویسنده: محسن خان
تاریخ: ۱۹:۳۱ ۱۳۹۲/۰۲/۱۴

یه مطلب خوب در مورد [دیاگ کدهای جی کوئری](#) چند وقت پیش در سایت مطرح شده. شاید بتونه به شما در پیدا کردن مشکل کمک کنه.

نویسنده: nasim

من این کارو امتحان کردم مشکلی نداره. میدونید کلا کد جی کوئری من رو اجرا نمیکنه. با یک alert امتحان کردم. اگه کنترلر از نو scaffolding نباشه کار نمیکنه؟ من زیاد بلد نیستم

نویسنده: محسن خان
تاریخ: ۱۶:۴۷ ۱۳۹۲/۰۲/۱۷

این قسمت JSON رو با url درستی مقدار دهی کردید؟ این آدرس رو باید بر اساس برنامه خودتون تغییر بدید.

نویسنده: امیرحسین مرجانی
تاریخ: ۱۶:۵۳ ۱۳۹۲/۰۲/۱۷

سلام
اگر امکان داره دقیق‌تر سوال رو بیان کنید و یا کدی که نوشته‌ید ایجا بگذارید.

نویسنده: nasim
تاریخ: ۱:۳۲ ۱۳۹۲/۰۲/۱۸

سلام
من از دو فیلد از 2 دیتابیس رو با دو dropdown نمایش دادم به صورت زیر:

```
public ActionResult Create()
{
    Models.category cat = new Models.category();
    List<SelectListItem> list = cat.GetList().Select(p => new SelectListItem { Text = p.category1, Value = p.ID.ToString() }).ToList();

    list[0].Selected = true;
    ViewData["Category1"] = list;

    Models.subcategory subcat = new Models.subcategory();

    List<SelectListItem> list1 = subcat.GetList().Select(p => new SelectListItem { Text = p.subcategory1, Value = p.ID.ToString() }).ToList();

    list1[0].Selected = true;
    ViewData["Category2"] = list1;

    return View();
}
-----razor view-----
<div>
    @if (List<SelectListItem> lstCategories = (List<SelectListItem>)ViewData["category1"] != null)
        @Html.DropDownList("dbcat", lstCategories, new { id = "dbcat" })
    </div>
    <div>
        @if (List<SelectListItem> lstsubCategories = (List<SelectListItem>)ViewData["Category2"] != null)
            @Html.DropDownList("dbsubcat", lstsubCategories, new { id = "dbsubcat" })
    </div>
```

قسمت کنترلر برای ارتباط دو dropdownlist

```
public ActionResult SelectCategory(int id)
{
    studentDataContext db = new studentDataContext();
    var subcat = db.subcategories.Where(m => m.ID == id).Select(c => new
    {
        c.ID,
        c.subcategory1
    });
    return Json(subcat, JsonRequestBehavior.AllowGet);
}
```

و قسمت کد جی کوئری:

```
<script src="~/Scripts/jquery-1.7.1.min.js"></script>
```

```
<script type="text/javascript">
  $('#dbcatt').change(function () {
    jQuery.getJSON('@Url.Action("SelectCategory")', { id: $(this).attr('value') }, function (data) {
      $('#dbsubcat').empty(); jQuery.each(data, function (i) {
        var option = $('<option></option>');
        .attr("value", data[i].Id).text(data[i].Title); $("#dbcatt").append(option);
      });
    });
  });
</script>
```

قسمت کد جی کوئری من اجرا نمیشه. حتی alert داخل

```
$( '#dbcatt' ).change( function ()
```

گذاشتم اجرا نشد. لطفا راهنمایی کنید
با تشکر

```
$(function () {
  اینجا اسکریپت‌های جی‌کوئری باید تعریف شوند //
});
```

نویسنده: محسن خان
تاریخ: ۹:۱۳ ۱۳۹۲/۰۲/۱۸

قسمت کد جی‌کوئری رو باید در document ready قرار بدید

نویسنده: زرین
تاریخ: ۱۴:۲۸ ۱۳۹۲/۰۲/۲۹

سلام، با تشکر از آموزش‌های فوق العاده تون از درس ۱ تا این قسمت‌ها
من ۲ ماهی هست که شروع کردم به یادگیری mvc و امروز رسیدم به این قسمت، برنامه رو مثل شما نوشتم و یه کم مشکل
دارم: قسمتی که باید dropdownList دوم که گروه است رو پر کنه کار نمی‌کنه! وارد کد jquery میشه و حتی متده SelectCategory
رو هم فراخوانی میکنه اما dropdownList دومم رو خالی بر می‌گردونه!

نویسنده: محسن خان
تاریخ: ۱۴:۴۸ ۱۳۹۲/۰۲/۲۹

```
Select(c => new { c.Id, c.Title })
```

خروجی شما باید همین‌ها باشه در متده SelectCategory گروه، البته مطابق کدهای جی‌کوئری نوشته شده

نویسنده: زرین
تاریخ: ۱۵:۱۰ ۱۳۹۲/۰۲/۲۹

ممنونم از پاسختون؛ جواب داد :-

نوبتندۀ: بهادر
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۸/۱۹ ۲:۳۶

با سلام

من از کد زیر استفاده کردم تا موارد تکراری حذف بشه اما dropdown بدون value هست در هر آیتمش.

```
ViewBag.city = new SelectList(_db.regions.Select(r => r.region_main).Distinct(), "region_main");
```

لطفا راهنمایی بفرمایید
با تشکر

نوبتندۀ: داود
تاریخ: ۱۳۹۳/۰۲/۲۵ ۱۱:۲۸

با سلام؛ من شبیه همچین کاری می‌خواهم انجام بدم با این تفاوت که وقتی با استفاده از dropdownFor یکی رو انتخاب می‌کنیم property مخصوص به اون سمت.viewmodel نیز تغییر کنه.
مکان dropdownlist خارج از beginform هستش و با binding ام وی سی مقدار set نمی‌شه.

نوبتندۀ: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۳/۰۲/۲۵ ۱۲:۴۱

```
$('#dbcat').change(function () {
    var selectedItem = $(this).val();
    $.post( "----url----", { item: selectedItem } );
});
```

+ عنصر خارج از فرم را نمی‌شود توسط submit معمولی به سرور ارسال کرد؛ مگر اینکه از Ajax استفاده کنید و عناصر مورد نیاز را از قسمت‌های مختلف صفحه جمع‌آوری و به سرور ارسال کنید؛ مانند کدهای فوق. یا اینکه در Rخداد change، یک فیلد مخفی داخل فرم را با مقدار value انتخابی مقدار دهی کنید. به این ترتیب چون این فیلد مخفی، داخل فرم هست، قابلیت ارسال به سرور را از طریق دکمه‌ی استاندارد و غیر Ajax ایی submit، خواهد یافت.

نوبتندۀ: رضا منصوری
تاریخ: ۱۳۹۳/۰۴/۱۹ ۱۴:۱۴

یک تجربه :

این سلکتور \$('') برای کار با value در Option نال برمی‌گردوند و من من اینجوری استفاده کردم

```
$('#Cities').change(function () {
    jQuerygetJSON('@Url.Action("SelectTown")', { id: $(this).val() }, function (data) {
        $('#Towns').empty();
        jQuery.each(data, function (i) {
            var option = $('<option></option>').val(data[i].ID).text(data[i].Name);
            $('#Towns').append(option);
        });
    });
});
```

منظورم استفاده از val به جای attr('value'). هستش. نمیدونم شاید بخارتر نسخه جدیدتر jquery هست.

نوبتندۀ: مهیاں هانی
تاریخ: ۱۳۹۳/۱۰/۰۳ ۹:۱۱

با سلام؛ من راجب `dropDown` در پیج `Edit.cshtml` سوال دارم. چطور می‌تونم `SelectedItem` را تنظیم کنم، منظورم اینکه وقتی صفحه ویرایش لود می‌شود، منوی کشویی روی هموم آیتمی باشه که کاربر قبل وارد کرده و در داخل `DataBase` ذخیره شده.

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۹:۲۰ ۱۳۹۳/۱۰/۰۳

از مقدار دهی چهارمین پارامتر `SelectList` برای تعیین `selectedValue` استفاده کنید:

```
public SelectList(IEnumerable items, string dataValueField, string dataTextField, Object selectedValue)

// in controller
ViewBag.Countries = new SelectList(countries.GetCountries(), "id", "countryName", "82" /* selected id */);

// in view
@Html.DropDownListFor(model => model.CountryId, (IEnumerable<SelectListItem>)ViewBag.Countries, new {
@class = "form-control" })
```

همانگونه که اطلاع دارید یکی از روش‌های سرقت اطلاعات استفاده از نرم افزارهای جاسوس صفحه کلید ([Key Logger](#)) است، البته ثبت کلیدهای فشرده شده می‌تواند توسط سخت افزارهایی که سر راه سوکت صفحه کلید و کیس قرار می‌گیره، انجام بشه. در صورتی که چنین سخت افزاری (مخصوصاً در کافی نت‌ها) روی کامپیوتر کاربر نصب باشه، یا توسط ویروس و [بدافزارها](#) اینگونه نرم افزارهایی روی سیستم کاربر قرار بگیره هر کلیدی که توسط کاربر روی صفحه کلید فشرده می‌شده توسط اینها ثبت شده و در موقع مناسب برای فرد سازنده به طرقی (ایمیل یا ارتباط از طریق [برنامه‌های مبتنی بر سوکت](#)) حتی بسیاری از این برنامه‌ها پا را فراتر گذاشته و عنوان پنجره ای که کلیدها در آن فشرده شده نیز ثبت می‌شود (توسط توابع API ویندوز- البته اگر دوستان مایل باشن و از نظر مدیریت سایت ایرادی نداشته باشه، نحوه طراحی این نوع برنامه‌های جاسوس سخت افزار، صفحه کلید، یا ماوس آموزش می‌دم توی همین سایت)، حال برای امنیت برنامه‌های تحت وب یا ویندوز چگونه می‌توان در زمان ورود اطلاعات حساس مانند کلمه عبور یا شماره کارت اعتباری این امنیت را برای کاربر ایجاد کرد که داده‌هایش توسط این سخت افزارها یا بدافزارها جایی ثبت نشود؟

بله، حدس شما درست است استفاده از صفحه کلیدهای مجازی می‌شود یکی از بهترین راه‌های ممکن هست، چون در این روش‌ها کلید به صورت سخت افزاری فشرده نمی‌شود (کلید فشرده شده به صفت پیام‌های ویندوز نمی‌رود) در نتیجه نرم افزارها سخت افزارهای جاسوس نمی‌توانند این اطلاعات را ثبت کنند. و کاربر با خیال راحت می‌تواند داده‌های خود را وارد نمایند (تاکید می‌کنم این روش فقط جلو این نرم افزارها یا سخت افزارها را می‌گیرد و تضمینی برای اینکه در زمان ارسال داده‌های شما لو نزود ندارد).

خوب حال چه باید کرد؟

یک راه می‌تواند پیاده‌سازی صفحه کلید مجازی با کدهای طرف کلاینت مانند جاوا اسکریپت و وی‌بی اسکریپت است، اما [گروهی](#) پلاگینی را توسعه داده‌اند که با چند خط کدنویسی ساده به راحتی می‌توانید یک صفحه کلید مجازی چندزبانه (با هر زبانی که دلخواه می‌خواهد) داشته باشید و از اون در برنامه‌های خودتون استفاده کنید.

نحوه‌ی نصب:

ایتدا فایل‌های مورد نیاز را از سایت [سازنده](#) که شامل [فایل جاوا اسکریپت](#)، [فایل استایل](#) و [یک تصویر](#) (آخرین نسخه) یا از این آدرس به صورت کامل (در حال حاضر نسخه 1.49) دریافت کرده، پس از دریافت فایل‌ها آنها را در هاست خود بارگزاری (آپلود) نمائید. سپس کدهای زیر را در صفحه‌ای که می‌خواهید صفحه کلید نمایش یابد در بین `<head>` ... `</head>` قرار دهید.

```
<script type="text/javascript" src="keyboard.js" charset="UTF-8"></script>
<link rel="stylesheet" type="text/css" href="keyboard.css">
```

حالا فقط کافی است به `input`ها و یا هر ورودی دیگر خود `class="keyboardInput"` بدهید.

مثال:

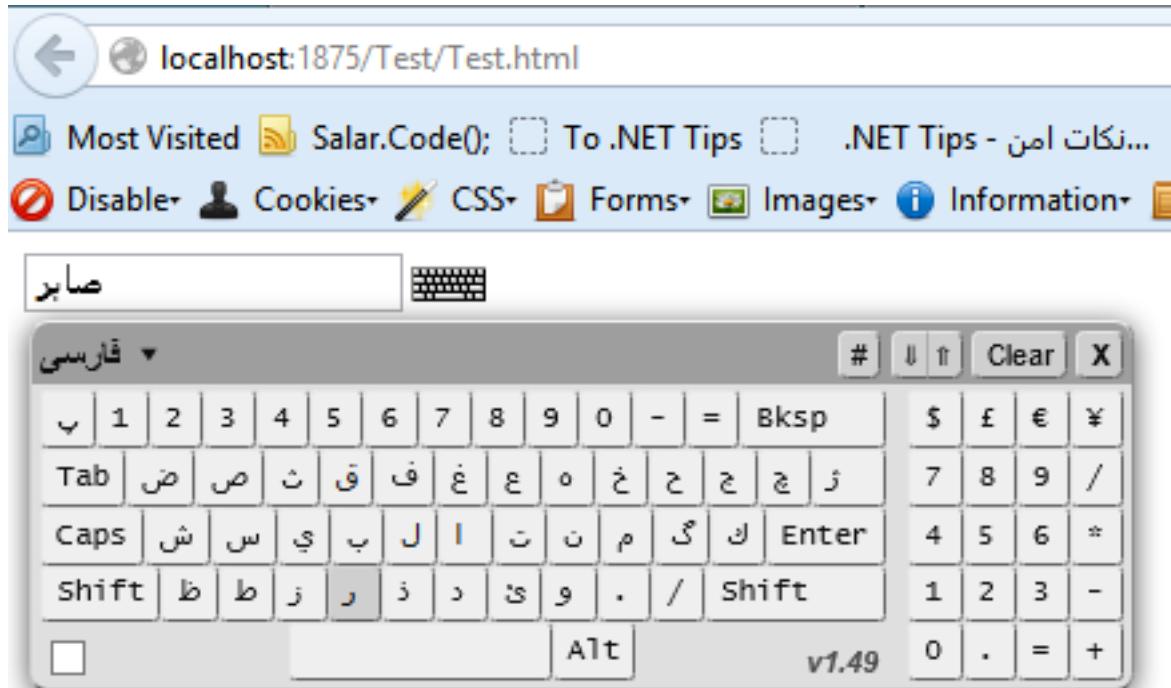
```
<input type="text" value="" class="keyboardInput">
```

در نهایت کد صفحه شما باید اینگونه باشد:

```
<!DOCTYPE html PUBLIC "-//W3C//DTD XHTML 1.0 Transitional//EN" "http://www.w3.org/TR/xhtml1/DTD/xhtml1-transitional.dtd">
<html xmlns="http://www.w3.org/1999/xhtml">
<head>
    <title></title>
    <script type="text/javascript" src="keyboard.js" charset="UTF-8"></script>
    <link rel="stylesheet" type="text/css" href="keyboard.css"/>
</head>
<body>
    <input type="text" value="" class="keyboardInput"/>
</body>
```

```
</html>
```

با این کار پس از اجرای صفحه مورد نظر خروجی شما مانند تصویر زیر خواهد بود، جهت محدود کردن کلیدها و عملیات دلخواه و سفارشی سازی با پارامترهای دلخواه می‌تواند از دموهای موجود در [سایت سازنده](#) بهره بگیرید.



موفق و موید باشید.

نظرات خوانندگان

نویسنده: مجتبی
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۹/۰۶ ۱۸:۰

سلام

تا جایی که یادم می‌داد، برنامه‌هایی هم بودن که نقاطی که موس روشنون کلیک کرده بود رو ذخیره می‌کردن (چطوریش رو نمی‌دونم!).

اگه همچین برنامه‌هایی وجود داشته باشن حتی اگه مثل صفحات پرداخت آنلاین بانک‌ها که جای ۱۰ کاراکتر عدد، تغییر می‌کنه، با آنالیز شماره کارت‌ها و مسائلی از قبیل اینکه هر بانک با شماره خاصی شروع می‌شه و...، فکر کنم بدست آوردن اطلاعات حساس کار سختی نباش... درست می‌گم؟

نویسنده: صابر فتح الهی
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۹/۰۷ ۱۱:۵۸

دوست من کار نشد نداره، امنیت نسبی هست

بله میشه این کار انجام داد به راحتی امکان پذیر هست، اما ذخیره نقاط چه کاربردی می‌تونی داشته باشه؟

نویسنده: امیرحسین مرجانی
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۹/۰۷ ۱۶:۴۶

مطلوب مفیدی بود.

ممونم

نویسنده: nojirom
تاریخ: ۱۳۹۱/۱۰/۱۹ ۱۵:۵۸

با تشکر از آقای فتح اللهی عزیز بابت این مطلب فقط زبان پیش فرض کیبورد راچگونه فارسی تنظیم کنیم

نویسنده: صابر فتح الهی
تاریخ: ۱۳۹۱/۱۰/۲۰ ۷:۳۷

سلام

دوست من در فایل اسکریپت مربوطه اوایل فایل این خط پیدا کرده

```
this.VKI_kts = this.VKI_kt = "US International"; // Default keyboard layout
```

و آن را به هر زبانی که دلخواه شماست تغییر دهید مثلا برای فارسی اینگونه است:

```
this.VKI_kts = this.VKI_kt = "\u0641\u0627\u0631\u0633\u06cc"; // Default keyboard layout
```

البته من توی همون فایل "fa" جستجو کردم و عنوان اون در این قسمت قرار دادم
موفق و موید باشید

نویسنده: حیدری
تاریخ: ۱۳۹۱/۱۲/۱۸ ۲۰:۵۶

سلام

مرسى ، دستتون درد نکنه
ایشالا همیشه موفق باشد

نویسنده: مرتضی محمودی
تاریخ: ۲۰:۱۵ ۱۳۹۲/۰۸/۲۴

درود
منو راهنمایی کنین که چطور از این کلاس برای `RadTextBox` یا دیگر `Input`‌های تلریک استفاده کنم
باتشکر....

نویسنده: محسن خان
تاریخ: ۲۰:۵۷ ۱۳۹۲/۰۸/۲۴

چه فرقی می‌کنه؟ [به خاصیت](#) یا کلاس `CSS` اش مقدار `keyboardInput` رو نسبت بده. تمام این کنترل‌های مصنوعی، نهایتاً به `input`‌های استاندارد HTML تبدیل و رندر می‌شن. و گرنه مرورگر نمی‌تونه اون‌ها رو تشخیص بده یا پردازش کنه.

نویسنده: مرتضی محمودی
تاریخ: ۲۲:۲ ۱۳۹۲/۰۸/۲۴

آخه سمت سرور که میره دیگه کلاس میپره. من تکست هام داخل `AjaxPanel` هست.

نویسنده: محسن خان
تاریخ: ۲۳:۱۲ ۱۳۹۲/۰۸/۲۴

[دوباره باید بایندش کنی](#).

نویسنده: مهیار نظری پور
تاریخ: ۱۹:۱۳ ۱۳۹۳/۰۴/۲۵

بی نهایت درود؛ بنده، به یک کیبورد، به شکل کی پد (تنها اعداد، بصورت ماشین حسابی) نیاز مندم.
برای درج در `فیلد` "شماره تماس" `فرم رزروشین` سایتم.
در نت خیلی گشتم، اماً چیزی نیافتم.
دقیقاً چیزی مثل کی پد درگاه آنلاین بانک، که برای درج شماره حساب و این‌ها بکار میره روی سایت.

نویسنده: صابر فتح الهی
تاریخ: ۰:۳۹ ۱۳۹۳/۰۴/۲۷

سلام
خوب میتوانید از همان کدهای درگاه بانک الگو برداری کنید
تلاشتون بکنید اگر نتوانستید من کدش برآتون بگیرم
موفق و موید باشد

همان طور که می‌دانید کاربرد پذیری در خیلی از پروژه‌ها حرف اول رو می‌زند و کاربر دوست دارد کارهایی که انجام می‌دهد خیلی راحت و با استفاده از موس باشد. یکی از کارهایی که در اکثر پروژه‌ها نیاز است، چیدمان ترتیب رکوردها است. ما می‌خواهیم در این پست ترتیبی اتخاذ کنیم که کاربر بتواند رکوردها را به هر ترتیبی که دوست دارد نمایش دهد.

ایجاد یک مورد جدید

عنوان	توضیحات	فعال	
مدل کلاسیک	طرح های قدیمی شیرآلات	<input checked="" type="checkbox"/>	ویرایش مشاهده حذف
مدل اهرمی	این مدل از طرح های جدید و نوبن بهره می برد.	<input checked="" type="checkbox"/>	ویرایش مشاهده حذف
سینک شاوری	توضیحاتی در مورد سینک های شاوری	<input checked="" type="checkbox"/>	ویرایش مشاهده حذف
دسته ها و پوسته ها	توضیحاتی در مورد دسته ها و پوسته ها	<input checked="" type="checkbox"/>	ویرایش مشاهده حذف
علم های دوش	توضیحاتی در مورد علم های دوش	<input checked="" type="checkbox"/>	ویرایش مشاهده حذف
سایر محصولات		<input checked="" type="checkbox"/>	ویرایش مشاهده حذف

از توضیحاتی که قبلاً دادم مشخص است که این کار احتمالاً در ASP.NET WebForm کار سختی نیست ولی این کار باید در MVC از ابتدا طراحی شود.

طرح سوال: یک سری رکورد از یک Table داریم که می‌خواهیم به ترتیب وارد شدن رکوردها نباشد و ترتیبی که ما می‌خواهیم نمایش داده شود.

پاسخ کوتاه: خب باید ابتدا یک فیلد (برای اولویت بندی) به Table اضافه کنیم بعد اون فیلد رو بنا به ترتیبی که دوست داریم رکوردها نمایش داده شود پر کنیم (Sort می‌کنیم) و در آخر هم هنگام نمایش در View رکوردها را بر اساس این فیلد نمایش می‌دهیم.

(این پست هم در ادامه پست قبلی در همان پروژه است و از همان Table ها استفاده شده است)

اضافه کردن فیلد :

ابتدا یک فیلد به Table مورد نظر اضافه می‌کنیم. من اسم این فیلد رو Priority گذاشتم. من چنین وضعیتی دارد.

Column Name	Data Type	Allow Nulls
Id	int	<input type="checkbox"/>
Title	nvarchar(200)	<input checked="" type="checkbox"/>
Description	text	<input checked="" type="checkbox"/>
ImagePath	varchar(500)	<input checked="" type="checkbox"/>
► Priority	int	<input checked="" type="checkbox"/>
IsActive	bit	<input type="checkbox"/>
CreatedOn	datetime	<input type="checkbox"/>
CreatedBy	uniqueidentifier	<input type="checkbox"/>
ModifiedOn	datetime	<input checked="" type="checkbox"/>
ModifiedBy	uniqueidentifier	<input checked="" type="checkbox"/>
IsDeleted	bit	<input type="checkbox"/>

افزودن فایل‌های jQuery UI :

در این مرحله شما نیاز دارید فایل‌های مورد نیاز برای Sort کردن رکوردها را اضافه کنید. شما می‌توانید فقط فایل‌های مربوط به Sortable را به صفحه خودتان اضافه کنید و یا مثل من فایل‌هایی که حاوی تمام قسمت‌های jQuery UI هست را اضافه کنید.

من برای این کار از Section استفاده کردم، ابتدا در Head فایل Layout دو Section تعريف کردم برای CSS و JavaScript . و فایل‌های مربوط به Sort کردن را در صفحه‌ای که باید عمل Sort انجام بشود در این Section ها قرار دادم.

فایل Layout

```
<head>
    <meta charset="utf-8" />
    @RenderSection("meta", false)
    <title>@ViewBag.Title</title>
    <link href="@Url.Content("~/Content/~Site.css")" rel="stylesheet" type="text/css" />
    <link href="@Url.Content("~/Content/redactor/css/redactor.css")" rel="stylesheet" type="text/css" />
    <link href="@Url.Content("~/Content/css/bootstrap-rtl.min.css")" rel="stylesheet" type="text/css" />
    @RenderSection("css", false)
    <script src="@Url.Content("~/Scripts/jquery-1.8.2.min.js")" type="text/javascript"></script>
    <script src="@Url.Content("~/Scripts/modernizr-1.7.min.js")" type="text/javascript"></script>
    <script src="@Url.Content("~/Content/js/bootstrap-rtl.js")" type="text/javascript"></script>
    <script src="@Url.Content("~/Content/redactor/redactor.min.js")" type="text/javascript"></script>
    <script src="@Url.Content("~/Scripts/jquery.unobtrusive-ajax.min.js")" type="text/javascript"></script>
    @RenderSection("js", false)
</head>
```

```
@model IEnumerable<KhazarCo.Models.Type>
 @{
    ViewBag.Title = "Index";
    Layout = "~/Areas/Administrator/Views/Shared/_Layout.cshtml";
}
@section css
{<link href="@Url.Content("~/Content/themes/base/jquery-ui.css")" rel="stylesheet" type="text/css" />}
@section js
{
    <script src="@Url.Content("~/Scripts/jquery-ui-1.9.0.min.js")" type="text/javascript"></script>
}
```

در آخر فایل Index.cshtml به اینصورت شده است:

```
<h2> نوع ها </h2>
<p> @Html.ActionLink("ایجاد یک مورد جدید", "Create", null, new { @class = "btn btn-info" }) </p>
<table>
    <thead>
        <tr>
            <th> عنوان </th>
            <th> توضیحات </th>
            <th> فعال </th>
        </th>
    </tr>
</thead>
<tbody>
    @foreach (var item in Model.OrderBy(m => m.Priority))
    {
        <tr id="@item.Id">
            <td> @Html.DisplayFor(modelItem => item.Title) </td>
            <td> @(new HtmlString(item.Description)) </td>
            <td> @Html.DisplayFor(modelItem => item.IsActive) </td>
            <td>
                @Html.ActionLink("ویرایش", "Edit", new { id = item.Id }, new { @class = "btnEdit" })
                @Html.ActionLink("مشاهده", "Details", new { id = item.Id }, new { @class = "btnDetails" })
                @Html.ActionLink("حذف", "Delete", new { id = item.Id }, new { @class = "btnDelete" })
            </td>
        </tr>
    }
</tbody>
</table>
```

** توجه داشته باشید که من به هر tr یک id اختصاص داده ام که این مقدار id همان مقدار فیلد Id همان رکورد هست ، ما برای مرتب کردن به این Id نیاز داریم (خط 25).

افزودن کدهای کلاینت :

حالا باید کدی بنویسم که دو کار را برای ما انجام دهد : اول حالت Sort پذیری را به سطرهای Table بدهد و دوم اینکه هنگامی که ترتیب سطرهای تغییر کرد ما را باخبر کند:

```
<script type="text/javascript">
$(function () {
    $("table tbody").sortable({
        helper: fixHelper,
        update: function (event, ui) {
            jQuery.ajax('@Url.Action("Sort", "Type", new { area = "Administrator" })', {
                data: { s: $(this).sortable('toArray').toString() }
            });
        }
    }).disableSelection();
});
var fixHelper = function (e, ui) {
    ui.children().each(function () {
        $(this).width($(this).width());
    });
    return ui;
};
</script>
```

توضیح کد :

در این کد ما حالت ترتیب پذیری را به Table می دهیم و هنگامی که عمل Update در Table انجام شدتابع مرتبه اجرا می شود. ما در این تابع، ترتیب جدید سطرهای را می گیریم (** به کمک مقدار Id که به هر سطر دادیم ، این مقدار Id برابر بود با Id خود رکورد در Database) و به کمک Sort از کنترلر Type در منطقه (Administrator) ارسال می کنیم و در آنجا ادامه کار را انجام میدهیم.

تابع fixHelper هم به ما کمک می کند که هنگامی که سطرهای از جای خود جدا می شوند ، دارای عرض یکسانی باشند و عرض آنها تغییری نکند.

افزودن کد Server :

حالا باید تابع Sort که مقادیر را به آن ارسال کردیم بنویسم. من این تابع را بر اساس مقداری که از کلاینت ارسال می شود اینگونه طراحی کردم .

```
public EmptyResult Sort(string s)
{
    if (s != null)
    {
```

```
public EmptyResult Sort(string s)
{
    if (s != null)
    {
        var ids = new List<int>();
        foreach (var item in s.Split(','))
    }
```

```

    {
        ids.Add(int.Parse(item));
    }
    int intpriority = 0;
    foreach (var item in ids)
    {
        intpriority++;
        db.Types.Single(m => m.Id == item).Priority = intpriority;
    }
    db.SaveChanges();
}
return new EmptyResult();
}

```

در اینجا مقدار Id که از کلاینت به صورت String ارسال شده است را می‌گیریم و بعد به همان ترتیب ارسال در لیستی از int قرار می‌دهیم .ids

سپس به اضافی هر رکورد Type مقدار اولویت را به فیلدی که برای همین مورد اضافه کردیم Priority اختصاص می‌دهیم . و در آخر هم تغییرات را ذخیره می‌کنیم. (خود کد کاملاً واضح است و نیازی به توضیح بیشتر نیست)

حالا باید هنگامی که لیست Type ها نمایش داده می‌شود به ترتیب (OrderBy) فیلد Priority نمایش داده شود پس تابع Index را اینطور تغییر می‌دهیم.

```

public ViewResult Index()
{
    return View(db.Types.Where(m => m.IsDeleted == false).OrderBy(m => m.Priority));
}

```

این هم خروجی کار من:

نوع ها

ایجاد یک مورد جدید

	فعال	توضیحات	عنوان
ویرایش مشاهده حذف	<input checked="" type="checkbox"/>	این مدل از طرح های جدید و نوبن بهره می برد.	مدل اهرمی
ویرایش مشاهده حذف	<input checked="" type="checkbox"/>	طرح های قدیمی شیرآلان	مدل کلاسیک
ویرایش مشاهده حذف	<input checked="" type="checkbox"/>	توضیحاتی در مورد سینک های شاوری	سینک شاوری
ویرایش مشاهده حذف	<input checked="" type="checkbox"/>	دسته ها و پوسته ها	دسته ها و پوسته ها
ویرایش مشاهده حذف	<input checked="" type="checkbox"/>	توضیحاتی در مورد علم های دوش	علم های دوش
ویرایش مشاهده حذف	<input checked="" type="checkbox"/>		سایر محصولات

این عکس مربوط به است به قسمت مدیریت پروژه [شیرآلات مرجان خزر](#).

نظرات خوانندگان

نویسنده: سعید
تاریخ: ۲۱:۱۲ ۱۳۹۱/۰۹/۰۸

« این کار احتمالا در ASP.NET WebForm کار سختی نیست »

اتفاقا کار ساده‌ای نیست و همین مراحل باید طی شود. ضمن اینکه کار با ajax در آنجا به این یک دستی نیست. نیاز است در code behind فرم، متدهای سرویس مانندی به صورت استاتیک تعریف شود (که خودش سبب می‌شود تا دسترسی به اعتبار سنجی توکار مبتنی بر فرم‌ها محدود شود) یا اینکه از یک هندرلر مجزا بجای یک اکشن متدهای کمک گرفته شود ... خلاصه خیلی داستان دارد.

نویسنده: امیرحسین مرجانی
تاریخ: ۲۱:۱۶ ۱۳۹۱/۰۹/۰۸

من خودم این کار رو در webform انجام ندادم و خیلی هم با سختی هاش آشنای ندارم.
ولی فکر کردم شاید با update panel بشه این کار رو راحت انجام داد.
خب نظرتون راجب به راه حل من چیه؟

راه حل خوبی ارائه دادم؟ متن قابل فهم بود؟

نویسنده: سعید
تاریخ: ۲۱:۲۰ ۱۳۹۱/۰۹/۰۸

بسیار عالی.

فقط در مورد update panel ... تنها کاری که انجام می‌دهد کپسوله کردن ارسال مقادیر به سرور است به صورت ajax سازگار با کنترل‌های دارای view state . بیشتر از این کاری انجام نمی‌دهد. مابقی آن اگر یک سری کنترل در آن موجود باشد برای این کارها یا خیر. این toolkit هم محدود است و آنچنان به روز نمی‌شود.

نویسنده: امیرحسین مرجانی
تاریخ: ۲۱:۲۳ ۱۳۹۱/۰۹/۰۸

ممnonم از پاسختون
از اینکه سوییچ کردم روی MVC خوشحالم (:)
البته یکی از دلایلی هم که این کار رو کردم همین راحتی استفاده Ajax بود.

نویسنده: امیر آشنا
تاریخ: ۲۲:۴ ۱۳۹۱/۰۹/۰۸

سلام
مطلوب مفیدی بود ولی می‌توانستید بیشتر توضیح بدید.
برای ما افراد مبتدی درک بعضی قسمت‌ها کمی مشکل هست.
ولی باز هم ممنونم

نویسنده: امیرحسین مرجانی

تاریخ: ۰۸/۰۹/۱۳۹۱:۷:۲۲

سلام

بفرمایید کدام قسمت‌ها تا بیشتر توضیح بدم.

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۰۸/۰۹/۱۳۹۱:۲۱:۲۲

پیشیازهای مطلب جاری:

- در مورد `(^)`: RenderSection
- مقدمه‌ای بر `(^)`: MVC
- کل مباحث Entity framework سایت `(^)`
- `db.SaveChanges()` و `EmptyResult`
- علت استفاده از `Url.Action Sort@()` در حین آدرس دهنده

نویسنده: امیرحسین مرجانی
تاریخ: ۰۸/۰۹/۱۳۹۱:۲۳:۲۲

واقعاً تشکر می‌کنم با بت این لیستی که ارائه کردید.
بحث تکمیل شد
به نظر شما باید بیشتر به جزئیات اهمیت داده می‌شد؟

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۰۸/۰۹/۱۳۹۱:۴۱:۲۲

ضرورتی نداره. چون واقعاً به اندازه لیستی که عنوان شد نیاز به پیشیاز درک این مطالب هست و فرصت تکرار آن‌ها نیست. این مطالب جدید، یک سری مطالب تکمیلی هستند نه مطالب پایه و از صفر.

نویسنده: محسن موسوی
تاریخ: ۰۹/۰۹/۱۳۹۱:۴۱:۲۴

با استفاده از [Web API Controller](#) تقریباً به همین راحتی امکان‌پذیره. تغییر زیادی هم نیاز نداره.

نویسنده: امیرحسین مرجانی
تاریخ: ۰۹/۰۹/۱۳۹۱:۳۷:۰

ممnonem آقای موسوی
قابل توجه آقا سعید (احتمالاً این مطلب برای شما مفیده)

نویسنده: سعید
تاریخ: ۰۹/۰۹/۱۳۹۱:۵۲:۰

- نیاز به 2012 vs داره.
- نمیشه یک فرم رو `strongly typed` تعریف کرد مثل مثال بالا:

```
@model IEnumerable<KhazarCo.Models.Type>
```

نویسنده: محسن موسوی
تاریخ: ۰۹/۰۹/۱۳۹۱:۲۱:۱۰

بحث در مورد UI نبود. بحث در مورد استفاده کردن بود.
در ضمن در Web Form ها نیز از امکاناتی شبیه به MVC می‌توان بهره برد. ([^](#))

نویسنده: سعید
تاریخ: ۱۰:۴۶ ۱۳۹۱/۰۹/۰۹

فقط mvc هست که امکان استفاده از چند view engine را با هم دارد.

صفحه‌ای که لینک دادید مربوط است به [web pages](#) برای کار با web matrix .web forms و [asp.net](#). این web pages برای کار با webmatrix طراحی شده.

نویسنده: محسن موسوی
تاریخ: ۱۱:۴۴ ۱۳۹۱/۰۹/۰۹

- استفاده از این قابلیت در [Web Page](#) ها توسط VS
 - استفاده از این قابلیت در [Web Form](#) ها توسط VS
- هر دو مورد توسط VS استفاده شده است.

نویسنده: سعید
تاریخ: ۱۱:۴۵ ۱۳۹۱/۰۹/۰۹

```
<iframe src="/twitter" frameborder="0" height="400" width="270" scrolling="no"></iframe>
```

فلسفه و کاربرد web pages متفاوت است. در مورد وب فرم‌ها هم نمی‌توانید از razor استفاده کنید چون در یک فایل نمی‌شود از دو موتور view و فرم‌ها، نامش همین view engine است و قابل تعویض هم نیست (برخلاف MVC). در مقاله‌ای که لینک دادید، داره از یک `iframe` استفاده می‌کنه برای الحق razor.

به علاوه در مورد Web API که کلا مطلب جدیدی نیست. نسخه ساده شده WCF است.

نویسنده: محسن موسوی
تاریخ: ۱۲:۲۷ ۱۳۹۱/۰۹/۰۹

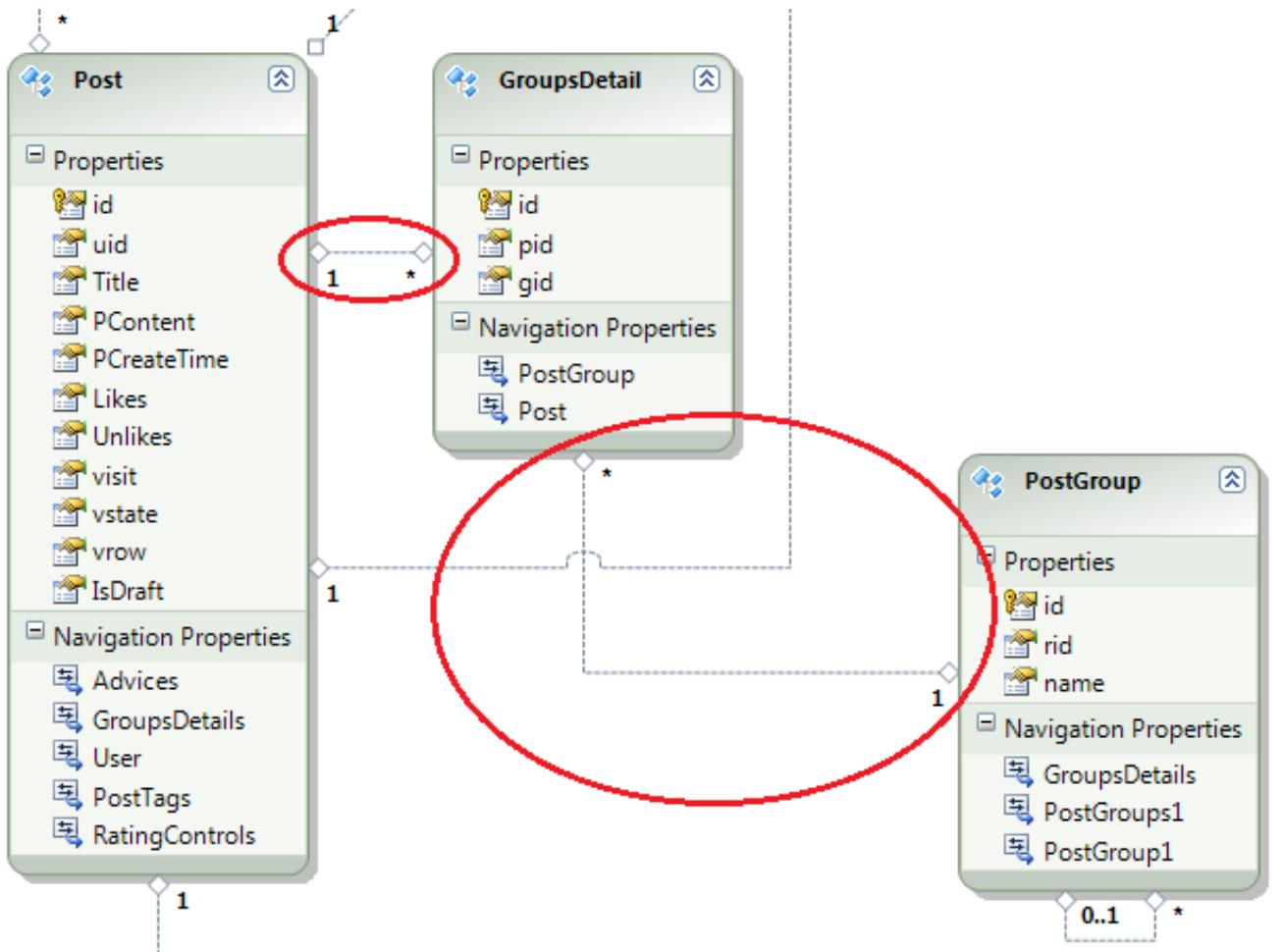
دوست عزیز
بحث ما در مورد توانایی انجام موارد فوق الذکر بود. نه اینکه حالا چون ...
به توانایی‌های MVC شکی نیست. مسئله اصلی اینه که آیا پست جاری را می‌توان به راحتی با WebForm و يا [WebPage](#) انجام داد؟!
چه از طریق قابلیت‌های ASP.NET Web Page و ASP.NET Web Form راحته.
استفاده از Razor چه از طریق [Iframe](#) و [Jquery](#) (نظر قبلی) و یا [به طور مستقل](#) و یا روش‌های دیگر در ASP.NET Web Form و ASP.NET Web Page
و استفاده معمولی با توانایی‌های [.DataBind](#) در [Razor View Engine](#) یا بطور کامل از [Web Page](#) در نهایت کار سختی نیست.

نویسنده: سعید
تاریخ: ۱۲:۴۳ ۱۳۹۱/۰۹/۰۹

razor بی‌جهت اینجا طرح شد. من در مورد `strongly typed view` سطیری رو نوشتم. این نوع viewها مستقل از نوع view

هستند. در mvc حتی با موتور `Web forms` هم میشه یک چنین view های تحت نظر کامپایلری رو با پشتیبانی کامل از engine داشت. intellisense

فرض کنید ساختار زیر را در مدل ساخته شده به وسیلهٔ Entity framework در پروژه‌ی خود داریم.



جدول Post با جدول GroupsDetail ارتباط یک به چند و در مقابل آن جدول GroupsDetail با جدول PostGroup ارتباط چند به یک دارد. به زبان ساده ما تعدادی گروه بندی برای مطالب داریم (در جدول PostGroup) و میتوانیم برای هر مطلب تعدادی از گروه‌ها را در جدول GroupsDetail مشخص کنیم ...

فکر میکنم همین مقدار توضیح به اندازه‌ی کافی برای درک روابط مشخص شده در مدل رابطه‌ای مفروض کفايت کند.

حالا فرض کنید ما میخواهیم لیستی از عنوان مطالب موجود به همراه [نام] گروه‌های هر مطلب را داشته باشیم.

توجه شما رو به قطعه کد ساده‌ی زیر جلب میکنم:

```

var context = new Models.EntitiesConnection();
var query = context.Posts.Select(pst => new {
    id = pst.id,
    Title = pst.Title,
    GNames = pst.GroupsDetails.Select(grd => new { Name = grd.PostGroup.name })
})
.OrderByDescending(c => c.id)
.ToList();
  
```

همانطور که شاهد هستید در قطعه کد بالا توسط خواص راهبری (Navigation Properties) به صورت مستقیم نام گروههای ثبت شده برای هر مطلب در جدول GroupsDetail را از جدول Groups استخراج کردیم . خب تا اینجا مسئله ای وجود نداشت (البته با ORM ها این کار بسیار سهل و اسان شده است تا جایی که در حالت عادی برای همین کار باید کلی join نویسی کرد و در کل خدارو شکر که از دست کارهای تکراری و خسته کننده توسط این موجودات مهربان (ORM's) نجات یافتیم)

خب میرسیم به ادامه مطلبیمون . نتیجه این query چه خواهد بود ؟ کاملا واضح است که ما تعداد دلخواهی از فیلدها رو برای واکشی مشخص کردیم پس در نتیجه نوع داده ای که توسط این query بازگشت داده خواهد شد یک لیست از یک نوع بی نام میباشد ... چگونه از نتیجه این query در صورت ارسال اون به عنوان یک پارامتر به یکتابع استفاده کنیم ؟ اگر ما تمامی فیلدهای جدول Post را واکشی میکریم مقدار بازگشتی یک لیست از نوع Post بود که به راحتی قابل استفاده بود مثل مثال زیر

```
public bool myfunc(List<Post> query)
{
    foreach (var item in query)
    {
        .... string title = item.Title;
    }
...return true;
}
.

.

.

var context = new Models.EntitiesConnection();
var queryx = context.Posts.ToList();
.... myfunc(queryx );
```

- اما حالا با یک لیست از یک نوع بی نام رو به رو هستیم ... چند راه مختلف برای دسترسی به این گونه از مقادیر بازگشتی داریم .
- 1 : استفاده از Reflection برای دسترسی به فیلدهای مشخص شده .
 - 2 : تعریف یک مدل کامل بر اساس فیلدهای مشخص شده بازگشتی و ارسال یک لیست از نوع تعریف شده به تابع . (به نظرم این روش خسته کننده و زیاد شکل نیست چون برای هر query خاص مجبوریم یک مدل کلی تعریف کنیم و این باعث میشه تعداد زیادی مدل در نهایت داشته باشیم که استفاده از زیادی از اونها نمیشه عملا)
 - 3 : استفاده از یکی از روش های خلاقانه تبدیل نوع Anonymous ها .

روش سوم روش مورد علاقه من هست و انعطاف بالایی دارد و خیلی هم شیکو مجلسیه ! در ضمن این روش که قراره ذکر بشه کاربردهای فراوانی دارد که این مورد فقط یکی از اونهاست
خب بریم سر اصل مطلب . به کد زیر توجه کنید :

```
public static List<T> CreateGenericListFromAnonymous<T>(object obj, T example)
{
    return (List<T>)obj;
}
public static IEnumerable<T> CreateEmptyAnonymousIEnumerable<T>(T example)
{
    return new List<T>(); ;
}
////

public bool myfunc(object query)
{
    var cquery = CreateGenericListFromAnonymous(query,
        new {
            id = 0,
            Title = string.Empty,
            GNames = CreateEmptyAnonymousIEnumerable(new { Name =
string.Empty })
        });
    foreach (var item in cquery)
    {
```

```

        string title = item.Title;
        foreach (var gname in item.GNames)
        {
            string gn = gname.Name;
        }

        .
        .

        }
        return false;
    }

    .
    .

    var context = new Models.EntitiesConnection();
    var query = context.Posts.Select(pst => new
    {
        id = pst.id,
        Title = pst.Title,
        GNames = pst.GroupsDetails.Select(grd => new { Name =
grd.PostGroup.name })
    }).OrderByDescending(c => c.id);
    myfunc(query.ToList());
}

```

در کد بالا به صورت تو در تو از انواع بی نام استفاده شده تا مطلب برآتون خوب جا بیوافته . یعنی یک نوع بی نام که یکی از فیلدهای اون یک لیست از یک نوع بی نام دیگست ... خب میبینید که خیلی راحت با دو تابع ما تبدیل انواع بی نام رو به صورت inline انجام دادیم و ازش استفاده کردیم . بدون اینکه نیاز باشه ما یک مدل مجزا ایجاد کنیم ... تابع CreateGenericListFromAnonymous : یک object رو میگیره و اون رو به یک لیست تبدیل میکنه بر اساس نوعی که به صورت inline براش مشخص میکنیم .

تابع CreateEmptyAnonymousIEnumarable یک لیست از نوع IEnumarable را بر اساس نوعی که به صورت inline براش مشخص کردیم بر میگردونه . دلیل اینکه من در اینجا این تابع رو نوشتم این بود که ما در query یک فیلد با نام GNames داشتیم که مجموعه ای از نام گروههای هر مطلب بود که از نوع IEnumarable هستش . در واقع ما در اینجا نوع بی نامی داریم که یکی از فیلدهای اون یک لیست از یک نوع بی نام دیگست . امیدوارم مطلب برآتون جا افتاده باشه . دوستان عزیز سوالی بود در قسمت نظرات مطرح کنید .

نظرات خوانندگان

نویسنده: سعید
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۹/۲۱ ۱۷:۱۱

با تشکر. روش‌های دیگری هم برای بازگشت انواع بی نام و نشان وجود دارند:

- خروجی متاد را `object` تعریف کنیم

- خروجی متاد را یک لیست از نوع `dynamic` (سی شارپ ۴) تعریف کنیم

- خروجی متاد را فقط `ienumerable` تعریف کنیم (نیازی به ذکر `t` ندارد الزاما)

نویسنده: سید مهران موسوی
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۹/۲۱ ۲۰:۴۷

ممنون از نکاتی که ذکر کردید . از نکات ذکر شده برجسته ترینش استفاده از انواع `dynamic` هستش که کار رو ساده میکنه ولی خب مشکلاتی رو هم به وجود میاره مثلا اشکال زدایی رو سخت میکنه. هر چند که این نوع کار خودش رو با Reflection در زمان اجرا انجام میده و استفاده از اون رو ساده میکنه ولی خب استفاده مستقیم از روش‌های سطح پایین‌تر مزایایی رو هم داره مثلا مثال زیر رو در نظر بگیرید

```
public bool sample(object query)
{
    System.Reflection.BindingFlags flags = System.Reflection.BindingFlags.Public |
    System.Reflection.BindingFlags.NonPublic |
    System.Reflection.BindingFlags.Static |
    System.Reflection.BindingFlags.Instance |
    System.Reflection.BindingFlags.DeclaredOnly;
    foreach (var item in query.GetType().GetProperties(flags))
    {
        string test = item.GetValue(query, null).ToString();
        // Do Something ...
    }
    return false;
}
```

خب حلا فرض کنید ما میخوایم یک `Table Generator` بسازیم که بر اساس لیست نتایج بازگشت داده شده توسط `Entity framework` یک جدول رو برامون ایجاد میکنه . طبیعی هست که هر بار ما یک نوع داده ای بی نام رو براش ارسال میکنیم اگه ما بخوایم نوع `dynamic` رو به عنوان پارامترتابع تعریف کنیم نمیتوانیم به فیلدهای نوع بی نام دسترسی داشته باشیم چرا که هر بار فیلدها فرق میکنه و این تابع قراره در زمان اجرا فیلدها رو تشخیص بده ولی در انواع `dynamic` ما نام فیلد رو در زمان طراحی مشخص میکنیم و در زمان اجرا توسط نوع `dynamic` بسط داده میشه که این موضوع واسه همچین مواردی کارایی نداره ... و باید در نظر داشته که انواع `dynamic` فقط میتوانن به فیلدهای `public` دسترسی داشته باشن ولی ما با `reflection` میتوانیم محدوده دسترسی رو مشخص کنیم...

و اما در رابطه با مطلب بالا : بر فرض ما مجموعه ای از دادهها رو توسط `Entity framework` واکشی کردیم و یک نوع بی نام داریم و حالا میخوایم مثلا با `Table Generator` فرضی دو جدول رو از همین یک بار واکشی ایجاد کنیم که هر کدام شامل یک سری فیلدها هستن و یک سری فیلدها رو از نوع بی نام واکشی شده شامل نمیشن . ما میتوانیم یک تابع داشته باشیم که فیلد رو از نوع بی نام هم به عنوان یک پارامتر به صورت `inline` براش بفرستیم که فیلدهای مورد نظرمون رو از نوع بی نام مرتع شامل میشه . حالا با کمی توسعه `CreateGenericListFromAnonymous` و مپ کردن نوع بی نام مرتع با نوع بی نام ارسال شده توسط پارامتر و استفاده از `Reflection` میتوانیم فقط فیلدهایی رو که به صورت `inline` مشخص کردیم داشته باشیم و با یک بار واکشی اطلاعات چندین بار اون رو با شکل‌های مختلف پردازش کنیم و این فقط یک مثال بود و مطلب بالا صرفا ایده ای بود که دوستان بتونن کارهای خلاقانه ای رو از طریق اون انجام بدن

نویسنده: ایلیا

تاریخ: ۲۰:۵۹ ۱۳۹۱/۰۹/۲۱

عالی بود. من همیشه یک مدل کامل ایجاد می‌کردم. ولی حالا خیلی راحت شد. تشکر فراوان.

نویسنده: سجاد

تاریخ: ۱۷:۴۴ ۱۳۹۱/۰۹/۲۲

بسیار عالی! اگه در مورد "حالا با کمی توسعه `CreateGenericListFromAnonymous` و مپ کردن نوع بی نام مرجع با نوع بی نام ارسال شده توسط پارامتر و استفاده از `Reflection` میتوانیم فقط فیلدایی رو که به صورت `inline` مشخص کردیم داشته باشیم" بیشتر توضیح بدین ممنون میشم

نویسنده: سید مهران موسوی

تاریخ: ۲۲:۱۹ ۱۳۹۱/۰۹/۲۲

خواهش میکنم قابل نداشت. دوست عزیز این مطلب واقعا پیچیده و تخصصی هستش من یک نمونه واستون نوشتم که کد رو برآتون میزارم ولی برای فهم کاملش نیاز به اشنایی عمقی با ساختار دات نت و کار با رفلکشن داره که توضیحش در چند خط نمیگنجه بحثه یک کتاب کامله. این نمونه کد که نوشتمن دقیقا همون چیزی هست که درخواست توضیحش رو دادید.

```
public static List<T> CreateGenericListFromAnonymous<T>(object obj, T example)
{
    var newquery = new List<T>();
    var constructor = typeof(T).GetConstructors(
        System.Reflection.BindingFlags.Public | System.Reflection.BindingFlags.NonPublic |
        System.Reflection.BindingFlags.Instance
    ).OrderBy(c => c.GetParameters().Length).First();
    foreach (var item in ((IEnumerable<object>)obj))
    {
        var mapobj = new object[example.GetType().GetProperties().Count()];
        int counter = 0;
        foreach (var itemmap in example.GetType().GetProperties())
        {
            object value = item.GetType().GetProperty(itemmap.Name).GetValue(item, null);
            Type t = itemmap.PropertyType;
            mapobj[counter] = Convert.ChangeType(value, t);
            counter++;
        }
        newquery.Add((T)constructor.Invoke(mapobj));
    }
    return newquery;
}

var context = new Models.EntitiesConnection();
var query = context.Posts.Select(pst => new
{
    id = pst.id,
    Title = pst.Title,
    Likes = pst.Likes,
    Unlikes = pst.Unlikes
}).OrderByDescending(c => c.id);

object test_custom_casting = CreateGenericListFromAnonymous(query.ToList(), new { id = 0, Title =
string.Empty });
```

همینطور که میبینید نتیجه‌ی بازگشتی از یک `query` مرجع یک `list` شامل **فقط و فقط** فیلدایی هست که به صورت `inline` توسط انواع بی نام مشخص شده! امیدوارم مفید واقع شده باشه. یا حق

نویسنده: ناصر فرجی

تاریخ: ۱۲:۲۳ ۱۳۹۲/۰۱/۱۸

من همیشه از `viewmodel` استفاده میکنم و فک میکنم روش استانداردتری باشه. ممنون بابت اشتراک گذاری این مطلب.

نویسنده: pjimax

تاریخ: ۱۳۹۲/۰۲/۲۱ ۲۱:۹

با سلام و تشکر من مقاله شما رو در پروژه خودم پیاده سازی کردم. فقط جای دوتا چهارتا جدول join کردم اما
List<T>)obj; خطای میده
لطفا راهنمایی کنید

نویسنده: محسن خان

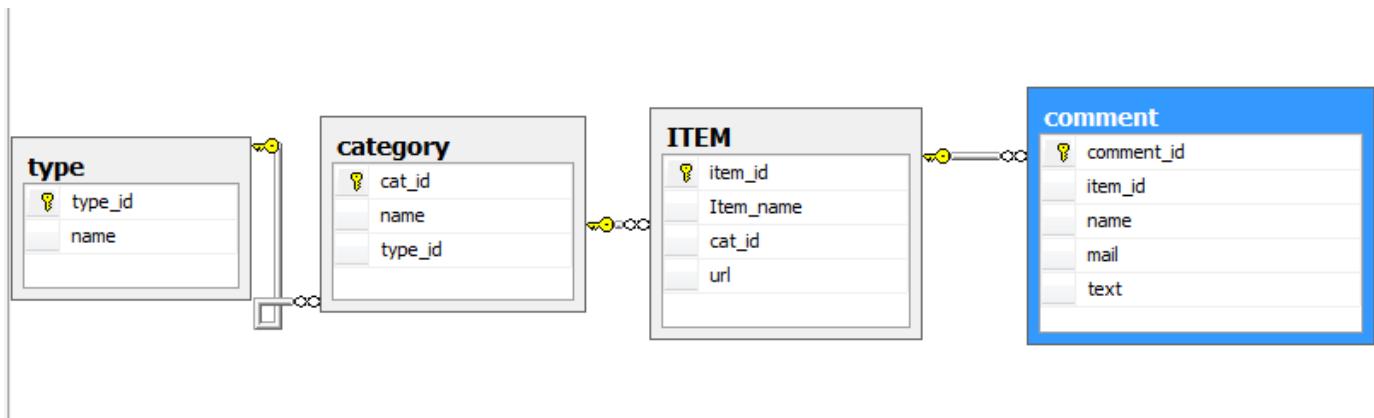
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۲/۲۱ ۲۱:۲۱

خطای میده
لطفا رو اگر نوشته بودی الان جواب گرفته بودی!

نویسنده: pjimax

تاریخ: ۱۳۹۲/۰۲/۲۲ ۱۰:۵۳

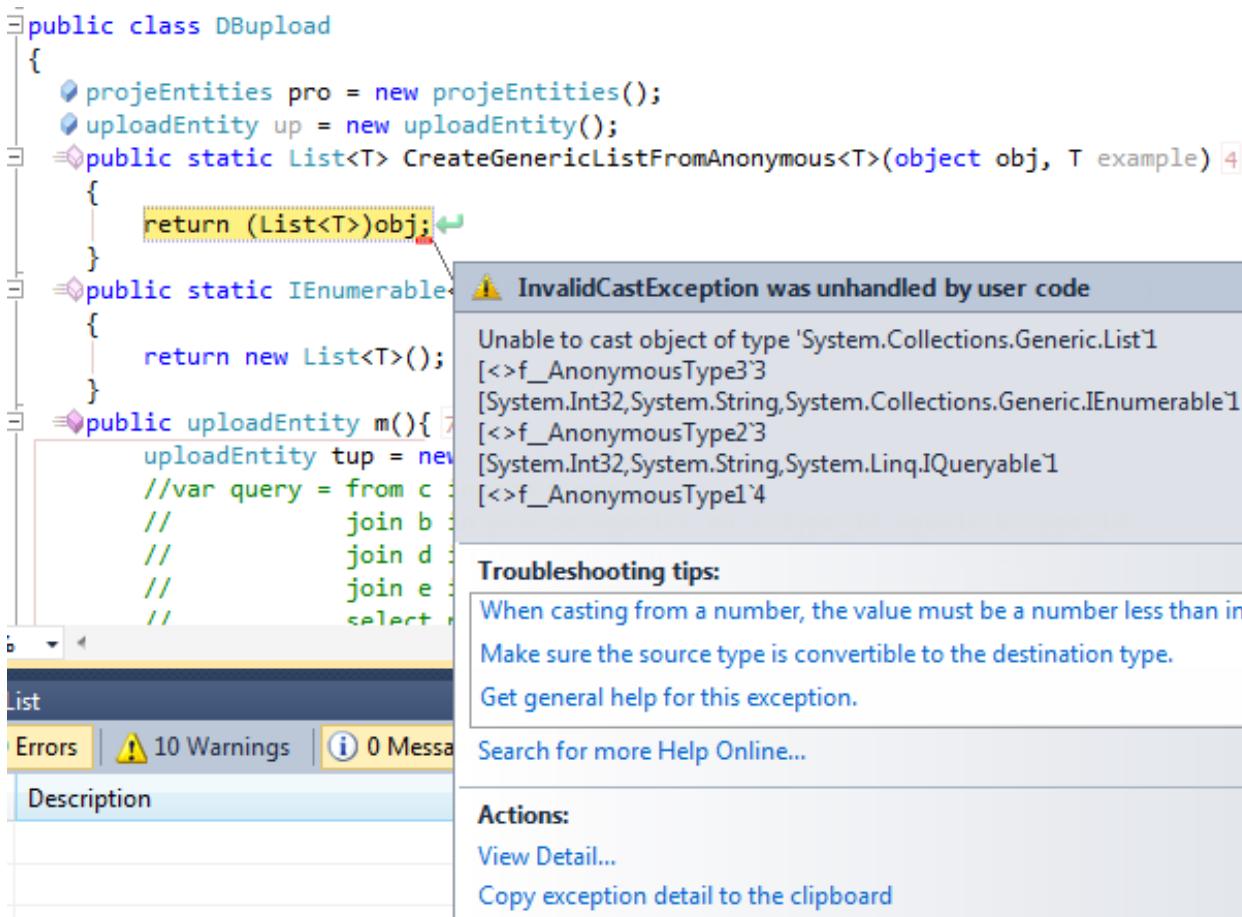
من میخام جداول زیر رو به روش بالا با هم join و استفاده کنم



```

var query = pro.types.Select(ty => new
{
    typID = ty.type_id,
    typ_nam = ty.type_nam,
    cat_names = ty.categories.Select(cat => new
    {
        catgID = cat.cat_id,
        catg_name = cat.cat_nam,
        items = pro.items.Select(item => new
        {
            item_ID = item.item_id,
            item_nam = item.item_nam,
            item_path = item.url,
            coments = pro.comments.Select(cmm => new
            {
                comm_title = cmm.comment_nam,
                comm_mail = cmm.mail,
                comm_text = cmm.text,
            })
        })
    })
}).ToList();
bool l = myfunc(query);
protected bool myfunc(object q)
    
```

```
{  
    var cquery = CreateGenericListFromAnonymous(q,  
        new  
    {  
        typID = 0,  
        typ_nam = string.Empty,  
        cat_names = CreateEmptyAnonymousIEnumerable(new  
        {  
            catgID = 0,  
            catg_name = string.Empty,  
            items = CreateEmptyAnonymousIEnumerable(new  
            {  
                item_ID = 0,  
                item_name = string.Empty,  
                item_path = string.Empty,  
                coments = CreateEmptyAnonymousIEnumerable(new  
                {  
                    comm_title = string.Empty,  
                    comm_mail = string.Empty,  
                    comm_text = string.Empty,  
                })  
            })  
        })  
    });  
    foreach (var item in cquery)  
    {  
        int ID = item.typID;  
        string type_title = item.typ_nam;  
        foreach (var Cname in item.cat_names)  
        {  
            int categoryID = Cname.catgID;  
            string category_name = string.Empty;  
            foreach (var Iname in Cname.items)  
            {  
                int ItemID = Iname.item_ID;  
                string ItemName = Iname.item_name;  
                string ItemPath = Iname.item_path;  
                foreach (var cm in Iname.coments)  
                {  
                    string com_title = cm.comm_title;  
                    string com_mail = cm.comm_mail;  
                    string com_text = cm.comm_text;  
                }  
            }  
        }  
    }  
    return true;  
}
```



نویسنده: محسن خان
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۲/۲۲ ۱۱:۳۷

```
IList<Types> typesList = context.Types.Include(x=>x.Categories)
    .Include(x=>x.Items).Include(x=>x.Comments).ToList();
```

اگر از EF استفاده می‌کنید، استفاده از متدهای `Include` کار جوین رو برای شما انجام می‌دهد. بعدش نیازی به استفاده از متدهای [CreateGenericListFromAnonymous](#) که فقط یک سطح رو بررسی می‌کنه نیست. برای بررسی بیشتر از یک سطح باید متدهای `Include` را چندین بار متوالی استفاده کنید.

تا به حال به این نکته برخورد کردید که برای یک فرم Html نیاز به چندین Submit داشته باشید که هر کدام یک Action مجزا داشته باشند و یک کار متفاوت انجام بدن؟

برای مثال فرمی داریم که داده‌های وارد شده در آن باید به دو صورت برای یک کاربر ارسال بشن یا از طریق ایمیل (این فقط یک مثال پیش فرض هست) و در حالت عادی ما در یک فرم نمیتوانیم دو عدد Submit داشته باشیم که هر کدام به یک Action جدا بسط داده بشه خب راه حل چیه؟ شاید با خودتون بگید خب دو input از نوع radio قرار میدیم و در یک اکشن کنترل میکنیم که کدام یکی انتخاب شده و عملیات رو با اون معیار انجام میدیم ... به نظرتون زیباتر نیست برای هر عملیات که ممکن باشه هر کدام کاملاً روال کاری متفاوتی داشته باشه یک Action وجود داشته باشه؟ در این صورت خوانایی کد خیلی بالاتر میره و Unit Test هر Action کاملاً مشخص هست که قراره چه فرایندی رو مورد تست قرار بده و مجبور نیستیم چندین حالت رو با عبارات شرطی از هم جدا کنیم و همه چی قاطی بشه با هم ... من در کل با امکاناتی که #C و MVC در اختیارم قرار میده حاضر نیستم تن به کد نویسی به صورت کلاسیک و قاطی پاتی بدم سعی میکنم با مطالعه‌ی سورس MVC بهترین حالت رو انتخاب کنم شما چطور؟ معلومه که همه همینو میخوان پس برم سر اصل مطلب.

قطعه کد Html و Razor ساده‌ی زیر رو در نظر بگیرید برای View :

```
@model Models.MyModel
@{
    Layout = null;
}
<!DOCTYPE html>
<html>
<head>
    <title>ViewPage1</title>
</head>
<body>
    <div>
        @using (Html.BeginForm("SendMessage", "Home", FormMethod.Post))
        {
            @Html.LabelFor(x => x.Name);
            @Html.TextBoxFor(x => x.Name);

            <input type="submit" value="ارسال توسط پیامک" name="Send_sms" />
            <input type="submit" value="ارسال توسط ایمیل" name="Send_email" />
        }
    </div>
</body>
</html>
```

خب ما دو تا Submit داریم. یکم اگه شیطنت کنید و مقادیر ارسال شده بعد از submit این فرم رو توسط ابزارهای مانیتورینگ بررسی کنید میبینید که روی هر کدام از Submits که کلیک میشه داده ای با نام اون که در خاصیت name اون و مقدار موجود در اون همراه اون فرم به سرور ارسال میشه و اون بکی Submit از این اتفاق بی نصیب میمونه ... خب ما هم استفاده‌ی لازم رو از این موضوع شیرین میبریم و با یک تکنیک تهاجمی از این موضوع برای رسیدن به هدفمون استفاده میکنیم.

این هم کلاس Model ماست :

```
using System;
using System.Collections.Generic;
using System.Linq;
using System.Web;
using System.ComponentModel;

namespace Models
{
    public class MyModel
    {
        [DisplayName("نام خود را وارد کنید")]
    }
}
```

```
    public string Name { get; set; }
}
```

و اما یک نکته‌ی دیگه . توجه داشته باشید که ما در قسمت View نام Action رو در فرم SendMessage مشخص کردیم . ولی ...
اصلادر واقع همچین اکشن وجود نداره ! پس چرا ما همچین نامی رو واسه اکشن فرم گذاشتیم ؟
دلیل اینه که ما قصد داریم با یک ActionNameSelectorAttribute درخواست کاربر رو شکار کنیم و اون رو به اکشن دلخواه ارجاع بدیم ... جالبه نه ؟ ولی چه جوری ... کلاس زیر رو بهش دقت مضاعف کنید و در پروژتون ایجادش کنید :

```
using System;
using System.Collections.Generic;
using System.Linq;
using System.Web;
using System.Web.Mvc;
using System.Reflection;

namespace ActionHandlers
{
    public class SendMessageHandlerAttribute : ActionNameSelectorAttribute
    {
        public override bool IsValidName(ControllerContext controllerContext, string actionName,
MethodInfo methodInfo)
        {
            if (actionName.Equals(methodInfo.Name, StringComparison.InvariantCultureIgnoreCase))
                return true;

            if (!actionName.Equals("SendMessage", StringComparison.InvariantCultureIgnoreCase))
                return false;

            var request = controllerContext.HttpContext.Request;
            return request[methodInfo.Name] != null;
        }
    }
}
```

خب حالا بخش Controller رو بهش دقت کنید که ما در اون دو اکشن رو با نام هایی که برای هر Submit مشخص کردیم نوشته شده رو به اووها بسط میدیم .

```
[SendMessageHandler]
[HttpPost]
public ContentResult Send_sms(MyModel mdl)
{
    /// Do something ...
    return string.Empty ;
}

[SendMessageHandler]
[HttpPost]
public ContentResult Send_email(MyModel mdl)
{
    /// Do something ...
    return string.Empty;
}
```

خب حالا بعد از کلیک بر روی هر Submit اکشن منتظر با اون اجرا میشه . بعد از ارسال درخواست به سرور MVC در بین اکشن‌های موجود در Controller مشخص شده به دنبال اکشن معین شده میگردد و وقتی به اکشن‌های ما میرسه مبینه عجب !
اون دوتا ActionNameSelectorAttribute سفارشی دارن پس میره بینه چه خبره اونجا که ما با یک حرکت تهاجمی بررسی میکنیم که اگه نام اکشن مشخص شده در فرم با نام اکشن در حال بررسی مساوی بود که همینو اجرا کن (یعنی ما میتوانی اکشنی با نام SendMessage هم داشته باشیم) . اگه نام اکشن مشخص شده در فرم اون نامی نبود که ما میخوایم که کلا بیخیال هندل کردن اکشن میشیم میزاریم خود MVC تصمیم بگیره . و در اخر بررسی میکنیم که ایا در درخواست جاری مقداری با نام اکشن در حال بررسی وجود دارد ؟ اگه داشت یعنی همون Submit که ما میخوایم وصل بشه به این اکشن کلیک شده پس اکشن در حال بررسی رو بسط میدیم به درخواست ارسال شده ... به همین سادگی ...

پیروز و موفق باشید .

نظرات خوانندگان

نویسنده: سعید
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۹/۲۲ ۱۷:۳۱

راه جالبی است. نمی‌دونستم که ActionNameSelectorAttribute وجود خارجی دارد!
چند راه حل دیگر:

الف) استفاده از قابلیت‌های binding . مثلا اگر نام پارامترها را به نام همان دکمه‌های موجود تنظیم کنیم، این نام موقع دریافت از دکمه کلیک شده، نال نیست:

```
[HttpPost]  
public ActionResult MyAction([other params here], string buttonName1, string buttonName2, etc)  
{  
    if(!string.IsNullOrEmpty(buttonName1)) { //button1 was clicked}  
}
```

ب) میشه از ویژگی‌های جدید HTML5 مثل data-form-action استفاده کرد:

```
<input type="submit" value="Standard action">  
<input data-form-action="@Url.Action("myseconaction")" type="submit" value="Second action">
```

بعد موقع ارسال کمی از jQuery استفاده کرد

```
$(document).on('click', '[type="submit"] [data-form-action]', function(event) {  
    var $this = $(this),  
        formAction = $this.attr('data-form-action'),  
        $form = $($this.closest('form'));  
        $form.attr('action', formAction);  
});
```

نویسنده: سید مهران موسوی
تاریخ: ۱۳۹۱/۰۹/۲۲ ۱۸:۱

ممnon دوست عزیز که توجه میکنی به مطالب بنده . به جز روشی که در مقاله بالا ذکر شد استفاده از data-form-action موجود در نگارش 5 از HTML اصولی‌ترین روش یا بهتره بگیم تمیزترین روش در بین مواردی هست که ذکر کردید ولی خب برنامه نویسای وب همیشه با مرورگرهای مختلف در جنگ هستن و فعلاً زیاد استفاده از این روش جایز نیست چون بعضی از مرورگرهای کمی قدیمیتر پشتیبانی نمیکنند پس بهتره از تکنیکهای مورد اطمینانتر استفاده کنیم که نمونش در مقاله‌ی بالا ذکر شد ...

این نمونه روش‌های خلاقانه و جالب از جمله ActionNameSelectorAttribute به وفور در نسخه‌های جدید.mvc وجود دارد خوبشخтанه . در مقالات بعدیم سعی میکنیم مطالب تخصصی و تکنیکهای جالب دیگر و هم با دوستان به اشتراک بزارم . انصافاً mvc یکی از شیرین‌ترین تکنلوژی‌هایی هست که هر سری سورس‌ش رو مطالعه میکنیم راه کارهای جدیدی برای پیاده سازی نرم افزارها توسط اون تکنیک‌ها دستگیرم میشه ...
پاینده باشید و موفق

فرض کنید در پروژه‌ی جاری خودتون قصد دارید یک سیستم مدیریت سطوح دسترسی کاربران رو با انعطاف بالا پیاده سازی کنید . مثلا سیستم شما دارای صفحات مختلفی هستش که هر گروه کاربری اجازه دسترسی به هر صفحه رو نداره ... هدف اینه که شما این گروه‌های کاربری و سطوح دسترسی برای هر گروه رو برای سیستم مشخص کنید .
 مثلا فقط کاربرانی که دسترسی admin دارن بتونن به صفحات مدیریتی دسترسی داشته باشن و برای این منظور در دات نت کلاسی با نام Role Provider وجود داره که در ادامه‌ی این مبحث به کار با اون میپردازیم . مثلا فرض کنید قرار بر اینه که سطوح دسترسی رو از بانک اطلاعاتی استخراج کنیم . کلاس مذکور در فضای نام System.Web.Security بازنویسی کنیم .

پیاده سازی کلاس به این صورته :

```
using System;
using System.Collections.Generic;
using System.Linq;
using System.Web;
using System.Web.Security;

namespace Myproject.Security
{
    public class CustomRoleProvider : RoleProvider
    {
    }
}
```

خب در مرحله‌ی بعد دو تابع از این کلاس رو بازنویسی میکنیم . اول تابع GetRolesForUser که در این مقاله وظیفه‌ی استخراج لیست مجوزها برای هر کاربر رو از بانک اطلاعاتی داره که به شکل زیر پیاده سازی میشه .

```
public override string[] GetRolesForUser(string username)
{
    using (DatabaseEntities db = new DatabaseEntities())
    {
        User user = db.Users.FirstOrDefault(u => u.UserName.Equals(username,
StringComparison.CurrentCultureIgnoreCase));

        var roles = from ur in user.UserRoles
                   from r in db.Roles
                   where ur.RoleId == r.Id
                   select r.Name;
        if (roles != null)
            return roles.ToArray();
        else
            return new string[] {};
    }
}
```

همونطور که مبینید در تابع بالا از کلاس CustomRoleProvider ما عملیات استخراج لیست مجوزهای دسترسی مربوط به هر کاربر رو از بانک اطلاعاتی انجام دادیم . توجه داشته باشین که شما میتوانید این واکشی رو از هر محیط دیگه ای جز بانک اطلاعاتی هم بسته به نوع کارتون انجام بدید .

تابع بعد IsUserInRole نام داره که با بازنویسی اون مشخص میکنیم که ایا یک کاربر دارای مجوز لازم برای دسترسی هست یا نه . اون رو به شکل زیر بازنویسی میکنیم .

```
public override bool IsUserInRole(string username, string roleName)
{
}
```

```

using (DatabaseEntities db = new DatabaseEntities())
{
    User user = db.Users.FirstOrDefault(u => u.UserName.Equals(username,
StringComparison.CurrentCultureIgnoreCase));

    var roles = from ur in user.UserRoles
                from r in db.Roles
                where ur.RoleId == r.Id
                select r.Name;
    if (user != null)
        return roles.Any(r => r.Equals(roleName,
StringComparison.CurrentCultureIgnoreCase));
    else
        return false;
}
}

```

همونطور که شاهد هستید در تابع بالا بعد از واکنشی لیست مجوزهای ثبت شده برای هر کاربر بررسی انجام میشه که ایا اولا کاربر یک کاربر ثبت شده هست و ثانیا اینکه ایا درخواستی که ارسال کرد برای دسترسی به یک بخش مجوز اون رو داره یا خیر

...

این نکته رو یاد آور بشم که این توابع رو میشه به شکل‌های مختلفی پیاده سازی کرد و اونچه که در اینجا نوشته شده **فقط جهت مثال هستش .** مثلا تابع `IsUserInRole` رو میشه به شکل زیر هم نوشت و این بسته به شرایط کاری داره که قصد انجام اون رو دارید

```

public override bool IsUserInRole(string username, string roleName)
{
    return this.GetRolesForUser(username).Contains(roleName);
}

```

خب میرسیم به بخش معرفی این `Provider` در `web.config` که به صورت زیر انجام میشه ...

```

<system.web>
    ...
    <rolemanager cacheRolesInCookie="true" defaultProvider="CustomRoleProvider" enabled="true">
        <providers>
            <clear />
            <add name="CustomRoleProvider" type="Myproject.Security.CustomRoleProvider" />
        </providers>
    </rolemanager>
    ...
</system.web>

```

توجه داشته باشید که مجوزهای هر کاربر با معرفی بالا بعد از یک بار واکنشی در کوکی ذخیره میشه و دیگه هر بار، بار اضافه برای واکنشی از بانک اطلاعاتی به برنامه تحمیل نمیشه ...

حالا به این صورت میتونیم مثلا یک `Controller` رو محافظت کنیم در برابر درخواست از جانب کاربرانی که سطح دسترسی به اون رو ندارند .

```

using System;
using System.Web.Mvc;

namespace MyProject.Areas.Admin.Controllers
{
    [Authorize(Roles = "Administrators")]
    public class HomeController : Controller
    {
        //
        // GET: /Admin/Home/
        public ActionResult Index()
    }
}

```

```
{  
    return View();  
}  
}  
}
```

توجه داشته باشید که کنترل مجوز برای بررسی وجود مجوز در بخش‌های کوچکتر هم مانند اکشن‌ها و ... میتوانه در نظر گرفته بشود.

نظرات خوانندگان

نویسنده: امیرحسین مرجانی
تاریخ: ۱۵ آذر ۱۳۹۱/۱۰/۰۹

فکر می‌کنم خلاصه مطلب شما می‌شه :
نمونه گیری از اینترفیس role provider و پیاده سازی شخصی این کلاس
نظر دوستان رو جلب می‌کنم به [این سری مطلب](#) که هر چند قدیمیه ولی واقعاً مفیده.
به خود من که خیلی کمک کرد.

نویسنده: سعید
تاریخ: ۲۳ آذر ۱۳۹۱/۱۰/۰۹

ممنون. کلاس‌های users و roles به چه نحوی تعریف شدن؟ به نظر می‌رسه رابطه many-to-many است.

نویسنده: سید مهران موسوی
تاریخ: ۱۰ آذر ۱۳۹۱/۱۰/۰۹

سه جدول user و Roles و UserRoles در نظر گرفته شده که جدول UserRoles بین دو جدول دیگه واسطه هست . هر کاربر میتوانه چندین مجوز داشته باشد و هر مجوز میتوانه برای چندین کاربر باشد . ارتباط n به n بین دو جدول Roles و user به واسطه‌ی جدول UserRoles برقراره.

توجه به این نکته حائز اهمیتیه که این مدل فقط یک مثال ساده صرفاً مربوط به این مقالست و هیچ جنبه‌ی دیگه ای نداره و هموونetur که تو مقاله هم به صورت ضمنی اشاره شد به هر روش دیگه ای بسته به کارتون میشه پیاده سازیش کرد.

نویسنده: سید مهران موسوی
تاریخ: ۱۰ آذر ۱۳۹۱/۱۰/۰۹

دوست عزیز RoleProvider یک اینترفیس نیست بلکه یک کلاس مشتق شده از ProviderBase هستش که اونم از کلاس [RoleProvider](#) مشتق شده . برای اطلاعات بیشتر توجهتون رو به صفحه‌ی مربوطه در [msdn](#) جلب میکنم :

نویسنده: علیرضا
تاریخ: ۱۱ آذر ۱۳۹۱/۱۰/۰۹

دوست عزیز سلام،
ممنون بابت آموزش خوبتون امکانش هست یه کم در باره این بخش از صحبت تون و نحوه پیاده سازیش بیشتر توضیح بدید؟

[توجه داشته باشید که کنترل مجوز برای بررسی وجود مجوز در بخش‌های کوچکتر هم مانند اکشن‌ها و ... میتوانه در نظر گرفته بشه .]

نویسنده: سید مهران موسوی
تاریخ: ۱۲ آذر ۱۳۹۱/۱۰/۰۹

شما فیلتر Authorize رو میتوانید برای یک اکشن هم در نظر بگیرید مثل مثال زیر . با این کار دیگه کل کنترلر به مجوزی که ذکر میکنید محدود نمیشه و فقط یک اکشن از اون محدود میشه...

```
using System;
using System.Web.Mvc;

namespace MyProject.Areas.Admin.Controllers
{
    public class HomeController : Controller
    {
        //
```

```
// GET: /Admin/Home/
public ActionResult Index()
{
    return View();
}

[Authorize(Roles = "Administrators")]
public ActionResult ViewProfile()
{
    return View();
}
}
```

نویسنده: رامین
تاریخ: ۱۳۹۱/۱۰/۰۹ ۱۲:۲۹

ممنون بابت مطلب کامل شما ،
سوالی داشتم آیا در مبحث ASP.NET هم میتوان از این روش استفاده نمود؟

نویسنده: سید مهران موسوی
تاریخ: ۱۳۹۱/۱۰/۰۹ ۱۲:۵۸

خواهش میکنم دوست عزیز . بله میشه استفاده کرد . دعوتید به مطالعه‌ی این مبحث در MSDN :

[How To: Use Role Manager in ASP.NET](#)

نویسنده: بهروز راد
تاریخ: ۱۳۹۱/۱۰/۱۰ ۹:۱۰

خوبه ولی برای انعطاف پذیری بیشتر، من و تیم با استفاده از `ActionResult`، اسمی متدهایی که خروجی `Reflection` دارند رو بازیابی می‌کنیم و در سیستم امنیت و پایه برای مدیر امنیت و برنامه نویس نشان میدیم و اونها می‌تونن دسترسی رو بر این مبنای تنظیم کنن. وجود یک `Controller` پایه و یک فیلتر برای اون با `OnActionExecuting` کردن متد `override` از الزامات کار هست.

نویسنده: سید مهران موسوی
تاریخ: ۱۳۹۱/۱۰/۱۰ ۱۲:۷

جالبه . من در پژوهه‌ای که در حال کار کردن روی اون هستم که یک CMF هست تقریبا همین کار رو انجام میدم . به این شکل که این سیستم اکشن‌های مشخص شده که نیاز به سطح دسترسی دارن رو بر اساس یک `SecurityEngine` شده استخراج میکنند به واسطه‌ی `reflection` و مدیران سیستم می‌تونن برای هر اکشن `role`‌های دخواه رو انتساب بدن و سطوح هر اکشن رو توسط یک `AuthorizeAttribute` و با بازنویسی `AuthorizeCore` از پایگاه داده استخراج میکنم . هر کاربری که سطح دسترسی معین رو داشته باشه می‌تونه به اون اکشن دسترسی پیدا کنه ... البته پشت این `SecurityEngine` یک `CashManagement` هم قرار داره که از بار اضافه‌ی هر بار رفتن به پایگاه داده برای استخراج سطوح جلوگیری میکنه و این پروسه رو مدیریت میکنه

نویسنده: بهروز راد
تاریخ: ۱۳۹۱/۱۰/۱۰ ۱۲:۵۵

وجود یک مدیر `Cache` برای سیستم سطح دسترسی برای من ناملموس هست. اینکه چطور میشه در یک سیستم با حدود 5000 کاربر همزمان، نقش‌ها رو در `Cache` نگه داشت؟ ساختار ذخیره سازی در حافظه به چه شکل هست؟ ترجیح من این هست که به ازای هر درخواست، پایگاه داده مورد اشاره قراره بگیره.

نویسنده: سید مهران موسوی
تاریخ: ۱۳۹۱/۱۰/۱۰ ۱۳:۲۶

نقش‌های کاربران در کش نگهداری نمیشه . اونها در کوکی‌ها ذخیره میشن برای بهینه کردن و کم کردن فشار از روی سیستم در

ازای دسترسی هر با به پایگاه داده . با مشخص کردن `cacherolesincookie` مربوط به `rolemanager` در `....web.config`

و اینکه یک سیستم مجوزهای 5000 کاربر یا حتی 5 میلیون کاربر رو در کش ذخیره کنه برای من هم نه حتی ناملموس بلکه یک اشتباه محض هست چون بعد از یک مدت با بخورد مدیران `it` سرور و `suspend` شدن مواجه میشیم ... کار `CacheManager` که ازش حرف زدم ذخیره کردن مجوزهای اکشن هاست در حافظه که با هر بار `Request` برای اکشن دیگه نریم و مجوزهای اون رو از پایگاه داده بخونیم . شما بر فرض 100 اکشن مدیریتی دارید که هر کدام 10 مجوز برآشون مشخص شده در کل حساب بشه چیز زیادی نمیشه ولی در عوض سرعت بالا رو در قبال نرفتن به پایگاه داده براتون به ارمغان میاره.

اینکه بیان کردید به ازای هر درخواست پایگاه داده مورد اشاره قرار بگیره خیلی رو کارایی سیستم تاثیر منفی میزاره . به استناد گفتهی خودتون 5000 کاربر داریم که بر فرض در ثانیه در بدینانه ترین حالت ممکن 100 درخواست ارسال میکنند . یعنی ما باید در هر ثانیه برای استخراج سطوح هر اکشن 100 بار به بانک اطلاعاتی مراجعه کنیم ؟ حال فرض کنید این درخواستها در ثانیه 5000 تا و کاربران ما 5 میلیون تا باشن ... به نظرم این سیستم قبل از پیاده سازی شکستش قطعیه ...

نویسنده: بهروز راد
تاریخ: ۱۳۹۱/۱۰/۱۰ ۱۳:۵۹

منظورتون Cache کوکی هست. اگر نقش‌های کاربر تغییر کنه، اعمال بلافصله‌ی تغییرات در حین گشت و گذار وی در سایت به چه شکل هست؟

نویسنده: سید مهران موسوی
تاریخ: ۱۳۹۱/۱۰/۱۰ ۱۴:۳۲

Cache کوکی برای نگهداری نقش‌های کاربر و سمت سرور برای نقش‌های مشخص شده هر اکشن ...

برای موردی هم که اشاره کردید راههای مختلفی میتونه وجود داشته باشه . مثلا شما یک نقش جدید رو برای یک کاربر مشخص کردید . یک کلاس تعریف میکنیم که نگهدارنده‌ی لیست شناسه کاربرانی هست که نقش‌شون در زمانی که انلاین هستن تغییر کرده . بعد از اعمال نقش به این کاربران این لیست بروز رسانی و در کش سمت سرور ذخیره سازی میشه . توجه داشته باشید که این لیست فقط زمانی بروز میشه که نقش کاربری تغییر کرده که انلاین هست . بعد در زمان درخواست یک اکشن توسط یک کاربر، اون لیست که در کش هست و واکنشیش با سرعت بسیار بالا انجام میشه بررسی میشه و اگه نام اون کاربر در اون لیست بود مجددا میتوانیم لیست نقش‌های اون کاربر رو از بانک استخراج و کوکی اون رو به روز رسانی کنیم . و در اخر هم نام اون از لیست حذف و کش نگهدارنده‌ی لیست به روز میشه

این روش میتونه روش خوبی باشه به این دلیل که مگه ممکنه نقش چند کاربر در زمانی که انلاین هستن تغییر کنه ؟ به طور حتم این تعداد خیلی کم هستن پس کلاس نگهدارنده‌ی شناسه‌ی کاربران مریوطه دارای حجم بسیار کمی هست و فظای خیلی کمی رو از حافظه سرور میگیره ولی در عوض سیستم یک سیستم جاندار و منعطف میشه ... در آخر ذکر این نکته که این روش صرفا یک ایده بود که در زمان نوشتمن این متن تحلیل شد و با زمان گذاشتمن روی اون و ایده‌های مشابه میشه به نتایج عالی رسید . سیستم من از همچین مکانیزمی به صورت خیلی کاملتر و با جزئیات بالا استفاده میکنه

نویسنده: بهروز راد
تاریخ: ۱۳۹۱/۱۰/۱۰ ۱۶:۵۳

مرسى از توضیحات.

نویسنده: بهروز راد
تاریخ: ۱۳۹۱/۱۰/۱۰ ۱۹:۵۹

گاهی اوقات مشکل از اینجا است که ما به صرف شنیده‌ها و پس زمینه‌های فکری، پیچیده‌ترین روش‌ها رو پیاده سازی می‌کنیم تا

اون پس زمینه‌ی فکری رو سرکوب کنیم. پایگاه‌های داده‌ی امروزی بسیار قدرتمند و پخته هستند و اگر قرار هست با یک اضافه کل سیستم زیر سوال بره، بهتره بساط اون پایگاه داده جمع بشه. Connection من فکر می‌کنم باید حالت‌های دیگه ای رو هم بررسی کنی. مثلاً اینکه تغییر در نقش کاربر بوده یا مجوزهای نقش. اگر کاربر در حین پر کردن یک فرم **AJAX** بی مجوزش گرفته شد چه واکنشی باید رخداد؟ آیا تمامی این بررسی‌ها و پیاده سازی اونها، به ایجاد یک ارتباط ساده و واکشی مجوز جاری کاربر برای درخواست برتری دارند؟ اگر امکانش رو داری، یک بررسی زمانی بین اون سیستم مدیریت Cache (با در نظر گرفتن تمامی حالت‌ها) و ایجاد ارتباط ساده با پایگاه داده برای بررسی داشتن مجوز کاربر انجام بده.

نویسنده: سید مهران موسوی
تاریخ: ۲۱:۴۲ ۱۳۹۱/۱۰/۱۰

اقای راد من هیچوقت قصد شعار دادن بر مبنای تحلیلات ذهنیم رو نداشم و نخواهم داشت. تمام حالت‌هایی که تا الان اشاره کردید قابل پوشش هست و در سیستم من در نظر گرفته شده و همچنان مورد تست قرار میگیره و ضعف هاش برطرف میشه. پیاده سازی یک بار انجام میشه ولی استفاده از اون بعد از پیاده سازی در هر کدام از پروژه هایی که لازم باشه به سادگی ممکن میشه (به نظرم برنامه نویسی شیء گرا زیباست). اگر توسعه دهندگان همون پایگاه‌های داده قدرتمند که ذکر کردید همچین طرز فکری داشتن که : (آیا تمامی این بررسی‌ها و پیاده سازی اونها، به ایجاد یک ارتباط ساده و واکشی مجوز جاری کاربر برای درخواست برتری دارند؟ ، هیچوقت قدرتمند و پخته نمیشنند ... این موضوع بر هیچکس پوشیده نیست که دسترسی مکرر به پایگاه داده برای برنامه هایی که ارزشمند هستند و سرعت و انعطاف در اونها مهمه یک نقطه‌ی ضعف هست . شاید همینجور طرز فکر باشه که باعث شده سیستم هایی که در بعضی از اماکن و سازمان هایی دولتی ما استفاده میشه بعد از جا افتادن و زیاد شدن داده‌ها واقعاً کار کردن باهشون عذاب آور و کسل کننده باشه...

انشاء الله در چندین ماه اینده بعد از کامل شدن سیستم و انتشار اون میتوانید بررسیش کنید اگر مایل بودید. کیت‌های توسعه‌ی اون هم به صورت سورس باز منتشر خواهد شد و در همین سایت هم معرفی میشن. به نظر من ارزشش رو داره که روی جزئیات این سیستم کار کنم و امیدوارم بتونه جای تامل داشته باشه. در اخر من رو ببخشید برادر من هیچوقت قصد جسارت نداشم به شما و دیگر دوستان . این سایت محیط مقدسی هست چون واقعاً مطالب خوبی در اون قرار میگیره امیدوارم بتونم از اطلاعات شما و دیگر دوستان استفاده کنم . یا حق

نویسنده: ابوالفضل
تاریخ: ۱۳:۴ ۱۳۹۱/۱۰/۱۲

سلام
من از سیستم معمولی وب فرم برای تشخیص هویت در 4 mvc استفاده کردم. اما به یه مشکل جالب برخوردم.
اپلیکیشن وب من روی شبکه داخلی کار میکنه و هر کس با نام کاربری خودش وارد میشه و کار میکنه.
بعد از لوگین ریدایرکت میکنم و در صفحه مقصد در هنگام User.Identity.IsAuthenticated false همیشه نمیتونم وارد شم و دیگر دوستان استفاده کنم .
با هیچکدام از مرورگرها وارد نمیشه ولی با فایرفاکس میتونم وارد شم!
من بدین صورت کد لوگین رو نوشتیم:

```
if (Membership.ValidateUser(UserName, Password))
{
    FormsAuthentication.RedirectFromLoginPage(UserName, true);
    return true;
}
```

دوستان نظرشون چیه؟ مشکل از چی می‌تونه باشه؟ فایرفاکس چه خاصیتی داره که میتوانه لوگین کنه؟ اما با IE و Chrome و safari امتحان کردم نشد.

در وب کانفیگ هم اینجوری تنظیم کردم

```
<authentication mode="Forms" >
<forms loginUrl="~/Account/Login"
```

```
protection="All"
timeout="30"
name="myAppCookie"
path="/"
requireSSL="false"
slidingExpiration="true"
cookieless="UseCookies"
enableCrossAppRedirects="false" />
</authentication>

<membership>
  <providers>
    <clear />
    <add name="AspNetSqlMembershipProvider" type="System.Web.Security.SqlMembershipProvider"
      connectionStringName="ApplicationServices" enablePasswordRetrieval="false"
      enablePasswordReset="true" requiresQuestionAndAnswer="false"
      requiresUniqueEmail="false" maxInvalidPasswordAttempts="5" minRequiredPasswordLength="6"
      minRequiredNonalphanumericCharacters="0" passwordAttemptWindow="10" applicationName="myApp"
    />
  </providers>
</membership>

<profile>
  <providers>
    <clear />
    <add name="AspNetSqlProfileProvider" type="System.Web.Profile.SqlProfileProvider"
      connectionStringName="ApplicationServices" applicationName="myApp" />
  </providers>
</profile>

<roleManager enabled="true">
  <providers>
    <clear />
    <add name="AspNetSqlRoleProvider" type="System.Web.Security.SqlRoleProvider"
      connectionStringName="ApplicationServices" applicationName="myApp" />

    <add name="AspNetWindowsTokenRoleProvider"
      type="System.Web.Security.WindowsTokenRoleProvider" applicationName="myApp" />
  </providers>
</roleManager>
```

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳:۲۶ ۱۳۹۱/۱۰/۱۲

- اولین بررسی: مراجعه کنید [به قسمت ۱۸](#) سری MVC به متدهای `LogOn` و `Redirect` هم باید پیش از `FormsAuthentication.SetAuthCookie`

نویسنده: ابوالفضل
تاریخ: ۱۴:۴۶ ۱۳۹۱/۱۰/۱۲

با تشکر آقای نصیری. حل شد. مشکل همون بود. کلی سرج کرده بودم و اون رو هم امتحان کرده بودم، منتها در هنگام کپی روی سرور نهایی برای تست، فایل خروجی تغییر یافته رو اشتباهی کپی می‌کرد. الان فهمیدم قضیه این بوده! :)
ولی باز هم برای سوال هست که چرا فایرفاکس لوگین میکرد ولی بقیه نه؟!

نویسنده: مهندی حسن پور
تاریخ: ۱۲:۲۵ ۱۳۹۱/۱۱/۱۴

با سلام جناب راد
امکانش هست کمی بیشتر در مورد روش‌تون توضیح بدید؟ اگه لینکی هم در این رابطه دارید ممنون می‌شم در اختیارم بذارید.

نویسنده: سعید یزدانی
تاریخ: ۱۰:۱۹ ۱۳۹۱/۱۱/۲۴

با سلام
این دستور رو من متوجه نشدم میشه یه توضیح مختصری بدید

StringComparison.CurrentCultureIgnoreCase

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۱/۱۱/۲۴ ۱۱:۱۸

- در مورد تاثیر Culture به مطلب « از متد `DateTime.ToString` بدون پارامتر استفاده نکنید! » مراجعه کنید.
- سبب میشه مقایسه انجام شده، حساس به حروف بزرگ و کوچک نباشد.

نویسنده: پژمان پارسائی
تاریخ: ۱۳۹۱/۱۲/۱۸ ۲۰:۲

ممنون بابت مطلب مفیدی که در اختیار ما قرار دادید.

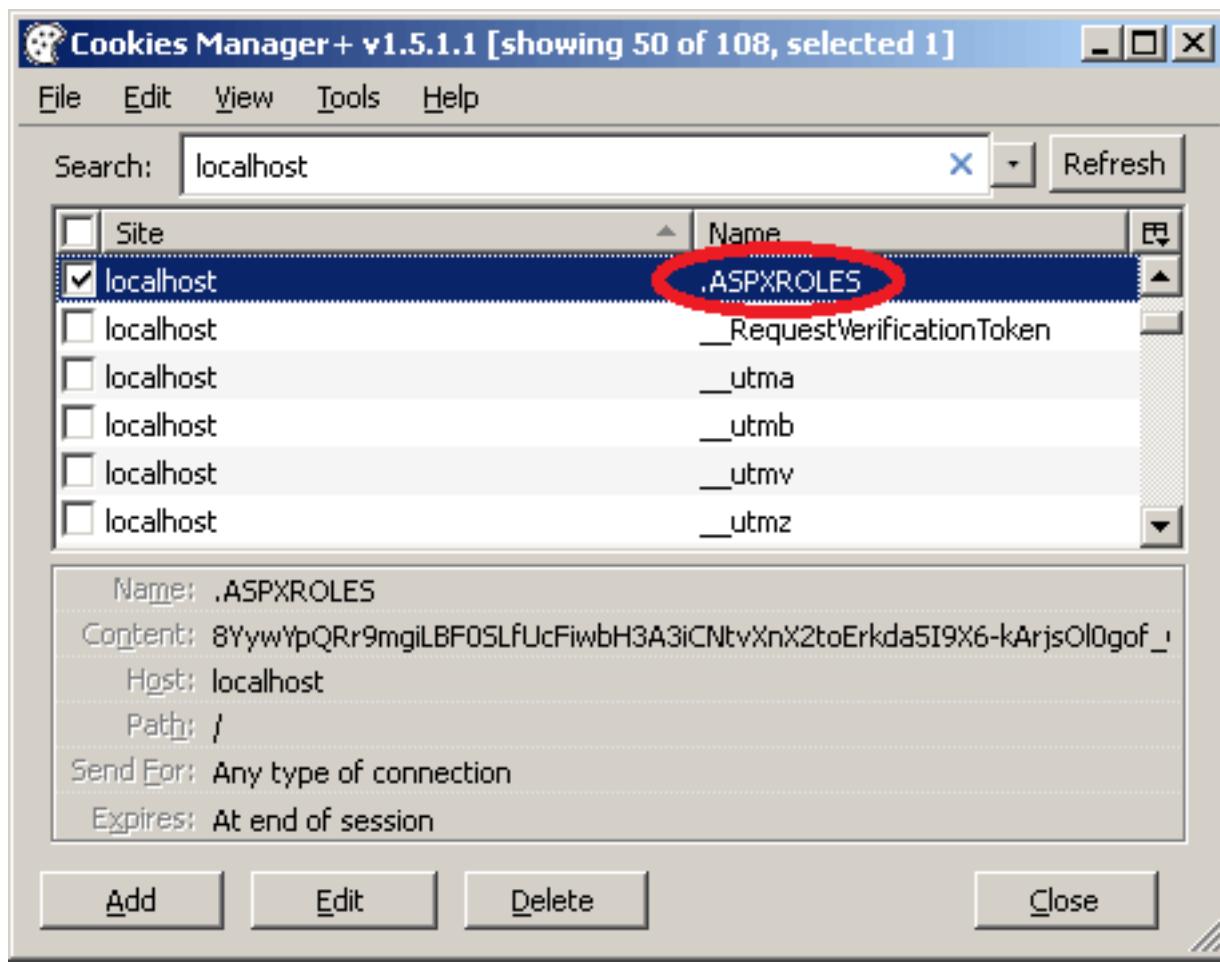
گفتید که مجوزها بعد از یک بار واکنشی در کوکی ذخیره میشه، این به خاطر وجود مقدار `true` برای خصوصیت `cacheRolesInCookie` هست درسته؟ اما من یک `RoleProvider` سفارشی تهیه کردم که به صورت زیر اونو به وب کانفیگ اضافه کردم:

```
<roleManager cacheRolesInCookie="true" enabled="true" defaultProvider="CustomRoleProvider">
    <providers>
        <clear />
        <add name="CustomRoleProvider"
            type="MvcApp.UserInterface.Models.CustomRoleProvider"
            connectionStringName="MvcAppDb"
            applicationName="/" />
    </providers>
</roleManager>
```

اما با مراجعه به کوکی های مروگر چیزی نمی بینم، در ضمن یک Break Point هم سر متد `GetRolesForUser` گذاشتم که هر وقت قصد دیدن یک اکشن برای یک `Role` رو مشخص دارم این متد اجرا میشه یعنی از کوکی نقش رو نمی خونه. سوال بعدیم اینه که این نقش چطوری توی مروگر کاربر ذخیره میشه؟ آیا رمز گزاری شده هست یا نه به صورت Plain Text ذخیره میشه؟ اگه رمز گزاری میشه با چه الگوریتمی این کار انجام میشه و آیا میشه اونو Decrypt کرد؟
با تشکر

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۱/۱۲/۱۸ ۲۱:۴۷

- این کوکی رو اگر خواستید مشاهده کنید از افزونه `Cookies manager` استفاده کنید. چنین نام و محتوای رمزنگاری شده ای داره:



البته این نام پیشفرض است. اگر نیاز به تعیین نام دیگری بود [به این صورت می‌شود عمل کرد:](#)

```
<roleManager
    enabled="true"
    cacheRolesInCookie="true"
    defaultProvider="..."
    cookieName=".ASPXROLES"
    cookiePath="/"
    cookieTimeout="30"
    cookieRequireSSL="false"
    cookieSlidingExpiration="true"
    createPersistentCookie="false"
    cookieProtection="All">
    <providers>
        <!-- .... -->
    </providers>
</roleManager>
```

- این کوکی فقط پس از اولین فراخوانی متدهای GetRoles یا IsInRole تولید می‌شود و نه پیش از آن.
- اگر از دات نت [4 و نیم](#) استفاده می‌کنید، برای حالت کش نشدن این نقش‌ها اخیراً یک patch ارائه شده: ([^](#)). مورد چهارم آن.

Assume that you set the value of the cachedRolesInCookie property to true in your web application. Your application serializes the RolePrincipal object into the cookie, and then sends it in response. In this situation, the role cookie value is empty in the application's following request.

نویسنده: سعید
تاریخ: ۱۴۰۶/۰۱/۲۹

سلام

اگر کاربر بتوانه متن Role رو ببینه و همچنین تغییرش بد... آیا این مشکل پیش نمی‌آید که شخصی بیاد و متن کوکی مدیریت رو

برداره و زمانی که لوگین کرد متن کوکی خودش رو تغییر بد. اینجوری چون همه رول‌ها از کوکی خونده میشه پس می‌تونه به این شیوه به رول‌ها کلک بزن؟

نویسنده: [وحید نصیری](#)
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۱/۰۶ ۱۰:۵۹

این اطلاعات رمزگاری شده هستند. کلید آن‌ها هم در سرور قرار دارد و به کلاینت ارسال نمی‌شود.

نویسنده: [ali](#)
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۲/۲۹ ۱۰:۵۹

دوست عزیز چند ماه گذشته امکانش هست پروژه ای که برای سطح دسترسی نوشتشد به صورت سورس باز بگذارید؟
اگر هم به صورت مطلب جدید بگذارید خیلی ممنون می‌شم. تا بتونیم بازخوردهای خوبی داشته باشیم.

ممنون

نویسنده: [سید مهران موسوی](#)
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۲/۲۹ ۲۰:۶

این پروژه صرفا واسه سطح دسترسی نبود یک بخش از CMF شخصی بنده بود با نام نئوکس، فعلاً قصد انتشار عمومی اون رو ندارم
چون کارای شخصی خودم رو در حال حاضر دارم با اون انجام میدم و دلیل دیگه اینکه وقت پشتیبانی ازش رو در یک محیط عمومی
بعد از انتشار مثلا در Github فعلاً متاسفانه ندارم.
فعلاً بازده عالی ای داشته این CMF از همه جهات، اگر تصمیم به انتشار عمومیش گرفتم حتماً داخل همین سایت اطلاع رسانی
می‌شه.

برای مثال یکی از کارایی که باهاش انجام شده سایت شرکت خود بنده هست، [اینجا](#)
یا سایت شرکت رایان صنعت (سهامی خاص) با رتبه‌ی یک در چند کلمه‌ی کلیدی به لطف SEO Engine این CMF در [اینجا](#)

نویسنده: [شاهین](#)
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۳/۱۲ ۲۳:۵

سلام

من وقتی CustomRoleProvider را از RoleProvider ارث بری می‌کنم، به جز دو تابع IsUserInRole و GetRolesForUser که
override کردیم واسه بقیه توابع کلاس RoleProvider خطای زیر رو میده:

Error2 'student_mvc.Security.CustomRoleProvider' does not implement inherited abstract member
'System.Web.Security.RoleProvider.GetAllRoles()'

یا مثلا

Error3 'student_mvc.Security.CustomRoleProvider' does not implement inherited abstract member
'System.Web.Security.RoleProvider.GetUsersInRole(string)'

مشکل و راه حل چیست.

نویسنده: [وحید نصیری](#)
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۳/۱۲ ۲۳:۱۳

اون‌ها رو باید دستی اضافه کنی. یک نمونه‌اش [در قسمت ۱۸ سری MVC](#) مطرح شده.

نویسنده: [وحید](#)

تاریخ: ۱۳۹۲/۱۰/۱۶ ۱۳:۵۴

بنظر شما اگر بجای احراز هویت پیش فرض در MVC یا همان `FormAuthentication` پس از لاگین کاربر اطلاعات موجودیت آن را در `session` ای بریزیم و بعد در جاهای مختلف برنامه از آن استفاده کنیم مثلا هر جا که لازم بود `type` کاربر را بدست آورد که مثلا مشتری یا نماینده یا مدیر است دیگر لازم نیست متدهای `GetUserById` را صدازد و بار بار روی سیستم را افزایش داد آیا روش بندۀ صحیح است از لحاظ `performance` و امنیت؟

نویسنده: محسن خان
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۰/۱۶ ۱۴:۳۴

اتفاقاً سربار سشن بیشتر است از `Forms Authentication`. اطلاعات سشن به صورت پیش فرض در حافظه سرور ذخیره می‌شود اما اطلاعات تیکت `Forms Authentication` در یک کوکی رمزگاری شده در مرورگر کاربر ذخیره خواهد شد. در این حالت مصرف حافظه کمتری را در سمت سرور خواهد داشت و ضمناً با ری‌سایکل شدن برنامه در IIS، تمام لاگین‌های کاربران از دست نخواهد رفت (اصطلاحاً تمام سشن‌های لاگین نمی‌پرند) و مجبور به لاگین مجدد نخواهند شد؛ چون کوکی رمزگاری شده جهت اعتبارسنجی بعدی، در مرورگر کاربر ذخیره شده و نه در حافظه سرور.

نویسنده: وحید
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۰/۱۶ ۱۷:۰

باتشکر از شما.
پس شما می‌گویید هر زمان که ما خواستیم بینیم کاربری نماینده‌ست یا مدیر در اکشنی که تعداد آن اکشن‌ها هم کم نیست می‌بایست `GetUserById` را استفاده نمود؟

نویسنده: محسن خان
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۰/۱۶ ۱۷:۲۵

دو مطلب هست. یکی اینکه اگر نیاز به ID کاربر داشتید، این مورد همیشه در `User.Identity.Name` موجود هست و زمانیکه در حین لاگین انتساب داده شد، در کوکی رمزگاری شده آن قرار می‌گیره. یعنی واکنشی از دیتابیس نداره. ضمناً `RoleProvider` استفاده شده هم زمانیکه در وب کانفیگ تنظیم می‌شود، مقدار `cacherolesincookie=true` داره (در مقاله هست). یعنی این هم کش می‌شود و هر بار از دیتابیس واکنش نمی‌شود.

نویسنده: وحید
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۰/۱۶ ۲۳:۲۷

ممnon از شما آیا با `role` کش می‌شوند؟ مثلاً زمانی که کاربری لاگین کرده و در هدر پیغام خوش آمدید کاربر گرامی آقای...می‌شود این نام و نام خانوادگی را باید هر دفعه بازی هر `request` از دیتابیس بیاریم یا میتوانیم از حالت شبیه این `cacherolesincookie=true` استفاده کرد با تشکر

نویسنده: محسن خان
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۰/۱۶ ۲۳:۳۸

برای این حالت‌های خاص می‌توانید از `CacheManager` سری [قسمت 19](#) استفاده کنید. برای بررسی حالت `Forms Authentication` هم [قسمت 18](#) سری MVC به مباحث مقدماتی اون پرداخته.

نویسنده: رضا گرمارودی
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۱/۲۰ ۹:۲۲

سلام من کل مطالب 18 Mvc و بخش کوکی‌ها را مطالعه کردم اما به دلیل نظرات مختلف متوجه نشدم راه اصولی چیه؟
برای هر کاربر یکسری اطلاعات وجود دارد که می‌شه در کوکی‌ها ذخیره کرد مثل نام کاربری یا هر چیز دیگه ای که حتی اگر کاربر

آنها را تغییر بده مهم نیستند و صرفا جنبه نمایش در صفحات را دارند اما یکسری اطلاعات هست که خیلی مهمه هستند مثل این که این کاربر مدیر هست یا خیر. این اطلاعات یا باید هر بار که نیاز هست از دیتابیس یا هر منبع دیگه ای واکشی بشه ویا در جایی ذخیره بشه که هر وقت خواستیم به اون دسترسی داشته باشیم.

پیشتر این نوع اطلاعات و در Session ذخیره می کردیم که از دید کاربر به دور بود ، اما برای پردازش موازی و انجام چک لیست تهیه شده بهتره که از Session ها استفاده نشه. خب حالا ذخیره این اطلاعات در کوکی ها درسته؟ حتی اگر کد بشن باز خطرناکه ، چرا که یک کاربر اگر بتونه کوکی که مدیر بودن یا نبودن کاربر را مشخص می کند را تغییر بده می تونه به همه بخش ها دسترسی پیدا کنه! از طرفی صرفا مدیر بودن یا نبودن یک کاربر مطرح نیست ، اطلاعات زیادی هستند که مهم هستند و ذخیره اون ها در Session میتوانه منابع سرور و به خودش مشغول کنه! روش درست چیه؟

نویسنده: **وحید نصیری**
تاریخ: ۹:۲۸ ۱۳۹۲/۱۱/۲۰

- راه حل های مبتنی بر سشن، از ASP Classics دهه نود به ارث رسیده اند. عملا با پیشرفت هایی که حاصل شده نیازی به بسیاری از آن ها نیست. مصرف حافظه بالایی دارند و همچنین با ری استارت شدن برنامه در سرور، تمام سشن ها از بین خواهند رفت. این مشکلات در Forms Authentication وجود ندارند.

- قدمت ASP.NET 1.x Forms Authentication بر می گردد. می توانید در این مورد در سایت های دیگر نیز بیشتر تحقیق کنید که آیا مشکل حادی از سال 2001 تا الان گزارش شده یا خیر.

- کلید رمزنگاری این کوکی ها در سمت سرور قرار دارد و تنها یک راه برای دسترسی به آن ها هست؛ دسترسی به سرور. در این حالت عملا کل سیستم مورد حمله قرار گرفته و یک کوکی شاید اهمیت خاصی نداشته باشد.

- ضمنا طول مدت زمان معتبر بودن اطلاعات Forms Authentication و دائمی بودن و نبودن کوکی های آن قابل تنظیم است (بحث شده در مطلب فوق).

نویسنده: **رضا گرمارودی**
تاریخ: ۱۰:۴۵ ۱۳۹۲/۱۱/۲۰

ممnon از پاسختون اما Authenticate در مند SetAuthCookie تنها نام یوزر و ذخیره می کند، برای ذخیره سایر اطلاعات چه کار باید کرد؟

اگر باید از متدهای HttpContext استفاده بشود جهت رمزنگاری کوکی ها چه الگوریتمی به اندازه Authentication مطمئن است؟

نویسنده: **وحید نصیری**
تاریخ: ۱۱:۲۸ ۱۳۹۲/۱۱/۲۰

- سایر اطلاعات مانند نقش های یک کاربر (مدیر است یا نویسنده مثلا) در مطلب جاری به صورت یک role provider مکمل پیاده سازی شده است.

+ بیشتر از این نیازی نیست اطلاعاتی را در کوکی ها یا جای دیگری ذخیره کنید. اطلاعاتی فراتر از این (مانند صفحه بروفايل یک شخص در سایت)، بسیار شخصی بوده و هر زمانیکه نیاز باشد، باید مستقل از دیتابیس واکشی شوند.

نویسنده: **مهندی سعیدی فر**
تاریخ: ۱۳:۴۳ ۱۳۹۲/۱۱/۲۰

بنده در حال توسعه‌یه سیستم ساده Membership متن باز هستم که توانایی تعریف گروه و تعیین سطوح دسترسی به صورت پویا را دارد. کار خیلی زیادی ازش باقی نمانده و در صورت اتمام حتما به اشتراک می گذارم.

نوبنده: رضا گرمارودی
تاریخ: ۱۲:۱۸ ۱۳۹۲/۱۱/۲۳

سلام؛ من هم مشکل ایشون دارم و رول‌ها کش نمیشه و هر بار متد GetRolesForUser اجرا میشود. اون هم نه یکبار بلکه به تعداد زیاد و بار زیادی به دیتابیس وارد می‌کنه. لینک شما هم پیغام زیر و میدهد:

An update is available for the .NET Framework 4.5 in Windows 7 SP1, Windows Server 2008 R2 SP1, Windows Server 2008 SP2, and Windows Vista SP2: January 2013

اما ویندوز من 8 هست و پیغام سایت برای ویندوزهای 2008 و Vista هستش. با گشتن هم دیدم بعضی‌ها خودشون متد را دستی کش کردن

```
public override string[] GetRolesForUser(string username)
{
    var cacheKey = string.Format("{0}:{1}", username, ApplicationName);
    var cache = HttpContext.Current.Cache;
    var roles = cache[cacheKey] as string[];
    if (null == roles)
    {
        using (var db = new Uas3Context())
        {
            var u = new EfStudentService(db);
            roles=u.GetUserRoles(username);
            cache.Insert(cacheKey, roles, null, Cache.NoAbsoluteExpiration,
Cache.NoSlidingExpiration);
        }
    }
    return roles;
}
```

اما این متد و من کش کردم باقی متدها چی؟ کل متدها را همین طوری کش کنم؟ این کد هم به نظرم ناقصه. چون با تغییر دیتابیس به روز نمیشه و صرفا در صورت وجود کش اطلاعات می‌خونه. اصلاً چرا در دات نت 4.5 این مشکل هست و چرا بر روی ویندوز 8 این پیغام داده میشود؟

نوبنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۲:۴۴ ۱۳۹۲/۱۱/۲۳

- مشکل طولانی بودن حاصل BinaryFormatter serialization (نژدیک به یکسال قبل در January 2013). این مشکل سبب می‌شده تا حاصل RolePrincipal.ToEncryptedTicket بسیار طولانی شده و بیشتر از حد مجاز اندازه قابل ذخیره سازی در یک کوکی شود.

- نسخه‌ی 8 و ویندوز سرور 2012 آن [از اینجا](#) قابل دریافت است؛ نسخه‌ی ویندوز 7 و ویندوز سرور 2008 [از اینجا](#).
+ آپدیت ویندوز را روشن کنید تا آخرین به روز رسانی‌ها و نگارش‌های دات نت نصب شده را به صورت خودکار دریافت کنید.
+ بررسی کنید آیا ویژگی rolemanager cacheRolesInCookie=true در وب کانفیگ تنظیم شده یا خیر. اگر خیر، چیزی کش نخواهد شد.

نوبنده: ارکا
تاریخ: ۲۱:۳۷ ۱۳۹۲/۱۲/۱۵

سلام،

الان دو، سه روزه که میخوام شخصی سازی Membership رو یاد بگیرم، اما واقعاً گیج شدم، میدونم که باید از کلاس‌های MembershipUser، Membership Provider و RoleProvider ارث بری بکنم و توابع مورد نظرم رو override، اما اینکه دیتابیس چجوری باید باشه، توابعی که نوع خروجیش (تعداد و نوع پارامترهاش) اونی نیس که لازم دارم، چجوری باید پیاده سازی کنم.

امکان راهنمایی وجود دارد؟
- من Web Form کار میکنم.
ممنون

نویسنده: محمد شهریاری
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۲/۱۶ ۸:۳۰

بحث مربوط به مدیریت کاربران و گروه کاربران و پروفایل از طریق سه کلاس پایه `System.Web.Security.MembershipProvider`، `System.Web.Security.RoleProvider` و `System.Web.Profile.Provider` هم‌نظر که از کلاس‌ها مشخص هست به صورت `Provider` مدیریت می‌شود. این به این معنی است که اگر شما بخواهد خودتون با هر `Datasource` جدید یا منطق جدید داشته باشید مجاز هستید نسخه جدید از این `Provider`ها را پیاده سازی و با تنظیمات مربوطه در `Web.Config` استفاده کنید. در این قسمت شما مجاز به تغییر ورودی یا خروجی متدهای `abstract` class‌های گفته شده نیستید.

پیاده سازی‌های مختلفی از این سه کلاس به صورت `EF`، `ODBC` و ... وجود داره که لینک زیر مربوط به پیاده سازی `odbc` است.

[پیاده سازی MembershipProvider](#)
[پیاده سازی RoleProvider](#)
[پیاده سازی ProfileProvider](#)

موفق باشید

نویسنده: ارکا
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۲/۱۶ ۹:۲۸

ممنون بابت راهنمایی،
تقریبا تو پیاده سازی مجدد مشکلی ندارم، بیشتر مشکلم با امضای توابع هستش (نوع خروجی و پارامترهاش).

یعنی راهی نیست که بتونم توابعی با نوع خروجی و پارامترهای دلخواه داشته باشم و در عین حال از سیستم ممبرشیب هم استفاده کنم؟

نویسنده: محسن خان
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۲/۱۶ ۱۰:۵۳

وجود اینترفیس و قرارداد در کدها برای این است که هم طراح و هم استفاده کننده تکلیف خودشان را بدانند. اگر قرار باشد این اینترفیس‌ها به میل شما هر روز تغییر کنند که دیگر به آن قرارداد گفته نمی‌شود. ضمنا برای پاسخگویی به این نوع سوالات تمامی ناپذیر، سیستم جدیدی رو طراحی کردند به نام [ASP.NET Identity](#). این سیستم از بنیان [سورس باز](#) هست. در اینجا شما هر طور که دوست داشتید، تمام اینترفیس‌ها و کدها رو تغییر بدید. سورس رو که دارید. وابسته هم نیست به بانک اطلاعاتی خاصی.

نویسنده: امیر ارسلان
تاریخ: ۱۳۹۳/۰۵/۱۰ ۱۲:۴۲

ممنون از تلاش و سایت خوبتون. اما کاش یه نمونه میزاشتین من خیلی تلاش کردم اما نتونستم جواب درستی بگیرم. اگه امکان داره یه نمونه بزرگی ممنون میشم.

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۳/۰۵/۱۰ ۱۲:۴۶

- از پروژه سورس باز « Iris Membership برای احراز هویت کاربران در ASP.NET MVC به صورت پویا » ایده بگیرید.
- همچنین در پروژه‌ی سورس باز « سیستم مدیریت محتوای IRIS » نیز پیاده سازی کاملی از این مبحث وجود دارد.

نویسنده: امیر ارسلان
تاریخ: ۲۰:۵۷ ۱۳۹۳/۰۵/۱۰

ممnon. لینک دوم من نتوانستم روی لوکال نصب کنم اما Iris membership دیدم کمی درک کردم اما نمیدونم database چطور به پروژه Add کنم.

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۲۳:۱۶ ۱۳۹۳/۰۵/۱۰

پیشنياز درک اين پروژه‌ها EF Code first است.

نویسنده: فایز مهربانی
تاریخ: ۱۳:۴۲ ۱۳۹۳/۰۷/۲۶

سلام وقت بخیر...

ببخشید در مورد Claim Authorization چه مطالعی وجود داره ؟ رفرانس فارسی وجود داره ؟

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۴:۴۴ ۱۳۹۳/۰۷/۲۶

« [Claim بر معرفی](#) »

اگر بازار هدف یک محصول شامل چندین کشور، منطقه یا زبان مختلف باشد، طراحی و پیاده سازی آن برای پشتیبانی از ویژگی های چندزبانه یک فاکتور مهم به حساب می آید. یکی از بهترین روش های پیاده سازی این ویژگی در دات نت استفاده از فایلهای Resource است. در واقع هدف اصلی استفاده از فایلهای Resource نیز Globalization است. Globalization برابر است با Internationalization + Localization که به اختصار به آن globalization میگویند. در تعریف، Internationalization (یا به اختصار i18n) به فرایند طراحی یک محصول برای پشتیبانی از فرهنگ(culture)ها و زبانهای مختلف و Localization (یا L10n) یا بومی سازی به شخصی سازی یک برنامه برای یک فرهنگ یا زبان خاص گفته میشود. (اطلاعات بیشتر در [اینجا](#)).

استفاده از این فایلهای محدود به پیاده سازی ویژگی چندزبانه نیست. شما میتوانید از این فایلهای برای نگهداری تمام رشته های موردنیاز خود استفاده کنید. نکته دیگری که باید بدان اشاره کرد این است که تقریباً تمام منابع مورد استفاده در یک محصول را میتوان درون این فایلهای ذخیره کرد. این منابع در حالت کلی شامل موارد زیر است:

- انواع رشته های مورد استفاده در برنامه چون لیبل ها و پیغام ها و یا مسیر ها (مثلاً نشانی تصاویر یا نام کنترل ها و اکشن ها) و یا حتی برخی تنظیمات ویژه برنامه (که نمیخواهیم براحتی قابل نمایش یا تغییر باشد و یا اینکه بخواهیم با تغییر زبان تغییر کنند مثل direction و امثال آن)
- تصاویر و آیکون ها و یا فایلهای صوتی و انواع دیگر فایل ها
- ...

نحوه بهره برداری از فایلهای Resource در دات نت، پیاده سازی نسبتاً آسانی را در اختیار برنامه نویس قرار میدهد. برای استفاده از این فایلهای نیز روش های متنوعی وجود دارد که در مطلب جاری به چگونگی استفاده از آنها در پروژه های ASP.NET MVC پرداخته میشود.

در دات نت Globalization

فرمت نام یک culture دات نت (که در کلاس [CultureInfo](#) پیاده شده است) بر اساس استاندارد RFC 4646 ([^](#) و [_](#)) است. (در [اینجا](#) اطلاعاتی راجع به RFC یا Request for Comments آورده شده است). در این استاندارد نام یک فرهنگ (کالچر) ترکیبی از نام زبان به همراه نام کشور یا منطقه مربوطه است. نام زبان برپایه استاندارد ISO 639 که یک عبارت دو حرفی با حروف کوچک برای معرفی زبان است مثل fa برای فارسی و en برای انگلیسی و نام کشور یا منطقه نیز برپایه استاندارد ISO 3166 که یه عبارت دو حرفی با حروف بزرگ برای معرفی یک کشور یا یک منطقه است مثل IR برای ایران یا US برای آمریکاست. برای نمونه میتوان به fa-IR برای زبان فارسی کشور ایران و یا en-US برای زبان انگلیسی آمریکایی اشاره کرد. البته در این روش نامگذاری یکی دو مورد استثنای هم وجود دارد (اطلاعات کامل کلیه زبانها: [National Language Support \(NLS\) API Reference](#)). یک فرهنگ ختنی (Neutral Culture) نیز تنها با استفاده از دو حرف نام زبان و بدون نام کشور یا منطقه معرفی میشود. مثل fa برای فارسی یا de برای آلمانی. در این بخش نیز دو استثنای وجود دارد ([^](#) و [_](#)).

در دات نت دو نوع culture وجود دارد: **UICulture** و **Culture**. هر دوی این مقادیر در هر Thread مقداری منحصر به فرد دارند. مقدار Culture بر روی توابع وابسته به فرهنگ (مثل فرمت رشته های تاریخ و اعداد و پول) تاثیر میگذارد. اما مقدار UICulture تعیین میکند که سیستم مدیریت منابع دات نت (Resource Manager) از کدام فایل Resource برای بارگذاری داده ها استفاده کند. در واقع در دات نت با استفاده از پراپرتی های موجود در کلاس استاتیک Thread برای ثرد جاری (که عبارتند از CurrentCulture و CurrentUICulture) برای فرمت کردن و یا انتخاب Resource مناسب تصمیم گیری میشود. برای تعیین کالچر جاری به صورت دستی میتوان بصورت زیر عمل کرد:

```
Thread.CurrentThread.CurrentCulture = new CultureInfo("fa-IR");
Thread.CurrentThread.CurrentUICulture = CultureInfo.CreateSpecificCulture("fa-IR");
```

درینجا باید اشاره کنم که کار انتخاب Resource مناسب با توجه به کالچر ثرد جاری توسط [ResourceProviderFactory](#) پیشفرض دات نت انجام میشود. در مطالب بعدی به نحوه تعریف یک پرووایدر شخصی سازی شده هم خواهم پرداخت.

پشتیبانی از زبانهای مختلف در MVC

برای استفاده از ویژگی چندزبانه در MVC دو روش کلی وجود دارد.

1. استفاده از فایلهای Resource برای تمامی رشته‌های موجود

2. استفاده از View‌های مختلف برای هر زبان

البته روش سومی هم که از ترکیب این دو روش استفاده میکند نیز وجود دارد. انتخاب روش مناسب کمی به سلیقه‌ها و عادات برنامه نویسی بستگی دارد. اگر فکر میکنید که استفاده از ویوهای مختلف به دلیل جداسازی مفاهیم درگیر در کالچرها (مثل جانمایی اجزای مختلف ویوها یا بحث Direction) باعث مدیریت بهتر و کاهش هزینه‌های پشتیبانی میشود بهتر است از روش دوم یا ترکیبی از این دو روش استفاده کنید. خودم به شخصه سعی میکنم از روش اول استفاده کنم. چون معتقدم استفاده از ویوهای مختلف باعث افزایش بیش از اندازه حجم کار میشود. اما در برخی موارد استفاده از روش دوم یا ترکیبی از دو روش میتواند بهتر باشد.

تولید فایلهای Resource

بهترین مکان برای نگهداری فایلهای Resource در یک پروژه جداگانه است. در پروژه‌های از نوع وبسایت پوشه‌هایی با نام App_LocalResources یا App_GlobalResources وجود دارد که میتوان از آنها برای نگهداری و مدیریت این نوع فایلها استفاده کرد. اما همانطور که در [اینجا](#) توضیح داده شده است این روش مناسب نیست. بنابراین ابتدا یک پروژه مخصوص نگهداری فایلهای Resource ایجاد کنید و سپس اقدام به تهیه این فایلها نمایید. سعی کنید که عنوان این پروژه به صورت زیر باشد. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره نحوه نامگذاری اشیای مختلف در دات نت به [این مطلب](#) رجوع کنید.

`SolutionName>.Resources>`

برای افزودن فایلهای Resource به این پروژه ابتدا برای انتخاب زبان پیش فرض محصول خود تصمیم بگیرید. پیشنهاد میکنم که از زبان انگلیسی (en-US) برای اینکار استفاده کنید. ابتدا یک فایل Resource (با پسوند resx). مثلاً با نام Texts.resx به این پروژه اضافه کنید. با افزودن این فایل به پروژه، ویژوال استودیو به صورت خودکار یک فایل cs. حاوی کلاس منتظر با این فایل را به پروژه اضافه میکند. این کار توسط ابزار توکاری به نام ResXFileCodeGenerator انجام میشود. اگر به پراپرتی‌های این فایل resx رجوع کنید میتوانید این عنوان را در پراپرتی Custom Tool بینید. البته ابزار دیگری برای تولید این کلاسها نیز وجود دارد. این ابزارهای توکار برای سطوح دسترسی مختلف استفاده میشوند. ابزار پیش فرض در ویژوال استودیو یعنی همان ResXFileCodeGenerator، این کلاسها را با دسترسی internal تولید میکند که مناسب کار ما نیست. ابزار دیگری که برای اینکار درون ویژوال استودیو وجود دارد PublicResXFileCodeGenerator است و همانطور که از نامش پیداست از سطح دسترسی public استفاده میکند. برای تغییر این ابزار کافی است تا عنوان آن را دقیقاً در پراپرتی Custom Tool تایپ کنید.

Solution Explorer

The Solution Explorer shows the project structure:

- Properties
- References
- Controls
- Global
 - Configs.fa.resx
 - Configs.resx
 - Exceptions.fa.resx
 - Exceptions.resx
 - Paths.fa.resx
 - Paths.resx
 - Texts.fa.resx
 - Texts.resx**
- ViewModels
- Views
- excludes.txt

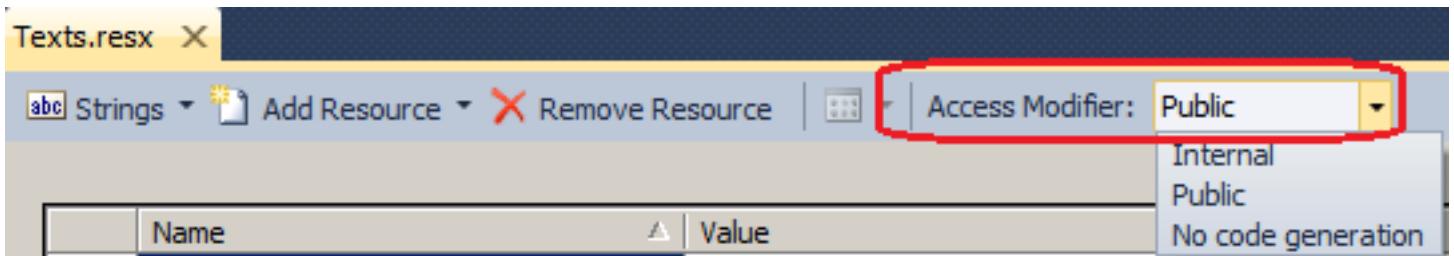
Properties

Texts.resx File Properties

Build Action	Embedded Resource
Copy to Output Directory	Do not copy
Custom Tool	PublicResXFileCodeGenerator
Custom Tool Namespace	
File Name	Texts.resx
Full Path	[REDACTED]

Build Action
How the file relates to the build and deployment processes.

نکته: درباره پر اپرتی مهم Build Action این فایلها در مطالب بعدی بیشتر بحث میشود. برای تعیین سطح دسترسی Resource موردنظر به روش دیگر، میتوانید فایل Resource را باز کرده و Access Modifier آن را به Public تغییر دهید.



سپس برای پشتیبانی از زبانی دیگر، یک فایل دیگر Resource به پروژه اضافه کنید. نام این فایل باید همان فایل اصلی به همراه نام کالچر موردنظر باشد. مثلا برای زبان فارسی عنوان فایل باید Texts.fa-IR.resx یا به صورت ساده‌تر برای کالچر خنثی (بدون نام کشور) Texts.fa.resx باشد. وقت کنید اگر نام فایل را در همان پنجره افزودن فایل وارد کنید ویژوال استودیو این همانمی را به صورت هوشمند تشخیص داده و تغییراتی را در پر اپرتی‌های پیش‌فرض فایل Resource ایجاد میکند.

نکته: این هوشمندی مرتبه نسبتا بالایی دارد. بدین صورت که تنها در صورتیکه عبارت بعد از نام فایل اصلی Resource (رشته بعد از نقطه مثل fa در اینجا) متعلق به یک کالچر معتبر باشد این تغییرات اعمال خواهد شد.

مهتمرين اين تغييرات اين است که ابزاری را برای پر اپرتی Custom Tool اين فایلها انتخاب نمیکند! اگر به پر اپرتی فایل Texts.fa.resx مراجعه کنید این مورد کاملا مشخص است. در نتیجه دیگر فایل cs. حاوی کلاسی جداگانه برای این فایل ساخته نمیشود. همچنین اگر فایل Resource جدید را باز کنید میبینید که برای آن گزینه No Code Generation انتخاب شده است.

در ادامه شروع به افزودن عنایین موردنظر در این دو فایل کنید. در اولی (بدون نام زبان) رشته‌های مربوط به زبان انگلیسی و در دومی رشته‌های مربوط به زبان فارسی را وارد کنید. سپس در هرجایی که یک لیبل یا یک رشته برای نمایش وجود دارد از این کلیدهای Resource استفاده کنید مثل:

```
SolutionName>.Resources.Texts.Save>
SolutionName>.Resources.Texts.Cancel>
```

استفاده از Resource در ویومدل ها

دو خاصیت معروفی که در ویومدلها استفاده میشوند عبارتند از Required و DisplayName. پشتیبانی از کلیدهای Resource به صورت توکار در خاصیت Required وجود دارد. برای استفاده از آنها باید به صورت زیر عمل کرد:

```
[Required(ErrorMessageResourceName = "ResourceKeyName", ErrorMessageResourceType =
typeof(<SolutionName>.Resources.<ResourceClassName>))]
```

در کد بالا باید از نام فایل Resource اصلی (فایل اول که بدون نام کالچر بوده و به عنوان منبع پیشفرض به همراه یک فایل cs. حاوی کلاس مربوطه نیز هست) برای معرفی ErrorMessageResourceType استفاده کرد. چون ابزار توکار ویژوال استودیو از نام این فایل برای تولید کلاس مربوطه استفاده میکند.

متاسفانه خاصیت DisplayName که در فضای نام System.ComponentModel (در فایل System.dll) قرار دارد قابلیت استفاده از کلیدهای Resource را به صورت توکار ندارد. در دات نت 4 خاصیت دیگری در فضای نام

System.ComponentModel.DataAnnotations (در فایل System.ComponentModel.DataAnnotations.dll) وجود دارد که این امکان را به صورت توکار دارد. اما قابلیت استفاده از این خاصیت تنها در 3 MVC وجود دارد. برای نسخه‌های قدیمیتر

MVC امکان استفاده از این خاصیت حتی اگر نسخه فریمورک هدف 4 باشد وجود ندارد، چون هسته این نسخه‌های قدیمی امکان استفاده از ویژگی‌های جدید فریمورک با نسخه بالاتر را ندارد. برای رفع این مشکل میتوان کلاس خاصیت `DisplayName` را برای استفاده از خاصیت `Display` به صورت زیر توسعه داد:

```
public class LocalizationDisplayNameAttribute : DisplayNameAttribute
{
    private readonly DisplayAttribute _display;
    public LocalizationDisplayNameAttribute(string resourceName, Type resourceType)
    {
        _display = new DisplayAttribute { ResourceType = resourceType, Name = resourceName };
    }
    public override string DisplayName
    {
        get
        {
            try
            {
                return _display.GetName();
            }
            catch (Exception)
            {
                return _display.Name;
            }
        }
    }
}
```

در این کلاس با ترکیب دو خاصیت نامبرده امکان استفاده از کلیدهای `Resource` فراهم شده است. در پیاده سازی این کلاس فرض شده است که نسخه فریمورک هدف حداقل برابر 4 است. اگر از نسخه‌های پایین‌تر استفاده میکنید در پیاده سازی این کلاس باید کاملاً به صورت دستی کلید موردنظر را از `Resource` معرفی شده بدست آورید. مثلاً به صورت زیر:

```
public class LocalizationDisplayNameAttribute : DisplayNameAttribute
{
    private readonly PropertyInfo nameProperty;
    public LocalizationDisplayNameAttribute(string displayNameKey, Type resourceType = null)
        : base(displayNameKey)
    {
        if (resourceType != null)
            nameProperty = resourceType.GetProperty(base.DisplayName, BindingFlags.Static |
BindingFlags.Public);
    }
    public override string DisplayName
    {
        get
        {
            if (nameProperty == null) base.DisplayName;
            return (string)nameProperty.GetValue(nameProperty.DeclaringType, null);
        }
    }
}
```

برای استفاده از این خاصیت جدید میتوان به صورت زیر عمل کرد:

```
[LocalizationDisplayName("ResourceKeyName", typeof(<SolutionName>.Resources.<ResourceClassName>))]
```

البته بیشتر خواص متداول در ویومدلها از ویژگی موردنیت پشتیبانی میکنند.

نکته: به کار گیری این روش ممکن است در پروژه‌های بزرگ کمی گیج کننده و در دسرساز بوده و باعث پیچیدگی بی‌مورد کد و نیز افزایش بیش از حد حجم کدنویسی شود. در مقاله آقای فیل هک ([Model Metadata and Validation Localization using Conventions](#)) روش بهتر و تمیزتری برای مدیریت پیامهای این خاصیت‌ها آورده شده است.

پشتیبانی از ویژگی چند زبانه

مرحله بعدی برای چندزبانه کردن پروژه‌های MVC تغییراتی است که برای مدیریت `Culture` جاری برنامه باید پیاده شوند. برای

اینکار باید خاصیت `CurrentUICulture` در ثرد جاری کنترل و مدیریت شود. یکی از مکانهایی که برای نگهداری زبان جاری استفاده میشود کوکی است. معمولاً برای اینکار از کوکی‌های دارای تاریخ انقضای طولانی استفاده میشود. میتوان از تنظیمات موجود در فایل کانفیگ برای ذخیره زبان پیش فرض سیستم نیز استفاده کرد.

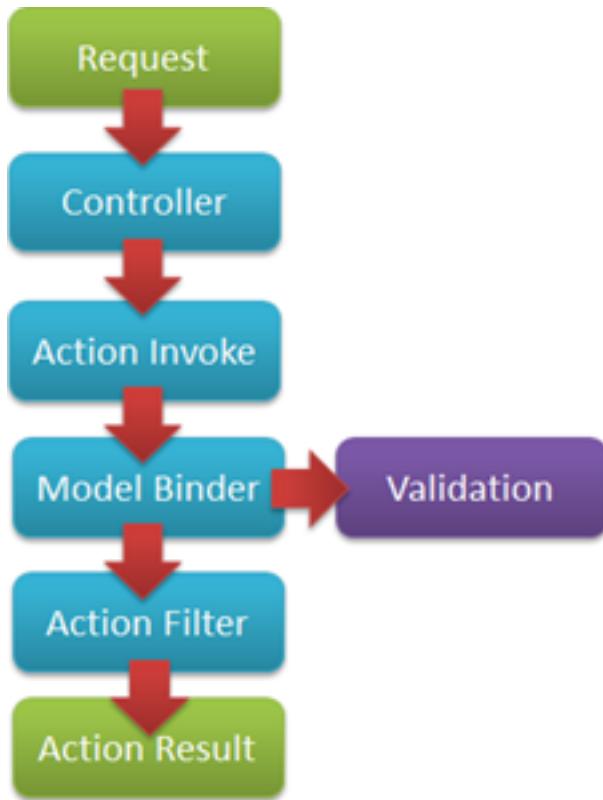
روشی که معمولاً برای مدیریت زبان جاری میتوان از آن استفاده کرد پیاده سازی یک کلاس پایه برای تمام کنترلرها است. کد زیر راه حل نهایی را نشان میدهد:

```
public class BaseController : Controller
{
    private const string LanguageCookieName = "MyLanguageCookieName";
    protected override void ExecuteCore()
    {
        var cookie = HttpContext.Request.Cookies[LanguageCookieName];
        string lang;
        if (cookie != null)
        {
            lang = cookie.Value;
        }
        else
        {
            lang = ConfigurationManager.AppSettings["DefaultCulture"] ?? "fa-IR";
            var httpCookie = new HttpCookie(LanguageCookieName, lang) { Expires = DateTime.Now.AddYears(1)};
        };
        HttpContext.Response.SetCookie(httpCookie);
    }
    Thread.CurrentThread.CurrentCulture = CultureInfo.CreateSpecificCulture(lang);
    base.ExecuteCore();
}
}
```

راه حل دیگر استفاده از یک `ActionFilter` است که نحوه پیاده سازی یک نمونه از آن در زیر آورده شده است:

```
public class LocalizationActionFilterAttribute : ActionFilterAttribute
{
    private const string LanguageCookieName = "MyLanguageCookieName";
    public override void OnActionExecuting(ActionExecutingContext filterContext)
    {
        var cookie = filterContext.HttpContext.Request.Cookies[LanguageCookieName];
        string lang;
        if (cookie != null)
        {
            lang = cookie.Value;
        }
        else
        {
            lang = ConfigurationManager.AppSettings["DefaultCulture"] ?? "fa-IR";
            var httpCookie = new HttpCookie(LanguageCookieName, lang) { Expires = DateTime.Now.AddYears(1)};
        };
        filterContext.HttpContext.Response.SetCookie(httpCookie);
    }
    Thread.CurrentThread.CurrentCulture = CultureInfo.CreateSpecificCulture(lang);
    base.OnActionExecuting(filterContext);
}
}
```

نکته مهم: تعیین زبان جاری (یعنی همان مقداردهی پراپرتی `CurrentCulture` ثرد جاری) در یک اکشن فیلتر بدرستی عمل نمیکند. برای بررسی بیشتر این مسئله ابتدا به تصویر زیر که ترتیب رخدادهای مهم در ASP.NET MVC را نشان میدهد دقت کنید:



همانطور که در تصویر فوق مشاهده میکنید رویداد `OnActionExecuting` که در یک اکشن فیلتر به کار میرود بعد از عملیات مدل بایندینگ رخ میدهد. بنابراین قبل از تعیین کالچر جاری، عملیات `validation` و یافتن متن خطاها از فایلهای `Resource` انجام میشود که منجر به انتخاب کلیدهای مربوط به کالچر پیشفرض سرور (و نه آنچه که کاربر تنظیم کرده) خواهد شد. بنابراین استفاده از یک اکشن فیلتر برای تعیین کالچر جاری مناسب نیست. راه حل مناسب استفاده از همان کنترلر پایه است، زیرا متد `ExecuteCore` قبل از تمامی این عملیات صدا زده میشود. بنابراین همیشه کالچر تنظیم شده توسط کاربر به عنوان مقدار جاری آن در ثرد ثبت میشود.

امکان تعیین/تغییر زبان توسط کاربر

برای تعیین یا تغییر زبان جاری سیستم نیز روش‌های گوناگونی وجود دارد. استفاده از زبان تنظیم شده در مرورگر کاربر، استفاده از عنوان زبان در آدرس صفحات درخواستی و یا تعیین زبان توسط کاربر در تنظیمات برنامه/سایت و ذخیره آن در کوکی یا دیتابیس و مواردی از این دست روش‌هایی است که معمولاً برای تعیین زبان جاری از آن استفاده میشود. در کدهای نمونه ای که در بخش‌های قبل آورده شده است فرض شده است که زبان جاری سیستم درون یک کوکی ذخیره میشود بنابراین برای استفاده از این روش میتوان از قطعه کدی مشابه زیر (مثلاً در فایل `_Layout.cshtml`) برای تعیین و تغییر زبان استفاده کرد:

```

<select id="langs" onchange="languageChanged()">
  <option value="fa-IR">فارسی</option>
  <option value="en-US">انگلیسی</option>
</select>
<script type="text/javascript">
  function languageChanged() {
    setCookie("MyLanguageCookieName", $('#langs').val(), 365);
    window.location.reload();
  }
  document.ready = function () {
    $('#langs').val(getCookie("MyLanguageCookieName"));
  };
  function setCookie(name, value, exdays, path) {
    var exdate = new Date();
    exdate.setDate(exdate.getDate() + exdays);
    var newValue = escape(value) + ((exdays == null) ? "" : "; expires=" + exdate.toUTCString()) +
    ((path == null) ? "" : "; path=" + path);
    document.cookie = name + "=" + newValue;
  }
</script>
  
```

```

function getCookie(name) {
    var i, x, y, cookies = document.cookie.split(";");
    for (i = 0; i < cookies.length; i++) {
        x = cookies[i].substr(0, cookies[i].indexOf("="));
        y = cookies[i].substr(cookies[i].indexOf("=") + 1);
        x = x.replace(/\s+/g, "");
        if (x == name) {
            return unescape(y);
        }
    }
}
</script>

```

متدهای `getCookie` و `setCookie` جاوا اسکریپتی در کد بالا از [لينجا](#) گرفته شده اند البته پس از کمی تغییر.
نکته: مطلب `Cookie`ها بحثی نسبتاً مفصل است که در جای خودش باید به صورت کامل آوردش شود. اما در اینجا تنها به همین نکته اشاره کنم که عدم توجه به پراپرتی `path` کوکی‌ها در این مورد خاص برای خود من بسیار گیج‌کننده و دردرساز بود.
 به عنوان راهی دیگر میتوان به جای روش ساده استفاده از کوکی، تنظیماتی در اختیار کاربر قرار داد تا بتواند زبان تنظیم شده را درون یک فایل یا دیتابیس ذخیره کرد البته با درنظر گرفتن مسائل مربوط به کش کردن این تنظیمات.
 راه حل بعدی میتواند استفاده از تنظیمات مرورگر کاربر برای دریافت زبان جاری تنظیم شده است. مرورگرها تنظیمات مربوط به زبان را در قسمت `Accept-Languages` در `HTTP Header` درخواست ارسالی به سمت سرور قرار میدهند. بصورت زیر:

```

GET http://www.dotnettips.info HTTP/1.1
...
Accept-Language: fa-IR,en-US;q=0.5
...

```

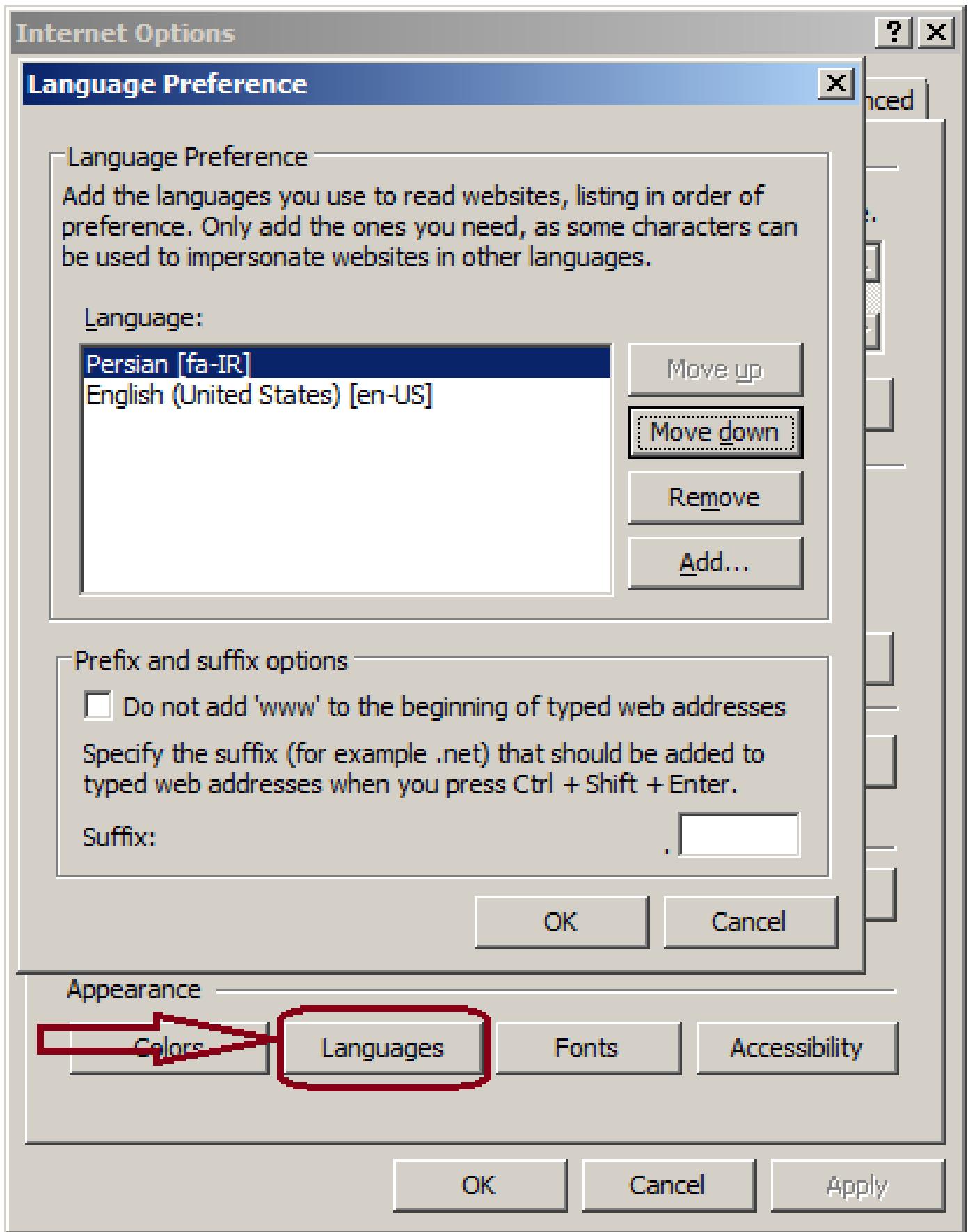
این هم تصویر مربوط به آن: [Fiddler](#)

نکته: پارامتر `q` در عبارت مشخص شده در تصویر فوق `relative quality factor` نام دارد و به نوعی مشخص کننده اولویت زبان مربوطه است. مقدار آن بین 0 و 1 است. هرچه مقدار پیش فرض آن 1 است. هرچه مقدار این پارامتر بیشتر باشد زبان مربوطه اولویت

بالاتری دارد. مثلا عبارت زیر را در نظر بگیرید:

Accept-Language: fa-IR,fa;q=0.8,en-US;q=0.5,ar-BH;q=0.3

در این حالت اولویت زبان fa-IR برابر 1 و fa;q=0.8 (0.8) است. اولویت دیگر زبانهای تنظیم شده نیز همانطور که نشان داده شده است در مراتب بعدی قرار دارند. در تنظیم نمایش داده شده برای تغییر این تنظیمات در IE میتوان همانند تصویر زیر اقدام کرد:



در تصویر بالا زبان فارسی اولویت بالاتری نسبت به انگلیسی دارد. برای اینکه سیستم g11n دات نت به صورت خودکار از این مقادیر جهت زبان ثرد جاری استفاده کند میتوان از تنظیم زیر در فایل کانفیگ استفاده کرد:

```
<system.web>
  <globalization enableClientBasedCulture="true" uiCulture="auto" culture="auto"></globalization>
</system.web>
```

در سمت سرور نیز برای دریافت این مقادیر تنظیم شده در مرورگر کاربر میتوان از کدهای زیر استفاده کرد. مثلا در یک اکشن فیلتر:

```
var langs = filterContext.HttpContext.Request.UserLanguages;
```

پر اپرتی UserLanguages از کلاس Request حاوی آرایه‌ای از استرینگ است. این آرایه در واقع از Split کردن مقدار Accept-Language با کاراکتر ',' بدست می‌آید. بنابراین اعضای این آرایه رشته‌ای از نام زبان به همراه پارامتر q مربوطه خواهند بود (مثل ".fa;q=0.8").

راه دیگر مدیریت زبانها استفاده از عنوان زبان در مسیر درخواستی صفحات است. مثلا آدرسی شبیه به www.MySite.com/fa/Employees نشان میدهد کاربر درخواست نسخه فارسی از صفحه Employees را دارد. نحوه استفاده از این عنوان و نیز موقعیت فیزیکی این عنوان در مسیر صفحات درخواستی کاملابه سلیقه برنامه نویس و یا کارفرما بستگی دارد. روش کلی بهره برداری از این روش در تمام موارد تقریباً یکسان است.

برای پیاده سازی این روش ابتدا باید یک route جدید در فایل Global.asax.cs اضافه کرد:

```
routes.MapRoute(
    "Localization", // Route name
    "{lang}/{controller}/{action}/{id}", // URL with parameters
    new { controller = "Home", action = "Index", id = UrlParameter.Optional } // Parameter defaults
);
```

دقیق کنید که این route باید قبل از تمام route‌های دیگر ثبت شود. سپس باید کلاس پایه کنترلر را به صورت زیر پیاده سازی کرد:

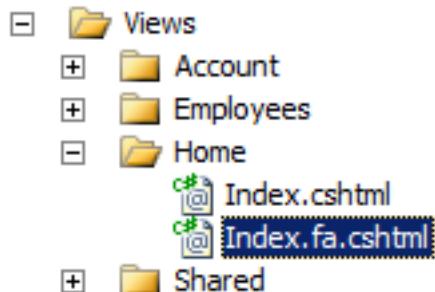
```
public class BaseController : Controller
{
    protected override void ExecuteCore()
    {
        var lang = RouteData.Values["lang"];
        if (lang != null && !string.IsNullOrWhiteSpace(lang.ToString()))
        {
            Thread.CurrentThread.CurrentCulture = CultureInfo.CreateSpecificCulture(lang.ToString());
        }
        base.ExecuteCore();
    }
}
```

این کار را در یک اکشن فیلتر هم میتوان انجام داد اما با توجه به توضیحاتی که در قسمت قبل داده شد استفاده از اکشن فیلتر برای تعیین زبان جاری کار مناسبی نیست.

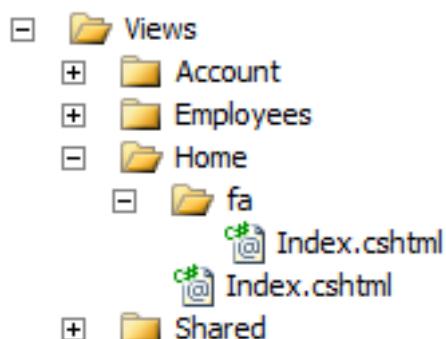
نکته: به دلیل آوردن عنوان زبان در مسیر درخواستها باید کنترل دقیقتی بر کلیه مسیرهای موجود داشت!

استفاده از ویوهای جداگانه برای زبانهای مختلف

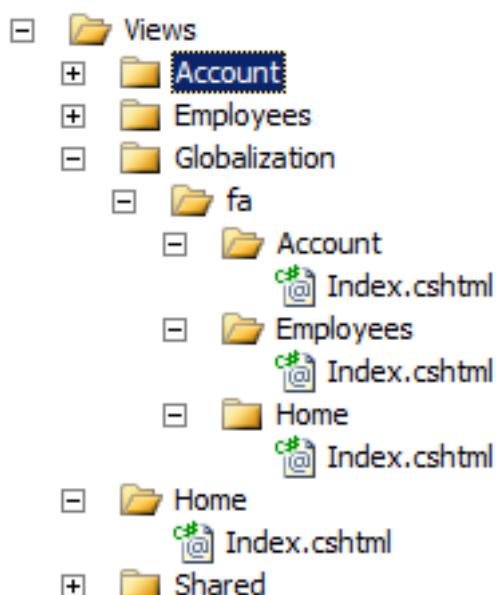
برای اینکار ابتدا ساختار مناسبی را برای نگهداری از ویوهای مختلف خود در نظر بگیرید. مثلا میتوانید همانند نامگذاری فایلهای Resource از نام زبان یا کالچر به عنوان بخشی از نام فایلهای ویو استفاده کنید و تمام ویوها را در یک مسیر ذخیره کنید. همانند تصویر زیر:



البته اینکار ممکن است به مدیریت این فایلها را کمی مشکل کند چون به مرور زمان تعداد فایلها و یو در یک فolder زیاد خواهد شد. روش دیگری که برای نگهداری این ویوها میتوان به کار برد استفاده از فولدرهای جداگانه با عنوانی زبانهای موردنظر است. مانند تصویر زیر:



روش دیگری که برای نگهداری و مدیریت بهتر ویوهای زبانهای مختلف از آن استفاده میشود به شکل زیر است:



استفاده از هرکدام از این روشها کاملاً به سلیقه و راحتی مدیریت فایلها برای برنامه نویس بستگی دارد. درهر صورت پس از

انتخاب یکی از این روشها باید اپلیکشن خود را طوری تنظیم کنیم که با توجه به زبان جاری سیستم، ویوی مربوطه را جهت نمایش انتخاب کند.

مثلا برای روش اول نامگذاری ویوها میتوان از روش دستکاری متده `OnActionExecuted` در کلاس پایه کنترلر استفاده کرد:

```
public class BaseController : Controller
{
    protected override void OnActionExecuted(ActionExecutedContext context)
    {
        var view = context.Result as ViewResultBase;
        if (view == null) return; // not a view
        var viewName = view.ViewName;
        view.ViewName = GetGlobalizationViewName(viewName, context);
        base.OnActionExecuted(context);
    }
    private static string GetGlobalizationViewName(string viewName, ControllerContext context)
    {
        var cultureName = Thread.CurrentThread.CurrentCulture.Name;
        if (cultureName == "en-US") return viewName; // default culture
        if (string.IsNullOrEmpty(viewName))
            return context.RouteData.Values["action"] + "." + cultureName; // "Index.fa"
        int i;
        if ((i = viewName.IndexOf('.')) > 0) // ex: Index.cshtml
            return viewName.Substring(0, i + 1) + cultureName + viewName.Substring(i); // "Index.fa.cshtml"
        return viewName + "." + cultureName; // "Index" ==> "Index.fa"
    }
}
```

همانطور که قبلاً نیز شرح داده شد، چون متده `OnActionExecuted` قبل از `ExecuteCore` صدا زده میشود بنابراین از تنظیم درست مقدار کالچر در ثرد جاری اطمینان داریم.

روش دیگری که برای مدیریت انتخاب ویوها مناسب استفاده از یک ویوانجین شخصی سازی شده است. مثلاً برای روش سوم نامگذاری ویوها میتوان از کد زیر استفاده کرد:

```
public sealed class RazorGlobalizationViewEngine : RazorViewEngine
{
    protected override IView CreatePartialView(ControllerContext controllerContext, string partialPath)
    {
        return base.CreatePartialView(controllerContext, GetGlobalizationViewPath(controllerContext,
partialPath));
    }
    protected override IView CreateView(ControllerContext controllerContext, string viewPath, string masterPath)
    {
        return base.CreateView(controllerContext, GetGlobalizationViewPath(controllerContext, viewPath),
masterPath);
    }
    private static string GetGlobalizationViewPath(ControllerContext controllerContext, string viewPath)
    {
        //var controllerName = controllerContext.RouteData.GetRequiredString("controller");
        var request = controllerContext.HttpContext.Request;
        var lang = request.Cookies["MyLanguageCookie"];
        if (lang != null && !string.IsNullOrEmpty(lang.Value) && lang.Value != "en-US")
        {
            var localizedViewPath = Regex.Replace(viewPath, "^\~Views/", string.Format("\~Views\Globalization\{0}\~", lang.Value));
            if (File.Exists(request.MapPath(localizedViewPath))) viewPath = localizedViewPath;
        }
        return viewPath;
    }
}
```

و برای ثبت این `ViewEngine` در فایل `Global.asax.cs` خواهیم داشت:

```
protected void Application_Start()
{
    ViewEngines.Engines.Clear();
    ViewEngines.Engines.Add(new RazorGlobalizationViewEngine());
}
```

محتوای یک فایل Resource

ساختار یک فایل resx به صورت XML استاندارد است. در زیر محتوای یک نمونه فایل Resource با پسوند resx را مشاهده میکنید:

```
<?xml version="1.0" encoding="utf-8"?>
<root>
  <!--
    Microsoft ResX Schema ...
  -->
  <xsd:schema id="root" xmlns="" xmlns:xsd="http://www.w3.org/2001/XMLSchema"
  xmlns:msdata="urn:schemas-microsoft-com:xml-msdata">
    ...
  </xsd:schema>
  <resheader name="resmimetype">
    <value>text/microsoft-resx</value>
  </resheader>
  <resheader name="version">
    <value>2.0</value>
  </resheader>
  <resheader name="reader">
    <value>System.Resources.ResXResourceReader, System.Windows.Forms, Version=4.0.0.0, Culture=neutral,
    PublicKeyToken=b77a5c561934e089</value>
  </resheader>
  <resheader name="writer">
    <value>System.Resources.ResXResourceWriter, System.Windows.Forms, Version=4.0.0.0, Culture=neutral,
    PublicKeyToken=b77a5c561934e089</value>
  </resheader>
  <data name="RightToLeft" xml:space="preserve">
    <value>false</value>
    <comment>RightToLeft is false in English!</comment>
  </data>
</root>
```

در قسمت ابتدایی تمام فایلهای resx، که توسط ویژوال استودیو تولید میشود کامنتی طولانی وجود دارد که به صورت خلاصه به شرح محتوا و ساختار یک فایل Resource میپردازد. در ادامه تگ نسبتاً طولانی xsd:schema قرار دارد. از این قسمت برای معرفی ساختار داده ای فایلهای XML استفاده میشود. برای آشنایی بیشتر با XSD (یا XML Schema) به [اینجا](#) مراجعه کنید. به صورت خلاصه میتوان گفت که XSD برای تعیین نوع داده ای اطلاعات موجود در یک فایل XML به کار میبرد. در واقع تگهای XSD به نوعی فایل XML ما را Strongly Typed میکند. با توجه به اطلاعات این قسمت، فایلهای resx شامل 4 نوع گره اصلی هستند که عبارتند از: metadata و assembly و data و resheader. در تعریف هر یک از گره‌ها در این قسمت مشخصاتی چون نام زیر گره‌های قابل تعریف در هر گره و نام و نوع خاصیتهای هر یک معرفی شده است.

بخش موردنظر ما در این مطلب قسمت انتهایی این فایلهای است (تگهای resheader و data). همانطور در بالا مشاهده میکنید تگهای resheader شامل تنظیمات مربوط به فایل resx. با ساختاری ساده به صورت name/value است. یکی از این تنظیمات resmimetype فایل resx را معرفی میکند که در واقع مشخص کننده نوع محتوای (Content Type) فایل XML است ([^](#)). برای فایلهای resx این مقدار برابر text/microsoft-resx است. تنظیم بعدی نسخه مربوط به فایل resx (یا Microsoft ResX Schema) را نشان میدهد. در حال حاضر نسخه جاری (در VS 2010) برابر 2.0 است. تنظیم بعدی مربوط به کلاسهای reader و writer و reader تعریف شده برای استفاده از این فایلهای است. به نوع این کلاسهای خواننده و نویسنده فایلهای resx. و مکان فیزیکی و فضای نام آنها دقت کنید که در مطالب بعدی از آنها برای ویرایش و بروزرسانی فایلهای resx در زمان اجرا استفاده خواهیم کرد.

در پایان نیز تگهای data که برای نگهداری داده‌ها از آنها استفاده میشود. هر گره data شامل یک خاصیت نام (name) و یک زیرگره مقدار (value) است. البته امکان تعیین یک کامنت در زیرگره comment نیز وجود دارد که اختیاری است. هر گره data میتواند شامل خاصیت type و یا mimetype باشد. خاصیت type مشخص کننده نوعی است که تبدیل text/value را با استفاده از ساختار [TypeConverter](#) پشتیبانی میکند. البته اگر در نوع مشخص شده این پشتیبانی وجود نداشته باشد، داده موردنظر پس از سریالایز شدن با فرمت مشخص شده در خاصیت mimetype ذخیره میشود. این [mimetype](#) اطلاعات موردنیاز را برای کلاس خواننده این فایلهای ResXResourceReader به صورت پیشفرض) جهت چگونگی بازیابی آبجکت موردنظر فراهم میکند. مشخص کردن این دو خاصیت برای انواع رشته ای نیاز نیست. انواع mimetype قابل استفاده عبارتند از:

application/x-microsoft.net.object.binary.base64 - آبجکت موردنظر باید با استفاده از کلاس System.Runtime.Serialization.Formatters.Binary.BinaryFormatter سریالایز شده و سپس با فرمت base64 به یک رشته انکد شود (راجع به انکدینگ [base64](#) و [^](#)).

application/x-microsoft.net.object.soap.base64 - آبجکت موردنظر باید با استفاده از کلاس

System.Runtime.Serialization.Formatters.Soap.SoapFormatter سریالایز شده و سپس با فرمت base64 به یک رشته انکد شود.

آبجکت ابتدا باید با استفاده از یک application/x-microsoft.net.object.bytearray.base64 - به آرایه ای از بایت سریالایز شده و سپس با فرمت base64 به یک رشته انکد شود. System.ComponentModel.TypeConverter نکته : امکان جاسازی کردن (embed) فایلهای resx را دارد. در یک اسمبلی یا کامپایل مستقیم آن به یک سیلایت اسمبلی (ترجمه مناسب برای satellite assembly پیدا نکرد، چیزی شبیه به اسمبلی قمری یا وابسته و از این قبیل ...) وجود ندارد. ابتدا باید این فایلهای resources را تبدیل شوند. اینکار با استفاده از ابزار Resource File Generator (نام فایل اجرای آن resgen.exe است) انجام میشود ([^](#) و [^](#)). سپس میتوان با استفاده از Assembly Linker سیلایت اسمبلی مربوطه را تولید کرد ([^](#)). کل این عملیات در ویژوال استودیو با استفاده از ابزار msbuild به صورت خودکار انجام میشود!

نحوه یافتن کلیدهای مختلف Resx در بین فایلهای خاصیت CurrentUICulture از ثرد جاری آغاز میشود. سپس با استفاده از عنوان استاندارد کالچر جاری، فایل مناسب Resource یافته میشود. در نهایت بهترین گزینه موجود برای کلید درخواستی از منابع موجود انتخاب میشود. مثلاً اگر کالچر جاری fa-IR و کلید درخواستی از کلاس Texts باشد ابتدا جستجو برای یافتن فایل Texts.fa-IR.resx آغاز میشود و اگر فایل موردنظر یا کلید درخواستی در این فایل یافته نشد جستجو در فایل Texts.fa.resx ادامه مییابد. اگر باز هم یافته نشد درنهایت این عملیات جستجو در فایل resource اصلی خاتمه مییابد و مقدار کلید منبع پیش فرض به عنوان نتیجه برگشت داده میشود. یعنی در تمامی حالات سعی میشود تا دقیقترین و بهترین و نزدیکترین نتیجه انتخاب شود. البته درصورتیکه از یک پرووایدر شخصی سازی شده برای کار خود استفاده میکنید باید چنین الگوریتمی را جهت یافتن کلیدهای منابع خود از فایلهای Resource (یا هرمنبع دیگر مثل دیتابیس یا حتی یک وب سرویس) درنظر بگیرید.

(javascript g11n) در کلاینت Globalization

یک دیگر از موارد استفاده g11n در برنامه نویسی سمت کلاینت است. با وجود استفاده گسترده از جاوا اسکریپت در برنامه نویسی سمت کلاینت در وب اپلیکیشنها، متاسفانه تا همین اوخر عمل ابزار یا کتابخانه مناسبی برای مدیریت g11n در این زمینه وجود نداشته است. یکی از اولین کتابخانه‌های تولید شده در این زمینه کتابخانه jQuery Globalization است که توسط مايكروسافت توسعه داده شده است (برای آشنایی بیشتر با این کتابخانه به [^](#) و [^](#) مراجعه کنید). این کتابخانه بعداً تغییر نام داده و اکنون با عنوان Globalize شناخته میشود. یک کتابخانه کاملاً مستقل است که وابستگی به هیچ کتابخانه دیگر ندارد (یعنی برای استفاده از آن نیازی به [^](#) نیست). این کتابخانه حاوی کالچرهای بسیاری است که عملیات مختلفی چون فرمت و parse انواع داده‌ها را نیز در سمت کلاینت مدیریت میکند. همچنین با فراهم کردن منابعی حاوی جفتهای key/culture میتوان از مزایایی مشابه مواردی که در این مطلب بحث شد در سمت کلاینت نیز بهره برد. نشانی این کتابخانه در [github](#) [\[اینجا\]](#) است. با اینکه خود این کتابخانه ابزار کاملی است اما در بین کالچرهای موجود در فایلهای آن متاسفانه پشتیبانی کاملی از زبان فارسی نشده است. ابزار دیگری که برای اینکار وجود دارد پلاگین [jquery localize](#) است که برای بحث g11n رشته‌ها پیاده‌سازی بهتر و کاملتری دارد.

در مطالب بعدی به مباحث تغییر مقادیر کلیدهای فایلهای resource در هنگام اجرا با استفاده از روش مستقیم تغییر محتوای فایلهای و کامپایل دوباره توسط ابزار msbuild و نیز استفاده از یک ResourceProvider شخصی سازی شده به عنوان یک راه حل بهتر برای اینکار میپردازم.

در تهیه این مطلب از منابع زیر استفاده شده است: [Localization in ASP.NET MVC – 3 Days Investigation, 1 Day Job](#)

[ASP.NET MVC 3 Internationalization](#)

[Localization and skinning in ASP.NET MVC 3 web applications](#) [Simple ASP.Net MVC Globalization with Graceful](#)

[Fallback](#)

[Globalization, Internationalization and Localization in ASP.NET MVC 3, JavaScript and jQuery - Part 1](#)

نظرات خوانندگان

نویسنده: امیرحسین مرجانی
تاریخ: ۲۳:۵ ۱۳۹۱/۱۰/۲۱

سلام آقای یوسف نژاد
من بعد از تلاش های زیاد توی پروژه های مختلف این مطالبی که شما نوشته اید رو پیاده سازی کردم ، ولی خیلی پراکنده .
ولی حالا می بینم شما به زیبایی این مطالب رو کنار هم قرار دادید .
می خواستم با بت مطلب خوب و مفیدتون و همچنین وقتی که گذاشتید تشکر کنم .
ممتنونم با بت زحمات شما

اگر ممکنه برچسب MVC رو هم به مطلبتون اضافه کنید .

نویسنده: یوسف نژاد
تاریخ: ۲۳:۲۴ ۱۳۹۱/۱۰/۲۱

با سلام و تشکر با بت نظر لطف شما .
البته باید بگم که همه دوستانی که اینجا به عنوان نویسنده کمک میکنند هدفشون اشتراک مطالبی هست که یاد گرفته اند تا سایر
دوستان هم استفاده کنند .

برچسب MVC هم اضافه شد . با تشکر از دقت نظر شما .

نویسنده: امیرحسین جلوداری
تاریخ: ۱:۳ ۱۳۹۱/۱۰/۲۲

کاملا مشخصه که مطلب از روی تجربه‌ی کاریه و بسیار عالی جمع آوری شده ... ممnon ... به طرز عجیبی منتظر قسمت بعدم :دی

نویسنده: پندار
تاریخ: ۲۱:۳۸ ۱۳۹۱/۱۲/۰۸

گویا در 4 MVC این روش پاسخ نمیدهد . لطفا در این مورد برای 4 MVC راه حلی بدھید

نویسنده: محسن
تاریخ: ۲۳:۶ ۱۳۹۱/۱۲/۰۸

MVC 4 فقط یک سری افزونه بیشتر از MVC3 دارد . مثلا razor آن بهبود پیدا کرده ، فشرده سازی فایل های CSS به اون اضافه شده یا
Web API رو به صورت یکپارچه دارد . از لحاظ کار با فایل های منبع فرقی نکرد .

نویسنده: پندار
تاریخ: ۹:۲۱ ۱۳۹۱/۱۲/۰۹

متن نشانی زیر را مطالعه کنید

<http://geekswithblogs.net/shaunxu/archive/2012/09/04/localization-in-asp.net-mvc-& upgraded.aspx>

نویسنده: محسن
تاریخ: ۹:۴۳ ۱۳۹۱/۱۲/۰۹

مطلوبی که لینک دادی در مورد آپدیت یک helper شخصی توسعه داده شده توسط شخص ثالث است از MVC2 به MVC4 . اگر کسی

از این راه حل شخصی و خاص استفاده نکرده باش، اصول فوق فرقی نکرده.

نوبنده: صابر فتح الهی
تاریخ: ۱۶:۵ ۱۳۹۱/۱۲/۱۴

مطلوب خیلی خوبی بود کلی استفاده کردیم.
مهندس کالچر زبان کردی چی میشه؟ توی لیست منابعی که دادین گیر نیاوردم

نوبنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۷:۲۲ ۱۳۹۱/۱۲/۱۴

هست مطابق استاندارد kur

نوبنده: صابر فتح الهی
تاریخ: ۲:۱۱ ۱۳۹۱/۱۲/۱۷

سلام
اما مهندس کلاس Culture Info این مقدار قبول نمیکنه

نوبنده: وحید نصیری
تاریخ: ۹:۳ ۱۳۹۱/۱۲/۱۷

میتونید کلاس فرهنگ سفارشی را ایجاد و استفاده کنید.

نوبنده: صابر فتح الهی
تاریخ: ۱۰:۱۲ ۱۳۹۱/۱۲/۱۷

اما روش گفته شده نیاز به دسترسی مدیریت دارد که روی سرورهای اشتراکی ممکن نیست

نوبنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۱:۱۹ ۱۳۹۱/۱۲/۱۷

نحوه توسعه اکثر برنامه‌ها و کتابخانه‌ها در طول زمان، بر اساس تقاضا و پیگیری مصرف کننده است. اگر بعد از بیش از 10 سال، جنین فرهنگی اضافه نشده یعنی درخواستی نداشته. مراجعه کنید به محل پیگیری این نوع مسائل.

نوبنده: صابر فتح الهی
تاریخ: ۱۰:۱۴ ۱۳۹۱/۱۲/۱۹

سلام مهندس یوسف نژاد (ابتدا ممنونم از پست خوب شما)
با پیروی از پست شما
ابتدا فایل‌های ریسورس در پروژه جاری فolder App_GlobalResources گذاشتم و پروژه در صفحات aspx با قالب زیر به راحتی تغییر زبان داده میشد:

```
<asp:Literal ID="Literal1" Text='<%$ Resources:resource, Title %>' runat="server" />
```

اما بعدش فایل هارو توی یک پروژه کتابخانه ای جدید گذاشتم و Build Action Fایل‌های ریسورس روی Embedded Resource تنظیم کردم، پروژه با موفقیت اجرا شد و در سمت سرور با کد زیر راحت به مقادیر دسترسی دارم:
Literal1.Text=ResourcesManager.Resource.Title;

اما در سمت صفحات aspx با کد قبلی به شکل زیر نمایش نمیده و خطای صادر میشه:

```
<asp:Literal ID="Literal1" runat="server" Text='<%$ ResourceManager.Resource:resource, Title %>' />
```

و خطای زیر صادر میشه:

Parser Error

Description: An error occurred during the parsing of a resource required to service this request. Please review the following specific parse error details and modify your source file appropriately.

Parser Error Message: The expression prefix 'ResourceManager.Resource' was not recognized. Please correct the prefix or register the prefix in the <expressionBuilders> section of configuration.

Source Error:

مراحل این پست روی هم دنبال کردم اما بازم نشد.
چه تنظیماتی سمت نکردم ؟

نویسنده: یوسف نژاد

تاریخ: ۱۲:۴۴ ۱۳۹۲/۰۱/۳۱

ببخشید یه چند وقتی فعال نبودم و پاسخ این سوال رو دیر دارم میدم.
امکان استفاده از کلیدهای Resource برای مقداردهی خواص سمت سرور کنترلها در صفحات aspx به صورت مستقیم وجود ندارد. بنابراین برای استفاده از این کلیدها همانند روش پیش فرض موجود در ASP.NET باید از یکسری ExpressionBuilder استفاده شود که کار Parse عبارت وارد براي اين خواص را در سمت سرور انجام ميدهد. کلاس پیش فرض برای اینکار در ASP.NET Web Form که از پیشوند Resources میکند تنها برای Resource‌های محلی (Local) موجود در فولدرهای پیش فرض (App_LocalResources و App_GlobalResources) کاربرد دارد و برای استفاده از Resource‌های موجود در منابع ریفرنس داده شده به پروژه باید از روشی مثل اونچه که خود شما لینکش رو دادین استفاده کرد.
من این روش رو استفاده کردم و پیاده سازی موفقی داشتم. نمیدونم مشکل شما چیه...

نویسنده: یوسف نژاد

تاریخ: ۱۲:۵۲ ۱۳۹۲/۰۱/۳۱

اگر مشکلی در پیاده سازی روش بالا دارین، تمام مراحلی که من طی کردم دقیقاً اینجا میارم:
ابتدا کلاس ExpressionBuilder را به صورت زیر مثلا در خود پروژه Resources اضافه میکنیم:

```
using System.Web.Compilation;
using System.CodeDom;
namespace Resources
{
    [ExpressionPrefix("MyResource")]
    public class ResourceExpressionBuilder : ExpressionBuilder
    {
        public override System.CodeDom.CodeExpression GetCodeExpression(System.Web.UI.BoundPropertyEntry entry, object parsedData, System.Web.Compilation.ExpressionBuilderContext context)
        {
            return new CodeSnippetExpression(entry.Expression);
        }
    }
}
```

سپس تنظیمات زیر رو به Web.config اضافه میکنیم:

```
<compilation debug="true" targetFramework="4.0">
    <expressionBuilders>
        <add expressionPrefix="MyResource" type="Resources.ResourceExpressionBuilder, Resources" />
```

```
</expressionBuilders>
</compilation>
```

درنهایت به صورت زیر میتوان از این کلاس استفاده کرد:

```
<asp:Literal ID="Literal1" runat="server" Text="<%$ MyResource: Resources.Resource1.String2 %>" />
```

هرچند ظاهرا مقدار پیشوند معرفی شده در **ResourceExpressionBuilder** کلاس **Attribute** اهمیت چندانی ندارد! امیدوارم مشکلتون حل بشه.

نوبنده: صابر فتح الهی
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۲/۲۹ ۲:۲۹

ممnonm از پاسخ شما
همون روش شمارو دنبال کردم پاسخ گرفتم، اشکال از خودم بود
با تشکر از شما

نوبنده: صادق نجاتی
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۲/۲۷ ۱۲:۰

با سلام
ضمن تشکر از مطلب بسیار خوبتون
خاصیت **DisplayFormat** قابلیت استفاده از کلیدهای **Resource** را ندارد!
لطفا راهنمایی فرمایید که چطور میشه از این خاصیت برای **DisplayFormat** استفاده کرد?
من میخوام برای تاریخ در زبانه فارسی از فرمت **{yyyy-MM-dd}** و در زبانه انگلیسی از **{yyyy-dd-MM}** استفاده کنم.
با سپاس فراوان

در کنار کتابخانه [elmah](#) که وظیفه ثبت تمامی خطاهای برنامه را دارد کتابخانه [MiniProfiler](#) امکان یافتن مشکلات کارایی و تنگناهای وب سایت را در اختیارمان قرار می‌دهد. دو قابلیت عمده که این ابزار فراهم می‌نماید امکان مشاهده و بررسی کوئری‌های خام ADO.NET از قبیل LINQ-to-SQL و SQL Server, Oracle و ... و ... نمایش زمان اجرای عملی صفحات

برای استفاده از این ابزار کافیست تا آن را از nuget دریافت نمایید

PM> Install-Package MiniProfiler

در صفحه _Layout در ASP.NET MVC در `RenderIncludes` تابع body قبل از بسته شدن تگ `body` را مانند زیر صدا بزنید تا در همه صفحات نمایش داده شود

```
@using StackExchange.Profiling;
<head>
  ...
</head>
<body>
  ...
  @MiniProfiler.RenderIncludes()
</body>
```

در کلاس global کد زیر را برای اجرای MiniProfiler اضافه نمایید

```
protected void Application_BeginRequest()
{
  if (Request.IsLocal)
  {
    MiniProfiler.Start();
  }
}

protected void Application_EndRequest()
{
  MiniProfiler.Stop();
}
```

برای پیکربندی MiniProfiler در web.config کد زیر را اضافه نمایید

```
<system.webServer>
  ...
  <handlers>
    <add name="MiniProfiler" path="mini-profiler-resources/*" verb="*"
      type="System.Web.Routing.UrlRoutingModule"
      resourceType="Unspecified"
      preCondition="integratedMode" />
  </handlers>
</system.webServer>
```

یا کتابخانه MiniProfiler.MVC را از nuget دریافت نمایید

PM> Install-Package MiniProfiler.MVC

با اضافه شدن این کتابخانه همه پیکربندی بصورت صورت خودکار انجام می‌گیرد. حال وب سایت را اجرا کنید در بالای صفحه

مانند شکل زیر مدت زمان بارگذاری صفحه نمایش داده می‌شود که با کلیک بر روی آن اطلاعات بیشتری را مشاهده می‌نمایید

The screenshot shows the MiniProfiler interface for a request to `localhost:25804/Home/Index`. The total duration is 7.8 ms. The timeline includes:

- Request Phase:** Duration 2.3 ms, From Start +0.0 ms.
- Rendering Phase:** Duration 2.1 ms, From Start +3.0 ms.
- Client Events:**
 - Response: Duration 13.0 ms, From Start +11.0 ms.
 - Dom Content Loaded Event: Duration 4.0 ms, From Start +198.0 ms.
 - Dom Complete: Duration 0 ms, From Start +202.0 ms.

Buttons at the bottom include **share** and **show trivial**.

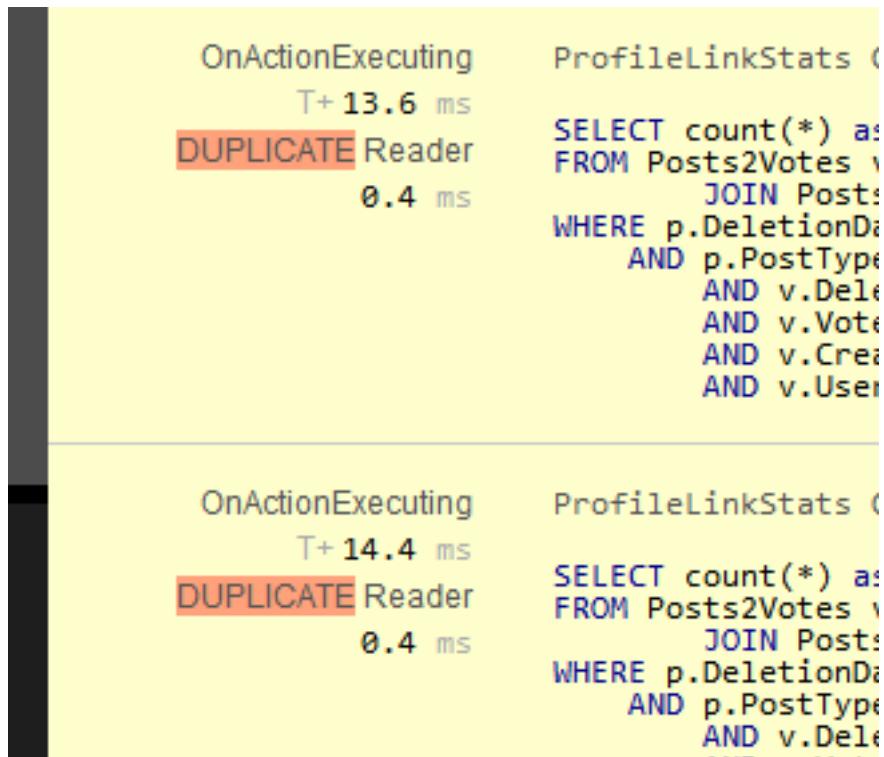
اگر در اکشن اجرا شده کوئری اجرا شد باشد ستونی به نام `query times` نمایش داده می‌شود که تعداد کوئری‌ها و مدت زمان آن را نمایش می‌دهد

The screenshot shows the MiniProfiler interface for a request to `localhost:25804/Users/ProfileLinkStats`. The total duration is 103.4 ms. The `query time` column highlights the following SQL queries:

	duration (ms)	from start (ms)	query time (ms)	sql	count
OnActionExecuting	110.5	+ 1.3	19	sql	35.9
TrySet	2.9	+ 5.1	1	sql	0.6
Refresh	14.9	+ 8.1	5	sql	3.3
Mutex_Clear	16.5	+ 57.7	1	sql	15.2

Buttons at the bottom include **share**, **show trivial**, **show time with children**, and **37.5 % in sql**.

حال بر روی گزینه `sql` کلیک کنید که صفحه دیگری باز شود و کوئری خام آن را مشاهد نمایید اگر کوئری تکرار شده باشد در کنار آن با `DUPLICATE` متمایز شده است



برای مشاهده کوئری‌های MiniProfiler.EF کتابخانه Entity Framework/First Code را اضافه نمایید

```
PM> Install-Package MiniProfiler.EF
```

اگر بصورت دستی MiniProfiler را پیکربندی کرده باشد می‌بایست در Application_Start دستور زیر را اجرا نماید

```
protected void Application_BeginRequest()
{
    if (Request.IsLocal)
    {
        MiniProfiler.Start();
        MiniProfilerEF.Initialize();
    }
}
```

در حالت پیش‌رفته‌تر اگر قصد داشته باشد زمان یک قطعه کد را جداگانه محاسبه نماید بصورت زیر عمل نماید

```
public ActionResult Index()
{
    var profiler = MiniProfiler.Current;
    using (profiler.Step("Step 1"))
    {
        //code 1
    }
    using (profiler.Step("Step 2"))
    {
        //code 2
    }
    return View();
}
```

با این کار زمان هر step را بصورت جداگانه محاسبه می‌نماید. در ASP.NET Webforms دقیقاً به همین صورت استفاده می‌شود فقط

کافیست در masterpage اصلی یا اگر از masterpage استفاده نمی‌کنیم در صفحه مورد نظر تابع RenderIncludes را بصورت زیر صدا بزنیم

```
<%= StackExchange.Profiling.MiniProfiler.RenderIncludes() %>
```

امیدوارم مفید واقع شده باشد.

نظرات خوانندگان

نویسنده: سعید
تاریخ: ۱۳۹۱/۱۱/۱۵ ۱۸:۳

ممنون از شما. آخرین باری که miniprofiler.ef را تست کردم با ef5 کار نمیکرد و خطای داد. شما تست کردید با آخرین نگارش `ef code first`

نویسنده: مجتبی کاویانی
تاریخ: ۱۳۹۱/۱۱/۱۵ ۱۸:۱۴

نه هیچ مشکلی ندارد من خودم با ۵ ef code first تست کردم

نویسنده: Alireza Godazchian
تاریخ: ۱۳۹۱/۱۱/۱۸ ۸:۴۶

با سلام؛ آقای مهندس خیلی عالی توضیح دادید و بنده هم تست کردم و جواب گرفتم.
با تشکر فراوان

نویسنده: امیر
تاریخ: ۱۳۹۱/۱۱/۱۸ ۲۰:۵۲

سلام چرا تو دانست ای اس پی کار نمیکنه فقط تو ام وی سی جواب میده
نمیشناسه MiniProfiler

نویسنده: مجتبی کاویانی
تاریخ: ۱۳۹۱/۱۱/۱۸ ۲۲:۸

در ASP.NET هم بخوبی جواب میدهد آیا Handler را در Web.config اضافه نموده اید؟

نویسنده: هیمن صادقی
تاریخ: ۱۳۹۳/۰۴/۲۷ ۱۶:۵۳

با سلام و درود بی کران
من کار که فرمودید انجام دادم اما زمانی که اجرا میکنم خطای "No Entity Framework provider found for the ADO.NET provider with invariant name 'System.Data.Odbc'. Make sure the provider is registered in the 'entityFramework' section of the application config file. See <http://go.microsoft.com/fwlink/?LinkId=260882> for more information" نمایم

از entity framework6 , mvc4 استفاده میکنیم
در صورت امکان روش رفع خطای میدانید بیان نماید تا بتوانم از این ابزار استفاده کنم

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۳/۰۴/۲۷ ۱۸:۲۲

برای EF یک بسته‌ی نیوگت جداگانه دارد. [اطلاعات بیشتر](#)

پیشتر با انواع [ActionResult](#) آشنا شدید. حال فرض کنید می‌خواهید نوعی را برگردانید که برایش ActionResult موجود نباشد خوب، فرض کنید می‌خواهید اکشن متده را بنویسید که قراره نام یک فایل متنی را بگیره و آن تو مروگر به کاربر نمایش بده. برای اینکار از کلاس [ActionResult](#), کلاس دیگه‌ی رو بنام [TextResult](#) به ارت می‌بریم و از این [ActionResult](#) سفارشی شده، در اکشن متده مربوطه استفاده می‌کنیم:

```
public class TextResult : ActionResult
{
    public string FileName { get; set; }
    public override void ExecuteResult(ControllerContext context)
    {
        var filePath = Path.Combine(context.HttpContext.Server.MapPath("~/Files/"), FileName);
        var data = File.ReadAllText(filePath);
        context.HttpContext.Response.Write(data);
    }
}
```

نحوه استفاده

```
public ActionResult DownloadTextFile(string fileName)
{
    return new TextResult { FileName = fileName };
}
```

در واقع متده اصلی [ExecuteResult](#) هست که نتیجه‌ی کار یک اکشن رو می‌توnim پردازش کنیم. خوب، سوالی که اینجا پیش میاد اینه که چرا این همه کار اضافی، چرا از [Return File](#) استفاده نمی‌کنی؟

```
public ActionResult DownloadTextFile(string fileName)
{
    var filePath = Path.Combine(HttpContext.Server.MapPath("~/Files/"), fileName);
    return File(filePath, "text");
}
```

یا کلا دلیل استفاده از ActionResult سفارشی چیه؟

جلوگیری از پیچیدگی و تکرار کد همیشه کار مثل مورد بالا راحت و کم کد! نیست. به مثال زیر توجه کنید که قراره خروجی CSV بهمون بده.

```
public class CsvActionResult : ActionResult
{
    public IEnumerable ModelListing { get; set; }

    public CsvActionResult(IEnumerable modelListing)
    {
        ModelListing = modelListing;
    }

    public override void ExecuteResult(ControllerContext context)
    {
        byte[] data = new CsvFileCreator().AsBytes(ModelListing);
        var fileResult = new FileContentResult(data, "text/csv")
        {
            FileDownloadName = "CsvFile.csv"
        };
        fileResult.ExecuteResult(context);
    }
}
```

ساخت ActionResult سفارشی

```
}
```

و نحوه استفاده:

```
public ActionResult ExportUsers()
{
    IEnumerable<User> model = UserRepository.GetUsers();
    return new CsvActionResult(model);
}
```

حال فرض کنید بخواهیم همه این کدها رو داخل اکشن متداشته باشیم، یکم پیچیده میشه و یا فرض کنید کنترلر دیگهای نیاز به خروجی CSV داشته باشه، تکرار کد زیاد میشه.

راحت کردن گرفتن تست واحد از اکشن‌ها متدها

کاربرد ActionResult سفارشی تو تست واحد اینه که وابستگی‌های یک اکشن رو که Mock کردنش سخته می‌بریم داخل ActionResult و هنگام نوشتن تست واحد درگیر کار با اون وابستگی نمی‌شیم.

به مثال زیر توجه کنید که قراره برای اکشن Logout تست واحد بنویسیم
ابتدا بردن وابستگی‌ها به خارج از اکشن به کمک ActionResult سفارشی

```
public class LogoutActionResult : ActionResult
{
    public RedirectToRouteResult ActionAfterLogout { get; set; }
    public LogoutActionResult(RedirectToRouteResult actionAfterLogout)
    {
        ActionAfterLogout = actionAfterLogout;
    }
    public override void ExecuteResult(ControllerContext context)
    {
        FormsAuthentication.SignOut();
        ActionAfterLogout.ExecuteResult(context);
    }
}
```

نحوه استفاده از ActionResult سفارشی

```
public ActionResult Logout()
{
    var redirect = RedirectToAction("Index", "Home");
    return new LogoutActionResult(redirect);
}
```

و سپس نحوه تست واحد نوشتن

```
[TestMethod]
public void The_Logout_Action_Returns_LogoutActionResult()
{
    //arrange
    var account = new AccountController();

    //act
    var result = account.Logout() as LogoutActionResult;

    //assert
    Assert.AreEqual(result.ActionAfterLogout.RouteValues["Controller"], "Home");
}
```

خوب به راحتی ما می‌ایم فراخوانی متداشت SignOut رو از داخل اکشن می‌کشیم بیرون و این کار از اجرای متداشت SignOut از داخل اکشن متداشت جلوگیری می‌کنه و همچنین با این کار هنگام تست واحد نوشتن نیاز نیست با Mock کردن کلاس FormsAuthentication سروکار داشته باشیم و فقط کافیه چک کنیم خروجی از نوع LogoutActionResult هست یا خیر و یا می‌توانیم

رو چک کنیم.

منابع و مراجع: [+](#) و [-](#)

گرید توکار 3 است که در [سری آموزش های mvc](#) جناب نصیری به خوبی بررسی شده است . طریق مجموعه ای از خواص امکان استایل دهی به ستون ها و ردیف ها را به توسعه دهنده می دهد . اما در این بخش مشکلی وجود دارد که در ادامه به آن خواهم پرداخت . کدهای زیر را در نظر بگیرید

: مدل ها

```

public class Customer
{
    public int Id { get; set; }

    public string Name { get; set; }

    public string Email { get; set; }

    public string Website { get; set; }

    public string Phone { get; set; }
}

public class Customers
{
    public IList<Customer> GetList()
    {
        return new List<Customer>()
        {
            new Customer()
            {
                Id=1,
                Name="mohsen.d",
                Email="email@domain.com",
                Website="domain.com",
                Phone="213214321"
            }
        };
    }

    public IList<Customer> GetEmptyList()
    {
        return new List<Customer>();
    }
}
  
```

: و کنترلر

```

public class HomeController : Controller
{
    public ActionResult List()
    {
        var model = new Customers().GetList();
        return View(model);
    }

    public ActionResult EmptyList()
    {
        var model = new Customers().GetEmptyList();
        return View("list", model);
    }
}
  
```

```
@helper GenerateList(IEnumerable<object> items, List<WebGridColumn> columns)
{
    var grid = new WebGrid(items);

    <div>
        @grid.GetHtml(
            tableStyle: "list",
            headerStyle: "list-header",
            footerStyle: "list-footer",
            alternatingRowStyle: "list-alt",
            selectedRowStyle: "list-selected",
            rowStyle: "list-row",
            htmlAttributes: new { id = "listItems" },
            mode: WebGridPagerModes.All,
            columns: columns
        )
    </div>
}
```

: view

```
@model IEnumerable<WebGridHeaderStyle.Models.Customer>

@{
    ViewBag.Title = "List";
}

<h2>List</h2>

 @_List.GenerateList(
    Model,
    new List<WebGridColumn>()
    {
        new WebGridColumn(){
            ColumnName="Id",
            Header="Id",
            Style="list-small-field"
        },
        new WebGridColumn(){
            ColumnName="Name",
            Header="Name",
            Style="list-long-field"
        },
        new WebGridColumn(){
            ColumnName="Email",
            Header="Email",
            Style="list-mid-field"
        },
        new WebGridColumn(){
            ColumnName="Website",
            Header="Website",
            Style="list-mid-field"
        },
        new WebGridColumn(){
            ColumnName="Phone",
            Header="Phone",
            Style="list-mid-field"
        }
    }
)
```

ابتدا به مسیر Home/List می رویم

استایل دهی به ستون های در WebGrid header

List

Id	Name	Email	Website	Phone
1	mohsen.d	email@domain.com	domain.com	213214321

خوب چندان بد نیست . با استفاده از استایل های تعریف شده برای فیلد ها و ردیف ها ، لیست ساختار مناسبی دارد . اما حالا به [Home/EmptyList](#) می رویم :

List

Id	Name	Email	Website	Phone
-----------	-------------	--------------	----------------	--------------

همانطور که می بینید استایل هایی که برای هر ستون تعریف کردیم اعمال نشده اند . مشکل هم همین جاست . استایل تعریف شده را تنها به ستون های درون `tbody` اعمال می کند و `thead` از این تنظیمات بی نصیب می ماند (از WebGrid برای ساختن لیست استفاده می کند) و در زمانی که رکوردی وجود نداشته باشد فرمت طراحی شده اعمال نمی شود .

استایل دهی به ستون های در WebGrid

```
<div>
  <table id="listItems" class="list">
    <thead>
      <tr class="list-header">
        <th scope="col">Id</th>
        <th scope="col">Name</th>
        <th scope="col">Email</th>
        <th scope="col">Website</th>
        <th scope="col">Phone</th>
      </tr>
    </thead>
    <tbody>
      <tr class="list-row item">
        <td class="list-small-field">1</td>
        <td class="list-long-field">mohsen.d</td>
        <td class="list-mid-field">email@domain.com</td>
        <td class="list-mid-field">domain.com</td>
        <td class="list-mid-field">213214321</td>
      </tr>
    </tbody>
  </table>
</div>
```

در وب ترفندهایی را برای این مشکل پیدا کردم که اصلا جالب نبودند . در نهایت راه حل زیر به نظرم رسید :

در زمان ساختن گرید ، استایل های تعریف شده را در یک فیلد hidden ذخیره و سپس با استفاده از jquery این استایل ها را به ستون های header اعمال می کنیم .

تابع ساختن فیلد : hidden

```
@helper SetHeaderColumnsStyle(IEnumerable<WebGridColumn> columns)
{
  var styles = new List<string>();
  foreach(var col in columns)
  {
    styles.Add(col.Style);
  }
  <input id="styles" type="hidden" value="@string.Join("#", styles)" />
}
```

این تابع را در تابع کمکی ساخت گرید فراخوانی می کنیم :

```
@SetHeaderColumnsStyle(columns)
```

و در view کد javascript زیر را اضافه می کنیم :

```
<script>
$(document).ready(function () {
    var styles = $("#styles").attr("value").split('#');
    var $cols = $("#listItems th");
    $cols.each(function (i) {
        $(this).addClass(styles[i]);
    });
});</script>
```

حال اگر صفحه را بارگذاری کنید با اینکه رکوردی وجود ندارد اما ساختار گردید به همان شکل تعریف شده باقی مانده است.

List

Id	Name	Email	Website	Phone
----	------	-------	---------	-------

```
□ <div>
  □ <table id="listItems" class="list">
    □ <thead>
      □ <tr class="list-header">
        □ <th class="list-small-field" scope="col">Id</th>
        □ <th class="list-long-field" scope="col">Name </th>
        □ <th class="list-mid-field" scope="col">Email </th> Email
        □ <th class="list-mid-field" scope="col">Website </th>
        □ <th class="list-mid-field" scope="col">Phone </th>
      </tr>
    </thead>
    □ <tbody></tbody>
  </table>
</div>
<input id="styles" type="hidden" value="list-small-field#list-long-field#list-mid-field#list-mid-field#list-mid-field">
□ <script>
```

پروژه نمونه را می‌توانید از [اینجا](#) دانلود کنید.

جهت مقابله با حملات XSS بطور پیش‌فرض از ورود تگ‌های HTML جلوگیری می‌کند و در صورتی که ورودی کاربر شامل این تگ‌ها باشد،HttpRequestValidationException صادر می‌گردد. لگ کردن و بررسی این خطاهای جهت آگاهی از وجود حمله بی‌اهمیت نیست. اما متأسفانه [ELMAH](#) که به عنوان معمول‌ترین ابزار ثبت خطاهای کاربرد دارد این نوع Exception‌ها را ثبت نمی‌کند. دلیل آن هم این است که ELMAH در رویه‌های درونی خود اقدام به خواندن ورودی‌های کاربر می‌کند و در این هنگام اگر ورودی کاربر نامعتبر باشد، Exception مذکور صادر می‌شود و فرصتی برای ادامه روند و ثبت خطا باقی نمی‌ماند. به هر حال ضروری است که این نقیصه را خودمان جبران کنیم. راه حل افزودن یک فیلتر سفارشی برای ثبت خطاهای به شکل زیر است (ASP.NET MVC):

```
public class ElmahRequestValidationErrorHandler : IExceptionFilter
{
  public void OnException(ExceptionContext context)
  {
    if (context.Exception is HttpRequestValidationException)
      ErrorLog.GetDefault(HttpContext.Current).Log(new Error(context.Exception));
  }
}
```

فیلتر فوق باید در Global.asax معرفی شود:

```
public static void RegisterGlobalFilters (GlobalFilterCollection filters)
{
  filters.Add(new ElmahRequestValidationErrorHandler());
  filters.Add(new HandleErrorAttribute());
}
```

به این ترتیبHttpRequestValidationException هم بعد از این در سیستم ELMAH ثبت خواهد شد.

نظرات خوانندگان

نویسنده: یاسر مرادی
تاریخ: ۱۴:۳ ۱۳۹۱/۱۱/۲۸

با سلام، در چک لیست ASP.NET MVC مورد زیر وجود دارد آیا مورد زیر کماکا معتبر است ؟
- فیلتر پیش فرض مدیریت خطاهای حذف و بجای آن از [ELMAH](#) استفاده شود.

با سپاس

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۴:۲۶ ۱۳۹۱/۱۱/۲۸

- به سطر `HandleErrorAttribute` پیش فرض نیازی نیست (البته اگر تنظیمات وب کانفیگ درستی داشته باشد). [در قسمت ۱۶](#) سری MVC توضیح دادم. وجود آن سبب می‌شود که ELMAH اصلاً کار نکند و خطای مدیریت نشده‌ای به آن ارجاع داده نشود (چون قبل مدیریت نشده).

- بله. همچنان [ELMAH](#) معتبر است. نکته فوق را هم اضافه کنید، کاملتر خواهد شد.

نویسنده: داود زینی
تاریخ: ۱۴:۲۸ ۱۳۹۱/۱۱/۲۸

سلام
این چک لیست توسط آقای نصیری تهیه شده بود. این مورد هم از نظر من معتبر است.
با تشکر

در تکمیل [این مطلب](#) برای حذف هدرهای مربوط به وب سرور در برنامه‌های ASP.NET MVC از روش زیر می‌توانیم استفاده کنیم.

در حالت پیش فرض تمام پاسخهای که به سمت سرور ارسال می‌شوند به همراه خود یک سری جزئیات را نیز منتقل می‌کنند.

Transformer | Headers | TextView | ImageView | HexView | WebView | Auth | Caching | Privacy

Response Headers

HTTP/1.0 200 OK

- Cache
 - ... Cache-Control: private
 - ... Date: Sun, 28 Oct 2012 21:33:46 GMT
 - ... X-Cache: MISS from none
- Entity
 - ... Content-Length: 15929
 - ... Content-Type: text/html; charset=utf-8
- Miscellaneous
 - ... Server: Microsoft-IIS/6.0
 - ... X-AspNetMvc-Version: 3.0
 - ... X-AspNet-Version: 4.0.30319
 - ... X-Cache-Lookup: MISS from none:80
 - ... X-Powered-By: ASP.NET
- Transport
 - ... Connection: keep-alive
 - ... Via: 1.0 none (squid)

برای یک وب اپلیکیشن ASP.NET MVC این هدرها را داریم :

Server: که توسط IIS اضافه می‌شود.

X-AspNet-Version: که در زمان Flush در httpResponse اضافه می‌شود.

X-AspNetMvc-Version: که توسط System.Web.dll در MvcHandler اضافه می‌شود.

X-Powered-By: این مورد نیز توسط IIS اضافه می‌شود.

هکرها از اینکه فریم ورک مورد استفاده چه چیزی است خوشحال خواهند شد: اگر سرور شما برای مدتی Update نشده باشد و یک آسیب پذیری امنیتی بزرگ برای ورژن فریم ورکی که استفاده می‌کنید پیدا شود در نتیجه به هکرها برای رسیدن به هدفشان

کمک کرده اید.

به علاوه این هدرها فضایی را برای تمام پاسخها در نظر میگیرند (البته در حد چندین بایت ولی در اینجا بحث برروی Optimization است).

برای حذف این هدرها باید مراحل زیر را انجام دهیم:

حذف کردن هدر Server : به Global.asax.cs رفته و رویداد Application_PresendRequestHeaders با کد زیر را به آن اضافه کنید :

```
protected void Application_PresendRequestHeaders(object sender, EventArgs e)
{
    var app = sender as HttpApplication;
    if (app == null || !app.Request.IsLocal || app.Context == null)
        return;
    var headers = app.Context.Response.Headers;
    headers.Remove("Server");
}
```

حذف کردن هدر X-AspNetMvc-Version : در فایل Application_Start به رویداد Global.asax.cs این کد زیر را اضافه کنید :

```
protected void Application_Start()
{
    ...
    MvcHandler.DisableMvcResponseHeader = true;
    ...
}
```

حذف کردن هدر X-AspNet-Version : به فایل Web.Config مراجعه کرده و این المتن را در داخل system.web اضافه کنید:

```
<system.web>
    ...
    <httpRuntime enableVersionHeader="false" />
    ...
</system.web>
```

حذف کردن هدر X-Powered-By : در داخل فایل Web.Config در داخل system.webServer این خطوط را اضافه کنید:

```
<system.webServer>
    ...
    <httpProtocol>
        <customHeaders>
            <remove name="X-Powered-By" />
        </customHeaders>
    </httpProtocol>
    ...
</system.webServer>
```

با انجام مراحل فوق پاسخهای سرور سبکتر شده و در نهایت حاوی اطلاعات مهم در مورد ورزش فریم ورک نمیباشد.

نظرات خوانندگان

نویسنده: sysman | تاریخ: ۱۳۹۲/۰۱/۱۴ | ساعت: ۲۲:۰۰

ممنون از این مطلب مفید ولی من یک مشکلی دارم کاری که گفتید را انجام دادم و همه چیز خوب انجام شد ولی در بخش modernizr-2.5.3.js باز هم اطلاعات سرور رو به من میدهد

The screenshot shows the Network tab of a browser's developer tools. It lists three requests:

- GET site.css (status 30)
- GET modernizr-2.5.3.js (status 30)
- GET jquery-1.9.1.js (status 20)

For the GET modernizr-2.5.3.js request, the Headers and Response sections are expanded:

Response Headers:

- Accept-Ranges: bytes
- Date: Tue, 02 Apr 2013 19:47:23 GMT
- Etag: "f73f4a0b72fce1:0"
- Server: Microsoft-IIS/8.0
- X-SourceFiles: =?UTF-8?B?RDpcVmlzdWFsIFN0dWRpb?=

Request Headers:

- Accept: */*
- Accept-Encoding: gzip, deflate
- Accept-Language: en-US,en;q=0.5
- Cache-Control: max-age=0
- Connection: keep-alive
- Host: localhost:32668
- If-Modified-Since: Tue, 02 Apr 2013 15:30:27 GMT
- If-None-Match: "f73f4a0b72fce1:0"
- Referer: http://localhost:32668/
- User-Agent: Mozilla/5.0 (Windows NT 6.2; ...)

نویسنده: علی | تاریخ: ۱۳۹۲/۰۱/۱۴ | ساعت: ۳۶:۰۰

فایل‌های استاتیک رو هم باید به موتور ASP.NET مپ کنید. تا زمانیکه مپ نباشند مستقیماً توسط IIS سرو می‌شن و تنظیمات روی اون‌ها تاثیری نداره.

نویسنده: sysman | تاریخ: ۱۳۹۲/۰۱/۱۴ | ساعت: ۱۰:۴۰

نمی‌دونم این کاری که گفتین رو دقیقاً چطور انجام بدhem ولی این کار باعث ایجاد کندی نمی‌شه؟ اگر در خود IIS تنظیمات [این پست](#) رو اعمال کنم به نتیجه میرسم؟

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۱/۱۴ ۱۱:۱۳

- برای فایل‌های جاوا اسکریپت توصیه من این است:
- (الف) اگر از Web forms استفاده می‌کنید: استفاده از Script manager (^ و ^ Script manager)
- (ب) اگر از MVC استفاده می‌کنید: استفاده از Bundling & minification در هر دو حالت نحوه ارائه اسکریپت‌ها تحت کنترل برنامه ASP.NET در خواهد آمد و مستقیماً و بدون دخالت IIS در سمت سرور فعال شود، این مساله بار اضافه‌ای را به سرور تحمیل نخواهد کرد.
- برای می‌پ کردن فایل‌های استاتیک به موتور ASP.NET می‌شود از StaticFileHandler استفاده کرد. اگر کش کردن اطلاعات استاتیک در سمت سرور فعال شود، این مساله بار اضافه‌ای را به سرور تحمیل نخواهد کرد.

```
<system.web>
  <httpHandlers>
    <add path="*.js" verb="*" type="System.Web.StaticFileHandler" />
  </httpHandlers>
```

نویسنده: یونس دوست
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۶/۰۲ ۱۱:۳۴

سلام. من از این استفاده کردم ولی موقع حذف Header مربوط به سرور ارور زیر را میدم:
This operation requires IIS integrated pipeline mode
ضمناً من از iis 7.5 استفاده می‌کنم و توی Application Pools هم Classic .Net AppPool رو در حالت pipeline قرار دادم هم DefaultAppPool ولی همچنان ارور رو دارم. مشکل از کجاست؟
ممnon.

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۶/۰۲ ۱۱:۵۴

- محل تست کردن واقعی این کدها بر روی ویندوز سرور است و نه دیباگر و وب سرور آزمایشی ویژوال استودیو.
- شما اگر تا این حد دسترسی به IIS دارید، اصلاً نیازی به کدنویسی برای حذف هدرهای وب سرور نخواهید داشت. به قسمت URL کنسول مدیریتی مراجعه و مداخل موجود را حذف یا ویرایش کنید.
- + حذف هدر مربوط به نام Server کار ساده‌ای نیست. خیلی‌ها از روش HTTP module هم جواب نگرفته‌اند، اما با استفاده از URL Scan خود مایکروسافت قابل حذف است (این برنامه روی ویندوز‌های سرور 2003 به بعد قابل نصب است). بعد از نصب به فایل C:\Windows\System32\inetsrv\UrlScan\UrlScan.ini را با 1 مقدار دهی کنید. ضمناً قبل از نصب URLScan تغییر زیر را هم امتحان کنید (بجای Remove از Set Remove استفاده شده):

```
void OnPreSendRequestHeaders(object sender, EventArgs e)
{
  HttpContext.Current.Response.Headers.Set("Server", "CERN httpd");
}
```

نویسنده: پیام دات نت
تاریخ: ۱۳۹۳/۰۳/۱۵ ۲۰:۳۵

سلام؛ ممنون از مطلب خوبتون. من تو IIS 8 Local اجرا کردم درست کار می‌کنه و بسیار عالیه. اما تو اجرای نهایی روی سرور هدر Server حذف نشد و از سمت سرور ارسال می‌شد. بعد از کلی جستجو به نتیجه زیر رسیدم.

```
<system.webServer>
  <rewrite>
    <outboundRules>
      <rule name="Remove RESPONSE_Server" >
        <match serverVariable="RESPONSE_Server" pattern=".+" />
        <action type="Rewrite" value="" />
      </rule>
    </outboundRules>
  </rewrite>
</system.webServer>
```

نوبنده: دانش پژوه
تاریخ: ۱۳۹۳/۱۰/۰۲ ۱۱:۳۹

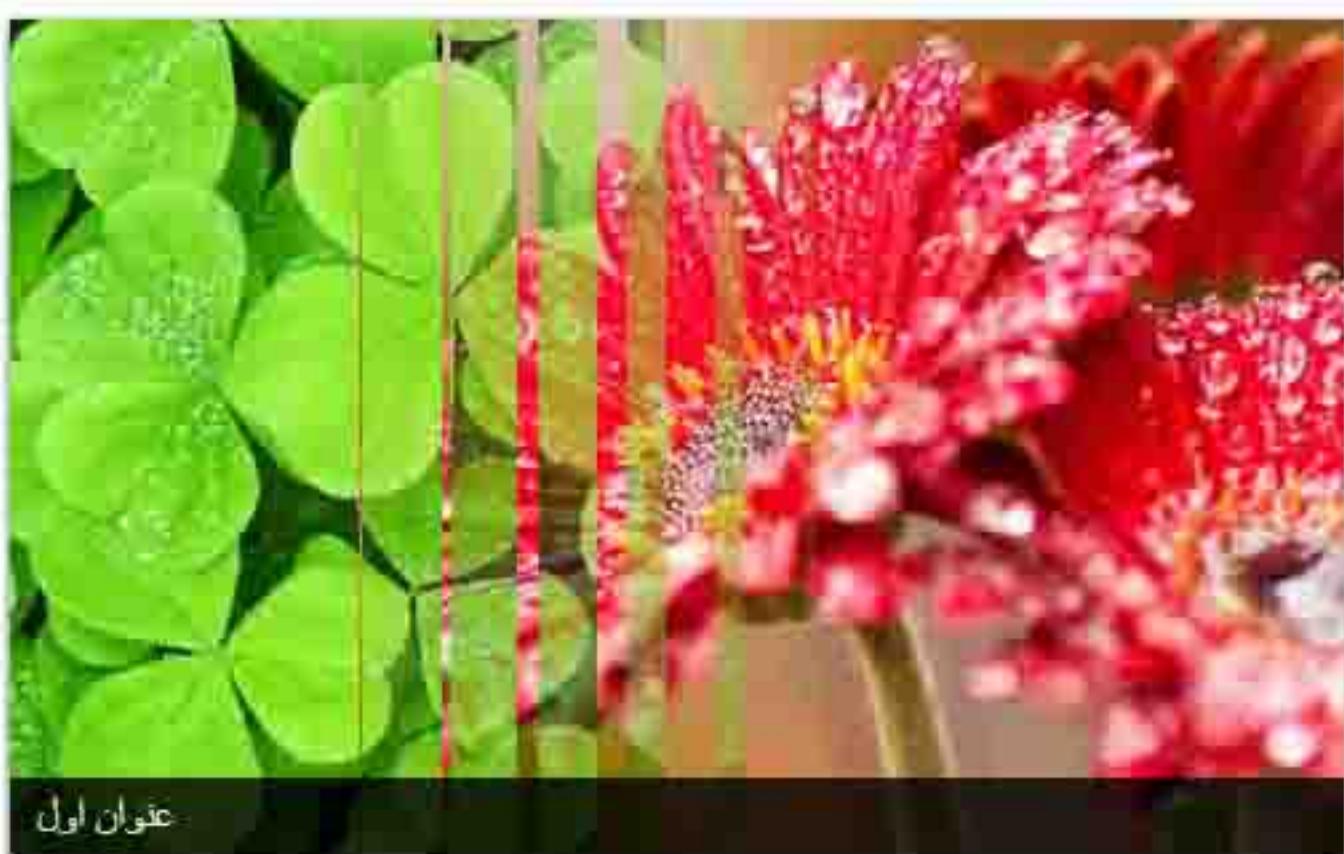
ممنون از مطلبتون

فقط یک نکته رو میخواستم بگم نام کوکی سشن بطور پیشفرض ASP.NET_SessionId هست و میشه از این نام فهمید که سرور asp.net هستش. از طریق کد زیر توی وب کافیگ میتوانید تغییرش بدید:

```
<system.web>
  <sessionState cookieName="foo" />
</system.web>
```

کامپوننت‌های jq زیادی وجود دارند که توسط آنها می‌توان تصاویر را بصورت زمانبندی شده و به همراه افکت‌های زیبا در سایت خود نشان داد. مانند [اینجا](#).

در این قصد ایجاد helper برای کامپوننت NivoSlider را داریم.



عنوان اول



1- یک پروژه Asp.net Mvc 4.0 ایجاد می‌کنیم.

2- سپس فایل jquery.nivo.slider.pack.js ، فایل‌های css مربوط به این کامپوننت و چهار تم موجود را از [سایت این کامپوننت](#) و یا درون سورس مثال ارائه شده دریافت می‌کنیم.

3- به کلاس BundleConfig رفته و کدهای زیر را اضافه می‌کنیم:

```
#region Nivo Slider
bundles.Add(new StyleBundle("~/Content/NivoSlider").Include("~/Content/nivoSlider/nivo-
slider.css"));
bundles.Add(new
```

```

StyleBundle("~/Content/NivoSliderDefaultTheme").Include("~/Content/nivoSlider/themes/default/default.css");
bundles.Add(new
StyleBundle("~/Content/NivoSliderDarkTheme").Include("~/Content/nivoSlider/themes/dark/dark.css");
bundles.Add(new
StyleBundle("~/Content/NivoSliderLightTheme").Include("~/Content/nivoSlider/themes/light/light.css"));
bundles.Add(new
StyleBundle("~/Content/NivoSliderBarTheme").Include("~/Content/nivoSlider/themes/bar/bar.css"));
bundles.Add(new
ScriptBundle("~/bundles/NivoSlider").Include("~/Scripts/jquery.nivo.slider.pack.js"));

#endregion

```

سپس در فایل shared آنها را بصورت زیر اعمال میکنیم:

```

<!DOCTYPE html>
<html>
<head>
    <title>@ViewBag.Title</title>
    <script type="text/javascript" src="~/Scripts/jquery-1.9.1.min.js"></script>
    @Styles.Render("~/Content/NivoSlider",
    "~/Content/NivoSliderDefaultTheme", "~/Content/NivoSliderLightTheme")
    @Scripts.Render("~/bundles/NivoSlider")
</head>
<body>
    @RenderBody()
    @RenderSection("scripts", required: false)
</body>
</html>

```

4- یک پوشه با عنوان helper به پروژه اضافه میکنیم. سپس کلاس‌های زیر را به آن اضافه می‌کنیم :

```

public class NivoSliderHelper
{
    #region Fields

    private string _id = "nivo1";
    private List<NivoSliderItem> _models = null;
    private string _width = "100%";
    private NivoSliderTheme _theme = NivoSliderTheme.Default;
    private string _effect = "random"; // Specify sets like= 'fold;fade;sliceDown'
    private int _slices = 15; // For slice animations
    private int _boxCols = 8; // For box animations
    private int _boxRows = 4; // For box animations
    private int _animSpeed = 500; // Slide transition speed
    private int _pauseTime = 3000; // How long each slide will show
    private int _startSlide = 0; // Set starting Slide (0 index)
    private bool _directionNav = true; // Next & Prev navigation
    private bool _controlNav = true; // 1;2;3... navigation
    private bool _controlNavThumbs = false; // Use thumbnails for Control Nav
    private bool _pauseOnHover = true; // Stop animation while hovering
    private bool _manualAdvance = false; // Force manual transitions
    private string _prevText = "Prev"; // Prev directionNav text
    private string _nextText = "Next"; // Next directionNav text
    private bool _randomStart = false; // Start on a random slide
    private string _beforeChange = ""; // Triggers before a slide transition
    private string _afterChange = ""; // Triggers after a slide transition
    private string _slideshowEnd = ""; // Triggers after all slides have been shown
    private string _lastSlide = ""; // Triggers when last slide is shown
    private string _afterLoad = "";

    #endregion

    string makeParameters()
    {
        var builder = new StringBuilder();
        builder.Append("{");
        builder.Append(string.Format("effect:'{0}'", _effect));
        builder.AppendLine(string.Format(",slices:{0}", _slices));
        builder.AppendLine(string.Format(",boxCols:{0}", _boxCols));
        builder.AppendLine(string.Format(",boxRows:{0}", _boxRows));
        builder.AppendLine(string.Format(",animSpeed:{0}", _animSpeed));
    }
}

```

```

        builder.AppendLine(string.Format(",pauseTime:{0}", _pauseTime));
        builder.AppendLine(string.Format(",startSlide:{0}", _startSlide));
        builder.AppendLine(string.Format(",directionNav:{0}", _directionNav.ToString().ToLower()));
        builder.AppendLine(string.Format(",controlNav:{0}", _controlNav.ToString().ToLower()));
        builder.AppendLine(string.Format(",controlNavThumbs:{0}", _controlNavThumbs.ToString().ToLower()));
        builder.AppendLine(string.Format(",manualAdvance:{0}", _manualAdvance.ToString().ToLower()));
        builder.AppendLine(string.Format(",prevText:'{0}'", _prevText));
        builder.AppendLine(string.Format(",nextText:'{0}'", _nextText));
        builder.AppendLine(string.Format(",randomStart:{0}", _randomStart.ToString().ToLower()));
        builder.AppendLine(string.Format(",beforeChange:{0}", _beforeChange));
        builder.AppendLine(string.Format(",afterChange:{0}", _afterChange));
        builder.AppendLine(string.Format(",slideshowEnd:{0}", _slideshowEnd));
        builder.AppendLine(string.Format(",lastSlide:{0}", _lastSlide));
        builder.AppendLine(string.Format(",afterLoad:{0}", _afterLoad));
        builder.Append(")");
        return builder.ToString();
    }
    public NivoSliderHelper (
        string id,
        List<NivoSliderItem> models,
        string width = "100%",
        NivoSliderTheme theme = NivoSliderTheme.Default,
        string effect = "random",
        int slices = 15,
        int boxCols = 8,
        int boxRows = 4,
        int animSpeed = 500,
        int pauseTime = 3000,
        int startSlide = 0,
        bool directionNav = true,
        bool controlNav = true,
        bool controlNavThumbs = false,
        bool pauseOnHover = true,
        bool manualAdvance = false,
        string prevText = "Prev",
        string nextText = "Next",
        bool randomStart = false,
        string beforeChange = "function(){}",
        string afterChange = "function(){}",
        string slideshowEnd = "function(){}",
        string lastSlide = "function(){}",
        string afterLoad = "function(){}"
    {
        _id = id;
        _models = models;
        _width = width;
        _theme = theme;
        _effect = effect;
        _slices = slices;
        _boxCols = boxCols;
        _boxRows = boxRows;
        _animSpeed = animSpeed;
        _pauseTime = pauseTime;
        _startSlide = startSlide;
        _directionNav = directionNav;
        _controlNav = controlNav;
        _controlNavThumbs = controlNavThumbs;
        _pauseOnHover = pauseOnHover;
        _manualAdvance = manualAdvance;
        _prevText = prevText;
        _nextText = nextText;
        _randomStart = randomStart;
        _beforeChange = beforeChange;
        _afterChange = afterChange;
        _slideshowEnd = slideshowEnd;
        _lastSlide = lastSlide;
        _afterLoad = afterLoad;
    }
    public IHtmlString GetHtml()
    {
        var thm = "theme-" + _theme.ToString().ToLower();
        var sb = new StringBuilder();
        sb.AppendLine("<div style='width:" + _width + ";height:auto;margin:0px auto' class='" + thm
+ ">");
        sb.AppendLine("<div id='" + _id + "' class='nivoSlider'>");
        foreach (var model in _models)
        {
            string img = string.Format("<img src='{0}' alt='{1}' title='{2}' />",
```

```

model.ImageFilePath, "", model.Caption);
        string item = "";
        if (model.LinkUrl.Trim().Length > 0 &&
            Uri.IsWellFormedUriString(model.LinkUrl, UriKind.RelativeOrAbsolute))
        {
            item = string.Format("<a href='{0}'>{1}</a>", model.LinkUrl, img);
        }
        else
        {
            item = img;
        }
        sb.AppendLine(item);
    }
    sb.AppendLine("</div>");
    sb.AppendLine("</div>");

    sb.AppendLine("<script type='text/javascript'>");
//sb.AppendLine("#" + _id + ".parent().ready(function () {" );
    sb.Append("("document).ready(function(){");
    sb.AppendLine("#" + _id + ".nivoSlider(" + makeParameters() + ");");
//sb.AppendLine("#' .nivo-controlNav a').empty();");//semi hack for rtl layout
//sb.AppendLine("#' .nivoSlider();");
    sb.AppendLine("});");
    sb.AppendLine("</script>");

    return new HtmlString(sb.ToString());
}
}

public enum NivoSliderTheme
{
    Default, Light, Dark, Bar,
}

public class NivoSliderItem
{
    public string ImageFilePath { get; set; }
    public string Caption { get; set; }
    public string LinkUrl { get; set; }
}

```

6-سپس برای استفاده از این helper یک کنترلر به پروژه اضافه میکنیم مانند Home :

```

public class HomeController : Controller
{
    public ActionResult Index()
    {
        return View();
    }
    public virtual ActionResult NivoSlider()
    {
        var models = new List<NivoSliderItem>
        {
            new NivoSliderItem()
            {
                ImageFilePath = Url.Content("~/Images/img1.jpg"),
                Caption = "عنوان اول",
                LinkUrl = "http://www.google.com",
            },
            new NivoSliderItem()
            {
                ImageFilePath = Url.Content("~/Images/img2.jpg"),
                Caption = "#htmlcaption",
                LinkUrl = "",
            },
            new NivoSliderItem()
            {
                ImageFilePath = Url.Content("~/Images/img3.jpg"),
                Caption = "عنوان سوم",
                LinkUrl = "",
            },
            new NivoSliderItem()
            {
                ImageFilePath = Url.Content("~/Images/img4.jpg"),
                Caption = "عنوان چهارم",
                LinkUrl = "",
            }
        };
        return View(models);
    }
}

```

```
        },
        new NivoSliderItem()
    {
        ImageFilePath = Url.Content("~/Images/img5.jpg"),
        Caption = "عنوان پنجم",
        LinkUrl = "",
    }
};

return PartialView("_NivoSlider", models);
}
}
```

7- سپس ویوی Home را نیز ایجاد میکنیم:

```
@{
    ViewBag.Title = "Index";
}

<h2>Nivo Slider Index</h2>

@{ Html.RenderAction("NivoSlider", "Home");}
```

8- یک پارشال ویو نیز برای رندر کردن NivoSlider های خود ایجاد میکنیم:

```
@using NivoSlider.Helper
@model List<NivoSliderItem>
@{
    var nivo1 = new NivoSliderHelper("nivo1", Model.Skip(0).Take(3).ToList(), theme:
NivoSliderTheme.Default, width: "500px");
    var nivo2 = new NivoSliderHelper("nivo2", Model.Skip(3).Take(2).ToList(), theme:
NivoSliderTheme.Light, width: "500px");
}
@nivo1.GetHtml()

<div id="htmlcaption">
    <strong>This</strong> is an example of a <em>HTML</em> caption with <a href="#">a link</a>.
</div>

<br />
<br />
@nivo2.GetHtml()
```

نکته اول : اگر بخواهیم بر روی تصویر موردنظر متنی نمایش دهیم کافیست خاصیت Caption را مقداردهی کنیم. برای نمایش توضیحاتی پیچیده‌تر (مانند نمایش یک div و لینک و غیره) بعنوان توضیحات یک تصویر خاص باید خاصیت Caption را بصورت "# {نام عنصر} # مقداردهی کنیم و ویژگی class مربوط به عنصر موردنظر را با nivo-html-caption مقداردهی کنیم. (همانند مثال بالا)

نکته دوم : این کامپوننت به همراه 4 تم (default-light-bar-dark) ارائه شده است. موقع استفاده از تم‌های دیگر باید رفرنس مربوط به آن تم را نیز اضافه کنید.

امیدوارم مفید واقع شود. [دربافت پروژه نمونه این مقاله](#)

نظرات خوانندگان

نویسنده: bahman
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۲/۰۸ ۱۱:۴۴

سلام تشکر میکنم . خیلی عالی بود.
 فقط یه مشکلی هست اونم نبودن WebGrease درون DLLهای شماست.
 چطوری میتونم پیدا ش کنم؟

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۲/۰۸ ۱۱:۴۷

این ۱۱ جزو فایل‌های استاندارد یک پروژه ASP.NET MVC 4 است. در اینجا پیوست نشده، چون نیازی نیست هر بار تمام این فایل‌های تکراری را دریافت کنید.

فایل‌های آن در دو پوشه زیر بر روی سیستم شما موجود هستند: (اگر [ASP.NET MVC4](#) را نصب کرده باشید)
C:\Program Files\Microsoft ASP.NET\ASP.NET MVC 4 \Packages
C:\Program Files\Microsoft ASP.NET\ASP.NET Web Pages\v 2.0 \Packages

نویسنده: bahman
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۲/۰۸ ۱۱:۵۴

مشکل با nuget حل شد.

همان طور که قبلاً نیز اشاره شد [اینجا](#) به صورت خلاصه هدف API فراهم آوردن روشی است که بتوان متدها را زنجیر وار فراخوانی کرد و به این ترتیب خوانایی کد نوشته شده را بالا برد.

اما در این مقاله سعی شده تا کاربرد آن در یک برنامه MVC رو به صورت استفاده در `helper`ها شرح دهیم.
در اینجا مثالی رو شرح میدهیم که در آن کنترل هایی از جنس `input` به صورت `helper` ساخته و برای فرستادن ویژگی های اج تی ام ال (HTML Attributes) آن از `Fluent Html Helpers` بهره میگیریم بدیهی است که از این `Fluent` میتوان برای `helper`های دیگر هم استفاده کرد.
در ابتدا یک نگاه کلی به کد ایجاد شده می اندازیم :

```
@Html.RenderInput(
    Attributes.Configure()
        .AddType("text")
        .AddId("UserId")
        .AddName("UserId")
        .AddCssClass("TxtBoxCssClass")
)
```

که باعث ساخته شدن یک کنترل تکست باکس با مشخصات زیر در صفحه می شود ، همان طور که مشاهده می کنیم تمام ویژگی ها برای کنترل ساخته شده اند.

```
<input class="TxtBoxCssClass" id="UserId" name="UserId" type="text">
```

در ادامه به سراغ پیاده سازی کلاس `Attributes` برای این مثال می رویم ، این کلاس باید از کلاس `RouteValueDictionary` ارث بری داشته باشد، این کلاس یک دیکشنری برای ما آماده می کند تا مقادیرمون رو در آن بریزیم در اینجا برای ویژگی ها و مقادیرشون.

```
public class Attributes : RouteValueDictionary
{
    /// <summary>
    /// Configures this instance.
    /// </summary>
    public static Attributes Configure()
    {
        return new Attributes();
    }

    /// <summary>
    /// Adds the type.
    /// </summary>
    /// <param name="value">The value.</param>
    public Attributes AddType(string value)
    {
        this.Add("type", value);
        return this;
    }

    /// <summary>
    /// Adds the name.
    /// </summary>
    /// <param name="value">The value.</param>
    public Attributes AddName(string value)
    {
        this.Add("name", value);
        return this;
    }

    /// <summary>
    /// Adds the id.
    /// </summary>
```

```

/// <param name="value">The value.</param>
public Attributes AddId(string value)
{
    this.Add("id", value);
    return this;
}

/// <summary>
/// Adds the value.
/// </summary>
/// <param name="value">The value.</param>
public Attributes AddValue(string value)
{
    this.Add("value", value);
    return this;
}

/// <summary>
/// Adds the CSS class.
/// </summary>
/// <param name="value">The value.</param>
public Attributes AddCssClass(string value)
{
    this.Add("class", value);
    return this;
}
}

```

متده استاتیک Configure همیشه به عنوان شروع کننده fluent و از اون برای ساختن یک وله جدید از کلاس Attributes استفاده میشه و بقیه متدها هم کار اضافه کردن مقادیر رو مثل یک دیکشنری انجام میدهند.
حالا به سراغ پیاده سازی helper extension مون میرویم

```

public static MvcHtmlString RenderInput(this HtmlHelper htmlHelper, Attributes attributes)
{
    TagBuilder input = new TagBuilder("input");
    input.MergeAttributes(attributes);
    return new MvcHtmlString(input.ToString(TagRenderMode.SelfClosing));
}

```

با استفاده از کلاس tagbuilder تگ input را ساخته و ویژگی های فرستاده شده به helper رو با اون ادغام میکنیم (با استفاده از MergeAttributes این یک مثال ساده بود از این کار امیدوارم مفید واقع شده باشد
[مثال پروژه](#)

به روزرسانی فایلهای Resource در زمان اجرا یکی از ویژگیهای مهمی که در پیاده سازی محصول با استفاده از فایلهای Resource باید به آن توجه داشت، امکان بروز رسانی محتوای این فایلها در زمان اجراست. از آنجاکه احتمال اینکه کاربران سیستم خواهان تغییر این مقادیر باشند بسیار زیاد است، بنابراین درنظر گرفتن چنین ویژگی ای برای محصول نهایی میتواند بسیار تعیین کننده باشد. متاسفانه پیاده سازی چنین امکانی درباره فایلهای Resource چندان آسان نیست. زیرا این فایلها همانطور که در قسمت قبل توضیح داده شد پس از کامپایل به صورت اسمبلی‌های ستلایت (Satellite Assembly) درآمده و دیگر امکان تغییر محتوای آنها بصورت مستقیم و به آسانی وجود ندارد.

نکته: البته نحوه پیاده سازی این فایلها در اسمبلی نهایی (و در حالت کلی نحوه استفاده از هر فایلی در اسمبلی نهایی) در ویژوال استودیو توسط خاصیت Build Action تعیین میشود. برای کسب اطلاعات بیشتر راجع به این خاصیت به [اینجا](#) رجوع کنید.

یکی از روشهای نسبتاً من درآورده که برای ویرایش و به روزرسانی کلیدهای Resource وجود دارد بدین صورت است:
- ابتدا باید اصل فایلهای Resource به همراه پروژه پابلیش شود. بهترین مکان برای نگهداری این فایلها فolder App_Data است. زیرا محتویات این فolder توسط سیستم File Change Notification FCN (همان FCN در ASP.NET) رصد نمیشود.

نکته: علت این حساسیت این است که FCN در ASP.NET تقریباً تمام محتویات فolder سایت در سرور (فolder App_Data یکی از محدود استثناهاست) را تحت نظر دارد و رفتار پیشفرض این است که با هر تغییری در این محتویات، AppDomain سایت Unload میشود که پس از اولین درخواست دوباره Load میشود. این اتفاق موجب از دست دادن تمام سشن‌ها و محتوای کش‌ها و ... میشود (اطلاعات بیشتر و کاملتر درباره نحوه رفتار FCN در [اینجا](#)).

- سپس با استفاده یک مقدار کدنویسی امکاناتی برای ویرایش محتوای این فایلها فراهم شود. از آنجا که محتوای این فایلها به صورت XML ذخیره میشود بنابراین برای تغییر این امکانات موجود این ویژگی را پیاده سازی کرد. اما در فضای نام System.Windows.Forms کلاس‌هایی وجود دارد که مخصوص کار با این فایلها طراحی شده اند که کار نمایش و ویرایش محتوای فایلهای Resource را ساده‌تر میکند. به این کلاس‌ها در قسمت قبلی اشاره کوتاهی شده بود.

- پس از ویرایش و به روزرسانی محتوای این فایلها باید کاری کنیم تا برنامه از این محتوای تغییر یافته به عنوان منبع جدید بهره بگیرد. اگر از این فایلهای Resource به صورت embed استفاده شده باشد در هنگام build پروژه محتوای این فایلها به صورت Satellite Assembly در کنار کتابخانه‌های دیگر تولید میشود. اسمبلی مربوط به هر زبان هم در فolders با عنوان زبان مربوطه ذخیره میشود. مسیر و نام فایل این اسمبلی‌ها مثلاً به صورت زیر است:

bin\fa\Resources.resources.dll

بنابراین در این روش برای استفاده از محتوای به روز رسانی شده باید عملیات Build این کتابخانه دوباره انجام شود و کتابخانه‌های جدیدی تولید شود. راه حل اولی که به ذهن میرسد این است که از ابزارهای پایه و اصلی برای تولید این کتابخانه‌ها استفاده شود. این ابزارها (همانطور که در قسمت قبل نیز توضیح داده شد) عبارتند از Assembly Resource Generator و Assembly Linker. اما استفاده از این ابزارها و پیاده سازی روش مربوطه سختتر از آن است که به نظر می‌آید. خوشبختانه درون مجموعه عظیم دات نت ابزار مناسبتری برای این کار نیز وجود دارد که کار تولید کتابخانه‌های موردنظر را به سادگی انجام میدهد. این ابزار با عنوان Microsoft Build Shناخته میشود که در [اینجا](#) توضیح داده شده است.

خواندن محتویات یک فایل resx.

همانطور که در بالا توضیح داده شد برای راحتی کار میتوان از کلاس زیر که در فایل System.Windows.Forms.dll قرار دارد استفاده کرد:

System.Resources.ResXResourceReader

این کلاس چندین کانسٹراکتور دارد که مسیر فایل resx. یا استریم مربوطه به همراه چند گزینه دیگر را به عنوان ورودی میگیرد. این کلاس یک Enumerator دارد که یک شی از نوع IDictionaryEnumerator برمیگرداند. هر عضو این object enumerator از نوع DictionaryEntry است. برای استفاده از این اعضا ابتدا باید آنرا به نوع DictionaryEntry تبدیل کرد. مثلاً بصورت زیر:

```
private void TestResXResourceReader()
{
    using (var reader = new ResXResourceReader("Resource1.fa.resx"))
    {
        foreach (var item in reader)
        {
            var resource = (DictionaryEntry)item;
            Console.WriteLine("{0}: {1}", resource.Key, resource.Value);
        }
    }
}
```

همانطور که ملاحظه میکنید استفاده از این کلاس بسیار ساده است. از آنجاکه DictionaryEntry یک struct است، به عنوان یک راه حل مناسبتر بهتر است ابتدا کلاسی به صورت زیر تعریف شود:

```
public class ResXResourceEntry
{
    public string Key { get; set; }
    public string Value { get; set; }
    public ResXResourceEntry() { }
    public ResXResourceEntry(object key, object value)
    {
        Key = key.ToString();
        Value = value.ToString();
    }
    public ResXResourceEntry(DictionaryEntry dictionaryEntry)
    {
        Key = dictionaryEntry.Key.ToString();
        Value = dictionaryEntry.Value != null ? dictionaryEntry.Value.ToString() : string.Empty;
    }
    public DictionaryEntry ToDictionaryEntry()
    {
        return new DictionaryEntry(Key, Value);
    }
}
```

سپس با استفاده از این کلاس خواهیم داشت:

```
private static List<ResXResourceEntry> Read(string filePath)
{
    using (var reader = new ResXResourceReader(filePath))
    {
        return reader.Cast<object>().Cast<DictionaryEntry>().Select(de => new
ResXResourceEntry(de)).ToList();
    }
}
```

حال این متدهای استفاده‌های آتی آماده است.

نوشتن در فایل .resx

برای نوشتن در یک فایل resx. میتوان از کلاس ResXResourceWriter استفاده کرد. این کلاس نیز در کتابخانه System.Windows.Forms در فایل System.Windows.Forms.dll قرار دارد: System.Resources.ResXResourceWriter متسفانه در این کلاس امکان افزودن یا ویرایش یک کلید به تنها ی وجود ندارد. بنابراین برای ویرایش یا اضافه کردن حتی یک کلید کل فایل باید دوباره تولید شود. برای استفاده از این کلاس نیز میتوان به شکل زیر عمل کرد:

```
private static void Write(IEnumerable<ResXResourceEntry> resources, string filePath)
{
    using (var writer = new ResXResourceWriter(filePath))
    {
```

```
foreach (var resource in resources)
{
    writer.AddResource(resource.Key, resource.Value);
}
}
```

```
که در قسمت قبل معرفی شد، استفاده شده است. از مت زیر نیز میتوان برای ResXResource کرد:
```

```
private static void AddOrUpdate(ResXResourceEntry resource, string filePath)
{
    var list = Read(filePath);
    var entry = list.SingleOrDefault(l => l.Key == resource.Key);
    if (entry == null)
    {
        list.Add(resource);
    }
    else
    {
        entry.Value = resource.Value;
    }
    Write(list, filePath);
}
```

در این متد از متدهای Read و Write که در بالا نشان داده شده‌اند استفاده شده است.

برای اینکار میتوان از متذخیر استفاده کرد:

```
private static void Remove(string key, string filePath)
{
    var list = Read(filePath);
    list.RemoveAll(l => l.Key == key);
    Write(list, filePath);
}
```

در این متد، از متد Write که در قسمت معرفی شد، استفاده شده است.

راه حل نهایی

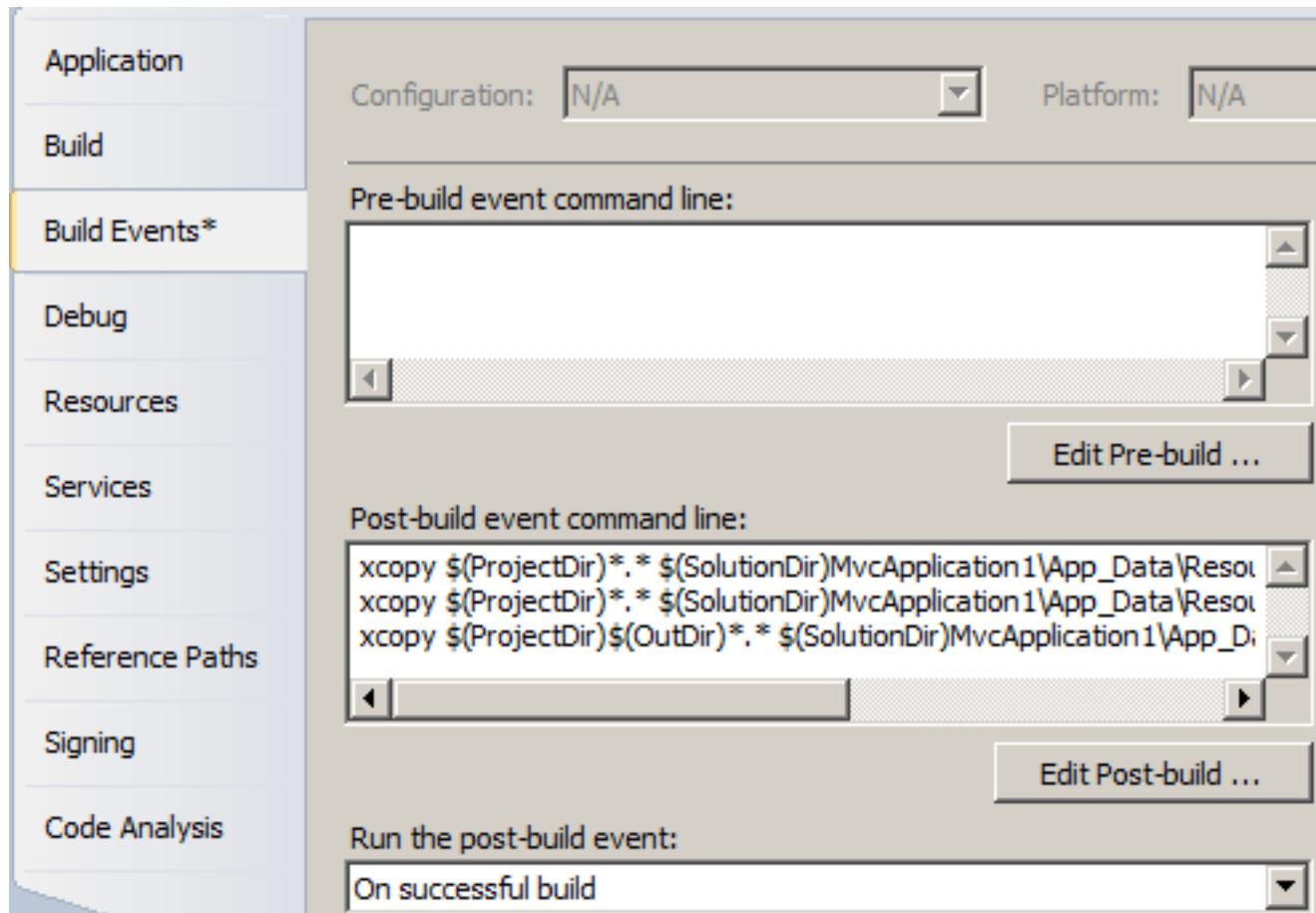
لذا، از یکارگیری روش‌های معرفی، شده در این مطلب بهتر است ابتدای بحثی، قرارداد بصورت زیر تعریف شوند:

- طبق راهنمایی های موجود در قسمت **قبل** یک پروژه جداگانه با عنوان Resources برای نگهداری فایلهای resx. ایجاد شود.

- همواره آخرین نسخه از محتویات موردنیاز از پروژه Resources باید درون فولدری با عنوان Resources در پوشه App_Data قرار داشته باشد.

- آخرین نسخه تولیدی از محتویات موردنیاز پروژه Resource در فolderی با عنوان Defaults در مسیر App_Data\Resources برای فرآیند کار داشته باشد.

برای فراهم کردن این موارد بهترین راه حل استفاده از تنظیمات Post-build event command line است. اطلاعات بیشتر درباره Build Event ها در اینجا



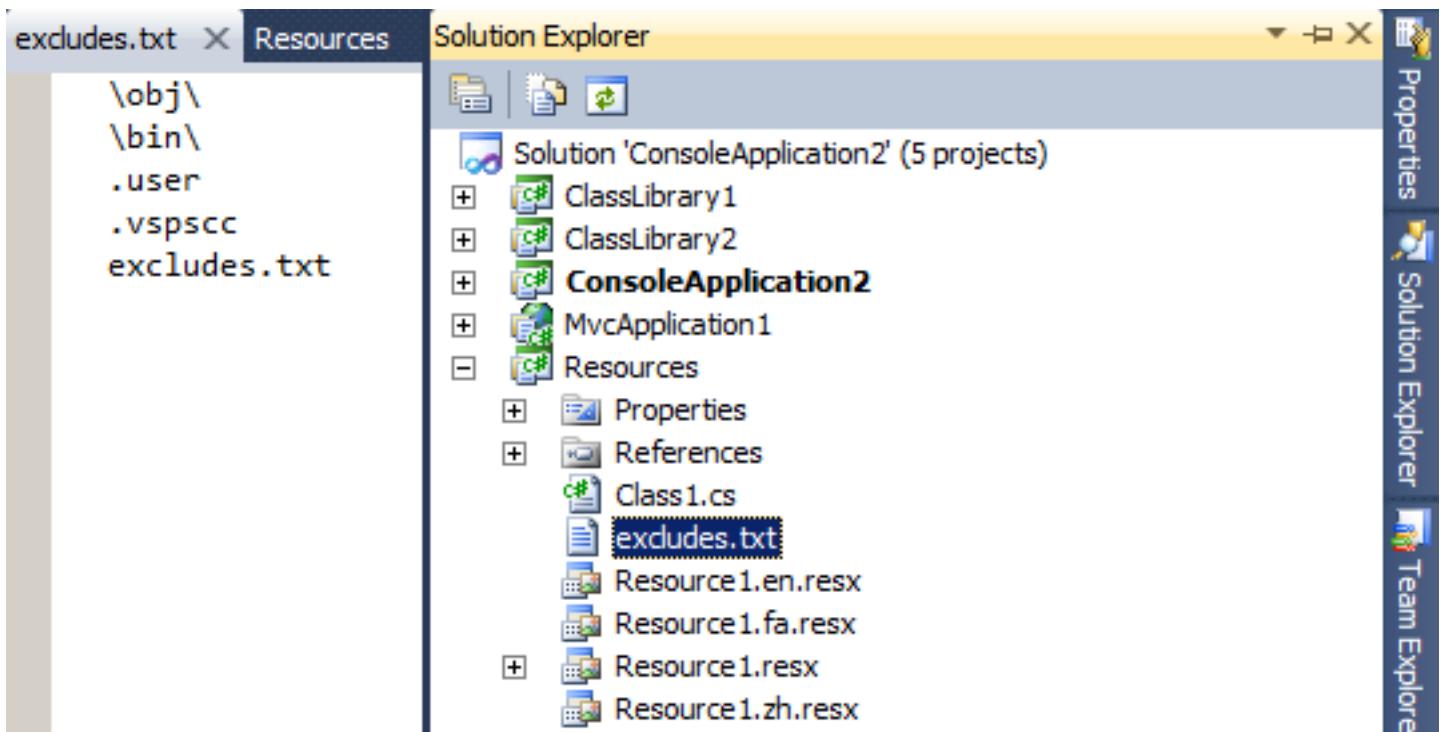
برای اینکار من از دستور xcopy استفاده کردم که نسخه توسعه یافته دستور copy است. دستورات استفاده شده در این قسمت عبارتند از:

```
xcopy $(ProjectDir)*.* $(SolutionDir)MvcApplication1\App_Data\Resources /e /y /i
/exclude:$(ProjectDir)excludes.txt
```

```
xcopy $(ProjectDir)*.* $(SolutionDir)MvcApplication1\App_Data\Resources\Defaults /e /y /i
/exclude:$(ProjectDir)excludes.txt
```

```
xcopy $(ProjectDir)$(OutDir)*.* $(SolutionDir)MvcApplication1\App_Data\Resources\Defaults\bin /e /y /i
```

در دستورات فوق آرگومان e/ برای کپی تمام فolderها و زیرفولدرها، y/ برای تایید تمام کانفیرم ها، و i/ برای ایجاد خودکار فولدرهای موردنیاز استفاده میشود. آرگومان exclude/ نیز همانطور که از نامش پیداست برای خارج کردن فایلها و فولدرهای موردنظر از لیست کپی استفاده میشود. این آرگومان مسیر یک فایل متنی حاوی لیست این فایلها را دریافت میکند. در تصویر زیر یک نمونه از این فایل و مسیر و محتوای مناسب آن را مشاهده میکنید:



با استفاده از این فایل excludes.txt فولدرهای bin و obj و نیز فایلهای با پسوند .user و .vspscc (مریبوط به TFS) و نیز خود فایل excludes.txt از لیست کپی دستور xcopy حذف میشوند و بنابراین کپی نمیشوند. در صورت نیاز میتوانید گزینه‌های دیگری نیز به این فایل اضافه کنید.

همانطور که در [اینجا](#) اشاره شده است، در تنظیمات Post-build event command line یکسری متغیرهای از پیش تعریف شده (Macro) وجود دارند که از برخی از آنها در دستوارت فوق استفاده شده است:

\$: مسیر کامل و مطلق پروژه جاری به همراه یک کاراکتر \ در انتهای

\$: مسیر کامل و مطلق سولوشن به همراه یک کاراکتر \ در انتهای

\$: مسیر نسبی فolder Output پروژه جاری به همراه یک کاراکتر \ در انتهای

نکته: این دستورات باید در Post-Build Event پروژه Resources افزوده شوند.

با استفاده از این تنظیمات مطمئن میشویم که پس از هر Build آخرین نسخه از فایلهای مورد نیاز در مسیرهای تعیین شده کپی میشوند. درنهایت با استفاده از کلاس ResXResourceManager که در زیر آورده شده است، کل عملیات را ساماندهی میکنیم:

```
public class ResXResourceManager
{
    private static readonly object Lock = new object();
    public string ResourcesPath { get; private set; }
    public ResXResourceManager(string resourcesPath)
    {
        ResourcesPath = resourcesPath;
    }
    public IEnumerable<ResXResourceEntry> GetAllResources(string resourceCategory)
    {
        var resourceFilePath = GetResourceFilePath(resourceCategory);
        return Read(resourceFilePath);
    }
    public void AddOrUpdateResource(ResXResourceEntry resource, string resourceCategory)
    {
        var resourceFilePath = GetResourceFilePath(resourceCategory);
        AddOrUpdate(resource, resourceFilePath);
    }
    public void DeleteResource(string key, string resourceCategory)
    {
        var resourceFilePath = GetResourceFilePath(resourceCategory);
        Remove(key, resourceFilePath);
    }
}
```

```

    }
    private string GetResourceFilePath(string resourceCategory)
    {
        var extension = Thread.CurrentThread.CurrentCulture.TwoLetterISOLanguageName == "en" ? ".resx" :
".fa.resx";
        var resourceFilePath = Path.Combine(ResourcesPath, resourceCategory.Replace(".", "\\") +
extension);
        return resourceFilePath;
    }
    private static void AddOrUpdate(ResXResourceEntry resource, string filePath)
    {
        var list = Read(filePath);
        var entry = list.SingleOrDefault(l => l.Key == resource.Key);
        if (entry == null)
        {
            list.Add(resource);
        }
        else
        {
            entry.Value = resource.Value;
        }
        Write(list, filePath);
    }
    private static void Remove(string key, string filePath)
    {
        var list = Read(filePath);
        list.RemoveAll(l => l.Key == key);
        Write(list, filePath);
    }
    private static List<ResXResourceEntry> Read(string filePath)
    {
        lock (Lock)
        {
            using (var reader = new ResXResourceReader(filePath))
            {
                var list = reader.Cast<object>().Cast<DictionaryEntry>().ToList();
                return list.Select(l => new ResXResourceEntry(l)).ToList();
            }
        }
    }
    private static void Write(IEnumerable<ResXResourceEntry> resources, string filePath)
    {
        lock (Lock)
        {
            using (var writer = new ResXResourceWriter(filePath))
            {
                foreach (var resource in resources)
                {
                    writer.AddResource(resource.Key, resource.Value);
                }
            }
        }
    }
}

```

در این کلاس تغییراتی در متدهای معرفی شده در قسمتهای بالا برای مدیریت دسترسی همزمان با استفاده از بلاک `lock` ایجاد شده است.

با استفاده از کلاس `BuildManager` عملیات تولید کتابخانه‌ها مدیریت می‌شود. (در مورد نحوه استفاده از MSBuild در [اینجا](#) توضیحات کافی آورده شده است):

```

public class BuildManager
{
    public string ProjectPath { get; private set; }
    public BuildManager(string projectPath)
    {
        ProjectPath = projectPath;
    }
    public void Build()
    {
        var regKey = Registry.LocalMachine.OpenSubKey(@"SOFTWARE\Microsoft\MSBuild\ToolsVersions\4.0");
        if (regKey == null) return;
        var msBuildExeFilePath = Path.Combine(regKey.GetValue("MSBuildToolsPath").ToString(),
"MSBuild.exe");
        var startInfo = new ProcessStartInfo
        {
            FileName = msBuildExeFilePath,

```

```

        Arguments = ProjectPath,
        WindowStyle = ProcessWindowStyle.Hidden
    };
    var process = Process.Start(startInfo);
    process.WaitForExit();
}
}

```

درنهایت مثلا با استفاده از کلاس ResXResourceManager مدیریت فایلهای این کتابخانه‌ها صورت می‌پذیرد:

```

public class ResXResourceManager
{
    public static readonly string BinPath =
Path.GetDirectoryName(Assembly.GetExecutingAssembly().GetName().CodeBase.Replace("file:///",""));
    public static readonly string ResourcesPath = Path.Combine(BinPath, @"..\App_Data\Resources");
    public static readonly string ResourceProjectPath = Path.Combine(ResourcesPath, "Resources.csproj");
    public static readonly string DefaultsPath = Path.Combine(ResourcesPath, "Defaults");
    public static void CopyDlls()
    {
        File.Copy(Path.Combine(ResourcesPath, @"bin\debug\Resources.dll"), Path.Combine(BinPath,
"Resources.dll"), true);
        File.Copy(Path.Combine(ResourcesPath, @"bin\debug\fa\Resources.resources.dll"),
Path.Combine(BinPath, @"fa\Resources.resources.dll"), true);
        Directory.Delete(Path.Combine(ResourcesPath, "bin"), true);
        Directory.Delete(Path.Combine(ResourcesPath, "obj"), true);
    }
    public static void RestoreAll()
    {
        RestoreDlls();
        RestoreResourceFiles();
    }
    public static void RestoreDlls()
    {
        File.Copy(Path.Combine(DefaultsPath, @"bin\Resources.dll"), Path.Combine(BinPath, "Resources.dll"),
true);
        File.Copy(Path.Combine(DefaultsPath, @"bin\fa\Resources.resources.dll"), Path.Combine(BinPath,
@"fa\Resources.resources.dll"), true);
    }
    public static void RestoreResourceFiles(string resourceCategory)
    {
        RestoreFile(resourceCategory.Replace(".", "\\"));
    }
    public static void RestoreResourceFiles()
    {
        RestoreFile(@"Global\Configs");
        RestoreFile(@"Global\Exceptions");
        RestoreFile(@"Global\Paths");
        RestoreFile(@"Global\Texts");

        RestoreFile(@"ViewModels\Employees");
        RestoreFile(@"ViewModels\LogOn");
        RestoreFile(@"ViewModels\Settings");

        RestoreFile(@"Views\Employees");
        RestoreFile(@"Views\LogOn");
        RestoreFile(@"Views\Settings");
    }
    private static void RestoreFile(string subPath)
    {
        File.Copy(Path.Combine(DefaultsPath, subPath + ".resx"), Path.Combine(ResourcesPath, subPath +
".resx"), true);
        File.Copy(Path.Combine(DefaultsPath, subPath + ".fa.resx"), Path.Combine(ResourcesPath, subPath +
".fa.resx"), true);
    }
}

```

در این کلاس از مفهومی با عنوان `resourceCategory` برای استفاده راحتتر در ویوها استفاده شده است که بیانگر فضای نام نسبی `Resource` و کلاسهای متغیر با آنهاست که براساس استانداردها باید برطبق مسیر فیزیکی آنها در پروژه باشد مثل `Views\LogOn` یا `Global\Texts`. همچنین در متد `RestoreResourceFiles` نمونه‌هایی از مسیرهای این فایلهای آورده شده است.

پس از اجرای متد `Build` از کلاس `BuildManager`, یعنی پس از `build` پروژه `Resource` در زمان اجرا, باید ابتدا فایلهای تولیدی به

مسیرهای مربوطه در فolder bin برنامه کپی شده سپس فولدرهای تولیدشده توسط msbuild، حذف شوند. این کار در متod ResXResourceManager از کلاس CopyDlls انجام میشود. هرچند در این قسمت فرض شده است که فایل csprj موجود برای حالت debug تنظیم شده است.

نکته: دقت کنید که در این قسمت بلافصله پس از کپی فایلها در مقصد با توجه به توضیحات ابتدای این مطلب سایت Restart خواهد شد که یکی از ضعفهای عمدی این روش به شمار میروند.

سایر متدهای موجود نیز برای برگرداندن تنظیمات اولیه بکار میروند. در این متدها از محتویات فolder Defaults استفاده میشود.

نکته : در صورت ساخت دوباره اسمبلی و یا بازگرداندن اسمبلی‌های اولیه، از آنجاکه وب‌سایت Restart خواهد شد، بنابراین بهتر است تا صفحه جاری بلافصله پس از اتمام عملیات، دوباره بارگذاری شود. مثلاً اگر از ajax برای اعمال این دستورات استفاده شده باشد میتوان با استفاده از کدی مشابه زیر در پایان فرایند صفحه را دوباره بارگذاری کرد:

```
window.location.reload();
```

در قسمت بعدی راه حل بهتری با استفاده از فراهم کردن پرووایدر سفارشی برای مدیریت فایلهای Resource ارائه میشود.

نظرات خوانندگان

نوبنده: بهمن خلفی
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۲/۰۱ ۹:۲۲

با سلام خدمت شما
مطلوب بسیار مفیدی است و امیدوارم ادامه دهید...

یکی از item‌های مهم در بهینه سازی SEO یک وبسایت وجود یک SiteMap استاندارد متشكل از لینک‌های موجود در سایت هست که در وبسایت‌های داینامیک معمولاً این لینک‌ها بر اساس داده‌های موجود در بانک اطلاعاتی ایجاد می‌شوند. برای مثال مطالب، اخبار و ...

در اینجا بندۀ قبلی یک کلاس برای تولید SiteMap آماده کردم که در پروژه‌های خودم ازش استفاده می‌کنم. توسط این کلاس می‌توانید به صورت داینامیک SiteMap وبسایت مبتنی بر ASP.NET MVC خودتون رو ایجاد کنید.

برای آشنایی با ساختار یک SiteMap استاندارد می‌توانید به لینک رسمی روبرو مراجعه کنید :

<http://www.sitemaps.org/de/protocol.html>

بندۀ کلاس‌های زیر را بر مبنای لینک مذکور در سایت رسمی SiteMaps تولید کردم. بعد از تولید SiteMap نیاز دارید که اون رو ActionResult مثلاً به عنوان خروجی یک بازگردانید. برای این کار هم یک کلاس با نام XmlResult مشتق شده از آماده سازی کردم که کلاس تولید شده SiteMap را Serialize می‌کنه و به عنوان نتیجه‌ی یک Action باز می‌گردانه.

```
using System;
using System.Collections;
using System.Web.Mvc;
using System.Xml.Serialization;

namespace Neoox.Core.SeoTools
{
    [XmlRoot("urlset", Namespace = "http://www.sitemaps.org/schemas/sitemap/0.9")]
    public class Sitemap
    {
        private ArrayList map;

        public Sitemap()
        {
            map = new ArrayList();
        }

        [XmlElement("url")]
        public Location[] Locations
        {
            get
            {
                Location[] items = new Location[map.Count];
                map.CopyTo(items);
                return items;
            }
            set
            {
                if (value == null)
                    return;
                Location[] items = (Location[])value;
                map.Clear();
                foreach (Location item in items)
                    map.Add(item);
            }
        }

        public int Add(Location item)
        {
            return map.Add(item);
        }
    }

    public class Location
    {
        public enum eChangeFrequency
        {
            always,
            hourly,
        }
    }
}
```

```

        daily,
        weekly,
        monthly,
        yearly,
        never
    }

    [XmlElement("loc")]
    public string Url { get; set; }

    [XmlElement("changefreq")]
    public eChangeFrequency? ChangeFrequency { get; set; }
    public bool ShouldSerializeChangeFrequency() { return ChangeFrequency.HasValue; }

    [XmlElement("lastmod")]
    public DateTime? LastModified { get; set; }
    public bool ShouldSerializeLastModified() { return LastModified.HasValue; }

    [XmlElement("priority")]
    public double? Priority { get; set; }
    public bool ShouldSerializePriority() { return Priority.HasValue; }
}

public class XmlResult : ActionResult
{
    private object objectToSerialize;

    public XmlResult(object objectToSerialize)
    {
        this.objectToSerialize = objectToSerialize;
    }

    public object ObjectToSerialize
    {
        get { return this.objectToSerialize; }
    }

    public override void ExecuteResult(ControllerContext context)
    {
        if (this.objectToSerialize != null)
        {
            context.HttpContext.Response.Clear();
            var xs = new System.Xml.Serialization.XmlSerializer(this.objectToSerialize.GetType());
            context.HttpContext.Response.ContentType = "text/xml";
            xs.Serialize(context.HttpContext.Response.OutputStream, this.objectToSerialize);
        }
    }
}
}

```

و اما نحوه استفاده از این کلاس‌ها هم خیلی سادست. به مثال زیر توجه کنید ... فقط این نکته رو در نظر داشته باشید که `item` اضافه میشه و اکشی شده از بانک اطلاعاتی هست، در این مثال چون خواستم ساده توضیح داده بشه نحوه استفاده از این کلاس‌ها، این داده‌ها به صورت `static` در نظر گرفته شد ولی شما میتوانید داده‌ها رو بر اساس ساختار بانک اطلاعاتی خودتون و اکشی کرده و به `SiteMap` اضافه کنید تا یک `SiteMap` کاملا پویا و `Dynamic` داشته باشید...

```

public ActionResult Sitemap()
{
    Sitemap sm = new Sitemap();
    sm.Add(new Location()
    {
        Url = string.Format("http://www.TechnoDesign.ir/Articles/{0}/{1}", 1, "SEO-in-ASP.NET-MVC"),
        LastModified = DateTime.UtcNow,
        Priority = 0.5D
    });
    return new XmlResult(sm);
}

```

نظرات خوانندگان

نویسنده: **وحید نصیری**
تاریخ: ۱۴:۳۹ ۱۳۹۲/۰۳/۰۱

یک نکته تكميلي:

ایجاد خودکار آدرسsitemap.xml از روی آدرس کنترلر SiteMap با افزودن مسیریابی مرتبط با آن: (در حقیقت ایجاد آدرس، برای فایلی که وجود خارجی ندارد و نگاشت آن به یک کنترلر و اکشن متد خاصی در آن)

```
routes.MapRoute(  
    "SiteMap_route", // Route name  
    "sitemap.xml", // URL with parameters  
    new { controller = "Sitemap", action = "index", name = UrlParameter.Optional, area = "" } // Parameter defaults  
);
```

نویسنده: **سید مهران موسوی**
تاریخ: ۱۴:۵۶ ۱۳۹۲/۰۳/۰۱

این کار که ۱۰۰% باید انجام بشه و گرنه بی فایدست تمام ماجرا . ممنون از آقای نصیری بابت پیوست این نکته. دوستان حتما توجه داشته باشن

نویسنده: **محسن خان**
تاریخ: ۱۶:۴۱ ۱۳۹۲/۰۳/۰۱

```
in robots.txt file:  
Sitemap: http://www.site.com/Sitemap
```

علاوه بر نکته فوق باید در فایل robots.txt سایت هم یک سطر با آدرس مطلق (و نه نسبی) به مسیر سایت مپ اشاره کنه تا موتورهای جستجو بدونند کجا رو باید بررسی کنند

نویسنده: **امیرحسین مرجانی**
تاریخ: ۲۲:۱۹ ۱۳۹۲/۰۵/۲۸

با سلام؛ چند سوال داشتم:

1- به نظرتون اگر تعداد صفحات وب سایت زیاد باشه این کار (ساخت sitemap به ازای هر درخواست) رو سرور فشار ایجاد نمی کنه؟

2- همان طور که می دونید حداقل می شود 50000 هزار لینک در یک sitemap قرار داد و به ازای مقادیر بیشتر باید چندین sitemap ایجاد کرد. <http://googlewebmastercentral.blogspot.nl/2006/10/multiple-sitemaps-in-same-directory.html>

برای این سناریو چطور می شه رفتار کرد؟
3- و سوال آخر اینکه چرا آقای نصیری لینک های محدودی را در sitemap سایت قرار داده اند؟ دلیل خاصی داشته است؟

نویسنده: **وحید نصیری**
تاریخ: ۲۲:۲۸ ۱۳۹۲/۰۵/۲۸

1- از [OutputCache](#) حتما باید استفاده کنید.

2 و 3 - موتورهای جستجو به دنبال لینک های جدید در سایت شما هستند. زمانیکه موارد قبلی ایندکس شدند و در بانک اطلاعاتی آنها موجودند، فقط موارد جدیدتر را در سایت مپ قرار بدید. وجود موارد قدیمی ایندکس شده مهم نیستند و مدام چک خواهند شد (جهت بررسی صحبت اطلاعات بانک اطلاعاتی موتورهای جستجو).

این مورد را اگر خواستید بررسی کنید، از ابزار [وب مستر گوگل](#) بهره بگیرد. هر روز آمار می دهد، چه مواردی کلا ایندکس شده

(همچنین چه تعدادی دقیقاً از طریق سایت مپ ایندکس شده)، چه مشکلاتی داشته، موارد قدیمی که در بانک اطلاعاتی آن هست و در سایت شما یافت نشده، کدامها هستند و غیره.

Sitemap details

Sitemap:  /sitemap

This Sitemap was submitted Dec 28, 2012, and processed Aug 19, 2013.

Sitemap content (last 30 days shown)

All content types	Web pages
Submitted	■ 16 Submitted
Indexed	■ 15 Indexed

نویسنده: امیرحسین مرجانی
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۵/۲۹ ۱۸:۲۲

تشکر بابت پاسختون 2 - سایتی که من بر روی وب می‌گذارم با حدود یک میلیون صفحه در وب قرار می‌گیرد! (و قابل ذکر هست که بیش از 50000 لینک در سایت مپ ممکن نیست) بر اساس مواردی که شما بیان کردید، باید هر روز مقداری از این لینک‌ها در سایت مپ قرار بدهم و بعد از ایندکس شدن توسط گوگل آن‌ها را تغییر دهم که عملاً برای این حجم بالا ممکن نیست.
می‌تونم برسم جرا با ساختن فایل‌های فیزیکی برای سایت مپ موافق نیستید؟

(البته در شرایط صورت مسئله‌ای که بیان کردم) در این صورت می‌شود طوری برنامه ریزی کرد که این فایل‌ها (به دلیل بالا بودن تعداد لینک از چندین فایل استفاده شود) در بازه زمانی مشخص دوباره باز سازی شوند و هیچ بار اضافه ای برای ایجاد هر باره آن‌ها به وجود نیاید.

باش هم تشکر بابت وقتی که می‌گذارید...

نویسنده: امیرحسین مرجانی
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۵/۲۹ ۱۸:۴۲

و البته سوال دیگه هم که داشتم اینکه:
من از همین Routing که شما توی کامنت اول بیان کردید استفاده کردم. (که طبیعتاً درسته) ولی توی پروژه بنده IIS ایرور می‌ده که این فایل (sitemap.xml) را پیدا نکرده! فکر می‌کنم عمل routing به درستی انجام نمی‌شه.
من از mvc4 در 2012 vs استفاده می‌کنم.

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۵/۲۹ ۱۸:۴۵

کش کردن یک روش است برای کاهش ساخت خروجی پویا به ازای هر درخواست (سؤال مطرح شده) و از آن برداشت نمی‌شود

که روش‌های دیگر خوب هستند یا خیر.

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۵/۲۹ ۱۸:۵۷

نکات مطلب « تنظیمات ثانویه پس از فعال سازی [RouteExistingFiles](#) » احتمالاً مفید خواهد بود.

نویسنده: آیمو
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۸/۰۴ ۱۶:۳۷

منم رفتم اون مطالبو خوندم ولی چیزی دستگیرم نشد . و هنوز همین مشکلو داردم. نمیشه بیشتر راهنمایی کنین؟

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۸/۰۴ ۱۶:۵۰

Route سفارشی زمانی عمل می‌کنه که قبل از Route پیش فرض تعريف شود. route پیش فرض اصطلاحاً all catch است و نوبت به بقیه نخواهد رسید.

نویسنده: آیمو
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۸/۰۴ ۱۷:۵۹

اییییییییییییییییییییو...! خیلی باحالین. دقیقاً مشکل همین بود . ممنون.

نویسنده: مهرسا
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۱/۲۳ ۱۰:۲۳

سلام امکان استفاده این در ASP.NET Web forms هست چون من میخوام این کارو با استفاده از یک httpHandler بکنم ؟

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۱/۲۳ ۱۰:۲۸

بله. مفاهیم و کدهای XmlResult تهیه شده را مستقیماً در یک فایل ashx هم می‌شود بکار برد. context مورد استفاده، قابل انتقال است.

نویسنده: محسن
تاریخ: ۱۳۹۳/۰۲/۰۵ ۱۴:۳۹

با سلام. آقای نصیری ممنون میشم در مورد این نکته ای که فرمودید بیشتر توضیح بدید.
ممنونم

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۳/۰۲/۰۵ ۱۷:۹

- توضیحات سیستم مسیریابی در [ASP.NET MVC](#)
- روش دیباگ سیستم مسیریابی

نویسنده: مجید
تاریخ: ۱۳۹۳/۰۵/۲۲ ۱۵:۳۳

سلام . خیلی ممنون به خاطر مطالبتون.
میخواستم بدونم در چه زمان و در کجا باید این Action رو صدا بزنیم.
با تشکر

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۵:۳۹ ۱۳۹۳/۰۵/۲۲

موتورهای جستجو بر اساس تنظیمات فایل [robots.txt](#) قرار است آنرا یافته و صدا بزنند. کاربرد شخصی ندارد.

نویسنده: حمید حسین وند
تاریخ: ۲۲:۲۶ ۱۳۹۳/۰۶/۳۱

سلام

چه جوری میشه از این کلاس توی `asp.net webform` استفاده کرد؟
اگه میشه نحوه استفاده از این کدها رو توی `webform` بذارید. ممنون

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۲۳:۰ ۱۳۹۳/۰۶/۳۱

اکثر کدهای آن یکی است منها کلاس `XmlResult` آن.
برای پیاده سازی و جایگزینی آن در وب فرمها یک `Generic handler` استاندارد را اضافه کنید و در متدهای `ProcessRequest` و `ExecuteResult` فوق را قرار دهید.

```
public void ProcessRequest (HttpContext context)
```

البته چون در اینجا `HttpContext` را مستقیماً دارید، قسمتهای `ExecuteResult` متدهای `ProcessRequest` می‌شوند
[Sitemap_ashx.cs](#)

نویسنده: حسین
تاریخ: ۱۲:۱۰ ۱۳۹۳/۰۸/۱۹

با تشکر
آیا راهی وجود داره بدون تعریف کردن `route` بتوان به اکشن مورد نظر دسترسی پیدا کرد؟
چون برای فعل کردن این قابلیت باید اجازه وارد کردن `dot` در `url` رو داد که برآمدون امکان پذیر نیست

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۲:۱۵ ۱۳۹۳/۰۸/۱۹

کمی [بالاتر](#) در نظرات عنوان شده، موتورهای جستجو این مسیر را (هر آدرسی با هر شکل یا نامی که دارد؛ مهم نیست) صرفاً از فایل [robots.txt](#) دریافت می‌کنند.

نویسنده: سانی
تاریخ: ۱:۷ ۱۳۹۳/۱۱/۱۳

سلام: عالی بود. من برای خواندن از بانک اطلاعاتی این کد رو نوشتم

```
public virtual ActionResult Sitemap()
{
    var data = new sunn.Models.ApplicationDbContext().Posts.ToList();
    SiteMap sm = new SiteMap();
    foreach (var siteno in data)
    {
        sm.Add(new Location()
        {
            Url = string.Format("http://www.MySite.ir/Develop/Home/Post/{0}", siteno.Id),
            LastModified = siteno.InsertDate,
            Priority = 0.5D
        });
    }
}
```

```
        return new XmlResult(sm);
    }
```

زمانیکه در آدرس بار نام این اکشن رو میزنم، تمامی اطلاعات رو نشون میده؛ اما بدون هیچ فرمتی و پشت سر هم. اما رو که میزنم توی source کاملا نقشه سایت رو نشون میده.

دو تا سوال : اول اینکه به چه نحوی میتونم آدرس فایل xml را بدست بیارم که مثلاً به گوگل معرفی کنم و دوم اینکه به جای نمایش این صفحه ناخوانا بتوانم یک صفحه خواناتر با فرمت نمایش بدم

نویسنده: محسن خان
تاریخ: ۱۳۹۳/۱۱/۱۳ ۱:۱۸

خوانایی این خروجی اهمیتی نداره چون برای ماشین درست میشه نه برای انسان. فرمت هم نداشته باشه بهتره چون حجم کمتری رو به خودش اختصاص می‌ده. ولی در کل باید Indent تنظیم بشه، در صورت نیاز.

در مورد خروجی با پسوند xml هم باید مسیریابی جدید اضافه کنی که قبلا در نظرات همین بحث مطرح شده (اولین نظر به علاوه مورد robots.txt که در نظرات بعدی هست).

در این مطلب، سعی خواهیم کرد تا همانند تصویر امنیتی این سایت که موقع ورود نمایش داده می‌شود، یک نمونه مشابه به آنرا در ASP.NET MVC ایجاد کنیم. ذکر این نکته ضروری است که قبل آقای پایرونند در [یک مطلب دو قسمتی](#) کاری مشابه را انجام داده بودند، اما در مطلبی که در اینجا ارائه شده سعی کرده ایم تا تفاوت‌هایی را با مطلب ایشان داشته باشد.

همان طور که ممکن است بدانید، اکشن متدها در کنترلرهای MVC می‌توانند انواع مختلفی را برگشت دهند که شرح آن در مطالب این سایت به مفصل گذشته است. یکی از این انواع، نوع ActionResult می‌باشد. این یک کلاس پایه برای انواع برگشتی توسط اکشن متدها مثل JsonResult، FileResult (اطلاعات بیشتر را [اینجا بخوانید](#)) اما ممکن است موقعی پیش بباید که بخواهید نوعی را توسط یک اکشن متده بگشت دهید که به صورت توکار تعریف نشده باشد. مثلاً زمانی را در نظر بگیرید که بخواهید یک تصویر امنیتی را برگشت دهید. یکی از راه حل‌های ممکن به این صورت است که کلاسی ایجاد شود که از کلاس پایه ارث بری کرده باشد. بدین صورت:

```
using System;
using System.Web.Mvc;

namespace MVCPersianCaptcha.Models
{
  public class CaptchaImageResult : ActionResult
  {
    public override void ExecuteResult(ControllerContext context)
    {
      throw new NotImplementedException();
    }
  }
}
```

همان طور که مشاهده می‌کنید، کلاسی به اسم CaptchaImageResult تعریف شده که از کلاس ActionResult ارث بری کرده است. در این صورت باید متده ExecuteResult را override کنید. متده ExecuteResult به صورت خودکار هنگامی که از CaptchaImageResult به عنوان یک نوع برگشتی اکشن متده استفاده شود اجرا می‌شود. به همین خاطر باید تصویر امنیتی توسط این متده تولید شود و به صورت جریان (stream) برگشت داده شود

کدهای اولیه برای ایجاد یک تصویر امنیتی به صورت خیلی ساده از کلاس‌های فراهم شده توسط GDI+، که در دات نت فریمورک وجود دارند استفاده خواهند کرد. برای این کار ابتدا یک شیء از کلاس Bitmap با دستور زیر ایجاد خواهیم کرد:

```
// Create a new 32-bit bitmap image.
Bitmap bitmap = new Bitmap(width, height, PixelFormat.Format32bppArgb);
```

پارامترهای اول و دوم به ترتیب عرض و ارتفاع تصویر امنیتی را مشخص خواهند کرد و پارامتر سوم نیز فرمت تصویر را بیان کرده است. Format32bppArgb یعنی یک تصویر که هر کدام از پیکسل‌های آن 32 بیت فضا اشغال خواهند کرد، 8 بیت اول میزان آلفا، 8 بیت دوم میزان رنگ قرمز، 8 بیت سوم میزان رنگ سبز، و 8 تای آخر نیز میزان رنگ آبی را مشخص خواهند کرد

سپس شیئی از نوع Graphics برای انجام عملیات ترسیم نوشته‌های فارسی روی شیء bitmap ساخته می‌شود:

```
// Create a graphics object for drawing.
Graphics gfxCaptchaImage = Graphics.FromImage(bitmap);
```

خصوصیات مورد نیاز ما از gfxCaptchaImage را به صورت زیر مقداردهی می‌کنیم:

```
gfxCaptchaImage.GraphicsUnit = GraphicsUnit.Pixel;
gfxCaptchaImage.SmoothingMode = SmoothingMode.HighQuality;
gfxCaptchaImage.Clear(Color.White);
```

واحد اندازه گیری به پیکسل، کیفیت تصویر تولید شده توسط دو دستور اول، و در دستور سوم ناحیه ترسیم با یک رنگ سفید پاک می‌شود.

سپس یک عدد اتفاقی بین 1000 و 9999 با دستور زیر تولید می‌شود:

```
// Create a Random Number from 1000 to 9999
int salt = CaptchaHelpers.CreateSalt();
```

متدهای CreateSalt در کلاس CaptchaHelpers قرار گرفته است، و نحوه پیاده سازی آن بدین صورت است:

```
public int CreateSalt()
{
    Random random = new Random();
    return random.Next(1000, 9999);
}
```

سپس مقدار موجود در salt را برای مقایسه با مقداری که کاربر وارد کرده است در session قرار می‌دهیم:

```
HttpContext.Current.Session["captchastring"] = salt;
```

سپس عدد اتفاقی تولید شده باید تبدیل به حروف شود، مثلاً اگر عدد 4524 توسط متدهای CreateSalt تولید شده باشد، رشتہ "چهار هزار و پانصد و بیست و چهار" معادل آن نیز باید تولید شود. برای تبدیل عدد به حروف، آقای نصیری [کلاس خیلی خوبی نوشته اند](#) که چنین کاری را انجام می‌دهد. ما نیز از همین کلاس استفاده خواهیم کرد:

```
string randomString = (salt).NumberToText(Language.Persian);
```

در دستور بالا، متدهای NumberToText با پارامتر Language.Persian وظیفه تبدیل عدد salt را به حروف فارسی معادل خواهد داشت.

به صورت پیش فرض نوشهای تصویر امنیتی به صورت چپ چین نوشته خواهند شد، و با توجه به این که نوشهایی که باید در تصویر امنیتی قرار بگیرد فارسی است، پس بهتر است آنرا به صورت راست به چپ در تصویر بنویسیم، بدین صورت:

```
// Set up the text format.
var format = new StringFormat();
int faLCID = new System.Globalization.CultureInfo("fa-IR").LCID;
format.SetDigitSubstitution(faLCID, StringDigitSubstitute.National);
format.Alignment = StringAlignment.Near;
format.LineAlignment = StringAlignment.Near;
format.FormatFlags = StringFormatFlags.DirectionRightToLeft;
```

و همچنین نوع و اندازه فونت که در این مثال tahoma می‌باشد:

```
// Font of Captcha and its size
Font font = new Font("Tahoma", 10);
```

خوب نوشهای فارسی اتفاقی تولید شده آماده ترسیم شدن است، اما اگر چنین تصویری تولید شود احتمال خوانده شدن آن توسط روبات‌های پردازش گر تصویر شاید زیاد سخت نباشد. به همین دلیل باید کاری کنیم تا خواندن این تصویر برای این روبات‌ها سخت‌تر شود، روش‌های مختلفی برای این کار وجود دارند: مثل ایجاد نویز در تصویر امنیتی یا استفاده از توابع ریاضی سینوسی و

نحوه ایجاد یک تصویر امنیتی (Captcha) با حروف فارسی در ASP.Net MVC

کسینوسی برای نوشتن نوشهای موج. برای این کار اول یک مسیر گرافیکی در تصویر یا موج اتفاقی ساخته شود و به شیء `gfxCaptchaImage` نسبت داده شود. برای این کار اول نمونه ای از روی کلاس `GraphicsPath` ساخته می‌شود،

```
// Create a path for text  
GraphicsPath path = new GraphicsPath();
```

و با استفاده از متد `AddString`، رشته اتفاقی تولید شده را با فونت مشخص شده، و تنظیمات اندازه دربرگیرنده رشته مورد نظر، و تنظیمات فرمت بندی رشته را لحاظ خواهیم کرد.

```
path.AddString(randomString,  
    font.FontFamily,  
    (int)font.Style,  
    (gfxCaptchaImage.DpiY * font.SizeInPoints / 72),  
    new Rectangle(0, 0, width, height), format);
```

با خط کد زیر شیء `path` را با رنگ بنخش با استفاده از شیء `gfxCaptchaImage` روی تصویر `bitmap` ترسیم خواهیم کرد:

```
gfxCaptchaImage.DrawPath(Pens.Navy, path);
```

برای ایجاد یک منحنی و موج از کدهای زیر استفاده خواهیم کرد:

```
///-- using a sin wave distort the image  
int distortion = random.Next(-10, 10);  
using (Bitmap copy = (Bitmap)bitmap.Clone())  
{  
    for (int y = 0; y < height; y++)  
    {  
        for (int x = 0; x < width; x++)  
        {  
            int newX = (int)(x + (distortion * Math.Sin(Math.PI * y / 64.0)));  
            int newY = (int)(y + (distortion * Math.Cos(Math.PI * x / 64.0)));  
            if (newX < 0 || newX >= width) newX = 0;  
            if (newY < 0 || newY >= height) newY = 0;  
            bitmap.SetPixel(x, y, copy.GetPixel(newX, newY));  
        }  
    }  
}
```

موقع ترسیم تصویر امنیتی است:

```
///-- Draw the graphic to the bitmap  
gfxCaptchaImage.DrawImage(bitmap, new Point(0, 0));  
gfxCaptchaImage.Flush();
```

تصویر امنیتی به صورت یک تصویر با فرمت `jpg` به صورت جریان (`stream`) به مرورگر باید فرستاده شوند:

```
HttpResponseBase response = context.HttpContext.Response;  
response.ContentType = "image/jpeg";  
bitmap.Save(response.OutputStream, ImageFormat.Jpeg);
```

و در نهایت حافظه‌های اشغال شده توسط اشیاء فونت و گرافیک و تصویر امنیتی آزاد خواهند شد:

```
// Clean up.  
font.Dispose();  
gfxCaptchaImage.Dispose();  
bitmap.Dispose();
```

برای استفاده از این کدها، اکشن متدى نوشته می‌شود که نوع `CaptchaImageResult` را برگشت می‌دهد:

```
public CaptchaImageResult CaptchaImage()
{
    return new CaptchaImageResult();
}
```

اگر در یک View خصیصه src یک تصویر به آدرس این اکشن متدهای شود، آنگاه تصویر امنیتی تولید شده نمایش پیدا می‌کند:

```

```

بعد از پست کردن فرم مقدار text box تصویر امنیتی خوانده شده و با مقدار موجود در session مقایسه می‌شود، در صورتی که یکسان باشند، کاربر می‌تواند وارد سایت شود (در صورتی که نام کاربری یا کلمه عبور خود را درست وارد کرده باشد) یا اگر از این captcha در صفحات دیگری استفاده شود عمل نظر می‌تواند انجام شود. در مثال زیر به طور ساده اگر کاربر در کادر متن مربوط به تصویر امنیتی مقدار درستی را وارد کرده باشد یا نه، پیغامی به او نشان داده می‌شود.

```
[HttpPost]
public ActionResult Index(LogOnModel model)
{
    if (!ModelState.IsValid) return View(model);

    if (model.CaptchaInputText == Session["captchastring"].ToString())
        TempData["message"] = "تصویر امنیتی را صحیح وارد کرده اید";
    else
        TempData["message"] = "تصویر امنیتی را اشتباه وارد کرده اید";

    return View();
}
```

کدهای کامل مربوط به این مطلب را به همراه یک مثال از لینک زیر دریافت نمائید:

[MVC-Persian-Captcha](#)

نظرات خوانندگان

نوبنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۳/۰۳ ۱۹:۳۶

ممنون. میشه قسمت بررسی نهایی در اکشن متدهم کپسوله کرد (چیزی شبیه به امکانات AOP سرخود در MVC). مثلایک ویژگی جدید به نام ValidateCaptcha درست کرد که به اکشن متدها اعمال شود و کاربررسی صحت اطلاعات ورودی مخصوص Captcha را انجام و نهایتاً اطلاعات ورودی و ModelState رو اساس اطلاعات ورودی و Session ایی که در اینجا تعریف شده، به روز کنه:

```
[AttributeUsage(AttributeTargets.Method, AllowMultiple = false)]
public sealed class ValidateCaptchaAttribute : ActionFilterAttribute
{
    public override void OnActionExecuting(ActionExecutingContext filterContext)
    {
        var controllerBase = filterContext.Controller;

        var captchaInputTextProvider = controllerBase.ValueProvider.GetValue("CaptchaInputText");
        if (captchaInputTextProvider == null)
        {
            controllerBase.ViewData.ModelState.AddModelError("CaptchaInputText", "لطفاً تصویر امنیتی را وارد کنید");
            base.OnActionExecuting(filterContext);
            return;
        }
        var inputText = captchaInputTextProvider.AttemptedValue;
        if (inputText != Session["captchastring"].ToString())
            controllerBase.ViewData.ModelState.AddModelError("CaptchaInputText", "اشتباه وارد کرده اید");
    }
}
```

به این صورت (با استفاده از ویژگی فوق) همان بررسی متداول ModelState.IsValid در یک اکشن متدهم کافی خواهد بود.

نوبنده: پژمان پارسائی
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۳/۰۴ ۰۲:۲۷

بسیار عالی و سازنده، خیلی نکته مفیدی بود

نوبنده: میثم خوشقدم
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۳/۰۴ ۱۳:۵۷

ممنون - مطلب کاربردی و مفیدی بود

شخصاً این Captcha را به انواع دیگر ترجیح میدم چرا که:

1- شخصی سازی شده

2- ارجاع به سایت واسطی نداره

3- هیچ گونه سرباری نداره

4- اعمال هر گونه تغییر و اصلاح مناسب با فرهنگ و کشور و یا حتی نوع سایت قابل انجام است

با زحم تشکر می‌کنم

نوبتند: میثم خوشقدم
تاریخ: ۱۵:۱۷ ۱۳۹۲/۰۳/۰۴

سلام

اگر کد شما را گسترش دهیم و به جای پیغام‌های خطای ارسال شده، مقادیر Attribute‌ها یا متادیتاهاي مثل Required را خواند و مستقیم پیغامی به کنترل و ModelState پاس نداد، فکر می‌کنم کامل‌تر باشد.

نوبتند: وحید نصیری
تاریخ: ۱۶:۳۸ ۱۳۹۲/۰۳/۰۴

حالات کامل‌تر زمانی است که در سازنده کلاس ویژگی، این خطاهای رو دریافت کنید و به کاربر اجازه بدهید، پیغام‌های دلخواهی رو تنظیم کنید. چون Required فقط یک حالت است. حالت بعدی عدم تساوی مقدار ورودی با مقدار اصلی Captcha است که نیاز به پیغام دومی دارد.

نوبتند: پژمان پارسائی
تاریخ: ۸:۴۱ ۱۳۹۲/۰۳/۰۵

خواهش می‌کنم دوست عزیز. لطف دارید

موارد بیشتری که می‌توان به آن افزود:
استفاده از فونت‌ها به صورت اتفاقی برای نوشتتن متن تصویر امنیتی،
دادن رنگ‌ها به متن و پس زمینه به صورت اتفاقی به تصویر امنیتی،
معبر نبودن session نگهدارنده عدد تصویر امنیتی بعد از یک میزان مشخص،
و غیره

نوبتند: حسینی
تاریخ: ۱۹:۴ ۱۳۹۲/۰۳/۰۶

سلام و مرسى از آموزش خوب و کاربردیتون
اما یکی از گزینه‌های چک لیست برنامه‌های ASP.NET MVC که آقای نصیری فرمودند عدم استفاده از سشن در برنامه‌ها بود و
استفاده از کوکی‌های رمزنگاری شده پیشنهاد شده بود.

نوبتند: پژمان پارسائی
تاریخ: ۲۱:۲ ۱۳۹۲/۰۳/۰۶

سلام. ممنون از نظر شما
چک لیست رو مطالعه کردم و عملا هم استفاده کردم.
استفاده از سشن راحت‌تر هست و به همین دلیل اون رو انتخاب کردم. نسخه بعدی این تصویر امنیتی رو با استفاده از نظرات
همین مطلب ارائه می‌کنم.

نوبتند: پژمان پارسائی
تاریخ: ۶:۲۸ ۱۳۹۲/۰۳/۱۵

سلام

نسخه بعدی این تصویر امنیتی رو از لینک زیر دریافت نمائید:
MVCPersianCaptcha-2.zip

امکاناتی که اضافه کردم:

- استفاده از کوکی رمزنگاری شده جهت ذخیره کردن مقدار عدد معادل تصویر امنیتی
- اضافه کردن ویژگی ValidateCaptcha جهت تعیین اعتبار کوکی و مقداری که کاربر وارد کرده
- اضافه کردن نویزهای اتفاقی
- تعیین یک میزان 30 ثانیه ای (قابل تغییر است) جهت معتبر بودن مقدار ارسالی توسط کاربر
- ایجاد قابلیت تازه سازی (refresh) تصویر امنیتی
- تغییر کلید رمزنگاری و رمزگشایی اطلاعات به ازاء هر روز و غیره

نوبنده: پژمان پارسائی
تاریخ: ۲۲:۵۲ ۱۳۹۲/۰۳/۲۱

پوشه‌های bin، packages، obj و jz از نسخه‌های اول و دوم این تصویر امنیتی حذف شده اند تا حجم فایلهای مربوطه کمتر شوند. به همین دلیل، بعد از اجرای هر کدام از این برنامه‌ها خطای صادر می‌شود مبنی بر این که بسته ای به اسم Newtonsoft.Json در پروژه وجود ندارد. لطفا برای حل این مشکل به فایل Global.asax.cs مراجعه کنید و خط کد زیر را از آن حذف کنید: (این خط کد در این پروژه غیر ضروری است و نیازی به آن نیست)

```
WebApiConfig.Register(GlobalConfiguration.Configuration);
```

روش دیگر برای حل این نوع مشکلات، در مطلب [بازسازی کامل پوشه packages بسته‌های NuGet](#) به صورت خودکار بیان شده است.

نوبنده: بهمن خلفی
تاریخ: ۱۰:۳۴ ۱۳۹۲/۰۴/۱۱

با سلام و تشکر از همه دوستان
بنده در اولین استفاده یک تغییر داشتم که خواستم بقیه هم از آن استفاده کنند:

```
public ValidateCaptchaAttribute()
{
    ErrorWasHappened = "خطایی اتفاق افتاده است";
    CaptchaCodeIsRequired = "لطفا کد امنیتی را وارد کنید";
    CaptchaCodeIsIncorrect = "کد امنیتی را اشتباه وارد کرده اید";
    CookieMustEnabled = "باید ابتدا قابلیت کوکی‌ها را در مرورگر خود فعال کنید";
    ExpireTimeCaptchaCodeBySeconds = 60;
    ExpireTimeCaptchaCodeBySeconds.ToString());
    TimeIsExpired = string.Format("{0} ثانیه", ExpireTimeCaptchaCodeBySeconds);
    ExpireTimeCaptchaCodeBySeconds.ToString());
}
```

باز ممنون!

نوبنده: ایلیا اکبری فرد
تاریخ: ۲۱:۳۸ ۱۳۹۲/۰۴/۱۴

با سلام.
سپاس از مقاله خوبتون.
در کلاینت همه چی درست کار میکند ولی وقتی آنرا درون هاست واقعی publish میکنم، تصویر نمایش داده نمی‌شود و خطایی که توسط elmah لاغ می‌شود به صورت زیر است:

```
The system cannot find the file specified " source="mscorlib"
detail="System.Security.Cryptography.CryptographicException: The system cannot find the file specified."
```

با تشکر.

نوبسته: محسن خان
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۴/۱۴ ۲۳:۲

```
<system.web>
<trust level="Medium" originUrl=".*" />
```

شاید هاست شما مدیوم تراست هست. برای تست روی لوکال این تنظیم بالا رو به وب کانفیگ اضافه کنید تا خط را رو بتوانید لوکال دیباگ کنید.

نوبسته: ایلیا اکبری فرد
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۴/۱۴ ۲۳:۱۶

سپاس از پاسخ شما.
ولی با اضافه کردن آن ، همواره خطای زیر رخ می دهد:

```
The application attempted to perform an operation not allowed by the security policy. To grant this application the required permission please contact your system administrator or change the application's trust level in the configuration file
```

نوبسته: پژمان پارسائی
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۴/۱۵ ۶:۷

سلام، از نظر شما متشرکم

همون طور که آقای محسن خان گفت، احتمالا هاست شما medium trust هست. اما رو کامپیوتر خودتون full trust برنامه نویسی می کنید.

چون هویت کاربر هنوز مشخص نشده پیغامی مبنی بر این لاغ میشه که اسمبلی mscorlib وجود نداره. در واقع وجود داره ولی نه برای کاربر anonymous ! همچنین این به دلیل medium trust بودن هم میتونه باشه. برای حل این مشکل کارهای زیر رو انجام بدین:

(1) به فایل web.config بربین و کد زیر رو اضافه کنید:

```
<trust level="Full" originUrl=".*" />
```

(2) باید تغییری رو در متدهای الحاقی Encrypt و Decrypt بدین، که از این متدها برای رمزگاری و رمزگشایی محتوای کوکی تصویر امنیتی استفاده میشه. قبل از هر کدوم از این متدها flag زیر رو اضافه کنید:

```
[System.Security.Permissions.PermissionSet(System.Security.Permissions.SecurityAction.Assert,  
Unrestricted = true)]
```

همچنین، یک خط داخل بدنه هر کدوم از متدهای الحاقی Encrypt و Decrypt هست، منظورم این خط کد هست:

```
var cspp = new CspParameters { KeyContainerName = key };
```

که باید به خط کد زیر تبدیل بشه:

```
var cspp = new CspParameters { KeyContainerName = key, Flags = CspProviderFlags.UseMachineKeyStore };
```

نویسنده: ایلیا اکبری فرد
تاریخ: ۹:۷ ۱۳۹۲/۰۴/۱۵

بله کار کرد. متشرکم.

نویسنده: ایلیا اکبری فرد
تاریخ: ۱۸:۲۹ ۱۳۹۲/۰۴/۲۹

با سلام.

برای اولین بار که فرمی لود می‌شود همواره حتی با وارد کردن مقدار صحیح متن کپچا باز هم خطای نادرست بودن می‌دهد. ولی وقتی یکبار بر روی رفرش مربوط به کپچا کلیک می‌کنم تا کپچای جدیدی تولید کند، درست کار می‌کند؟

نویسنده: پژمان پارسائی
تاریخ: ۲۱:۵۱ ۱۳۹۲/۰۵/۰۱

سلام دوست عزیز
بابت تاخیر بوجود آمده در پاسخ دهی عذرخواهی می‌کنم.

من همین کپچا رو دارم استفاده می‌کنم و این مشکلو هم باهاش ندارم. یک حدسی که می‌زنم اینه که شاید کوکی بار اول درست مقداردهی نشه. لطفاً کل عملیات از تشکیل تصویر امنیتی، تا مقداری که درون کوکی قرار می‌گیره، و بعد رمزگزاری می‌شه، تا مقداری که درون کوکی مرورگر ذخیره می‌شه (برای مشاهده کوکی‌های مرورگر از [این روش](#) می‌توانید استفاده کنید). سپس ببینید بعد از پست شدن فرم حاوی کپچا به سرور مقداری که از درون کوکی خونده می‌شه و می‌خواهد decrypt بشه با مقداری که از اول ذخیره شده یکسان باشه.

امیدوارم مشکلتون حل شه دوست عزیز.

نویسنده: کوروش ت
تاریخ: ۱۰:۳ ۱۳۹۲/۰۹/۲۸

باسلام، این مطلب خیلی کاربردی و خوب بود، فقط نکته ای که در فرم Register پیش فرض MVC وجود داره، اینکه این View به کنترلر Account وصله که هنگامی که CaptchaImageResult را درون آن قرار می‌دهیم، در فرم Register اجرا نمی‌شود. می‌خواستم راهنمایی کنید که در این فرم چگونه باید عمل کنم. مرسی!

نویسنده: محسن خان
تاریخ: ۱۰:۹ ۱۳۹۲/۰۹/۲۸

ویژگی AllowAnonymous را بالای آن قرار دهید. همچنین Url.Action دو پارامتر نام کنترلر و نام اکشن متده را دریافت می‌کند (برای استفاده از آن در سایر View‌هایی که در کنترلر جاری نیستند).

نویسنده: کوروش ت
تاریخ: ۹:۱۳ ۱۳۹۲/۱۰/۱۵

نحوه ایجاد یک تصویر امنیتی (Captcha) با حروف فارسی در ASP.Net MVC

با تشکر از راهنمایی شما، این مورد به خوبی در حالت localhost کار می‌کند و تغییر تصویر نیز به خوبی عمل می‌کند. هنگامی که سایت را Publish می‌کنم، تصاویر نمایش داده نمی‌شود. ممنون می‌شم راهنمایی کنید.

نویسنده: محسن خان
تاریخ: ۹:۵۷ ۱۳۹۲/۱۰/۱۵

برای دیباگ کردن این مساله در سمت سرور بهتر است از [ELMAH](#) استفاده کنید. لاغ آن را بررسی کنید شاید جایی در پشت صحنه خطایی صادر می‌شود.

نویسنده: کوروش ت
تاریخ: ۱۰:۲۷ ۱۳۹۲/۱۰/۱۵

با سلام، Elmah Log رو چک کردم، مشکل دسترسی داشت که در قسمت Web.config تگ Trust رو اضافه کردم و فعلًا ظاهر شد.
اضافه کردن trust مشکل امنیتی ایجاد نمی‌کنه؟

نویسنده: محسن خان
تاریخ: ۱۰:۳۶ ۱۳۹۲/۱۰/۱۵

کدوم قسمتش مشکل دسترسی داشت؟ چه خطایی گرفتید دقیقاً؟ چه trust ای رو اضافه کردید؟ (در هاستی که بتونید level رو تغییر بدید، یعنی عملاً از لحاظ امنیتی درست تنظیم نشده و مداخل رو قفل نکرد)

نویسنده: کوروش ت
تاریخ: ۱۰:۴۸ ۱۳۹۲/۱۰/۱۵

پیغام:

The system cannot find the file specified " source=" mscorelib "

کد تراست

```
< trust level = "Medium" originUrl = ".*" />
```

نویسنده: محسن خان
تاریخ: ۱۱:۳۷ ۱۳۹۲/۱۰/۱۵

عجیبه که کار کرده. [جون با حالت medium مشکل دارد](#).

نویسنده: کوروش ت
تاریخ: ۱۳:۰ ۱۳۹۲/۱۰/۱۵

هنوز کامل باهاش سر و کله نزدم، ولی یک ثبت نام کردم دیدم داره درست کار می‌کنه. پس خطری نداره این کد.

نویسنده: محسن خان
تاریخ: ۱۴:۵۶ ۱۳۹۲/۱۰/۱۵

عجیب است trust level یعنی کد شما مثلاً نتونه دایرکتوری فونت ویندوز رو روی سرور لیست کنه یا نتونه به کلیدهای رمزنگاری سطح ماشین دسترسی پیدا کنه. از این دید باید به آن نگاه کرد نه از دید کد خطرناک. این پروژه که سورس باز هست و می‌توانید کدهای آن را بررسی کنید.

نویسنده: کوروش ت
تاریخ: ۱۵:۲۶ ۱۳۹۲/۱۰/۱۵

نحوه ایجاد یک تصویر امنیتی (Captcha) با حروف فارسی در ASP.Net MVC

منظور من این نبود، منظورم خطری برای سایر API ها بود که دادن تراست لول خطری برای ای پی آی های دیگه نداشته باشه. در مورد این کد هیچ چیز مبهمن وجود نداره و هم توضیحات خوب داده شده بود و هم از متدهای رادرست و قابل فهم استفاده شده بود. از راهنمایی های شما هم بسیار ممنونم.

نوبتندۀ: ایلیا
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۰/۱۵ ۱۶:۲۰

با سلام.

من از این کپچا در یک سرور استفاده کردم، بر روی پورت 80 هیچ خطای نمیگیرم و تصویر امنیتی بدرستی نمایش داده می شود ولی روی پورت 8080 تصویر کپچا لود نمیشود و خطای زیر را در کنسول کروم لاغ میکند:

```
System.Security.Cryptography.CryptographicException: Object already exists
```

```
Resource interpreted as Image but transferred with MIME type text/html:  
"http://site:8080/Error/Index?aspxerrorpath=/Shared/CaptchaImage"
```

با تشکر.

نوبتندۀ: محسن خان
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۰/۱۵ ۱۷:۴۲

اگر به سرور دسترسی دارید [این دستور](#) را اجرا کنید:

```
aspnet_regiis -pa "SampleKeys" "NT AUTHORITY\NETWORK SERVICE"
```

نوبتندۀ: محسن
تاریخ: ۱۳۹۳/۰۱/۰۷ ۵:۳۵

من در یک پروژه می خواستم از این Captcha استفاده کنم. زمانی که صفحه اصلی لود میشه Captcha درست نمایش داده میشه ولی زمانی که کاربر از سایت SignOut می کنه دیگه محتوای Captcha نمایش داده نمی شود و اصلاً کنترولر CaptchaImage فرآخوانی نمی شود ممنون میشم راهنمایی کنید

نوبتندۀ: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۳/۰۱/۰۷ ۱۱:۴۶

اگر فرآخوانی نمی شود، یعنی کش شده. برای رفع این مشکل، ویژگی زیر را بر روی اکشن متد CaptchaImage قرار دهید:

```
[OutputCache(Location = OutputCacheLocation.None, NoStore = true)]
```

برای بررسی دقیق‌تر از [افزونه‌ی فایرباگ](#) استفاده کنید.

نوبتندۀ: فواد عبداللهی
تاریخ: ۱۳۹۳/۰۵/۱۰ ۱۱:۴۸

سلام

میدونم پست نسبتا قدیمی!

ولی من یه مورد پیدا کردم و اونم اینه که در صورتی که captcha رو درست بزنی و بردید به صفحه جدید (مثلا بعد لاگین برید به صفحه مدیر) دوباره back بزنی همون مقدار رو می بینید و متسافانه دوباره کار هم میکنه.
کش رو هم غیر فعال کردم ولی تاثیری نداشت!

اگر راه حلی دارد ممنون میشم در میان بگذارید.

نویسنده: محسن خان
تاریخ: ۱۳۹۳/۰۵/۱۰ ۱۲:۷

نکته‌ی [غیرفعال کردن کش مرورگر در MVC](#) رو تست کردید؟

نویسنده: فواد عبداللهی
تاریخ: ۱۳۹۳/۰۵/۱۰ ۱۲:۱۲

بله جواب نداد!

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۳/۰۵/۱۰ ۱۳:۲۴

1- فایل [نگارش دوم](#) CaptchaImageResult.cs را باز کنید.
- در انتهای آن تغییر زیر را اعمال کنید:

```
// در فایل CaptchaImageResult.cs
HttpResponseBase response = context.HttpContext.Response;
response.ContentType = "image/jpeg";
context.HttpContext.DisableBrowserCache(); // این سطر جدید است
bitmap.Save(response.OutputStream, ImageFormat.Jpeg);
```

متدهای [DisableBrowserCache](#) در مطلب [غیرفعال کردن کش مرورگر در MVC](#) ارائه شده.

2- امضای متدهای [Index](#) در [Home](#) کنترلر نیاز به [NoBrowserCache](#) دارد (کل صفحه‌ی لایگین کش نشود):

```
public class HomeController : Controller
{
    [NoBrowserCache]
    public ActionResult Index()
```

3- امضای متدهای [CaptchaImage](#) در [Home](#) کنترلر به نحو زیر تغییر دهید (آدرس خاص تصویر نمایش داده شده، کش نشود):

```
[NoBrowserCache]
[OutputCache(Location = OutputCacheLocation.None, NoStore = true, Duration = 0, VaryByParam = "None")]
public CaptchaImageResult CaptchaImage(string rndDate)
```

سپس در محل استفاده در [View](#) به صورت زیر باید استفاده شود:

```

```

نویسنده: افشار محبی
تاریخ: ۱۳۹۳/۰۶/۲۵ ۱۰:۸

من هم همین مشکل را داشتم. قبل از این که توضیحات اینجا را ببینم، [msdn](#) را دیده بودم:

<http://social.msdn.microsoft.com/Forums/vstudio/en-US/7ea48fd0-8d6b-43ed-b272-1a0249ae490f/systemsecuritycryptographycryptographicexception-the-system-cannot-find-the-file-specified?forum=clr>

روشی که آنجا گفته بود باید [application pool](#) را از [classic](#) می‌بردی و از [integrated](#) برای [network service](#) برای [identity](#) گفت.

استفاده می‌کردی. هر چند که این روش هم جواب داد ولی روش توضیح داده اینجا، یعنی اصلاح کد خیلی بهتر است.
البته در مورد من نیاز به اضافه کردن trust level web.config به

نویسنده: افشار محبی
تاریخ: ۱۳۹۳/۰۶/۲۵ ۱۰:۱۰

کد خیلی مفید و خوبی است. کاش آن را در github یا codeplex هم قرار می‌دادید تا همه به روز رسانی‌ها و pull request احتمالی از همانجا انجام می‌شد. در هر صورت بابت این کد مفید تشکر می‌کنم.

نویسنده: محسن دربرستی
تاریخ: ۱۳۹۳/۰۹/۰۱ ۱۴:۴۵

یک مورد دیگه که باعث بروز این مشکل می‌شده افزونه فایرباگ هست. علتش رو نمی‌دونم اما در زمان فعلی بودن فایرباگ دوبار درخواست برای تصویر امنیتی ارسال و مقدار درون کوکی با تصویری که می‌بینید متفاوت می‌شده.
در حالی که در زمان خاموش بودن فایرباگ این مشکل وجود نداره.

نویسنده: امیر نوروزیان
تاریخ: ۱۳۹۳/۱۰/۲۱ ۹:۱۴

سلام؛ من از این روش استفاده می‌کنم. هر از چند وقت گیر میده که خطایی اتفاق افتاده؛ تریس می‌کنم، این خط را رو نشون میده:
{"Error occurred while decoding OAEP padding."}

نویسنده: صابر فتح الهی
تاریخ: ۱۳۹۳/۱۱/۰۴ ۶:۱۸

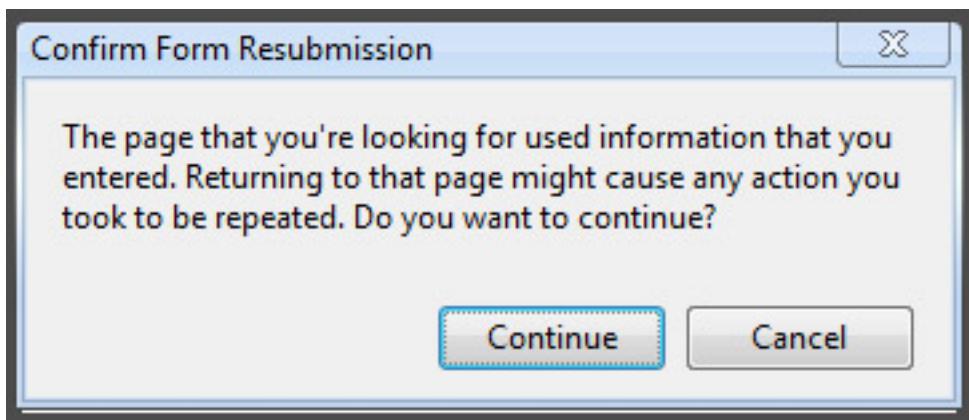
سلام

من تمامی مراحل طی کردم اما متصفحه روی سرور با اینکه فول تراست هست [همین خط](#) دریافت می‌کنم

نویسنده: پژمان پارسائی
تاریخ: ۱۳۹۳/۱۱/۰۷ ۹:۳۵

با سلام خدمت کلیه دوستان و همکاران گرامی
از اینکه نمی‌تونم جواب نظرات رو بدم عذرخواهی می‌کنم. (به دلیل خدمت سربازی (دی)
بنا به پیشنهاد جناب نصیری و دیگر دوستانی [ک مخزن کد Github](#) برای این تصویر امنیتی درست کردم. اصلاح باگ‌های برطرف شده اون هم تا اینجا طبق نظرات همین مطلب اعمال شدن. هر کی می‌خواهد تو این پروژه [مشارکت داشته باشه PR بفرسته](#).

تا حالا با این پنجره حتماً مواجه شدید:



دارید اطلاعات یک فرم داخل صفحه رو به سمت سرور میفرستید و پس از اتمام عملیات، صفحه دوباره نمایش داده میشه. در این حالت اگه دکمه F5 یا دکمه Refresh مرور گر رو بزنید، با این پنجره مواجه میشید که میگه دارید اطلاعات قبلی رو دوباره به سمت سرور میفرستید. بعضی وقت‌ها کاربران به هر دلیل دوباره صفحه رو Refresh میکنند و با این پنجره روبرو میشن بدون اینکه بدون جریان از چه قراره، دوباره اطلاعات رو به سمت سرور میفرستن و این کار باعث ثبت اطلاعات تکراری میشه. برای جلوگیری از این کار الگویی به نام [Post/Redirect/Get](#) هست که راه حلی رو برای اینکار پیشنهاد میده.

راه حل به این صورت هست که پس از پست شدن فرم به سمت سرور و انجام عملیات، بجای اینکه صفحه، دوباره با استفاده از متده کاربر نشون داده بشه، کاربر `Redirect` بشه به صفحه. برای توضیح این مسئله به سراغ `AccountController` که بصورت پیش فرض وقتی یک پروژه ASP.NET MVC رو از نوع Internet ایجاد میکنید، وجود داره.

اکشن `Register` از نوع GET صفحه ثبت نام کاربر رو نمایش میده.

```
[HttpGet]
[AllowAnonymous]
public ActionResult Register()
{
    return View();
}
```

پس از اینکه کاربر اطلاعات داخل فرم رو پر کرد و به سمت سرور فرستاد و صحت اطلاعات فرستاده معتبر و عمل ثبت موفقیت آمیز بود برای ادامه کار به دو روش میتوان عمل کرد:

۱- کاربر به صفحه دیگری منتقل بشه و در اون صفحه پیام موفقیت آمیز بودن عملیات نشون داده بشه. مثلاً معمولاً پس از انجام عمل ثبت نام، کاربر به صفحه شخصی یا صفحه اصلی سایت منتقل میشه و یا در موقع ویرایش اطلاعات پیش از انجام عمل ویرایش کاربر به صفحه دیگری که لیستی از آیتمها که کاربر یکی از آنها را ویرایش کرده باز گردانده میشه.

```
[HttpPost]
[AllowAnonymous]
[ValidateAntiForgeryToken]
public ActionResult Register(RegisterModel model)
{
    if (ModelState.IsValid)
```

```

{
    // Attempt to register the user
    try
    {
        WebSecurity.CreateUserAndAccount(model.UserName, model.Password);
        WebSecurity.Login(model.UserName, model.Password);
        ViewBag.Message = "Successfully Registered!";

        // PRG has been maintained
        return RedirectToAction("Index", "Home");
    }
    catch (MembershipCreateUserException e)
    {
        ModelState.AddModelError("", ErrorCodeToString(e.StatusCode));
    }
}
// If we got this far, something failed, redisplay form
return View(model);
}

```

۲- نمایش دوباره صفحه ولی با تغییر هدر صفحه به کد 303 . کد 303 به مرور اعلام میکنند صفحه ریدایرکت شده است

```

[HttpPost]
[AllowAnonymous]
[ValidateAntiForgeryToken]
public ActionResult Register(RegisterModel model)
{
    if (ModelState.IsValid)
    {
        // Attempt to register the user
        try
        {
            WebSecurity.CreateUserAndAccount(model.UserName, model.Password);
            WebSecurity.Login(model.UserName, model.Password);
            ViewBag.Message = "Successfully Registered!";

            // PRG has been maintained
            return RedirectToAction("Register");
        }
        catch (MembershipCreateUserException e)
        {
            ModelState.AddModelError("", ErrorCodeToString(e.StatusCode));
        }
    }
    // If we got this far, something failed, redisplay form
    return View(model);
}

```

در این حالت دوباره صفحه ثبت نام نمایش داده میشود ولی با زدن دکمه رفرش، اطلاعات دوباره به سمت سرور فرستاده نمیشود

نظرات خوانندگان

نویسنده: محمد رضا ابراهیم راد
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۳/۰۷ ۱۲:۲

با تشکر از مطلبی که نوشتید ولی من تو این کدها که ۳۰۳ نمی‌بینم.

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۳/۰۷ ۱۳:۳۲

البته روش توضیح داده شده همان روش متداول PRG است. اگر حتماً نیاز به ۳۰۳ دارید به روش زیر باید عمل کرد:

```
using System.Web.Mvc;
namespace TestMvcPRG.Helper
{
    public class Redirect303 : ActionResult
    {
        private string _url;
        public Redirect303(string url)
        {
            _url = url;
        }
        public override void ExecuteResult(ControllerContext context)
        {
            context.HttpContext.Response.StatusCode = 303; // redirect using GET
            context.HttpContext.Response.RedirectLocation = _url;
        }
    }
    public abstract class BaseController : Controller
    {
        public Redirect303 Redirect303(string actionName)
        {
            return new Redirect303(Url.Action(actionName));
        }
        public Redirect303 Redirect303(string actionName, object routeValues)
        {
            return new Redirect303(Url.Action(actionName, routeValues));
        }
        public Redirect303 Redirect303(string actionName, string controllerName)
        {
            return new Redirect303(Url.Action(actionName, controllerName));
        }
        public Redirect303 Redirect303(string actionName, string controllerName, object routeValues)
        {
            return new Redirect303(Url.Action(actionName, controllerName, routeValues));
        }
    }
}
```

و بعد برای استفاده:

```
using System.Web.Mvc;
using TestMvcPRG.Helper;

namespace TestMvcPRG.Controllers
{
    public class HomeController : BaseController
    {
        [HttpGet]
        public ActionResult Index()
        {
            return View();
        }
    }
}
```

```
[HttpPost]
public ActionResult Index(string data)
{
    if (ModelState.IsValid)
    {
        return RedirectToAction("Index"); // post-redirect-get
    }
    return View();
}
```

اگر در حال تهیه یک سایت چند زبانه هستید و همچنین سری مقالات [ASP.NET MVC در Globalization](#) را دنبال کرده باشید میدانید که با تغییر Culture فایلهای Resource مورد نظر بارگذاری و نوشهای سایت تغییر میابند ولی با تغییر Culture رفتار اعتبارسنجی در سمت سرور نیز تغییر و اعتبارسنجی بر اساس Culture فعلی سایت انجام میگیرد. بررسی این موضوع را با یک مثال شروع میکنیم.

یک پروژه وب بسازید سپس به پوشه Models یک کلاس با نام ValueModel اضافه کنید. تعریف کلاس به شکل زیر است:

```
public class ValueModel
{
    [Required]
    [Display(Name = "Decimal Value")]
    public decimal DecimalValue { get; set; }

    [Required]
    [Display(Name = "Double Value")]
    public double DoubleValue { get; set; }

    [Required]
    [Display(Name = "Integer Value")]
    public int IntegerValue { get; set; }

    [Required]
    [Display(Name = "Date Value")]
    public DateTime DateValue { get; set; }
}
```

به سراغ کلاس HomeController بروید و کدهای زیر را اضافه کنید:

```
[HttpPost]
public ActionResult Index(ValueModel valueModel)
{
    if (ModelState.IsValid)
    {
        return Redirect("Index");
    }

    return View(valueModel);
}
```

را به Culture fa-IR تغییر میدهیم، برای اینکار در فایل web.config در بخش system.web کد زیر اضافه نمایید:

```
<globalization culture="fa-IR" uiCulture="fa-IR" />
```

و در نهایت به سراغ فایل Index.cshtml بروید کدهای زیر را اضافه کنید:

```
@using (Html.BeginForm())
{
    <ol>
        <li>
            @Html.LabelFor(m => m.DecimalValue)
            @Html.TextBoxFor(m => m.DecimalValue)
            @Html.ValidationMessageFor(m => m.DecimalValue)
        </li>
    </ol>
}
```

```

<li>
    @Html.LabelFor(m => m.DoubleValue)
    @Html.TextBoxFor(m => m.DoubleValue)
    @Html.ValidationMessageFor(m => m.DoubleValue)
</li>
<li>
    @Html.LabelFor(m => m.IntegerValue)
    @Html.TextBoxFor(m => m.IntegerValue)
    @Html.ValidationMessageFor(m => m.IntegerValue)
</li>
<li>
    @Html.LabelFor(m => m.DateValue)
    @Html.TextBoxFor(m => m.DateValue)
    @Html.ValidationMessageFor(m => m.DateValue)
</li>
<li>
    <input type="submit" value="Submit"/>
</li>
</ol>
}

```

پرژه را اجرا نمایید و در ۲ تکست باکس اول ۲ عدد اعشاری را و در ۲ تکست باکس آخر یک عدد صحیح و یک تاریخ وارد نمایید و سپس دکمه Submit را بزنید. پس از بازگشت صفحه از سمت سرور در در ۲ تکست باکس اول با این پیامها روبرو میشوید که مقادیر وارد شده نامعتبر میباشند.

Decimal Value

1.3 The value '1.3' is not valid for Decimal Value.

Double Value

1.4 The value '1.4' is not valid for Double Value.

Integer Value

11

Date Value

1392/03/07

Submit

اگر پروژه رو در حالت دیباگ اجرا کنیم و نگاهی به داخل ModelState بیاندازیم، میبینیم که کاراکتر جدا کننده قسمت اعشاری برای '/' میباشد که در اینجا برای اعداد مورد نظر کاراکتر '!' وارد شده است.

```
[HttpPost]
public ActionResult Index(ValueModel valueModel)
{
    if (ModelState.IsValid)
    {
        return RedirectToAction("Index");
    }
    return View(valueModel);
}

public ActionResult Contact()
{
    ViewBag.Message = "Your contact page.";
    return View();
}

public ActionResult Contact()
{
    ViewBag.Message = "Your contact page.";
    return View();
}

Value
(JqueryGlobalize.Controllers)
(JqueryGlobalize.Models.)
```

The screenshot shows the Visual Studio debugger's watch window. It displays the `ModelState` object, which contains a single entry for the `valueModel` key. This entry is of type `System.Web.Mvc.ValueProviderResult` and has an `AttemptedValue` of "13". The `Culture` property is set to "fa-IR", representing Persian culture. The `NumberFormat` property is expanded, showing various settings: `CurrencyDecimalDigits` is 2, `CurrencyDecimalSeparator` is "/", and `CurrencyGroupSeparator` is ",". Other properties like `CurrencyGroupSizes` and `CurrencySymbol` are also listed.

برای فایق شدن بر این مشکل یا باید سمت سرور اقدام کرد یا در سمت کلاینت. در بخش اول راه حل سمت کلاینت را بررسی مینماییم.

در سمت کلاینت برای اینکه کاربر را مجبور به وارد کردن کاراکترهای مربوط به Culture فعلی سایت نماییم باید مقادیر وارد شده را اعتبارسنجی و در صورت معتبر نبودن مقادیر پیام مناسب نشان داده شود. برای اینکار از کتابخانه jQuery Globalize استفاده میکنیم. برای اضافه کردن Globalize از طریق کنسول nuget فرمان زیر اجرا نمایید:

```
PM> Install-Package jquery-globalize
```

پس از نصب کتابخانه اگر به پوشه Scripts نگاهی بیاندازید میبینید که پوشای با نام jquery.globalize اضافه شده است. در داخل پوشه زیر پوشی دیگری با نام cultures وجود دارد که در آن Culture های مختلف وجود دارد و بسته به نیاز میتوان از آنها استفاده کرد. دوباره به سراغ فایل Index.cshtml بروید و فایلهای جوا اسکریپتی زیر را به صفحه اضافه کنید:

```
<script src="~/Scripts/jquery.validate.js"> </script>
<script src="~/Scripts/jquery.validate.unobtrusive.js"> </script>
<script src="~/Scripts/jquery.globalize/globalize.js"> </script>
<script src="~/Scripts/jquery.globalize/cultures/globalize.culture.fa-IR.js"> </script>
```

در فایل js کاراکتر جدا کننده اعشاری ! در نظر گرفته شده است که مجبور به تغییر آن هستیم. برای اینکار فایل را باز کرده و آن را به شکل زیر تغییر دهید:

```
numberFormat: {
    pattern: ["n-"],
    ".": "/",
    currency: {
        pattern: ["$n-", "$ n"],
        ".": "/",
        symbol: "ريال"
    }
},
```

و در نهایت کدهای زیر را به فایل Index.cshtml اضافه کنید و برنامه را دوباره اجرا نمایید :

```
Globalize.culture('fa-IR');
$.validator.methods.number = function(value, element) {
    if (value.indexOf('.') > 0) {
        return false;
    }
    var splitedValue = value.split('/');
    if (splitedValue.length === 1) {
        return isNaN(Globalize.parseInt(value));
    } else if (splitedValue.length === 2 && $.trim(splitedValue[1]).length === 0) {
        return false;
    }
    return !isNaN(Globalize.parseFloat(value));
};
```

در خط اول Culture را ست مینمایم و در ادامه نحوه اعتبارسنجی را در validation تغییر میدهیم . از آنجایی که برای اعتبارسنجی عدد وارد شده از تابع parseFloat استفاده میشود، کاراکتر جدا کننده قسمت اعشاری قابل قبول برای این تابع ! است پس در داخل تابع دوباره '/' به ! تبدیل میشود و سپس اعتبارسنجی انجام میشود از اینرو اگر کاربر ! را نیز وارد نماید قابل قبول است به همین دلیل با این خط کد 0 > ('!'.value.indexOf('.') > 0) (if (value.indexOf('.') > 0)) وجود نقطه را بررسی میکنیم تا در صورت وجود ! پیغام خطا نشان داده شود. در خط بعدی بررسی مینماییم که اگر عدد وارد شده اعشاری نباشد از تابع parseInt استفاده نماییم. در خط بعدی این حالت را بررسی مینماییم که اگر کاربر عددی همچون ۱۲/ وارد کرد پیغام خطأ صادر شود.

برای اعتبارسنجی تاریخ شمسی متأسفانه توابع کمکی برای تبدیل تاریخ در فایل `globalize.culture.fa-IR.js` وجود ندارد ولی اگر نگاهی به فایلهای `Culture` عربی بیاندازید همه دارای توابع کمکی برای تبدیل تاریخ هجری به میلادی هستند به همین دلیل امکان اعتبارسنجی تاریخ شمسی با استفاده از `jQuery Globalize` میسر نمیباشد. من خودم تعدادی توابع کمکی را به `globalize.culture.fa-IR.js` اضافه کردم که از تقویم فارسی آقای علی فرهادی برداشت شده است و با آنها کار اعتبارسنجی را انجام میدهیم. لازم به ذکر است این روش ۱۰۰٪ تست نشده است و شاید راه کاملاً اصولی نباشد ولی به هر حال در اینجا توضیح میدهم. در فایل `js Gregorian_Localized` قسمت `globalize.culture.fa-IR.js` را پیدا کنید و آن را با کدهای زیر جایگزین کنید:

```
Gregorian_Localized: {
    firstDay: 6,
    days: {
        names: ["سه شنبه", "جمعه", "پنجشنبه", "چهارشنبه", "دوشنبه", "یکشنبه"],
        namesAbbr: ["شنبه", "جمعه", "پنجشنبه", "چهارشنبه", "دوشنبه", "یکشنبه"],
        namesShort: ["ش", "ج", "پ", "چ", "س", "د"]
    },
    months: {
        names: ["ژانویه", "فوریه", "مارس", "آوریل", "مای", "ژوئن", "ژوئیه", "اوت", "سپتامبر", "اکتبر", "نوامبر", "دسامبر"],
        namesAbbr: ["ژانویه", "فوریه", "مارس", "آوریل", "مای", "ژوئن", "ژوئیه", "اوت", "سپتامبر", "اکتبر", "نوامبر", "دسامبر"]
    },
    AM: ["قبل از ظهر", "ب.ظ"],
    PM: ["بعد از ظهر", "ب.ظ"],
    patterns: {
        d: "yyyy/MM/dd",
        D: "yyyy/MM/dd",
        t: "hh:mm tt",
        T: "hh:mm:ss tt",
        f: "yyyy/MM/dd hh:mm tt",
        F: "yyyy/MM/dd hh:mm:ss tt",
        M: "dd MMMM"
    },
    JalaliDate: {
        g_days_in_month: [31, 28, 31, 30, 31, 30, 31, 31, 30, 31, 30, 31],
        j_days_in_month: [31, 31, 31, 31, 31, 30, 30, 30, 30, 30, 29]
    },
    gregorianToJalali: function (gY, gM, gD) {
        gY = parseInt(gY);
        gM = parseInt(gM);
        gD = parseInt(gD);
        var gy = gY - 1600;
        var gm = gM - 1;
        var gd = gD - 1;

        var gDayNo = 365 * gy + parseInt((gy + 3) / 4) - parseInt((gy + 99) / 100) + parseInt((gy + 399) / 400);

        for (var i = 0; i < gm; ++i)
            gDayNo += Globalize.culture().calendars.Gregorian_Localized.JalaliDate.g_days_in_month[i];
        if (gm > 1 && ((gy % 4 == 0 && gy % 100 != 0) || (gy % 400 == 0)))
            /* leap and after Feb */
            ++gDayNo;
        gDayNo += gd;

        var jDayNo = gDayNo - 79;

        var jNp = parseInt(jDayNo / 12053);
        jDayNo %= 12053;

        var jy = 979 + 33 * jNp + 4 * parseInt(jDayNo / 1461);

        jDayNo %= 1461;

        if (jDayNo >= 366) {
            jy += parseInt((jDayNo - 1) / 365);
            jDayNo = (jDayNo - 1) % 365;
        }

        for (var i = 0; i < 11 && jDayNo >=
Globalize.culture().calendars.Gregorian_Localized.JalaliDate.j_days_in_month[i]; ++i) {
            jDayNo -= Globalize.culture().calendars.Gregorian_Localized.JalaliDate.j_days_in_month[i];
        }
        var jm = i + 1;
        var jd = jDayNo + 1;

        return [jy, jm, jd];
    },
    jalaliToGregorian: function (jY, jM, jD) {

```

```

jY = parseInt(jY);
jM = parseInt(jM);
jD = parseInt(jD);
var jy = jY - 979;
var jm = jM - 1;
var jd = jD - 1;

var jDayNo = 365 * jy + parseInt(jy / 33) * 8 + parseInt((jy % 33 + 3) / 4);
for (var i = 0; i < jm; ++i) jDayNo += Globalize.culture().calendars.Gregorian_Localized.JalaliDate.j_days_in_month[i];

jDayNo += jd;

var gDayNo = jDayNo + 79;

var gy = 1600 + 400 * parseInt(gDayNo / 146097); /* 146097 = 365*400 + 400/4 - 400/100 +
400/400 */
gDayNo = gDayNo % 146097;

var leap = true;
if (gDayNo >= 36525) /* 36525 = 365*100 + 100/4 */ {
    gDayNo--;
    gy += 100 * parseInt(gDayNo / 36524); /* 36524 = 365*100 + 100/4 - 100/100 */
    gDayNo = gDayNo % 36524;

    if (gDayNo >= 365)
        gDayNo++;
    else
        leap = false;
}

gy += 4 * parseInt(gDayNo / 1461); /* 1461 = 365*4 + 4/4 */
gDayNo %= 1461;

if (gDayNo >= 366) {
    leap = false;

    gDayNo--;
    gy += parseInt(gDayNo / 365);
    gDayNo = gDayNo % 365;
}

for (var i = 0; gDayNo >=
Globalize.culture().calendars.Gregorian_Localized.JalaliDate.g_days_in_month[i] + (i == 1 && leap) ;
i++)
    gDayNo -= Globalize.culture().calendars.Gregorian_Localized.JalaliDate.g_days_in_month[i] +
(i == 1 && leap);
    var gm = i + 1;
    var gd = gDayNo + 1;

    return [gy, gm, gd];
},
checkDate: function (jY, jM, jD) {
    return !(jY < 0 || jY > 32767 || jM < 1 || jM > 12 || jD < 1 || jD >
        (Globalize.culture().calendars.Gregorian_Localized.JalaliDate.j_days_in_month[jM - 1] + (jM
== 12 && !((jY - 979) % 33 % 4))));
},
convert: function (value, format) {
    var day, month, year;

    var formatParts = format.split('/');
    var dateParts = value.split('/');
    if (formatParts.length !== 3 || dateParts.length !== 3) {
        return false;
    }

    for (var j = 0; j < formatParts.length; j++) {
        var currentFormat = formatParts[j];
        var currentDate = dateParts[j];
        switch (currentFormat) {
            case 'dd':
                if (currentDate.length === 2 || currentDate.length === 1) {
                    day = currentDate;
                } else {
                    year = currentDate;
                }
                break;
            case 'MM':
                month = currentDate;
                break;
            case 'yyyy':

```

```
        if (currentDate.length === 4) {
            year = currentDate;
        } else {
            day = currentDate;
        }
        break;
    default:
        return false;
    }
}

year = parseInt(year);
month = parseInt(month);
day = parseInt(day);
var isValidDate = Globalize.culture().calendars.Gregorian_Localized.checkDate(year, month,
day);
if (!isValidDate) {
    return false;
}

var grDate = Globalize.culture().calendars.Gregorian_Localized.jalaliToGregorian(year, month,
day);
var shDate = Globalize.culture().calendars.Gregorian_Localized.gregorianToJalali(grDate[0],
grDate[1], grDate[2]);

if (year === shDate[0] && month === shDate[1] && day === shDate[2]) {
    return true;
}

return false;
},
```

روال کار در تابع convert به اینصورت است که ابتدا تاریخ وارد شده را بررسی مینماید تا معتبر بودن آن معلوم شود به عنوان مثال اگر تاریخی مثل 1392/12/31 وارد شده باشد و در ادامه برای بررسی بیشتر تاریخ یک بار به میلادی و تاریخ میلادی دوباره به شمیسی تبدیل میشود و با تاریخ وارد شده مقایسه میشود و در صورت برابری تاریخ معتبر اعلام میشود. در فایل Index.cshtml کدهای زیر اضافی نمایید:

```
$.validator.methods.date = function (value, element) {
    return Globalize.culture().calendars.Gregorian_Localized.convert(value, 'yyyy/MM/dd');
};
```

برای اعتبارسنجی تاریخ میتوانید از ۲ فرمت استفاده کنید:

yyyy/MM/dd - \

dd/MM/yyyy - ८

بایه از توابع اعتبارسنجی تاریخ میتوانید به صورت جدا استفاده نمایید و لزومی ندارد آنها را همراه با GlobalizeQuery بکار ببرید. در آخر خروجی کار به این شکل است:

Decimal Value

1/3

Double Value

1.3 The field Double Value must be a number.

Integer Value

11/ The field Integer Value must be a number.

Date Value

1392/12/30 The field Date Value must be a date.

Submit

در کل استفاده از `jQuery Globalize` برای اعتبارسنجی در سایتهاي چند زبانه به نسبت خوب میباشد و برای هر زبان میتوانید از `culture` مورد نظر استفاده نمایید. در قسمت دوم این مطلب به بررسی بخش سمت سرور میپردازیم.

همان طور که قبل اشاره کردیم، این پلاگین می‌تواند از یک زبان برنامه نویسی سمت سرور داده‌های مورد نیاز خودش را دریافت کند. می‌توانید داده‌ها را با استفاده از JSON از سرور دریافت کرده و با استفاده از DataTables آنها را در جدول تزریق کنید. در این قسمت سعی خواهیم کرد تا با استفاده از jQuery DataTables یک گرید را در MVC ایجاد کنیم. البته برای حذف جزئیات داده‌ها به جای این که از یک بانک اطلاعاتی دریافت شوند، در حافظه ساخته می‌شوند. در هر صورت اساس کار یکی است.

قصد داریم تا مانند مثال قسمت قبل، مجموعه‌ای از اطلاعات مربوط به مرورگرهای مختلف را در یک جدول نشان دهیم، اما این بار منبع داده ما فرق می‌کند. منبع داده از طرف سرور فراهم می‌شود. هر مرورگر - همان طور که در قسمت قبل مشاهده نمودید - شامل اطلاعات زیر خواهد بود:

موتور رندرگیری (Engine)

نام مرورگر (Name)

پلتفرم (Platform)

نسخه موتور (Version)

نمره سی اس اس (Grade)

به همین دلیل در سمت سرور، کلاسی خواهیم ساخت که نمایانگر یک مرورگر باشد. بدین صورت:

```
public class Browser
{
    public int Id { get; set; }
    public string Engine { get; set; }
    public string Name { get; set; }
    public string Platform { get; set; }
    public float Version { get; set; }
    public string Grade { get; set; }
}
```

استفاده از روش server side processing برای دریافت داده‌ها از سرور

این روش، یکی از امکانات jQuery DataTables است که با استفاده از آن، کلاینت تنها یک مصرف کننده صرف خواهد بود و وظیفه پردازش اطلاعات - یعنی تعداد رکوردهایی که برگشت داده می‌شود، صفحه بندي، مرتب سازی، جستجو، و غیره - به عهده سرور خواهد بود.

برای به کار گیری این روش، اولین کار این است که ویژگی true bServerSide را کنیم، مثلاً بدین صورت:

```
var $table = $('#browsers-grid');
$table.dataTable({
    "bServerSide": true,
    "sAjaxSource": "/Home/GetBrowsers"
});
```

همچنین ویژگی `sAjaxSource` را به `url` که باید داده‌ها از آن دریافت شوند مقداردهی می‌کنیم.

به صورت پیش فرض مقدار ویژگی `bServerSide` است؛ که یعنی منبع داده این پلاگین از سمت سرور خوانده نشود. اگر `true` باشد منبع داده و خیلی اطلاعات دیگر مربوط به داده‌های درون جدول باید از سرور به مرورگر کاربر پس فرستاده شوند. با کردن مقدار `true` اطلاعاتی `DataTables`، آنگاه `bServerSide` اطلاعاتی را راجع به شماره صفحه جاری، اندازه هر صفحه، شروط فیلتر کردن داده‌ها، مرتب سازی ستون‌ها، و غیره را به سرور می‌فرستد. همچنین انتظار می‌رود تا سرور در پاسخ به این درخواست، داده‌های مناسبی را به فرمت JSON به مرورگر پس بفرستد. در حالتی که `bServerSide` مقدار `true` به خود بگیرد، پلاگین فقط رابطه متقابل بین کاربر و سرور را مدیریت می‌کند و هیچ پردازشی را انجام نمی‌دهد.

در این درخواست XHR یا Ajax می‌باشد که به سرور ارسال می‌شوند این‌ها هستند:

`iDisplayStart` عدد صحیح
 نقطه شروع مجموعه داده جاری

`iDisplayLength` عدد صحیح
تعداد رکوردهایی که جدول می‌تواند نمایش دهد. تعداد رکوردهایی که از طرف سرور برگشت داده می‌شود باید با این عدد یکسان باشند.

`iColumns` عدد صحیح
تعداد ستونهایی که باید نمایش داده شوند.

`sSearch` رشته
فیلد جستجوی عمومی

`bRegex` بولین
اگر `true` باشد معنی آن این است که می‌توان از عبارات باقاعدۀ برای جستجوی عبارتی خاص در کل ستون‌های جدول استفاده کرد. مثلاً در کادر جستجو نوشته:

`^[1-5]$`

که یعنی 1 و 5 همه عده‌های بین 1 و 5.

`bSearchable_(int)` بولین
نمایش می‌دهد که یک ستون در طرف کاربر قابلیت `searchable` آن `true` هست یا نه.

`sSearch_(int)` رشته
فیلتر مخصوص هر ستون. اگر از ویژگی `multi column filtering` پلاگین استفاده شود به صورت `, sSearch0, sSearch1, ...` به طرف سرور ارسال می‌شوند. شماره انتهای هر کدام از پارامترها بیانگر شماره ستون جدول است.

`bRegex_(int)` بولین
اگر `true` باشد، بیان می‌کند که می‌توان از عبارت باقاعدۀ در ستون شماره `int` جهت جستجو استفاده کرد.

`bSortable_(int)` بولین

مشخص می‌کند که آیا یک ستون در سمت کلاینت، قابلیت مرتب شدن بر اساس آن وجود دارد یا نه. (در اینجا int اندیس ستون را مشخص می‌کند)

iSortingCols عدد صحیح

تعداد ستون‌هایی که باید مرتب سازی بر اساس آنها صورت پذیرد. در صورتی که از امکان multi column sorting استفاده کنید این مقدار می‌تواند بیش از یکی باشد.

iSortCol_(int) عدد صحیح

شماره ستونی که باید بر اساس آن عملیات مرتب سازی صورت پذیرد.

sSortDir_(int) رشته

نحوه مرتب سازی؛ شامل صعودی (asc) یا نزولی (desc).

mDataProp_(int) رشته

اسم ستون‌های درون جدول را مشخص می‌کند.

sEcho رشته

اطلاعاتی که از آن برای رندر کردن جدول استفاده می‌کند.

شكل زیر نشان می‌دهد که چه پارامترهایی به سرور ارسال می‌شوند.

Parameters	application/x-www-form-urlencoded
bRegex	false
bRegex_0	false
bRegex_1	false
bRegex_2	false
bRegex_3	false
bRegex_4	false
bSearchable_0	true
bSearchable_1	true
bSearchable_2	true
bSearchable_3	true
bSearchable_4	true
bSortable_0	true
bSortable_1	true
bSortable_2	true
bSortable_3	true
bSortable_4	true
iColumns	5
iDisplayLength	25
iDisplayStart	0
iSortCol_0	1
iSortingCols	1
mDataProp_0	Engine
mDataProp_1	Name
mDataProp_2	Platform
mDataProp_3	Version
mDataProp_4	Grade
sColumns	
sEcho	2
sSearch	
sSearch_0	
sSearch_1	
sSearch_2	
sSearch_3	
sSearch_4	
sSortDir_0	desc

شکل ب) پارامترهای ارسالی به سرور به صورت json

بعضی از این پارامترها بسته به تعداد ستون‌ها قابل تغییر هستند. (آن پارامترهایی که آخرشان یک عدد هست که نشان دهنده شماره ستون مورد نظر می‌باشد)

در پاسخ به هر درخواست XHR که datatables به سرور می‌فرستد، انتظار دارد تا سرور نیز یک شیء json را با فرمات مخصوص که شامل پارامترهای زیر می‌شود به او پس بفرستد:

iTotalRecords عدد صحیح

تعداد کل رکوردها (قبل از عملیات جستجو) یا به عبارت دیگر تعداد کل رکوردهای درون آن جدول از دیتابیس که داده‌ها باید از آن دریافت شوند. تعداد کل رکوردهایی که در طرف سرور وجود دارند. این مقدار فقط برای نمایش به کاربر برگشت داده می‌شود و نیز از آن برای صفحه بندی هم استفاده می‌شود.

iTotalDisplayRecords عدد صحیح

تعداد کل رکوردها (بعد از عملیات جستجو) یا به عبارت دیگر تعداد کل رکوردهایی که بعد از عملیات جستجو پیدا می‌شوند نه فقط آن تعداد رکوردی که به کاربر پس فرستاده می‌شوند. تعداد کل رکوردهایی که با شرط جستجو مطابقت دارند. اگر کاربر چیزی را جستجو نکرده باشد مقدار این پارامتر با پارامتر *iTotalRecords* یکسان خواهد بود.

sEcho عدد صحیح

یک عدد صحیح است که در قالب رشته در تعامل بین سرور و کلاینت جا به جا می‌شود. این مقدار به ازاء هر درخواست تغییر می‌کند. همان مقداری که مرورگر به سرور می‌دهد را سرور هم باید به مرورگر تحويل بدهد. برای جلوگیری از حملات XSS باید آن را تبدیل به عدد صحیح کرد. پلاگین DataTables مقدار این پارامتر را برای هماهنگ کردن و منطبق کردن درخواست ارسال شده و جواب این درخواست استفاده می‌کند. همان مقداری که مرورگر به سرور می‌دهد را باید سرور تحويل به مرورگر بدهد.

sColumns رشته

اسم ستون‌ها که با استفاده از کاما از هم جدا شده اند. استفاده از آن اختیاری است و البته منسوخ هم شده است و در نسخه‌های جدید jQuery DataTables *jz* از آن پشتیبانی نمی‌شود.

aaData آرایه

همان طور که قبل این گفتیم، مقادیر سلول هایی را که باید در جدول نشان داده شوند را در خود نگهداری می‌کند. یعنی در واقع داده‌های جدول در آن ریخته می‌شوند. هر وقت که DataTables داده‌های مورد نیازش را دریافت می‌کند، سلول‌های جدول *html* مربوطه اش را از روی آرایه *aaData* ایجاد می‌کند. تعداد ستون‌ها در این آرایه دو بعدی، باید با تعداد ستون‌های جدول *html* مربوطه به آن یکسان باشد

شکل زیر پارامترها دریافتنی از سرور را نشان می‌دهند:

پلاگین DataTables کتابخانه jQuery - قسمت چهارم

The screenshot shows a browser's developer tools Network tab. It lists several requests and their corresponding responses. The requests include GET and POST requests to 'localhost:2080' for files like 'Content/dataTables.persian.txt', 'Home/GetBrowsers', and 'Home/GetBrowsers'. The responses are primarily JSON objects, with one response showing a large array of browser engine data. The JSON data includes fields such as 'sEcho', 'iTotalDisplayRecords', 'aaData', and various browser details like name, platform, version, and grade.

```

{
    "sEcho": "2",
    "iTotalDisplayRecords": 17,
    "aaData": [
        {"Id": 15, "Engine": "Gecko", "Name": "Netscape Navigator 9", "Platform": "Win 98+ / OSX.2+", "Version": "1.8", "Grade": "A"}, {"Id": 14, "Engine": "Gecko", "Name": "Netscape Browser 8", "Platform": "Win 98SE+", "Version": "1.7", "Grade": "A"}, {"Id": 13, "Engine": "Gecko", "Name": "Netscape 7.2", "Platform": "Win 95+ / Mac OS 8.6-9.2", "Version": "1.7", "Grade": "A"}, {"Id": 17, "Engine": "Gecko", "Name": "Mozilla 1.1", "Platform": "Win 95+ / OSX.1+", "Version": "1.1", "Grade": "A"}, {"Id": 16, "Engine": "Gecko", "Name": "Mozilla 1.0", "Platform": "Win 95+ / OSX.1+", "Version": "1", "Grade": "A"}, {"Id": 5, "Engine": "Trident", "Name": "Internet Explorer 7", "Platform": "Win XP SP2+", "Version": "7", "Grade": "A"}, {"Id": 4, "Engine": "Trident", "Name": "Internet Explorer 6", "Platform": "Win98+", "Version": "6", "Grade": "A"}, {"Id": 3, "Engine": "Trident", "Name": "Internet Explorer 5.5", "Platform": "Win95+", "Version": "5.5", "Grade": "A"}, {"Id": 2, "Engine": "Trident", "Name": "Internet Explorer 5.0", "Platform": "Win95+", "Version": "5", "Grade": "C"}, {"Id": 1, "Engine": "Trident", "Name": "Internet Explorer 4.0", "Platform": "Win95+", "Version": "4", "Grade": "X"}, {"Id": 10, "Engine": "Gecko", "Name": "Firefox 3", "Platform": "Win 2k+ / OSX.3+", "Version": "1.9", "Grade": "A"}, {"Id": 9, "Engine": "Gecko", "Name": "Firefox 2", "Platform": "Win 98+ / OSX.2+", "Version": "1.8", "Grade": "A"}, {"Id": 8, "Engine": "Gecko", "Name": "Netscape Navigator 0", "Platform": "Win 98+ / OSX.2", "Version": "1.8", "Grade": "A"}
    ]
}
  
```

شکل ب) پارامترهای دریافتی از سرور به صورت json

استفاده از روش server side processing mvc

همان طور که گفتیم، کلاینت به سرور یک سری پارامترها را ارسال می‌کند و آن پارامترها را هم شرح دادیم. برای دریافت این پارامترها طرف سرور، احتیاج به یک مدل هست. این مدل به صورت زیر پیاده سازی خواهد شد:

```

/// <summary>
/// Class that encapsulates most common parameters sent by DataTables plugin
/// </summary>
public class jQueryDataTableParamModel
{
    /// <summary>
    /// Request sequence number sent by DataTable,
    /// same value must be returned in response
    /// </summary>
    public string sEcho { get; set; }

    /// <summary>
    /// Text used for filtering
    /// </summary>
    public string sSearch { get; set; }

    /// <summary>
    /// Number of records that should be shown in table
    /// </summary>
    public int iDisplayLength { get; set; }

    /// <summary>
    /// First record that should be shown(used for paging)
    /// </summary>
    public int iDisplayStart { get; set; }

    /// <summary>
    /// Number of columns in table
    /// </summary>
    public int iColumns { get; set; }

    /// <summary>
    /// Number of columns that are used in sorting
    /// </summary>
    public int iSortingCols { get; set; }

    /// <summary>
    /// Comma separated list of column names
    /// </summary>
    public string sColumns { get; set; }
}
  
```

مدل بایندر mvc وظیفه مقداردهی به خصوصیات درون این کلاس را بر عهده دارد، بقیه پارامترهایی که به سرور ارسال می‌شوند و در این کلاس نیامده اند، از طریق شیء Request در دسترس خواهند بود.

اکشن متدهی که مدل بالا را دریافت می‌کند، می‌تواند به صورت زیر پیاده سازی شود. این اکشن متده وظیفه پاسخ دادن به درخواست DataTables بر اساس پارامترهای ارسال شده در مدل DataTablesParam را دارد. خروجی این اکشن متده شامل پارامترهای مورد نیاز پلاگین DataTables برای تشکیل جدول است که آنها را هم شرح دادیم.

```
public JsonResult GetBrowsers(jQueryDataTableParamModel param)
{
    IQueryable<Browser> allBrowsers = new Browsers().CreateInMemoryDataSource().AsQueryable();
    IEnumerable<Browser> filteredBrowsers;

    // Apply Filtering
    if (!string.IsNullOrEmpty(param.sSearch))
    {
        filteredBrowsers = new Browsers().CreateInMemoryDataSource()
            .Where(x => x.Engine.Contains(param.sSearch)
                || x.Grade.Contains(param.sSearch)
                || x.Name.Contains(param.sSearch)
                || x.Platform.Contains(param.sSearch))
            .ToList();
        float f;
        if (float.TryParse(param.sSearch, out f))
        {
            filteredBrowsers = filteredBrowsers.Where(x => x.Version.Equals(f));
        }
    }
    else
    {
        filteredBrowsers = allBrowsers;
    }

    // Apply Sorting
    var sortColumnIndex = Convert.ToInt32(Request["iSortCol_0"]);
    Func<Browser, string> orderingFunction = (x => sortColumnIndex == 0 ? x.Engine :
        sortColumnIndex == 1 ? x.Name :
        sortColumnIndex == 2 ? x.Platform :
        sortColumnIndex == 3 ? x.Version.ToString()
        :
        sortColumnIndex == 4 ? x.Grade :
        x.Name);

    var sortDirection = Request["sSortDir_0"]; // asc or desc
    filteredBrowsers = sortDirection == "asc" ? filteredBrowsers.OrderBy(orderingFunction) :
    filteredBrowsers.OrderByDescending(orderingFunction);

    // Apply Paging
    var enumerable = filteredBrowsers.ToArray();
    IEnumerable<Browser> displayedBrowsers = enumerable.Skip(param.iDisplayStart).
        Take(param.iDisplayLength).ToList();

    return Json(new
    {
        sEcho = param.sEcho,
        iTotalRecords = allBrowsers.Count(),
        iTotalDisplayRecords = enumerable.Count(),
        aaData = displayedBrowsers
    }, JsonRequestBehavior.AllowGet);
}
```

: GetBrowsers تشریح اکشن متده

این اکشن متده از مدل jQueryDataTableParamModel به عنوان پارامتر ورودی خود استفاده می‌کند. این مدل همان طور هم که گفتیم، شامل یک سری خصوصیت است که توسط پلاگین DataTables به مقداردهی می‌شوند و همچنین مدل بایندر mvc وظیفه باینده کردن این مقادیر به خصوصیات درون این کلاس را بر عهده خواهد داشت. درون بدنه اکشن متده GetBrowsers داده‌ها بعد از اعمال عملیات فیلترینگ، مرتب سازی، و صفحه بندی به فرمت مناسبی درآمده و به طرف مرورگر فرستاده خواهند شد.

برای پیاده سازی کدهای طرف کلاینت نیز، درون یک View کدهای زیر قرار خواهند گرفت:

```
$(function () {
    var $table = $('#browsers-grid');
    $table.dataTable({
        "bProcessing": true,
        "bStateSave": true,
        "bServerSide": true,
        "bFilter": true,
        "sDom": 'T<"clear">lftipr',
        "aLengthMenu": [[5, 10, 25, 50, -1], [5, 10, 25, 50, "All"]],
        "bAutoWidth": false,
        "sAjaxSource": "/Home/GetBrowsers",
        "fnServerData": function (sSource, aoData, fnCallback) {
            $.ajax({
                "dataType": 'json',
                "type": "POST",
                "url": sSource,
                "data": aoData,
                "success": fnCallback
            });
        },
        "aoColumns": [
            { "mDataProp": "Engine" },
            { "mDataProp": "Name" },
            { "mDataProp": "Platform" },
            { "mDataProp": "Version" },
            { "mDataProp": "Grade" }
        ],
        "oLanguage": {
            "sUrl": "/Content/dataTables.persian.txt"
        }
    });
});
```

تشریح کدها:

: fnServerData

این متده در واقع نحوه تعامل سرور و کلاینت را با استفاده از درخواستهای XHR مشخص خواهد کرد.

: oLanguage

برای فعال سازی زبان فارسی، فیلد های مورد نیاز ترجمه شده و در یک فایل متنی قرار داده شده اند. کافی است آدرس این فایل متنی به ویژگی oLanguage اختصاص داده شوند.

مثال این قسمت را از لینک زیر دریافت کنید:

[DataTablesTutorial04.zip](#)

لازم به ذکر است پوشه obj, bin, و packages جهت کاهش حجم این مثال از solution حذف شده اند. برای اجرای این مثال از اینجا کمک بگیرید.

مطالعه بیشتر

برای مطالعه بیشتر در مورد این پلاگین و نیز پیاده سازی آن در MVC می توانید به لینک زیر نیز مراجعه بفرمایید که بعضی از قسمتهای این مطلب هم از مقاله زیر استفاده کرده است:

[jQuery DataTables and ASP.NET MVC Integration - Part I](#)

نظرات خوانندگان

نویسنده: Sorosh
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۱/۱۱ ۸:۴۹

با سلام و تشکر. می‌خواهم یک ستون را در جدول اضافه کنم که به ازای صفحه، ردیف جلو بره یعنی از ۱ نشید دوباره و یکی هم اضافه کردن یک Attr خاص و جدید به هر سطر در جدول مثل ProjectCode که اون هم داخلش Id اون سطر در دیتا بیس هستش. ممنونم اگه کمک کنید کد کارم رو هم می‌دهم. البته من در WebForm کار کردم.

```
var $table = $('#browsers-grid');
$table.DataTable({
    "bJQueryUI": true,
    "bProcessing": true,
    "bSortClasses": false,
    "bServerSide": true,
    "bFilter": true,
    "sPaginationType": "full_numbers",
    "sScrollY": 400,
    "sScrollX": "100%",
    "sScrollXInner": "110%",
    "bLengthChange": false,
    "iDisplayLength": 20,
    "aLengthMenu": [[5, 10, 25, 50, -1], [5, 10, 25, 50, "All"]], 
    "bAutoWidth": false,
    "sAjaxSource": "Commands.aspx?cmd=all",
    "fnServerData": function (sSource, aoData, fnCallback) {
        $.ajax({
            "dataType": 'json',
            "type": "POST",
            "url": sSource,
            "data": aoData,
            "success": fnCallback
        });
    },
    "aoColumns": [
        {
            "mDataProp": "Code"
        },
        {
            "mDataProp": "Caption"
        },
        {
            "mDataProp": "Comment"
        }
    ],
    "oLanguage": {
        "sUrl": "dataTables.persian.txt"
    }
});
```

نویسنده: پژمان پارسائی
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۱/۱۱ ۹:۴۷

سلام، خواهش می‌کنم. می‌توانید در سمت سرور بعد از واکنشی اطلاعات از دیتابیس اونو داخل یک منبع داده درون حافظه ای بریزید و هر تعداد ستون که لازم دارید به اون منبع داده جدید اضافه کنید. و با مقدارهای مناسبی هر مدخل از اون منبع داده رو پر کنید. مثلاً فرضاً اگه جدول دیتابیس شما دارای سه ستون Comment و Caption و Code هست کلاس جدیدی بسازید که این سه تا ستون رو داره (به عنوان پروپرتی) و پروپرتی‌های دلخواه دیگه ای هم داره. مثلاً پروپرتی RowNumber . بعد لیستی از داده‌ها رو که از دیتابیس واکنشی کردید داخل لیستی از ViewModel ساخته شده بریزید و خصوصیت RowNumber هر ViewModel رو مقداردهی مناسبی کنید.

نویسنده: Sorosh
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۱/۱۱ ۱۱:۶

متشرکم از پاسخ شما . البته اگه می‌شد نمونه‌ای ایجاد کنید خیلی بهتر بود که باز هم ممنونم. اما فقط برای بحث خصوصیت هر

سطر چی؟ می‌دونید اگه بخواهیم به هر سطر یک Attr جدید بدهیم چطوری باید اونو به TR نسبت بدهیم. مثلاً من می‌خواهم به ازای هر سطر `<tr ProjectCode='12'></tr>` داشته باشم.

نویسنده: Sorosh
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۱/۱۱ ۱۳:۱

با سلام مجدد؛ بالآخره پیدا شد. برای ایجاد خصوصیت جدید به ازاء هر سطر و گرفتن مقدار از `aoData` بصورت زیر است .
`Attr - StudentCode` کردن

```
fnRowCallback": function (nRow, aData, iDisplayIndex){  
    var StudentCode= aData["Code"];  
    $(nRow).attr("StudentCode",StudentCode);  
    return nRow;  
}
```

با تشکر از شما

نویسنده: sorosh
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۱/۱۲ ۱۳:۳۱

با سلام؛ من می‌خوام با قراردادن یک دکمه روی فرم به نام بهروز رسانی، خاصیت اطلاعات داخل کوکی که با متده `bStateSave` کار می‌کنه از بین بره و جدول دوباره از نو رفرش بشه و حالت‌های جستجو و مرتب سازی قبلی از بین بره. متشرکم

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۴:۲ ۱۳۹۲/۱۱/۱۲

- راه حل رسمی برای حذف کوکی [ندارد](#). فقط [مدت زمان آن](#) قابل تنظیم است.
- به مطلب «[کوکی در جاوا اسکریپت](#)» در مورد حذف کوکی در همان سمت کلاینت مراجعه کنید. نام کوکی‌ها را هم با استفاده از افزونه [Cookies manager](#) می‌توانید مشاهده کنید.

نویسنده: رویا حیدری
تاریخ: ۱۶:۳۱ ۱۳۹۳/۱۰/۱۶

با سلام و تشکر فراوان. من می‌خواستم یک ستون با عنوان عملیات به جدول اضافه کنم که به صورت منو باشه و عملیات مختلف مثل ویرایش و حذف و تغیرات دیگه را از اون منو انتخاب و انجام بدم. برای اینکار باید چه کاری انجام بدم؟ و اینکه آیا برای اضافه کردن امکان ویرایش باید `DataTable` Editable استفاده کنم یا می‌شه تو همین نوع ساده هم امکان ویرایش را اضافه کرد؟ ([نمی‌خوام انجام بدم](#)) ممنون می‌شم اگه راهنمایی کنید.

نویسنده: رویا حیدری
تاریخ: ۱۵:۰ ۱۳۹۳/۱۰/۱۷

در این [صفحه](#) تا حدودی به جوابم رسیدم.

با میتوانیم لینک‌های متن دار را ایجاد نماییم. شاید گاهی پیش آید که بجای لینک‌های متنی، از تصویر بجای لینک بخواهید استفاده نمایید. می‌توان هر زمانی، لینکی را که حاوی یک تصویر باشد، ایجاد کنید. اما با Asp.net MVC یکی از راه‌های مناسب برای انجام این کار استفاده از Extension methods است که از تکرار کد نویسی نیز جلو گیری می‌نماید. همان‌طور که در کد زیر مشاهد می‌نمایید، این کد تشکیل شده است از نوشته لینک و نام اکشن متد و نام کنترلر آن، همراه با آی دی و تعریف CSS. کاری که قرار است صورت گیرد همانند `ActionLink` می‌باشد، با این تفاوت که تصویری هم به لینک ما اضافه خواهد شد:

```
@Html.ActionLink("Text to display", "ActionNameHere", "ControllerNameHere", new { id = 123 },  
new {@class="myClass"})
```

برای نوشتن این متد جهت تولید لینک‌هایی به همراه تصویر، از کدهای زیر استفاده می‌کیم:

```
public MvcHtmlString ActionImage(this HtmlHelper htmlHelper,  
    string controller,  
    string action,  
    object routeValues,  
    string imagePath,  
    string alternateText = "",  
    object htmlAttributes = null)  
{  
    var anchorBuilder = new TagBuilder("a");  
    var url = new UrlHelper(HtmlHelper.ViewContext.RequestContext);  
    anchorBuilder.MergeAttribute("href", url.Action(action, controller, routeValues));  
    var imgBuilder = new TagBuilder("img");  
    imgBuilder.MergeAttribute("src", url.Content(imagePath));  
    imgBuilder.MergeAttribute("alt", alternateText);  
    var attributes = (IDictionary<string, object>)HtmlHelper.AnonymousObjectToHtmlAttributes(htmlAttributes);  
    imgBuilder.MergeAttributes(attributes);  
    string imgHtml = imgBuilder.ToString(TagRenderMode.SelfClosing);  
    anchorBuilder.InnerHtml = imgHtml;  
    return MvcHtmlString.Create(anchorBuilder.ToString());  
}
```

اولین پارامتر اجازه گسترش `HtmlHelper` را می‌دهد و توسط آن می‌توان متدهای جدید خود را با کلمه کلیدی `@` `Html` شروع کنید. ۴ پارامتر بعدی، پارامترهای ضروری هستند. یکی `controller`، پس از آن `routeValues` و سپس آدرس تصویر است. در نهایت، ما می‌توانیم در صورت نیاز متن جایگزین و ویژگی‌های اضافی متنی را نیز مشخص نماییم. در رابطه با توضیحات مربوط به بدنه متد: ابتدا لینک‌ها را ایجاد خواهد کرد با استفاده از `RequestContext` و `UrlHelper`. سپس بخش ساخت تصویر و اضافه کردن آن به لینک است. برای استفاده از میتوان از کد زیر استفاده نمود:

```
@Html.ActionImage("Workout", "Delete", new { id = @workout.Id }, "/images/bluetrash.png", "Delete", new  
{ id="deletebutton" })
```

The screenshot shows a browser window with the URL `localhost:63103/Workout`. Below the browser is a developer tools element inspector. The main content area displays a table with two rows:

Name	StartTime	Actions
My First workout user1	2013-03-03	
My Second workout user1	2013-03-13	

The footer of the page says `© 2012 - 2013 - Workout Planner`. In the developer tools, the 'Elements' tab is selected, showing the generated HTML code for the table. A blue arrow points to the `` link in the third row's Actions column. The code is as follows:

```
<table>
  <thead>...
  <tbody>
    <tr>
      <td>...
      <td>2013-03-03</td>
      <td>
        <a href="/WorkoutSession/1/GetForWorkout?workoutId=1">...</a>
        <a href="/Workout/EditWithSessionEdit?idWorkout=1">...</a>
        <a href="/Workout/Delete/1">
          
        </a>
      </td>
    </tr>
    <tr>...
  </tbody>
</table>
```

در شکل بالا خروجی HTML تولید شده را مشاهد می‌نمایید.

نظرات خوانندگان

نویسنده: Hamid NCH | تاریخ: ۱۰:۱ ۱۳۹۲/۰۵/۲۵

سلام و ممنون از مطلب ارسالی خیلی مفیدتون. از این خط خطا گرفته میشه:

```
var url = new UrlHelper(HtmlHelper.ViewContext.RequestContext);
```

و خطای گرفته شده:

Error 1 An object reference is required for the non-static field, method, or property
"System.Web.Mvc.HtmlHelper.ViewContext.get"

نویسنده: Hamid NCH | تاریخ: ۱۰:۶ ۱۳۹۲/۰۵/۲۵

با عرض معذر特. مشکل از کد خودم بود و در این کد:

```
var url = new UrlHelper(htmlHelper.ViewContext.RequestContext);
```

htmlHelper را به صورت HtmlHelper نوشته بودم و اصلا متوجه این بخش نبودم. ممنون

نویسنده: داود | تاریخ: ۱۴:۱۸ ۱۳۹۲/۱۰/۰۷

سلام

مرسی از مطالب مفیدتون. میشه راهنمایی کنید که چطوری توی یه پروژه MVC از این کد باید استفاده کرد؟

نویسنده: محسن خان | تاریخ: ۱۹:۳۶ ۱۳۹۲/۱۰/۰۷

یک کلاس استاتیک جدید درست کنید. بعد متدهای Razor رو بهش اضافه کنید. حالا در کدهای ActionImage مطابق توضیحی که دادند Html.ActionImage قابل استفاده میشود. اگر لازم بود فضام نام کلاس را هم ابتدای فایل View اضافه کنید.

نویسنده: داود | تاریخ: ۹:۲۹ ۱۳۹۲/۱۰/۰۸

```
Compiler Error Message: CS0103: The name 'workout' does not exist in the current context
@using ActionImage.Extensions;
@Html.ActionImage("Workout", "Delete", new { id = @workout.Id }, "/images/bluetrash.png", "Delete", new
{ id="deletebutton"})
```

نویسنده: محسن خان | تاریخ: ۹:۵۱ ۱۳۹۲/۱۰/۰۸

بهای اون id هرجی دوست داشتی بنویس. احتمالا یک حلقه بوده که workout یکی از اشیاء اون هست. مهم نیست. جزو کار نیست.

نویسنده: رشوند | تاریخ: ۱۸:۴۷ ۱۳۹۳/۰۴/۲۹

سپاس، بسیار مفید بود.

البته در کد آقا مهرداد هم به صورت H نوشته شده که لطفاً اصلاح بفرمایید...

نویسنده: رشوند

تاریخ: ۱۳۹۳/۰۵/۱۱ ۱۶:۳۰

یه سوال برام پیش اومد
فرض کنیم کاربری لاجین کرده رولش هم مثلاً خبرنگاره،
در پروفایلش لیست خبر هایی که ثبت کرده را می بینه با توجه به مثالی که شما هم زدید، اگر مثلاً عدد "1" لینک ویرایش (یا حذف) که نشانگر id است رو به صورت دستی (تغییر کد html و ...) تغییر بده، می تونه به خبر دیگه ای دسترسی داشته باشه ؟
خبری که ثبت کنندش خودش نیست بتبع هم اجازه ویرایش و حذف ان را نباید داشته باشه...
راه حل چیست؟ آیا باید قبل از نشان دادن صفحه ویرایش یا قبل از عمل حذف ثبت کننده خبر هم چک بشه (که فردی که این خبر رو ثبت نکرده دسترسی به ان نداشته باشه)؟
لطفاً راهنمایی بفرمایید.
سپاس.

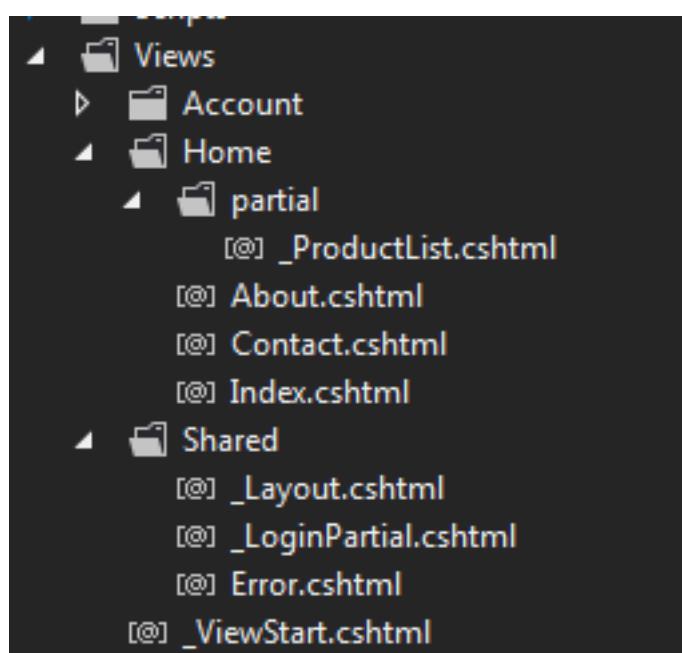
نویسنده: وحید نصیری

تاریخ: ۱۳۹۳/۰۵/۱۱ ۱۸:۳۵

- وجود [anti forgery token](#) جهت مقابله با جعل صفحه و درخواست است.
- امکان [رمزگاری خودکار فیلد های مخفی](#) وجود دارد.
- بررسی های سمت سرور هم جای خودشان را دارند و لازم هستند.

مزیت استفاده از PartialViewها، مازولار کردن برنامه است. برای مثال اگر صفحه جاری شما قرار است از چهار قسمت اخبار، منوی پویا، سخن روز و آمار کاربران تشکیل شود، می‌توان هر کدام را توسط یک PartialView بیاده سازی کرد و سپس صفحه اصلی را از کنار هم قرار دادن این PartialViewها تهیه نمود. ([منبع](#)).

در این پست قصد دارم به نحوه بارگزاری یک PartialView با استفاده از ASP.NET MVC بپردازم. ابتدا یک پروژه جدید ایجاد کنید. حال می‌خواهیم زمانیکه صفحه اصلی سایت بارگزاری می‌شود، لیست تمام محصولات را نمایش دهد. برای نمایش محصولات یک PartialView جدید را ایجاد می‌کنیم؛ همانند شکل ذیل:



حال برای ساده کردن مثال، متن ثابتی را درون این PartialView می‌نویسیم:

```
product List Partial
```

در ادامه قصد داریم که در Index View را بارگزاری کنیم. برای این کار از متدهای ajax مربوط به کتابخانه jQuery به صورت زیر استفاده می‌کنیم:

```
$(function () {
    $.ajax({
        // مشخص کردن اکشنی که باید فراخوانی شود
        url: '/Home/Details',
        contentType: 'application/html; charset=utf-8',
        type: 'GET',
        // نوع نتیجه بازگشتنی
        dataType: 'html'
    })
    .success(function (result) {
        // زمانی که کدهای سمت سرور بدون خطأ اجرا شده اند
        // این قسمت فراخوانی می‌شود و نتیجه اکشن درون متغیر
        // result
        // قرار می‌گیرد
        $('#sectionContents').html(result);
    })
});
```

بارگزاری PartialView با استفاده از jQuery در زمان اجرا

```
})
.error(function (xhr, status) {
    alert(xhr.responseText);
});
```

و پس از آن محلی را که قرار است PartialView در آن بارگزاری شود، ایجاد می‌کنیم:

```
<div id="sectionContents"></div>
```

حال فقط باید اکشن مورد نظر را در HomeController پیاده سازی کنیم:

```
public ActionResult Details()
{
    return PartialView("partial/_ProductList");
}
```

با استفاده از این کد مشخص کردیم که این اکشن، یک PartialView را با نام _ProductList برگشت می‌دهد. البته در یک مثال واقعی باید لیست محصولات را هم به این PartialView پاس دهیم.
نتیجه اجرا به صورت زیر است:

The screenshot shows a web browser displaying a custom ASP.NET MVC application. The header includes a placeholder for 'your logo here', navigation links for 'Home', 'About', and 'Contact', and user account links for 'Register' and 'Log in'. The main content area has a blue header with the text 'Home Page. Modify this template to jump-start your ASP.NET MVC application.' Below this, there's a paragraph about learning more via the official site and forums, followed by a section titled 'We suggest the following:' with three numbered items: 1. Getting Started, 2. Add NuGet packages and jump-start your coding, and 3. Find Web Hosting. At the bottom of the page, there's a footer note about the copyright year and a page number.

your logo here

Register Log in

Home About Contact

Home Page. Modify this template to jump-start your ASP.NET MVC application.

To learn more about ASP.NET MVC visit <http://asp.net/mvc>. The page features [videos, tutorials, and samples](#) to help you get the most from ASP.NET MVC. If you have any questions about ASP.NET MVC visit [our forums](#).

We suggest the following:

- 1 Getting Started**
ASP.NET MVC gives you a powerful, patterns-based way to build dynamic websites that enables a clean separation of concerns and that gives you full control over markup for enjoyable, agile development. ASP.NET MVC includes many features that enable fast, TDD-friendly development for creating sophisticated applications that use the latest web standards. [Learn more...](#)
- 2 Add NuGet packages and jump-start your coding**
NuGet makes it easy to install and update free libraries and tools. [Learn more...](#)
- 3 Find Web Hosting**
You can easily find a web hosting company that offers the right mix of features and price for your applications. [Learn more...](#)

product List Partial

© 2013 - My ASP.NET MVC Application

نظرات خوانندگان

نویسنده: محسن خان
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۵/۲۲ ۱۹:۵۹

مطلوب تکمیلی که از همین روش استفاده می‌کنند:

[به روز رسانی غیرهمزان قسمتی از صفحه به کمک jQuery](#) در [ASP.NET MVC](#)

[بیاده سازی دکمه «بیشتر» یا «اسکرول نامحدود» به کمک jQuery](#) در [ASP.NET MVC](#)

[آشنایی با تکنیک‌های Ajax در ASP.NET MVC](#)

نویسنده: محسن خان
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۵/۲۳ ۰:۲۸

یک سؤال: «بارگزاری» درست هست یا «[بارگزاری مطابق مطلبی که در ویکی‌پدیا نوشته](#) باید از «بارگیری» استفاده کرد!

نویسنده: imo0
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۶/۰۷ ۱۰:۶

یک سوال. من یک پارشال ویو دارم که خودش نیاز دارد به یه سری کدهای جاوا اسکریپت و استایل . من پارشال ویو هارو با اجکس لود میکنم . چطوری اون فایل‌های استایل و غیرشم لود کنم ؟ `@RenderSection` جواب نمیده. چون اصلاً صفحه ریفرش نمیشه.

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۶/۰۷ ۱۱:۸

- راه اول: زمانیکه View اصلی در برگیرنده آن نمایش داده می‌شود، کلیه فایل‌های متناظر را هم الحق کنید تا به صورت خودکار در جزئی از صفحه آن، که بعداً به روز خواهد شد، نیز اعمال شود.

- راه دوم: اصلاً از RenderSection در یک partial view که قرار است Ajax ایی بارگزاری شود، استفاده نکنید. معمولی این‌ها را الصاق یا تعریف کنید. مثل تعاریف یک HTML ساده. [یک نفر هم اینجا](#) برash HtmlHelper نوشته ولی نکته اصلی یکی است: الصاق و تعریف معمولی فایل‌های مورد نیاز.

- همچنین خود jQuery امکان بارگزاری اسکریپت‌ها را [به صورت پویا دارد](#) . زمانیکه complete عملیات Ajax ایی رخداد، متده عنوان شده را فراخوانی کنید. برای CSS هم به صورت زیر عمل کنید:

```
$(“<style></style>”).appendTo(“head”).html(data);
```

نویسنده: خوشقدم
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۶/۱۳ ۸:۵۴

سلام

مشکلی که من دارم این است که در صفحه دوتا PartialView دارم که هر کدام با استفاده jquery همان طور که شما توضیح داده اید لود می‌شوند ، اما برای رفرش کردن اونها مشکل دارم و نمی‌تونم به هر کدام شماره Page و سایر اطلاعات WebGrid چطوری ارسال کنم؟

ممnon

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۶/۱۳ ۹:۰

نحوه صحیح ارسال پارامترها توسط jQuery Ajax ارسال کوئری استرینگ‌ها به همراه عملیات Ajax درjQuery

ضمنا بحث [وب گرید](#)، خارج از موضوع مطلب جاری است. از پارامتر `ajaxUpdateContainerId` آن افزونه خاص باید برای مدیریت مسایل `sorting` و `paging` استفاده کنید.

نویسنده: مجتبی شایان فر
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۶/۲۸ ۱۳:۴

بسلام و خسته نباشید.

من مثال فوق را خط به خط اجرا کردم ولی `partial view` نمایش داده نمیشه. فکر کنم مکان قطعه کد Ajax را اشتباه جایگذاری کردم اگه ممکنه راهنمائی میکنید که قطعه:

```
$( function () {
$.ajax({
    مشخص کردن اکشنی که باید فراخوانی شود//url: '/Home/Details',
    contentType: 'application/html; charset=utf-8' ,
    type: 'GET' ,
    نوع نتیجه بازگشتی//dataType: 'html'

})
.success( function (result) {
    زمانی که کدهای سمت سرور بدون خطا اجرا شده اند//این قسمت فراخوانی می‌شود و نتیجه اکشن درون متغیر//result
    قرار می‌گیرد//
    $( '#sectionContents' ).html(result);
})
.error( function (xhr, status) {
    alert(xhr.responseText);
});
});
```

دقیقا کجای `Index` باید قرارداده بشه؟ سورس پروژه را هم ارسال می‌کردید خیلی خوب می‌شد.
ممnon.

نویسنده: محسن خان
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۶/۲۸ ۲۰:۴

نحوه استفاده از افزونه Firebug برای دیبگ برنامه‌های ASP.NET مبتنی برjQuery

نویسنده: منیژه محمدی
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۸/۱۶ ۱۰:۴۴

سلام

من این مثال را قدم به قدم انجام دادم ولی خطای 404 میده و `localhost.../home/Details` را پیدا نمی‌کند.
با اینکه من پارشیال ویو را در این تابع تعریف کردم

نویسنده: وحید نصیری

تاریخ: ۱۰:۵۴ ۱۳۹۲/۰۸/۱۶

- برنامه را با فایرباگ [دیباگ کنید](#) تا مسیرهای درخواستی و خطاهای را بهتر مشاهده کنید.
- نباید آدرس‌ها را مستقیماً و به صورت رشته‌ای تعریف کنید. [اطلاعات بیشتر](#)
- در مثال عنوان شده «`partial/_ProductList`» این مورد به معنای وجود یک پوشه `partial` در اینجا است (تصویر اول). البته غیر الزامی است ولی برای باز تولید این مثال باید به آن دقت داشته باشید.

نویسنده: منیژه محمدی
تاریخ: ۱۱:۳۶ ۱۳۹۲/۰۸/۱۷

سلام

من همه موارد را خیلی چک کردم از اینکه مسیر یا نام را درست داده باشم علت این بود که من یک `[HttpPost]` بالای آن `ActionResult` که می‌گفت پیدا نمی‌کنم اضافه کرده بودم برای همین ان را پیدا نمی‌کرد حالا من می‌خام یک سری اطلاعات به این اکشن پست کنم اینطوری مشکل پیدا نمی‌کنم چطور می‌تونم ان را حل کنم؟

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۱:۴۸ ۱۳۹۲/۰۸/۱۷

type در `$.ajax` مثال اصلی بحث جاری، مساوی `Get` است؛ تبدیلش کنید به `Post`. [کامنت اول این مطلب](#) سه مثال مشابه دیگر را عنوان کرده. اکثر این‌ها از حالت `Post` استفاده کرده‌اند.

نویسنده: آروین
تاریخ: ۱۱:۱۹ ۱۳۹۲/۰۸/۲۱

سلام و خسته نباشد
این روش فرقش با `a` `jquery.load('url')` چیه؟

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۴:۲۴ ۱۳۹۲/۰۸/۲۱

`load` در پشت صحنه از همین متدهای `ajax` استفاده می‌کند. [تمام متدهای کمکی از این دست](#) فقط محصور کننده تابع `ajax` اصلی جی‌کوئری هستند.

نویسنده: رشنو
تاریخ: ۱۰:۳۶ ۱۳۹۲/۱۲/۱۵

سلام و تشکر
لیست محصولات رو چطور باید پاس داد؟

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۰:۵۸ ۱۳۹۲/۱۲/۱۵

به روش‌های متداول «[بررسی نحوه انتقال اطلاعات از یک کنترلر به View‌های مرتبط با آن](#)

در سری پست‌های آقای مهندس [یوسف نژاد](#) با عنوان [ASP.NET MVC در Globalization](#) روشی برای پیاده‌سازی کار با [Resource](#)‌ها در ASP.NET با استفاده از دیتابیس شرح داده شده است. یکی از کمبودهایی که در این روش وجود داشت عدم استفاده از این نوع [Resource](#)‌ها از طریق [Attribute](#)‌ها در [ASP.NET MVC](#) بود. برای استفاده از این روش در یک پروژه به این مشکل برخورد کردم و پس از تحقیق و بررسی چند پست سرانجام در [این پست](#) پاسخ خود را پیدا کرده و با ترکیب این روش با روش آقای [یوسف نژاد](#) موفق به پیاده‌سازی [Attribute](#) دلخواه شدم.

در این پست و با استفاده از سری پست‌های آقای مهندس [یوسف نژاد](#) در این زمینه، یک [Attribute](#) جهت هماهنگ سازی با سیستم اعتبار سنجی ASP.NET MVC در سمت سرور و سمت کلاینت (با استفاده از [jQuery Validation](#)) بررسی خواهد شد.

قبل از شروع مطالعه سری پست‌های [Entity Framework](#) و [MVC](#) الزامی است.

برای انجام این کار ابتدا مدل زیر را در برنامه خود ایجاد می‌کنیم.

```
using System;

public class SampleModel
{
    public DateTime StartDate { get; set; }
    public string Data { get; set; }
    public int Id { get; set; }
}
```

با استفاده از این مدل در زمان ثبت داده‌ها هیچ گونه خطای صادر نمی‌شود. برای اینکه بتوان از سیستم خطای پیش فرض [ASP.NET MVC](#) کمک گرفت می‌توان مدل را به صورت زیر تغییر داد.

```
using System;
using System.ComponentModel.DataAnnotations;

public class SampleModel
{
    [Required(ErrorMessage = "Start date is required")]
    public DateTime StartDate { get; set; }

    [Required(ErrorMessage = "Data is required")]
    public string Data { get; set; }

    public int Id { get; set; }
}
```

حال ویو این مدل را طراحی می‌کنیم.

```
@model SampleModel
@{
    ViewBag.Title = "Index";
    Layout = "~/Views/Shared/_Layout.cshtml";
}

<section>
    <header>
        <h3>SampleModel</h3>
```

```
</header>
@Html.ValidationSummary(true, null, new { @class = "alert alert-error alert-block" })

@using (Html.BeginForm("SaveData", "Sample", FormMethod.Post))
{
    <p>
        @Html.LabelFor(x => x.StartDate)
        @Html.TextBoxFor(x => x.StartDate)
        @Html.ValidationMessageFor(x => x.StartDate)
    </p>
    <p>
        @Html.LabelFor(x => x.Data)
        @Html.TextBoxFor(x => x.Data)
        @Html.ValidationMessageFor(x => x.Data)
    </p>
    <input type="submit" value="Save"/>
}
</section>
```

و بخش کنترلر آن را به صورت زیر پیاده سازی می‌کنیم.

```
public class SampleController : Controller
{
    //
    // GET: /Sample/

    public ActionResult Index()
    {
        return View();
    }

    public ActionResult SaveData(SampleModel item)
    {
        if (ModelState.IsValid)
        {
            //save data
        }
        else
        {
            ModelState.AddModelError("", "لطفا خطاهای زیر را برطرف نمایید");
            RedirectToAction("Index", item);
        }
        return View("Index");
    }
}
```

حال با اجرای این کد و زدن دکمه Save صفحه مانند شکل پایین خطاهای خواهد داد.



تا اینجای کار روال عادی همیشگی است. اما برای طراحی `ValidationAttribute` دلخواه جهت اعتبار سنجی (مثلا برای مجبور کردن کاربر به وارد کردن یک فیلد با پیام دلخواه و زبان دلخواه) باید یک کلاس جدید تعریف کرده و از کلاس `RequiredAttribute` ارث ببرد. در پارامتر ورودی این کلاس جهت کار با [Resource های ثابت](#) در نظر گرفته شده است اما برای اینکه فیلد دلخواه را از دیتابیس بخواند این روش جوابگو نیست. برای انجام آن باید کلاس `RequiredAttribute` بازنویسی شود.

کلاس طراحی شده باید به صورت زیر باشد:

```
public class VegaRequiredAttribute : RequiredAttribute, IClientValidatable
{
#region Fields (2)

    private readonly string _resourceId;
    private String _resourceString = String.Empty;

#EndRegion Fields

#region Constructors (1)

    public VegaRequiredAttribute(string resourceId)
    {
        _resourceId = resourceId;
        ErrorMessage = _resourceId;
        AllowEmptyStrings = true;
    }

#EndRegion Constructors

#region Properties (1)

    public new String ErrorMessage
    {
        get { return _resourceString; }
        set { _resourceString = GetMessageFromResource(value); }
    }

#EndRegion Properties

#region Methods (2)
```

```

// Public Methods (1)

    public IEnumerable<ModelClientValidationRule> GetClientValidationRules(ModelMetadata metadata,
ControllerContext context)
{
    yield return new ModelClientValidationRule
    {
        ErrorMessage = GetMessageFromResource(_resourceId),
        ValidationType = "required"
    };
}

// Private Methods (1)

    private string GetMessageFromResource(string resourceId)
{
    var errorMessage = HttpContext.GetGlobalResourceObject(_resourceId, "Yes") as string;
    return errorMessage ?? ErrorMessage;
}

#endregion Methods
}

```

در این کلاس دو نکته وجود دارد.

1- ابتدا دستور

```
HttpContext.GetGlobalResourceObject(_resourceId, "Yes") as string;
```

که عنوان کلید Resource را از سازنده کلاس گرفته (کد اقای یوسف نژاد) رشته معادل آن را از دیتابیس بازیابی میکند.

2- ارث بری از اینترفیس IClientValidatable، در صورتی که از این اینترفیس ارث بری نداشته باشیم. طراحی شده در طرف کلاینت کار نمی‌کند. بلکه کاربر با کلیک بروی دکمه مورد نظر داده‌ها را به سمت سرور ارسال می‌کند. در صورت وجود خطای در پست بک خطا نمایش داده خواهد شد. اما با ارث بری از این اینترفیس و پیاده سازی متدهای GetClientValidationRules می‌توان تعریف کرد که در طرف کلاینت با استفاده از jQuery Unobtrusive پیام خطا مورد نظر به کنترل ورودی مورد نظر (مانند تکست باکس) اعمال می‌شود. مثلا در این مثال خصوصیت `data-val-required` به `input` هایی که قبل از مدل `Required` تعریف شده اند اعمال می‌شود.

حال در مدل تعریف شده می‌توان به جای `Required` می‌توان از `VegaRequiredAttribute` مانند زیر استفاده کرد. (همراه با نام کلید مورد نظر در دیتابیس)

```

public class SampleModel
{
    [VegaRequired("RequiredMessage")]
    public DateTime StartDate { get; set; }

    [VegaRequired("RequiredMessage")]
    public string Data { get; set; }

    public int Id { get; set; }
}

```

ورودی Validator مورد نظر نام کلیدی است به زبان دلخواه که عنوان آن RequiredMessage تعریف شده است و مقدار آن در دیتابیس مقداری مانند "تکمیل این فیلد الزامی است" است. با این کار در زمان اجرا با استفاده از این ویژگی ابتدا کلید مورد نظر با توجه به زبان فعلی از دیتابیس بازیابی شده و در متادیتابی مدل ما قرار می‌گیرد. به جای استفاده از `Resource` ها می‌توان پیام‌های خطای دلخواه را در دیتابیس ذخیره کرد و در موقع ضروری جهت جلوگیری از تکرار از آنها استفاده نمود. با اجرای برنامه اینبار خروجی به شکل زیر خواهد بود.



جهت فعال ساری اعتبار سنجی سمت کلاینت ابتدا باید اسکریپت‌های زیر به صفحه اضافه شود.

```
<script src="@Url.Content("~/Scripts/jquery-1.9.1.min.js")" type="text/javascript"></script>
<script src="@Url.Content("~/Scripts/jquery.validate.min.js")" type="text/javascript"></script>
<script src="@Url.Content("~/Scripts/jquery.validate.unobtrusive.min.js")"
type="text/javascript"></script>
```

سپس در فایل web.config تنظیمات زیر باید اضافه شود

```
<appSettings>
  <add key="ClientValidationEnabled" value="true" />
  <add key="UnobtrusiveJavaScriptEnabled" value="true"/>
</appSettings>
```

سپس برای اعمال Validator طراحی شده باید توسط کدهای جاوا اسکریپت زیر داده‌های مورد نیاز سمت کلاینت رجیستر شوند.

```
<script type="text/javascript">
    jQuery.validator.addMethod('required', function (value, element, params) {
        if (value == null | value == "") {
            return false;
        } else {
            return true;
        }
    }, '');
    jQuery.validator.unobtrusive.adapters.add('required', {}, function (options) {
        options.rules['required'] = true;
        options.messages['required'] = options.message;
    });
</script>
```

البته برای مثال ما قسمت بالا به صورت پیش فرض رجیستر شده است اما در صورتی که بخواهید یک ولیدتور دلخواه و غیر استاندارد بنویسید روال کار به همین شکل است.
موفق و موید باشید.

منابع [^](#) و [^](#) و [^](#)

نظرات خوانندگان

نویسنده: امیر خلیلی
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۸/۰۴ ۸:۵۹

یک مشکل اساسی وجود دارد هنگامی که با استفاده از جاواسکریپت اعتبارسنجی انجام میشے کاربر یا اون شخصی که قراره کدهای مخرب را وارد کنه میتونه استفاده از فایل های JS را در مرورگش غیر فعال کنه و اینگونه اعتبار سنجی انجام نمیشه !

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۸/۰۴ ۹:۹

اعتبارسنجی در [ASP.NET MVC](#) دو مرحله‌ای است. مرحله اول آن فقط سمت کاربر است. مرحله دوم به تفسیر [IClientValidatable](#) در سمت سرور ختم می‌شود.

قبلًا مطالبی در سایت راجع به [نوع داده شمارشی با Enum](#) و همچنین [RadioButtonList](#) و [CheckBoxList](#) وجود دارد. اما در این مطلب قصد دارم تا یک روش متفاوت را برای تولید و بهره گیری از **CheckBoxList** با استفاده از نوع داده‌های شمارشی برای شما ارائه کنم.

فرض کنید بخواهید به کاربر این امکان را بدهد تا بتواند چندین گزینه را برای یک فیلد انتخاب کند. به عنوان یک مثال ساده فرض کنید گزینه‌ای از مدل، پارچه‌های مورد علاقه یک نفر هست. کاربر می‌تواند چندین پارچه را انتخاب کند. و این فرض را هم بکنید که به لیست پارچه‌ها گزینه دیگری اضافه نخواهد شد. پارچه (Fabric) را مثلاً می‌توانیم به صورت زیر تقسیم بندی کنیم :

- (Cotton)
- (Silk)
- (Wool)
- (Rayon)
- (Other)

با توجه به اینکه دیگر قرار نیست به این لیست گزینه دیگری اضافه شود می‌توانیم آنرا به صورت یک نوع داده شمارشی (Enum) تعریف کنیم. مثلاً بدین صورت:

```
public enum Fabric
{
    [Description("پنبه")]
    Cotton,
    [Description("ابریشم")]
    Silk,
    [Description("پشم")]
    Wool,
    [Description("ابریشم مصنوعی")]
    Rayon,
    [Description("پارچه‌های دیگر")]
    Other
}
```

حال فرض کنید View Model زیر فیلدی از نوع نوع داده شمارشی Fabric دارد:

```
public class MyViewModel
{
    public Fabric Fabric { get; set; }
}
```

توجه داشته باشید که فیلد Fabric از کلاس MyViewModel باید چند مقدار را در خود نگهداری کند. یعنی می‌تواند هر کدام از گزینه‌های Cotton, Silk, Wool, Rayon, Other به صورت جداگانه یا ترکیبی باشد. اما در حال حاضر با توجه به اینکه یک فیلد Enum معمولی فقط می‌تواند یک مقدار را در خودش ذخیره کند قابلیت ذخیره ترکیبی مقادیر در فیلد Fabric از View Model بالا وجود ندارد.

اما راه حل این مشکل استفاده از پرچم (Flags) در تعریف نوع داده شمارشی هست. با استفاده از پرچم نوع داده شمارشی بالا به صورت زیر باید تعریف شود:

```
[Flags]
public enum Fabric
```

```
{
    [Description("پنبه")]
    Cotton = 1,
    [Description("ابریشم")]
    Silk = 2,
    [Description("پشم")]
    Wool = 4,
    [Description("ابریشم مصنوعی")]
    Rayon = 8,
    [Description("پارچه‌های دیگر")]
    Other = 128
}
```

همان طور که می‌بینید از عبارت [Flags] قبل از تعریف enum استفاده کرده ایم. همچنین هر کدام از مقادیر ممکن این نوع داده شمارشی با توانهایی از 2 تنظیم شده اند. در این صورت یک نمونه از این نوع داده می‌تواند چندین مقدار را در خودش ذخیره کند.

برای آشنایی بیشتر با این موضوع به کدهای زیر نگاه کنید:

```
Fabric cotWool = Fabric.Cotton | Fabric.Wool;
int cotWoolValue = (int) cotWool;
```

به وسیله عملگر | می‌توان چندین مقدار را در یک نمونه از نوع Fabric ذخیره کرد. مثلاً متغیر cotWool هم دارای مقدار و هم دارای مقدار Fabric.Wool هست. مقدار عددی معادل متغیر cotWool برابر 5 هست که از جمع مقدار عددی Fabric.Wool و Fabric.Cotton به دست آمده است.

حال فرض کنید فیلد ViewModel از View Model (کلاس MyViewModel) را به صورت لیستی از چک باکس‌ها نمایش دهیم. مثل زیر:



شكل (الف)

سپس بخواهیم تا کاربر بعد از انتخاب گزینه‌های مورد نظرش از لیست بالا و پست کردن فرم مورد نظر، بایندر وارد عمل شده و فیلد Fabric را بر اساس گزینه‌هایی که کاربر انتخاب کرده مقداردهی کند.

برای این کار از [پروژه MVC Enum Flags](#) کمک خواهیم گرفت. این پروژه شامل یک Html Helper برای تبدیل یهEnum به یک Model Binder شامل CheckBoxList مربوطه هست. البته بعضی از کدهای Html Helper آن احتیاج به تغییر داشت که

آنرا انجام دادم ولی بایندر آن بسیار خوب کار می‌کند.

خوب مربوط به آن به صورت زیر می‌باشد:

```
public static IHtmlString CheckBoxesForEnumFlagsFor<TModel, TEnum>(this HtmlHelper<TModel> htmlHelper,
Expression<Func<TModel, TEnum>> expression)
{
    ModelMetadata metadata = ModelMetadata.FromLambdaExpression(expression, htmlHelper.ViewData);
    Type enumModelType = metadata.ModelType;

    // Check to make sure this is an enum.
    if (!enumModelType.IsEnum)
    {
        throw new ArgumentException("This helper can only be used with enums. Type used was: " +
enumModelType.FullName.ToString() + ".");
    }

    // Create string for Element.
    var sb = new StringBuilder();

    foreach (Enum item in Enum.GetValues(enumModelType))
    {
        if (Convert.ToInt32(item) != 0)
        {
            var ti = htmlHelper.ViewData.TemplateInfo;
            var id = ti.GetFullHtmlFieldId(item.ToString());

            //Derive property name for checkbox name
            var body = expression.Body as MemberExpression;
            var propertyName = body.Member.Name;
            var name = ti.GetFullHtmlFieldName(propertyName);

            //Get currently select values from the ViewData model
            TEnum selectedValues = expression.Compile().Invoke(htmlHelper.ViewData.Model);

            var label = new TagBuilder("label");
            label.Attributes["for"] = id;
            label.Attributes["style"] = "display: inline-block;";
            var field = item.GetType().GetField(item.ToString());

            // Add checkbox.
            var checkbox = new TagBuilder("input");
            checkbox.Attributes["id"] = id;
            checkbox.Attributes["name"] = name;
            checkbox.Attributes["type"] = "checkbox";
            checkbox.Attributes["value"] = item.ToString();

            if ((selectedValues as Enum != null) && ((selectedValues as Enum).HasFlag(item)))
            {
                checkbox.Attributes["checked"] = "checked";
            }
            sb.AppendLine(checkbox.ToString());

            // Check to see if DisplayName attribute has been set for item.
            var displayName = field.GetCustomAttributes(typeof(DisplayNameAttribute), true)
                .FirstOrDefault() as DisplayNameAttribute;
            if (displayName != null)
            {
                // Display name specified. Use it.
                label.SetInnerText(displayName.DisplayName);
            }
            else
            {
                // Check to see if Display attribute has been set for item.
                var display = field.GetCustomAttributes(typeof(DisplayAttribute), true)
                    .FirstOrDefault() as DisplayAttribute;
                if (display != null)
                {
                    label.SetInnerText(display.Name);
                }
                else
                {
                    label.SetInnerText(item.ToString());
                }
            }
            sb.AppendLine(label.ToString());

            // Add line break.
            sb.AppendLine("<br />");
        }
    }
}
```

```

        }
    }

    return new HtmlString(sb.ToString());
}

```

در کدهای بالا از متدهای ToDescription و ToString استفاده شده است. در نیز برای تبدیل معادل انگلیسی به فارسی یک مقدار از نوع داده شمارشی استفاده کرده ایم.

```

public static string ToDescription(this Enum value)
{
    var attributes =
    (DescriptionAttribute[])value.GetType().GetField(value.ToString()).GetCustomAttributes(typeof(DescriptionAttribute), false);
    return attributes.Length > 0 ? attributes[0].Description : value.ToString();
}

```

برای استفاده از این View در Html Helper کد زیر را می‌نویسیم:

```
@Html.CheckBoxesForEnumFlagsFor(x => x.Fabric)
```

که باعث تولید خروجی که در تصویر (الف) نشان داده شد می‌شود. همچنین مدل بایندر مربوط به آن به صورت زیر هست:

```

public class FlagEnumerationModelBinder : DefaultModelBinder
{
    public override object BindModel(ControllerContext controllerContext, ModelBindingContext bindingContext)
    {
        if (bindingContext == null) throw new ArgumentNullException("bindingContext");

        if (bindingContext.ValueProvider.ContainsPrefix(bindingContext.ModelName))
        {
            var values = GetValue<string[]>(bindingContext, bindingContext.ModelName);

            if (values.Length > 1 && (bindingContext.ModelType.IsEnum &&
bindingContext.ModelType.IsDefined(typeof(FlagsAttribute), false)))
            {
                long byteValue = 0;
                foreach (var value in values.Where(v => Enum.IsDefined(bindingContext.ModelType, v)))
                {
                    byteValue |= (int)Enum.Parse(bindingContext.ModelType, value);
                }

                return Enum.Parse(bindingContext.ModelType, byteValue.ToString());
            }
            else
            {
                return base.BindModel(controllerContext, bindingContext);
            }
        }
    }

    return base.BindModel(controllerContext, bindingContext);
}

private static T GetValue<T>(ModelBindingContext bindingContext, string key)
{
    if (bindingContext.ValueProvider.ContainsPrefix(key))
    {
        ValueProviderResult valueResult = bindingContext.ValueProvider.GetValue(key);
        if (valueResult != null)
        {
            bindingContext.ModelState.SetModelValue(key, valueResult);
            return (T)valueResult.ConvertTo(typeof(T));
        }
    }
    return default(T);
}

```

```
ModelBinders.Binders.Add(typeof(Fabric), new FlagEnumerationModelBinder());
```

مشاهده می‌کنید که در اینجا دقیقاً مشخص کرده‌ایم که این مدل بایندر برای نوع داده شمارشی Fabric هست. اگر نیاز دارید تا این بایندر برای نوع داده‌های شمارشی دیگری نیز به کار رود نیاز هست تا این خط کد را برای هر کدام از آنها تکرار کنید. اما راه حل بهتر این هست که کلاسی به صورت زیر تعریف کنیم و تمامی نوع داده‌های شمارشی که باید از بایندر بالا استفاده کنند را در یک پرپرتو آن برگشت دهیم. مثلاً بدین صورت:

```
public class ModelEnums
{
    public static IEnumerable<Type> Types
    {
        get
        {
            var types = new List<Type> { typeof(Fabric) };
            return types;
        }
    }
}
```

سپس به متدهای Application_Start رفته و کد زیر را اضافه می‌کنیم:

```
foreach (var type in ModelEnums.Types)
{
    ModelBinders.Binders.Add(type, new FlagEnumerationModelBinder())
}
```

اگر گزینه‌های پشم و ابریشم مصنوعی را از CheckBoxList تولید شده انتخاب کنیم، بدین صورت:

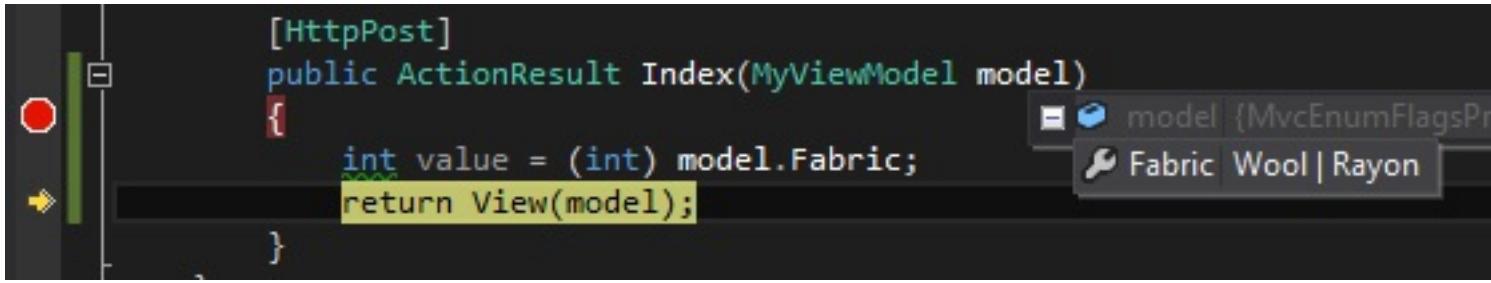
MyViewModel

- بنبه
- ابریشم
- پشم
- ابریشم مصنوعی
- بارچه های دیگر

Create

شكل (ب)

و سپس فرم را پست کنید، موردی شبیه زیر مشاهده می‌کنید:



شکل (ج)

همچنین مقدار عددی معادل در اینجا برابر 12 می‌باشد که از جمع دو مقدار Wool و Rayon به دست آمده است. بدین ترتیب در یک فیلد از مدل، گزینه‌های انتخابی توسط کاربر قرار گرفته شده اند.

پروژه مربوط به این مثال را از لینک زیر دریافت کنید:

[MvcEnumFlagsProjectSample.zip](#)

پی نوشت: پوشه‌های bin و obj و packages جهت کاهش حجم پروژه از آن حذف شده اند. برای بازسازی پوشه packages لطفاً به مطلب [بازسازی کامل پوشه packages بسته‌های NuGet به صورت خودکار](#) مراجعه کنید.

نظرات خوانندگان

نویسنده: علی
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۸/۰۱ ۱۸:۵۱

من یک گرید تلریک دارم که یک فیلد چکباکس کنارش هست و مثلاً لیستی از یوزرها را این گرید شامل میشه . آیتمهای انتخابی رو چطوری میتونم به کنترلرم ارسال کنم (ورودی کنترلرمو چی بگیرم) ...

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۸/۰۱ ۱۸:۵۸

سوال شما بیشتر به مطلب « [ASP.NET MVC در CheckBoxList](#) » مرتبط است تا enum ای که ویژگی flag دارد. ضمناً گرید تلریک [مستندات خوبی دارد](#) که بهتر است به آن مراجعه کنید (مثال Ajax CheckBoxes View و کنترل آن نیز پیوست شدند).

نویسنده: علیرضا
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۸/۰۲ ۱۲:۱۵

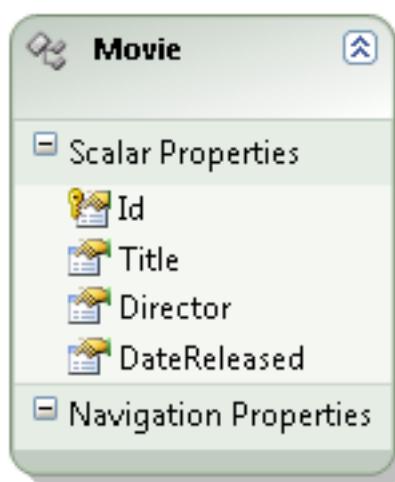
استفاده از Description برای Enum‌ها جالب ولی به نظر من کمی مشکل سازه و مشکل اصلی اون Code Wired کردن شرح هر جزء Enum هست. اگر با یک پروژه دوزبانه طرف باشیم چی؟ اگر کلا استراتژی ترجمه رشته‌ها در پروژه ما این طور باشه که از منابع خارجی مثل DB یا اسembلی‌های Resource استفاده کنیم چی؟

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۸/۰۲ ۱۲:۳۲

مراجعه کنید به پیشنبازهای این مباحث تکمیلی. مانند:
[تهیه سایتهاي چند زبانه و بومي سازي نمايش اطلاعات در ASP.NET MVC](#)
[ASP.NET MVC در Globalization](#)

اولی در مورد کار با ریسورس‌ها است و بومی سازی ویژگی‌ها نیز در آن لحاظ شده و دومی تهیه یک فریم ورک است برای کار با بانک اطلاعاتی و تامین منبع داده از این طریق

همانطور که میدانیم DataAnnotations برای فیلدهای مدل‌ها در MVC وقتی که از EF Code First استفاده کنیم کار ما برای اعتبارسنجی بسیار ساده میکنند. اما وضع در EF Database First متفاوت است زیرا اگر مدل را که برنامه برایمان میسازد را به روز کنیم (توسط Update Model) تمام اعتبارسنجی‌هایی که نوشته بودیم پاک شده و مدل خام دوباره برای ما تولید میشود. برای رفع این مشکل باید از PartialClass استفاده نماییم تا بتوانیم همیشه اعتبارسنجی‌ها را داشته باشیم:



```

using System.ComponentModel;
using System.ComponentModel.DataAnnotations;

namespace MvcApplication1.Models
{
    [MetadataType(typeof(MovieMetaData))]
    public partial class Movie
    {
    }

    public class MovieMetaData
    {
        [Required]
        public object Title { get; set; }

        [Required]
        [StringLength(5)]
        public object Director { get; set; }

        [DisplayName("Date Released")]
        [Required]
        public object DateReleased { get; set; }
    }
}

```

لينك مطلب اصلی : [http://www.asp.net/mvc/tutorials/older-versions/models-\(data\)/validation-with-the-data-annotation-validators-cs](http://www.asp.net/mvc/tutorials/older-versions/models-(data)/validation-with-the-data-annotation-validators-cs)

نظرات خوانندگان

نویسنده: لیلا
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۸/۲۹ ۱۹:۲۳

با تشکر

اگر دیتابیس تغییر کند باید `PartialClass` تغییر را دستی تغییر بدھیم؟ اگر پاسخ بله می‌باشد راهی وجود دارد برای اعمال تغییرات به صورت خودکار؟
ایا توصیه می‌شود از `view model` به جای `PartialClass` برای اعتبارسنجی استفاده شود؟

نویسنده: حسین حسینی 128
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۸/۲۹ ۲۳:۹

بله باید دستی تغییر کند ، راه خودکاری نمیدانم متاسفانه کلا بهتر است از `viewmodel` به جای استفاده از خود مدل استفاده کرد ولی به هرحال `viewmodel` نیز پس از تغییر دیتابیس باید دستی تغییر کند

نویسنده: bahman
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۹/۱۲ ۱۸:۲۳

سلام.

به خاطر مطلب خوبتون تشکر میکنم.
من یه پروژه 2 لایه دارم که مدل در لایه DLL قرار گرفته.
و یک لایه که پروژه MVC داخل اون قرار گافته.
میخواستم بدنم که متادیتا باید داخل کدوم لایه نوشته بشه؟

نویسنده: حسین حسینی 128
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۰/۱۷ ۱۷:۵۹

متادیتا داخل لایه DLL باشه بهتره

سناریو های وجود دارد که نیاز است مشتری ، خود شیوه نامه های (CSS) را برای قسمت های مختلف سایت انتخاب کند. برای مثال تنظیماتی را برای منوی سایت در نظر گرفته ایم که مشتری بتواند رنگ و قلم و ... را متناسب با سلیقه خود تغییر دهد و یا یک قسمت کلی برای اعمال شیوه نامه ها به سایت ایجاد کرده ایم که در همه قسمت های سایت اعمال شود. بدین شکل در صورتی که مشتری، اطلاعات اندکی هم در مورد CSS داشته باشد میتواند ظاهر سایت خود را به آسانی تغییر دهد و تا حدودی بار را از روی دوش پشتیبان سایت بر میدارد.

و برای همه این ها نیاز است تا فیلدی در دیتابیس برای ذخیره شیوه نامه های مشتری ایجاد شود و یا در یک فایل متنه ذخیره شود که بسته به سیاست برنامه نویس دارد.

در این مطلب تصمیم داریم این سناریو را به صورت ساده در یک پروژه ASP.NET MVC پیاده سازی کنیم.
ایندا یک پروژه از نوع 4 ASP.NET MVC ایجاد میکنیم. سپس قطعه کد زیر را به فایل `_Layout.cshtml` موجود در مسیر `Views/Shared` به صورت زیر اضافه میکنیم :

```
<head>
  @* سایر شیوه نامه ها و اسکریپت ها *
  @RenderSection("styles", required: false)
</head>
```

این امکان را میدهد که ما بتوانیم شیوه نامه دیگری را در صفحات دیگر به `MasterPage` خود تزریق کنیم.
سپس کنترلری به نام `Home` ایجاد میکنیم :

```
namespace DynamicCssExample.Controllers
{
  public class HomeController : Controller
  {
    public ActionResult Index()
    {
      return View();
    }

    public string GetStyle()
    {
      Response.ContentType = "text/css";
      // در این قسمت میتوانیم به دیتابیس متصل شویم و شیوه نامه مورد نظر را واکشی کنیم و بازگشت
      // دهیم
      return "h2{color:yellow}";
    }
  }
}
```

در اینجا یک متد به نام `GetStyle` داریم که وظیفه بازگشت یک رشته را بر عهده دارد و نوع این مقدار بازگشت از نوع `text/css` است و میتواند شیوه نامه هایی که در دیتابیس و یا یک فایل متنه ذخیره کرده ایم را واکشی و به استریم ارسال کند.
در انتهای برای استفاده از این متد کافی است در `View` مربوطه بدین شکل عمل کنیم :

```
@{
  ViewBag.Title = "Index";
  Layout = "~/Views/Shared/_Layout.cshtml";
}

@section styles
{
  <link rel="stylesheet" href="@Url.Action("GetStyle", "Home")" type="text/css"/>
}

<h2>Index</h2>
```

در سکشن Style لینک شیوه نامه ای تعریف کرده ایم که ویژگی href آن به اکشن GetStyle در کنترلر Home اشاره میکند و این اکشن نیز محتوای شیوه نامه را برگشت میدهد.
مثال این مطلب : به همراه [بازسازی کامل پوشه packages](#) بسته های NuGet به صورت خودکار [DynamicCssExample.zip](#)

نظرات خوانندگان

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۹/۱۲ ۲۲:۵۴

این روش را می‌شود کمی بهبود داد؛ برای اینکه بشود داخل فایل CSS با کدهای Razor هم کار کرد (یعنی چیزی شبیه به LESS) اما پیاده سازی شده با Razor و تفسیر شده توسط موتور آن؛ مانند یک Partial View یا View معمولی و کامل. حتی می‌شود داخل آن if و else یا حلقه نوشته باشد:

```
public class CSS
{
    public string Color { set; get; }
}
```

```
public ActionResult GetDynamicStyle()
{
    var color = "White";
    if (DateTime.Now.Hour > 18 || DateTime.Now.Hour < 8)
    {
        color = "Black";
    }

    this.Response.ContentType = "text/css";
    return PartialView(viewName: "~/Views/Home/_CSS.cshtml", model: new CSS { Color = color });
}
```

: Views/Home/_CSS.cshtml

```
@model DynamicMvcCSS.Controllers.CSS
.foo {
    color: @Model.Color;
}
```

نویسنده: ناصر طاهری
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۹/۱۲ ۲۳:۴۲

ممnon خیلی بهتر شد. برای موارد ثابت این روش خیلی شکیلت و قانونمندتره مثل تنظیمات منوها و بعضی قسمت‌ها که فقط یک سری موارد خاص رو اجازه‌ی تغییر داره. اما اگر بخواهیم به مشتری اجازه بدھیم که هر قسمتی که دوست دارد را تغییر دهد، یعنی شیوه‌نامه‌ای که ایجاد می‌کنه بر کل سایت تاثیر بزاره، دیگه فکر نکنم بتونیم اینطور قانونمند عمل کنیم درسته؟ راهی هم برای این مسئله وجود داره؟

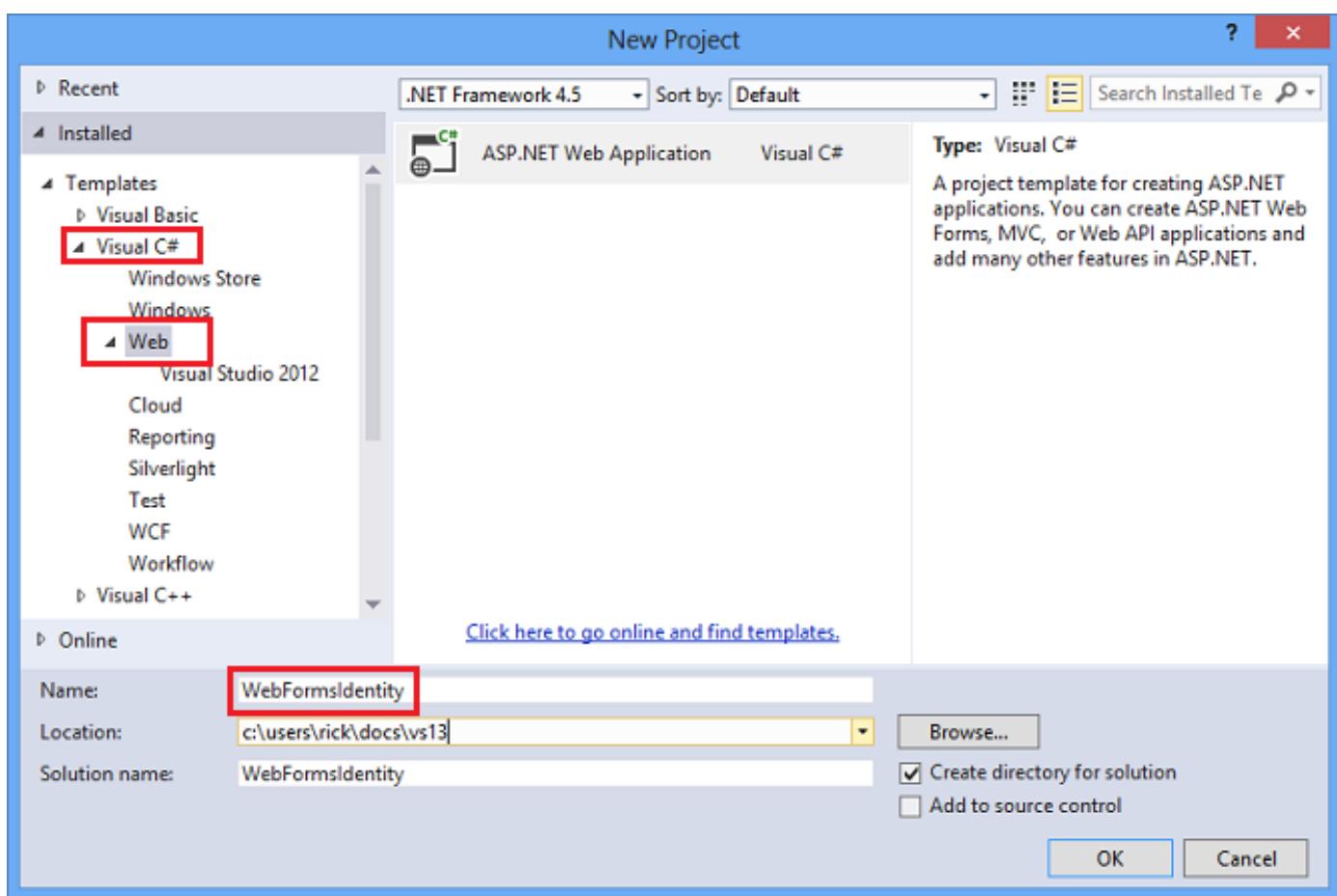
نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۹/۱۲ ۲۳:۴۶

- روش شما برای بازگشت یک رشته متغیر از پیش تعریف شده خوب است.
- + نیازی نیست کل CSS را در اختیار کاربر برای ویرایش قرار داد. قسمت‌هایی را که قرار است تغییر کنند به صورت فیلد در بیارید تا کاربر بتواند مقدار دهی کند. بعد با روش بالا (که آن به صورت پویا قابل مقدار دهی است) می‌شود در فایل razor نهایی مثل یک view عناصر را مقدار دهی و استفاده کرد.
- ضمناً استفاده از Output cache هم توصیه می‌شود.

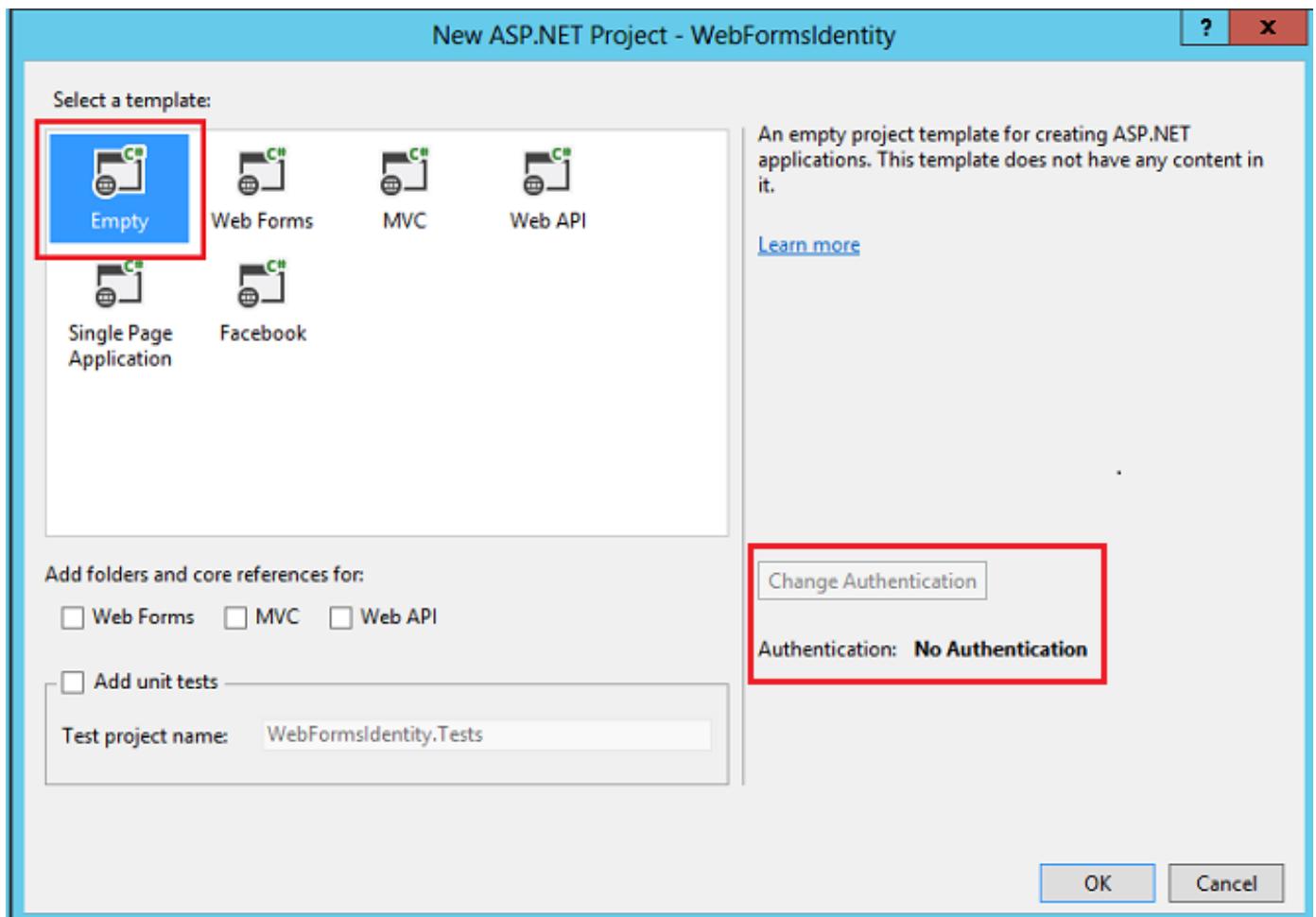
با نصب و اجرای [Visual Studio 2013](#) یا [Visual Studio 2013 Express for Web](#) شروع کنید.

یک پروژه جدید بسازید (از صفحه شروع یا منوی فایل)

گزینه C# و سپس **ASP.NET Web Application** را انتخاب کنید. نام پروژه را به "WebFormsIdentity" تغییر داده و OK کنید.

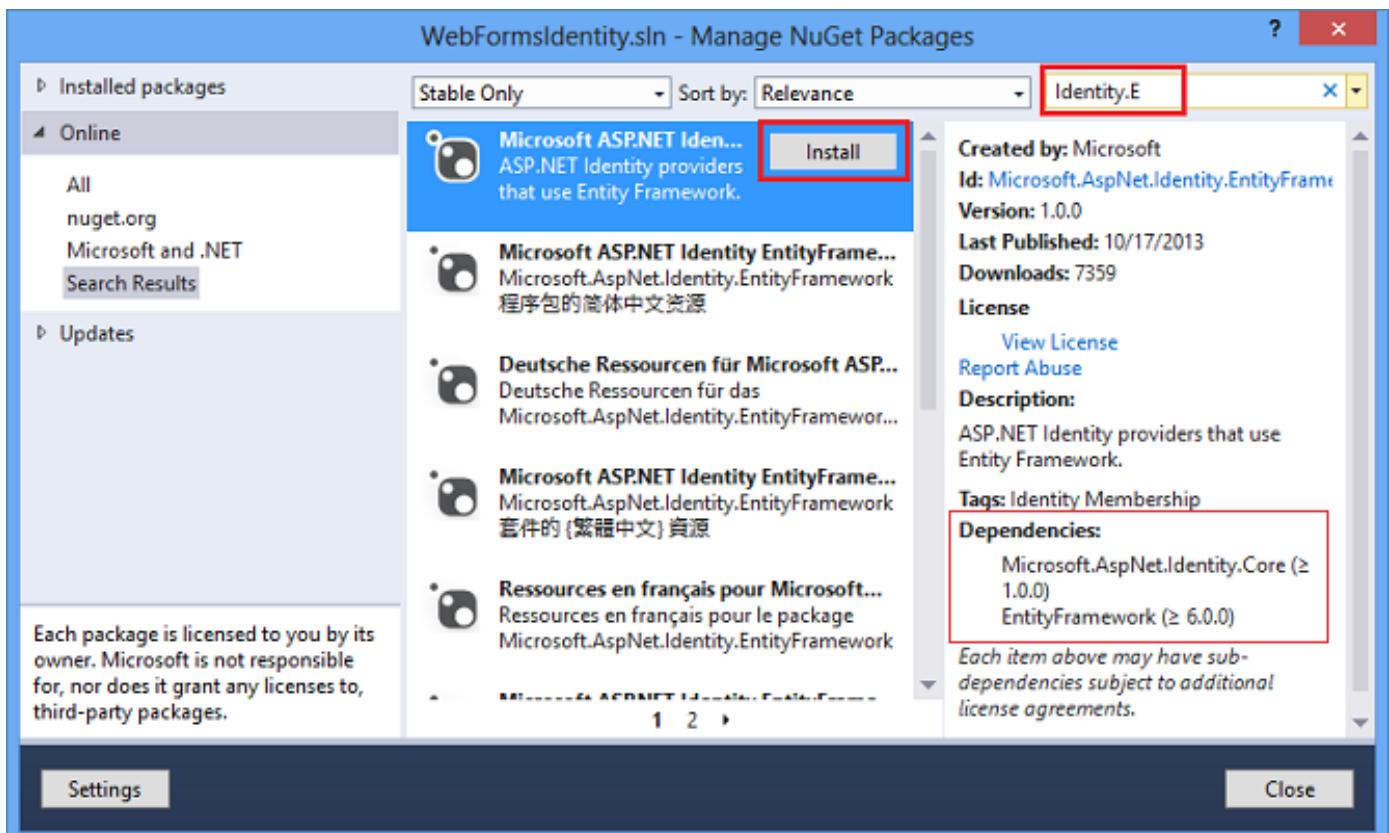


در دیالوگ جدید ASP.NET گزینه **Empty** را انتخاب کنید.



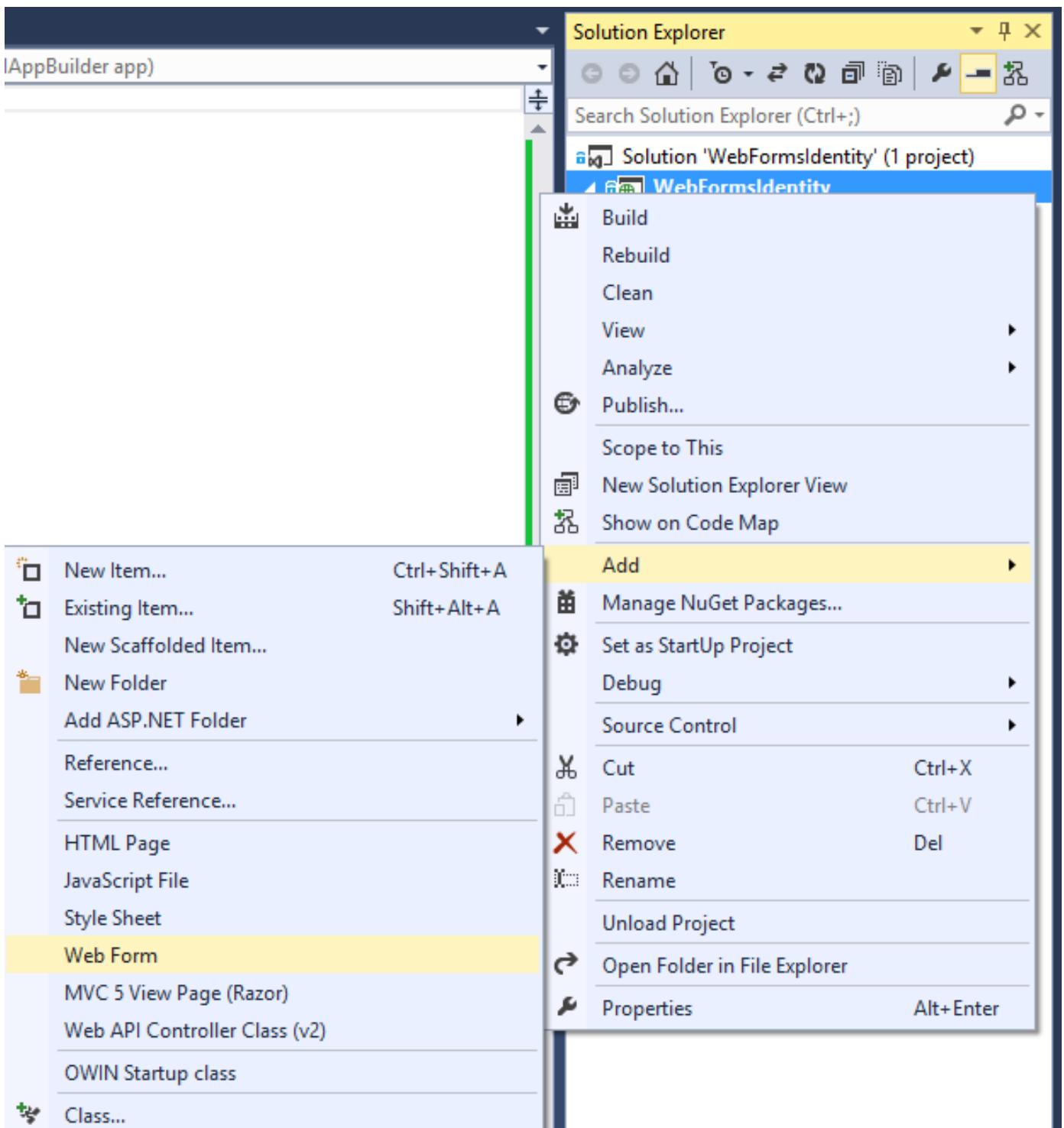
دقت کنید که دکمه **Change Authentication** غیرفعال است و هیچ پشتیبانی ای برای احراز هویت در این قالب پروژه وجود ندارد.

افزودن پکیج‌های ASP.NET Identity به پروژه
روی نام پروژه کلیک راست کنید و گزینه **Manage NuGet Packages** را انتخاب کنید. در قسمت جستجوی دیالوگ باز شده عبارت "Identity.E" را وارد کرده و این پکیج را نصب کنید.



دقت کنید که نصب کردن این پکیج وابستگی‌ها را نیز بصورت خودکار نصب می‌کند: ASP.NET Identity Core و Entity Framework.

افزودن فرم‌های وب لازم برای ثبت نام کاربران
یک فرم وب جدید بسازید.



در دیالوگ باز شده نام فرم را به **Register** تغییر داده و تایید کنید.

فایل ایجاد شده جدید را باز کرده و کد Markup آن را با قطعه کد زیر جایگزین کنید.

```
<%@ Page Language="C#" AutoEventWireup="true" CodeBehind="Register.aspx.cs"
Inherits="WebFormsIdentity.Register" %>

<!DOCTYPE html>
<html xmlns="http://www.w3.org/1999/xhtml">
<head runat="server">
    <title></title>
```

```

</head>
<body style="background-color: #f0f0f0">
    <form id="form1" runat="server">
        <div>
            <h4 style="text-align: center; margin-bottom: 10px">Register a new user</h4>
            <hr />
            <p>
                <asp:Literal runat="server" ID="StatusMessage" />
            </p>
            <div style="margin-bottom: 10px">
                <asp:Label runat="server" AssociatedControlID="UserName">User name</asp:Label>
                <div>
                    <asp:TextBox runat="server" ID="UserName" />
                </div>
            </div>
            <div style="margin-bottom: 10px">
                <asp:Label runat="server" AssociatedControlID="Password">Password</asp:Label>
                <div>
                    <asp:TextBox runat="server" ID="Password" TextMode="Password" />
                </div>
            </div>
            <div style="margin-bottom: 10px">
                <asp:Label runat="server" AssociatedControlID="ConfirmPassword">Confirm password</asp:Label>
                <div>
                    <asp:TextBox runat="server" ID="ConfirmPassword" TextMode="Password" />
                </div>
            </div>
            <div>
                <asp:Button runat="server" OnClick="CreateUser_Click" Text="Register" />
            </div>
        </div>
    </form>
</body>
</html>

```

این تنها یک نسخه ساده شده Register.aspx است که از چند فیلد فرم و دکمه‌ای برای ارسال آنها به سرور استفاده می‌کند.

فایل کد این فرم را باز کرده و محتویات آن را با قطعه کد زیر جایگزین کنید.

```

using Microsoft.AspNet.Identity;
using Microsoft.AspNet.Identity.EntityFramework;
using System;
using System.Linq;

namespace WebFormsIdentity
{
    public partial class Register : System.Web.UI.Page
    {
        protected void CreateUser_Click(object sender, EventArgs e)
        {
            // Default UserStore constructor uses the default connection string named: DefaultConnection
            var userStore = new UserStore<IdentityUser>();
            var manager = new UserManager<IdentityUser>(userStore);

            var user = new IdentityUser() { UserName = UserName.Text };
            IdentityResult result = manager.Create(user, Password.Text);

            if (result.Succeeded)
            {
                StatusMessage.Text = string.Format("User {0} was created successfully!", user.UserName);
            }
            else
            {
                StatusMessage.Text = result.Errors.FirstOrDefault();
            }
        }
    }
}

```

کد این فرم نیز نسخه ای ساده شده است. فایلی که بصورت خودکار توسط VS برای شما ایجاد می‌شود متفاوت است.

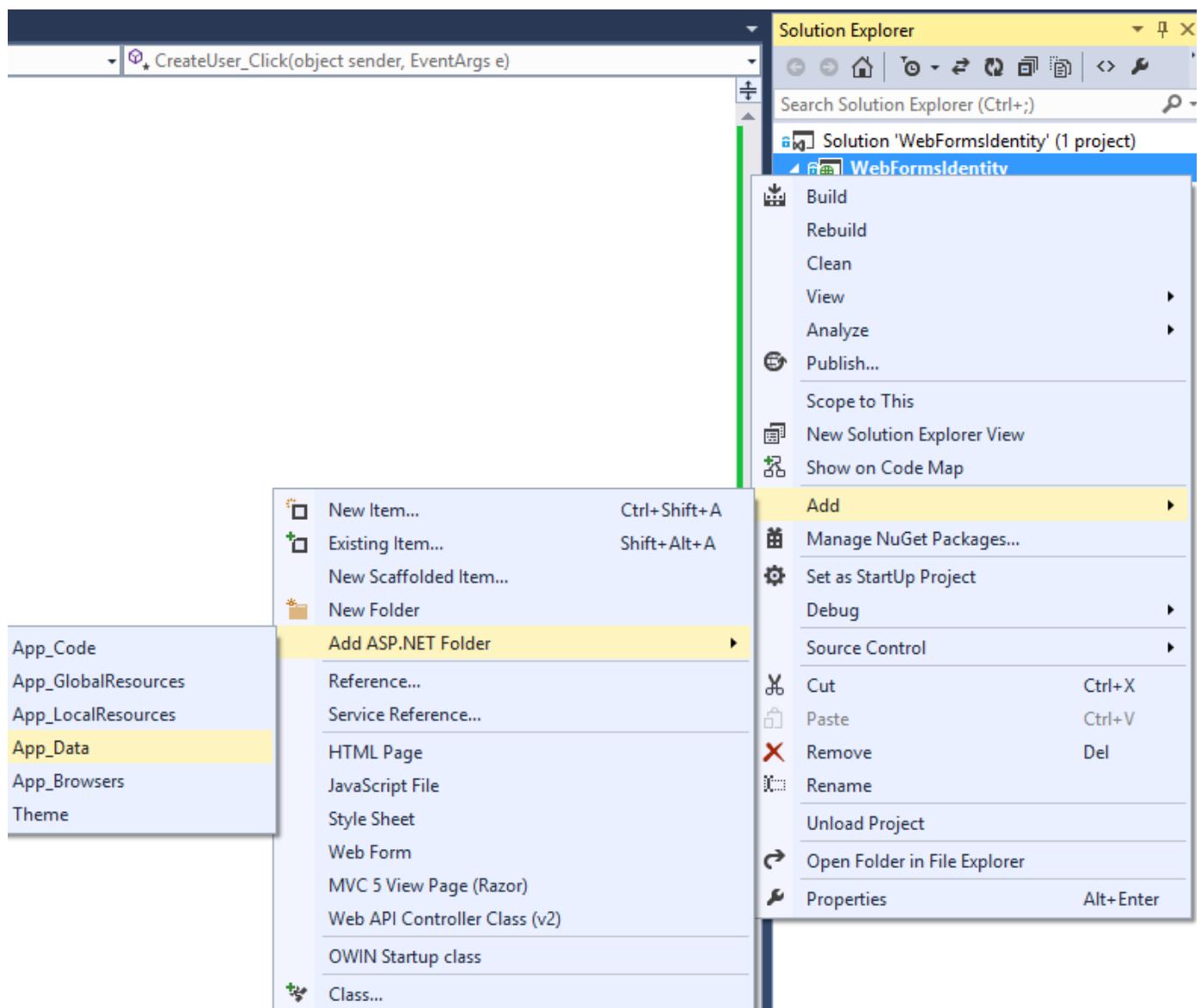
کلاس `IdentityUser` پیاده سازی پیش فرض EntityFramework از قرارداد `IUser` است. قرارداد `IUser` تعریفات حداقلی یک کاربر در ASP.NET Identity Core را در بر می‌گیرد.

کلاس `UserStore` پیاده سازی پیش فرض EF از یک فروشگاه کاربر (user store) است. این کلاس چند قرارداد اساسی `.IUserRoleStore`, `IUserStore`, `IUserLoginStore`, `IUserClaimStore` و `Identity Core` را پیاده سازی می‌کند:

کلاس `UserManager` دسترسی به API‌های مربوط به کاربران را فراهم می‌کند. این کلاس تمامی تغییرات را بصورت خودکار در `UserStore` ذخیره می‌کند.

کلاس `IdentityResult` نتیجه یک عملیات هویتی را معرفی می‌کند (identity operations).

پوشه `App_Data` را به پروژه خود اضافه کنید.



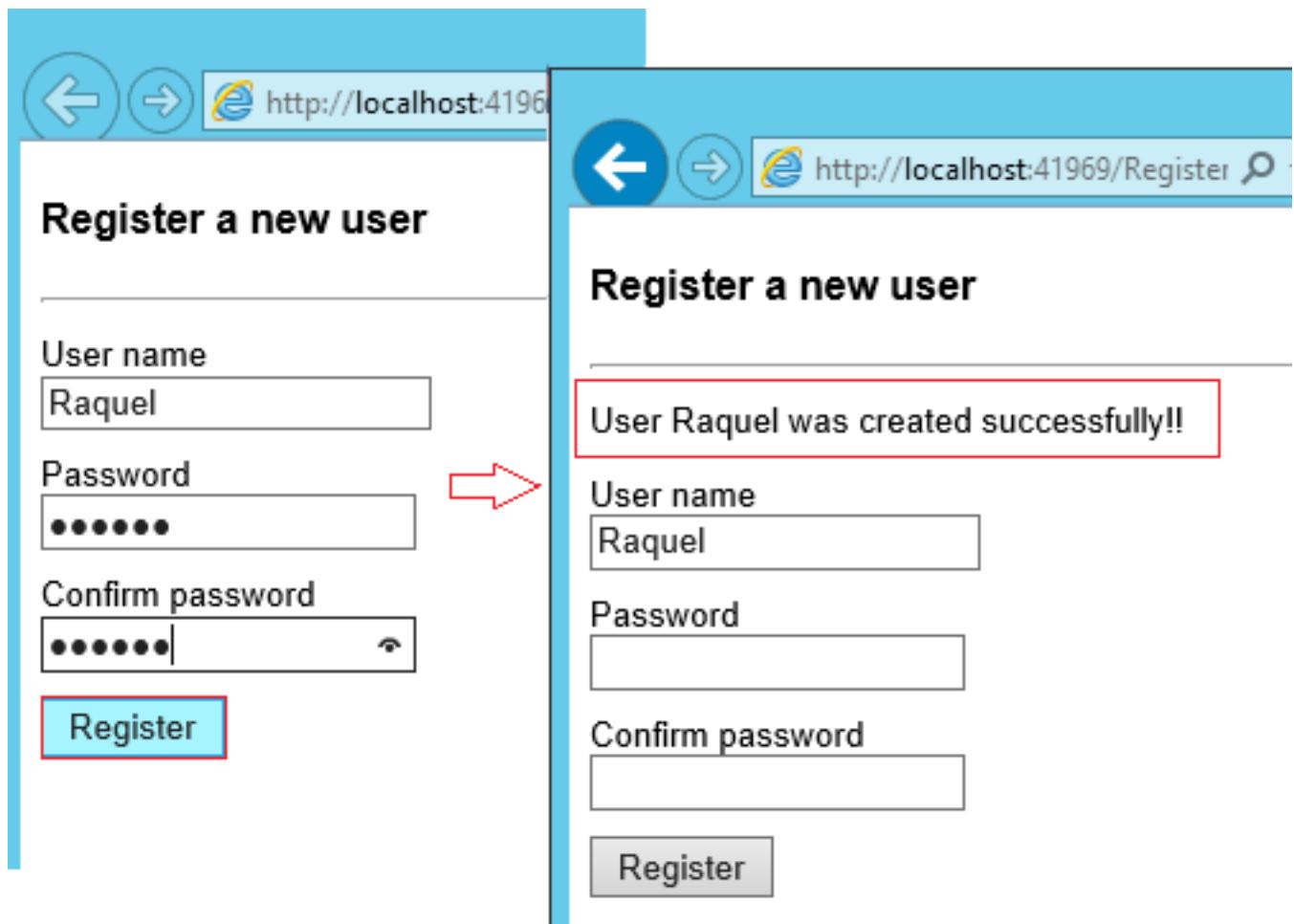
فایل `Web.config` پروژه را باز کنید و رشته اتصال جدیدی برای دیتابیس اطلاعات کاربران اضافه کنید. این دیتابیس در زمان اجرا (runtime) بصورت خودکار توسط EF ساخته می‌شود. این رشته اتصال شبیه به رشته اتصالی است که هنگام ایجاد پروژه بصورت

خودکار برای شما تنظیم می‌شود.

```
<?xml version="1.0" encoding="utf-8"?>
<!--
  For more information on how to configure your ASP.NET application, please visit
  http://go.microsoft.com/fwlink/?LinkId=169433
-->
<configuration>
  <configSections>
    <!-- For more information on Entity Framework configuration, visit
http://go.microsoft.com/fwlink/?LinkID=237468 -->
    <section name="entityFramework"
      type="System.Data.Entity.Internal.ConfigFile.EntityFrameworkSection, EntityFramework, Version=6.0.0.0,
      Culture=neutral, PublicKeyToken=b77a5c561934e089" requirePermission="false" />
  </configSections>
  <connectionStrings>
    <add name="DefaultConnection" connectionString="Data
Source=(LocalDb)\v11.0;AttachDbFilename=|DataDirectory|\WebFormsIdentity.mdf;Initial
Catalog=WebFormsIdentity;Integrated Security=True"
      providerName="System.Data.SqlClient" />
  </connectionStrings>
  <system.web>
    <compilation debug="true" targetFramework="4.5" />
    <httpRuntime targetFramework="4.5" />
  </system.web>
  <entityFramework>
    <defaultConnectionFactory type="System.Data.Entity.Infrastructure.LocalDbConnectionFactory,
      EntityFramework">
      <parameters>
        <parameter value="v11.0" />
      </parameters>
    </defaultConnectionFactory>
    <providers>
      <provider invariantName="System.Data.SqlClient"
        type="System.Data.Entity.SqlServer.SqlProviderServices, EntityFramework.SqlServer" />
    </providers>
  </entityFramework>
</configuration>
```

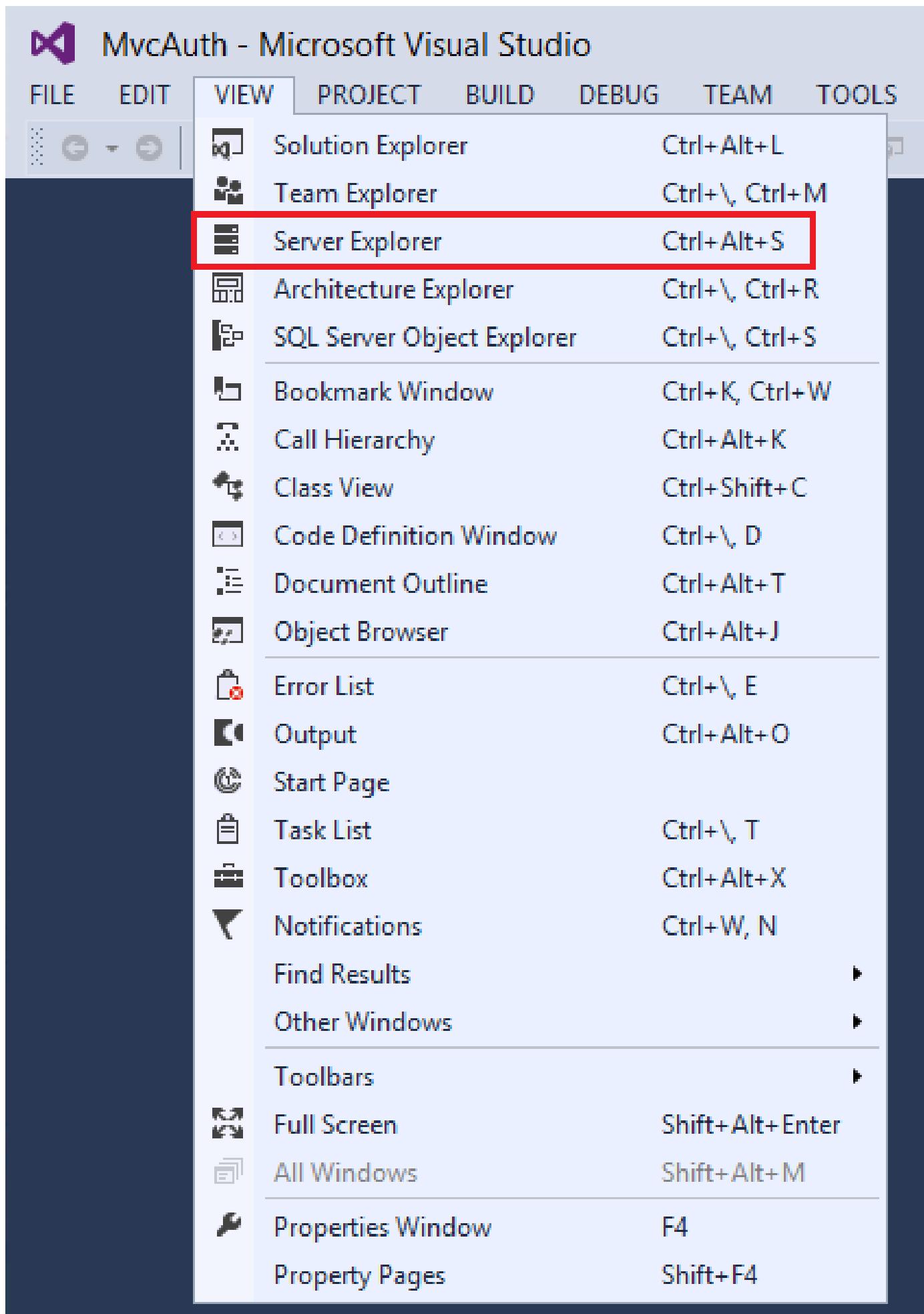
همانطور که مشاهده می‌کنید نام این رشته اتصال *DefaultConnection* است.

روی فایل Register.aspx کلیک راست کنید و گزینه **Set As Start Page** را انتخاب کنید. اپلیکیشن خود را با کلیدهای ترکیبی **Ctrl + F5** اجرا کنید که تمام پروژه را کامپایل نیز خواهد کرد. یک نام کاربری و کلمه عبور وارد کنید و روی **Register** کلیک کنید.



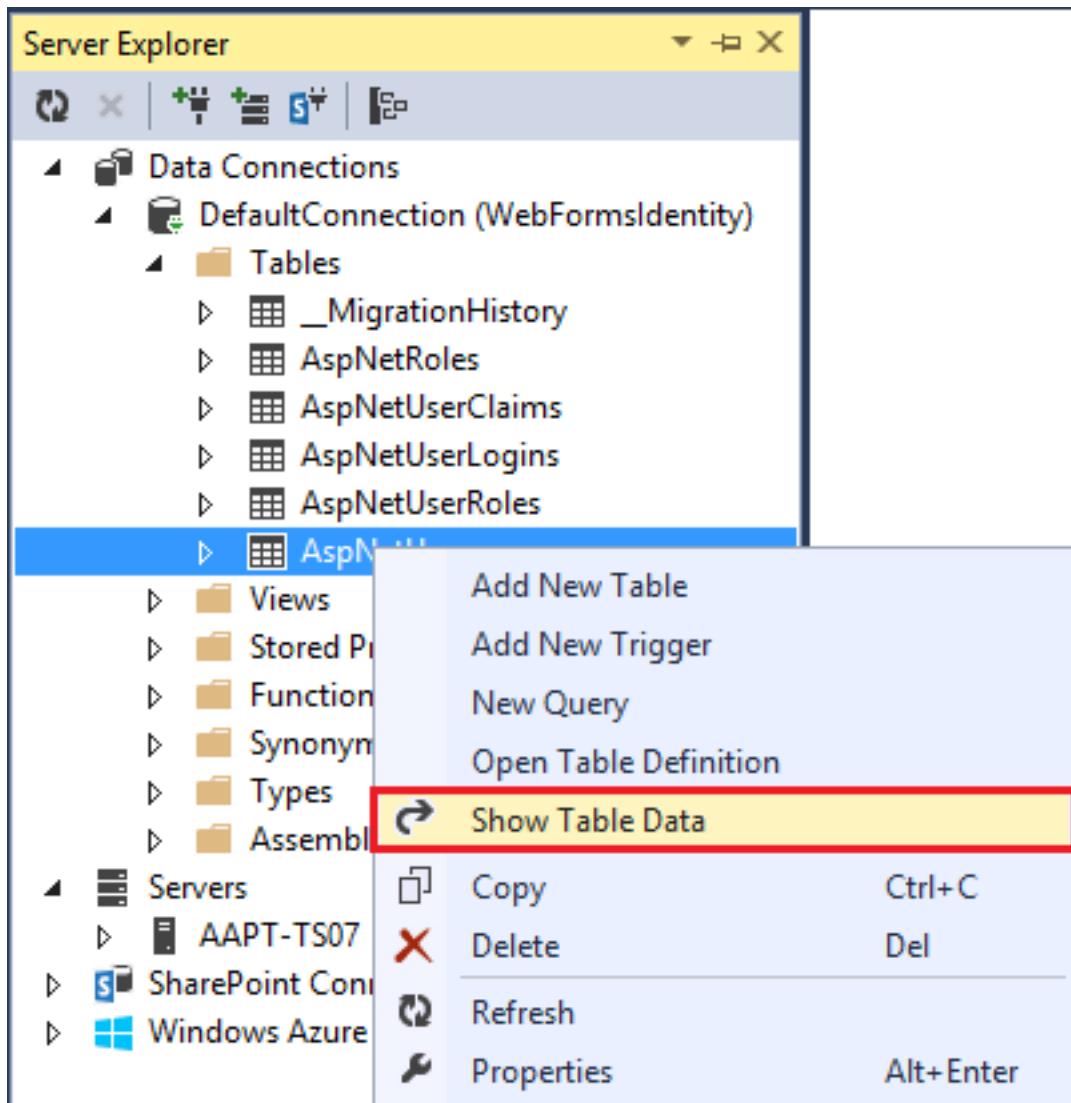
ASP.NET Identity از اعتبارسنجی نیز پشتیبانی می‌کند، مثلا در این مرحله می‌توانید از اعتبارسنج هایی که توسط Identity Core عرضه می‌شوند برای کنترل رفتار فیلد های نام کاربری و کلمه عبور استفاده کنید. اعتبارسنج پیش فرض کاربران (User) که UserValidator نام دارد خاصیتی با نام AllowOnlyAlphanumericUserNames دارد که مقدار پیش فرضش هم true است. اعتبارسنج پیش فرض کلمه عبور (MinimumLengthValidator) اطمینان حاصل می‌کند که کلمه عبور حداقل 6 کاراکتر باشد. این اعتبارسنج ها بصورت property در کلاس UserManager تعریف شده اند و می‌توانید آنها را overwrite کنید و اعتبارسنجی سفارشی خود را پیاده کنید. از آنجا که الگوی دیتابیس سیستم عضویت توسط Entity Framework مدیریت می‌شود، روی الگوی دیتابیس کنترل کامل دارید، پس از Data Annotations نیز می‌توانید استفاده کنید.

تایید دیتابیس LocalDbIdentity که توسط EF ساخته می‌شود از منوی View گزینه Server Explorer را انتخاب کنید.



گردد و **DefaultConnection (WebFormsIdentity)** را انتخاب کنید.

Show سپس **AspNetUsers** را باز کنید. روی جدول **Tables** کلیک راست کرده و **Table Data**



	Id	UserName	PasswordHash	SecurityStamp
▶	ca0-b79ad701433d	Raquel	AMmwIk9DNJf...	e12b7b1c-2aac...
*	NULL	NULL	NULL	NULL

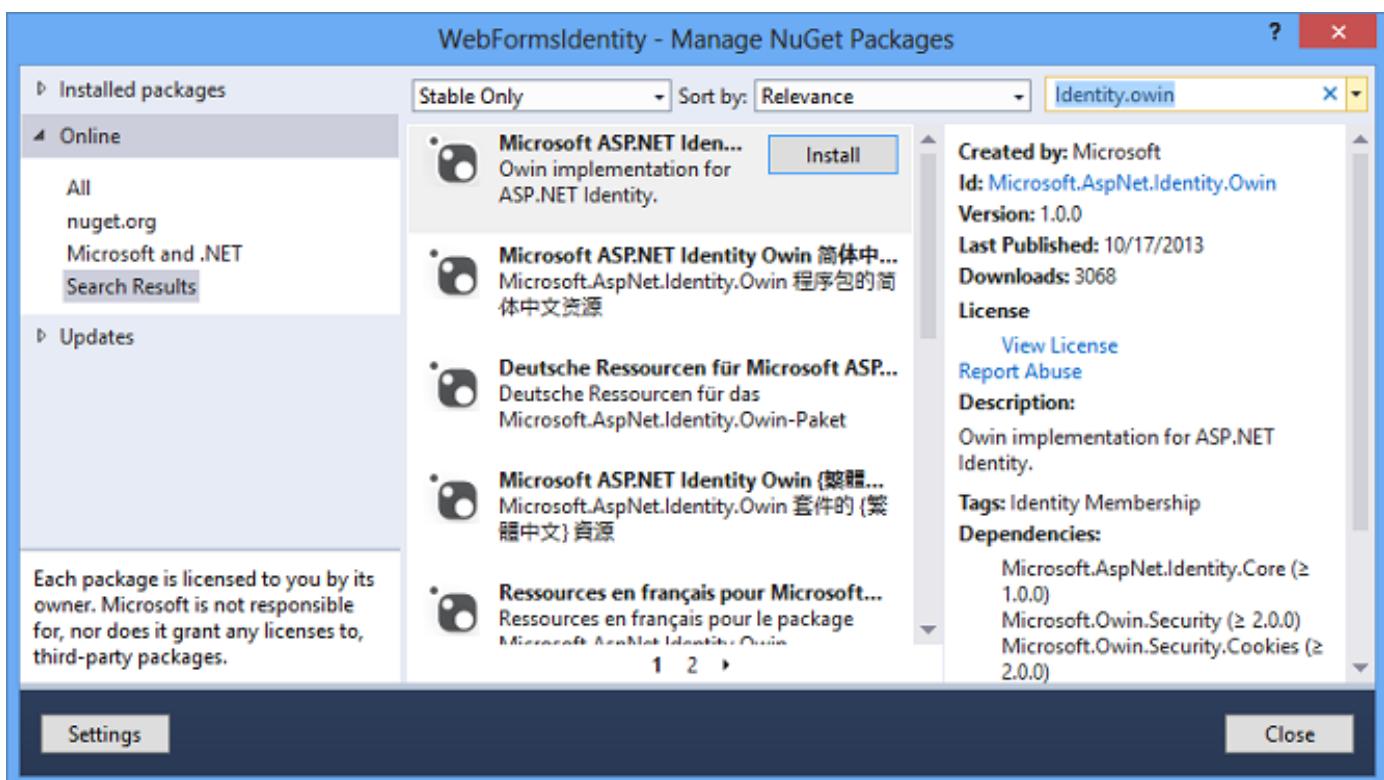
پیکربندی اپلیکیشن برای استفاده از احراز هویت OWIN

تا این مرحله ما تنها امکان ایجاد حساب‌های کاربری را فراهم کرده ایم. حال نیاز داریم امکان احراز هویت کاربران برای ورود آنها به سایت را فراهم کنیم. ASP.NET Identity برای احراز هویت مبتنی بر فرم (forms authentication) از OWIN Authentication استفاده می‌کند. مکانیزمی برای احراز هویت کاربران بر اساس claims و cookie است. این مکانیزم می‌تواند توسط Entity Framework روی OWIN یا IIS استفاده شود.

با چنین مدلی، می‌توانیم از پکیج‌های احراز هویت خود در فریم ورک‌های مختلف استفاده کنیم، مانند ASP.NET MVC و ASP.NET Web Forms. برای اطلاعات بیشتر درباره پروژه Katana و نحوه اجرای آن بصورت Host Agnostic به لینک [Getting Started with the Katana Project](#) مراجعه کنید.

نصب پکیج‌های احراز هویت روی پروژه

روی نام پروژه خود کلیک راست کرده و Manage NuGet Packages را انتخاب کنید. در قسمت جستجوی دیالوگ باز شده عبارت "Identity.Owin" را وارد کنید و این پکیج را نصب کنید.



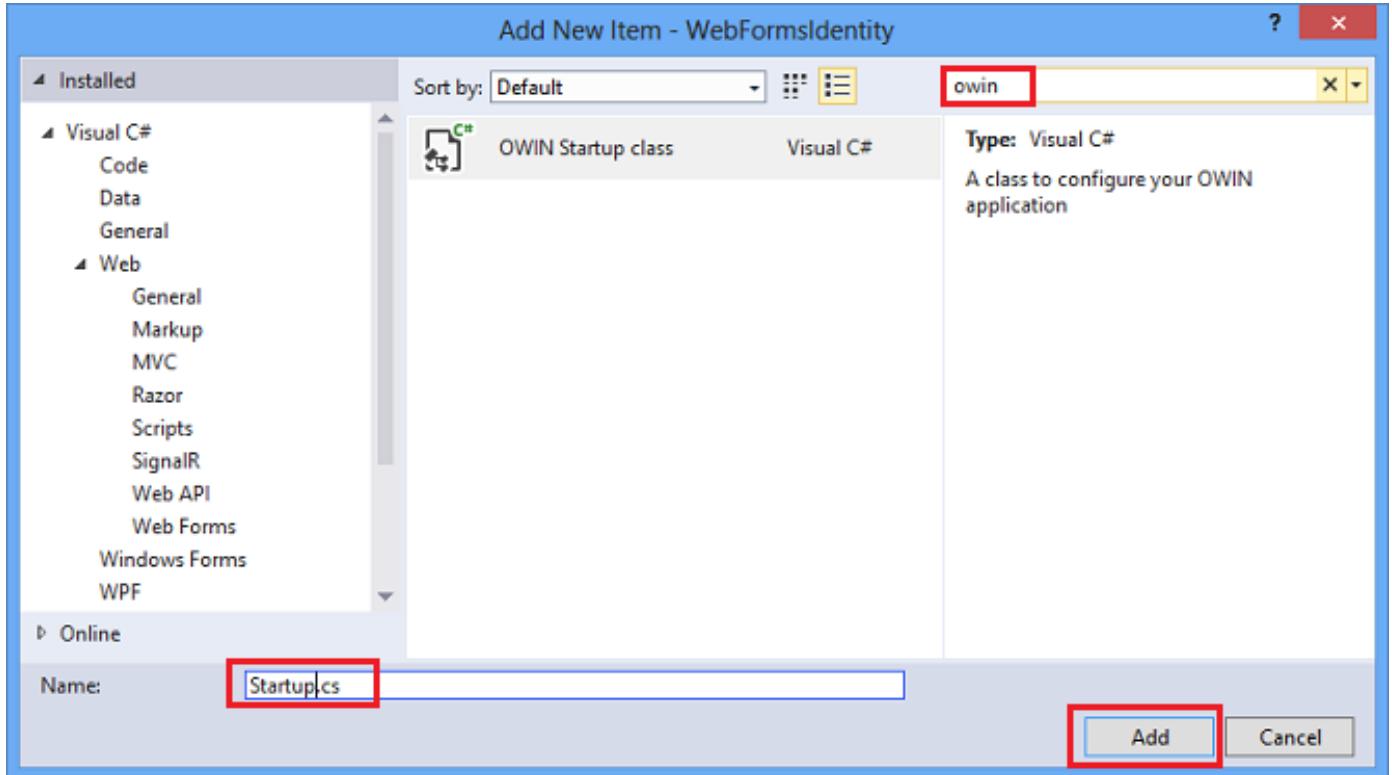
به دنبال پکیجی با نام Microsoft.Owin.Host.SystemWeb بگردید و آن را نیز نصب کنید.

پکیج Microsoft.AspNet.Identity.Owin حاوی یک سری کلاس Owin Extension است و امکان مدیریت و پیکربندی OWIN در پکیج‌های ASP.NET Identity Core Authentication می‌کند.

پکیج Microsoft.Owin.Host.SystemWeb حاوی یک سری اپلیکیشن‌های مبتنی بر OWIN است که اجرای اپلیکیشن‌های OWIN را روی IIS و ASP.NET ممکن می‌سازد. برای اطلاعات بیشتر به [OWIN Middleware in the IIS integrated Pipeline](#) مراجعه کنید.

افزودن کلاس‌های پیکربندی Authentication و Startup

روی پروژه خود کلیک راست کرده و گزینه Add New Item و سپس Add New Item را انتخاب کنید. در قسمت جستجوی دیالوگ باز شده عبارت "Startup" را وارد کنید. نام کلاس را "Startup" تعیین کرده و تایید کنید.



فایل Startup.cs را باز کنید و قطعه کد زیر را با محتویات آن جایگزین کنید تا احراز هویت OWIN Cookie Authentication پیکربندی شود.

```
using Microsoft.AspNet.Identity;
using Microsoft.Owin;
using Microsoft.Owin.Security.Cookies;
using Owin;

[assembly: OwinStartup(typeof(WebFormsIdentity.Startup))]

namespace WebFormsIdentity
{
    public class Startup
    {
        public void Configuration(IAppBuilder app)
        {
            // For more information on how to configure your application, visit
            http://go.microsoft.com/fwlink/?LinkId=316888
            app.UseCookieAuthentication(new CookieAuthenticationOptions
            {
                AuthenticationType = DefaultAuthenticationTypes.ApplicationCookie,
                LoginPath = new PathString("/Login")
            });
        }
    }
}
```

این کلاس حاوی خاصیت `OwinAttribute` است که کلاس راه انداز OWIN را نشانه گذاری می‌کند. هر اپلیکیشن OWIN یک کلاس راه انداز (`startup`) دارد که توسط آن می‌توانید کامپوننت‌های application pipeline را مشخص کنید. برای اطلاعات بیشتر درباره این مدل، به [OWIN Startup Class Detection](#) مراجعه فرمایید.

افزودن فرم‌های وب برای ثبت نام و ورود کاربران
فایل Register.cs را باز کنید و قطعه کد زیر را وارد کنید. این قسمت پس از ثبت نام موفقیت آمیز کاربر را به سایت وارد می‌کند.

```

using Microsoft.AspNet.Identity;
using Microsoft.AspNet.Identity.EntityFramework;
using Microsoft.Owin.Security;
using System;
using System.Linq;
using System.Web;

namespace WebFormsIdentity
{
    public partial class Register : System.Web.UI.Page
    {
        protected void CreateUser_Click(object sender, EventArgs e)
        {
            // Default UserStore constructor uses the default connection string named: DefaultConnection
            var userStore = new UserStore<IdentityUser>();
            var manager = new UserManager<IdentityUser>(userStore);
            var user = new IdentityUser() { UserName = UserName.Text };

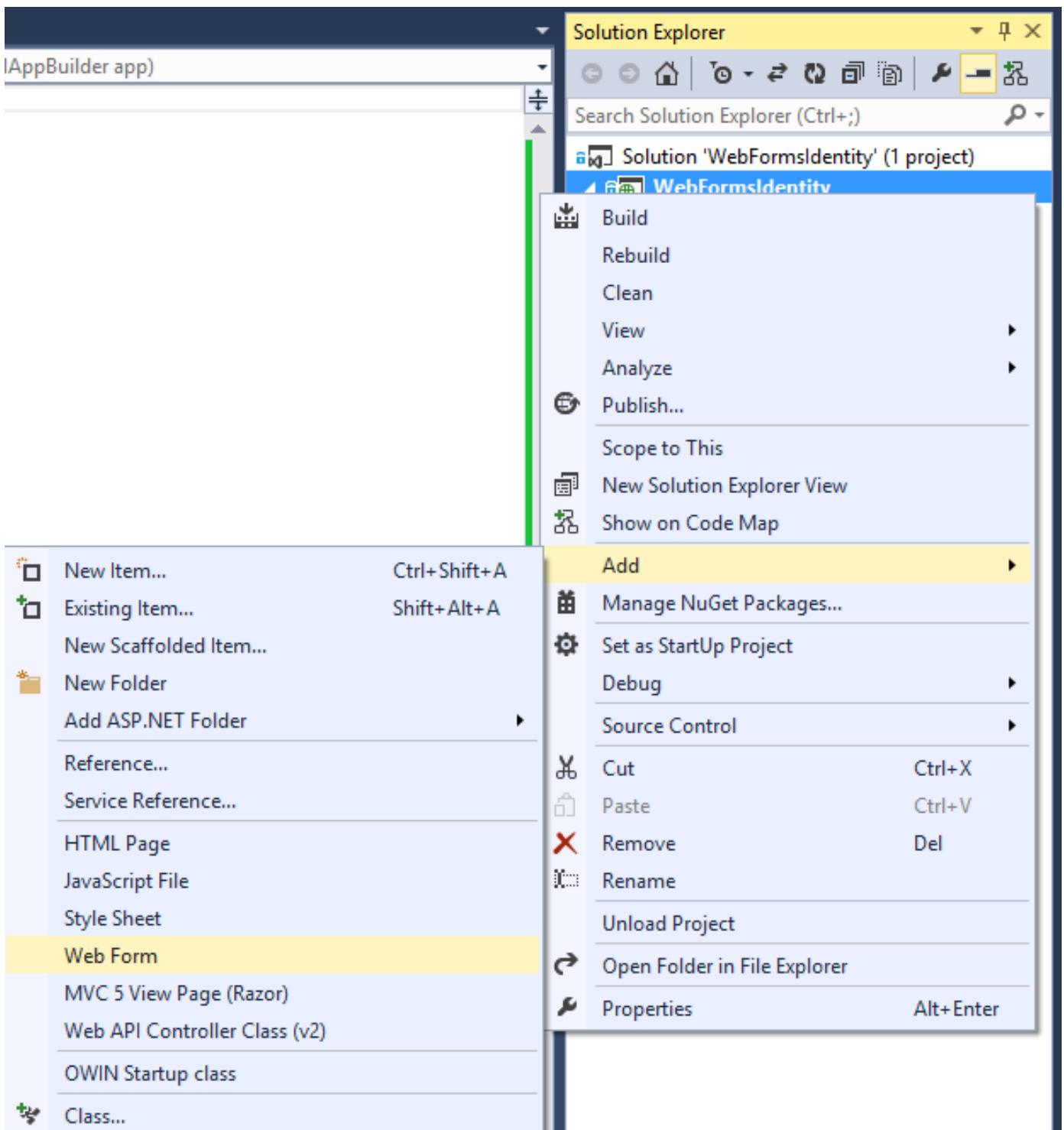
            IdentityResult result = manager.Create(user, Password.Text);

            if (result.Succeeded)
            {
                var authenticationManager = HttpContext.Current.GetOwinContext().Authentication;
                var userIdentity = manager.CreateIdentity(user,
DefaultAuthenticationTypes.ApplicationCookie);
                authenticationManager.SignIn(new AuthenticationProperties() { }, userIdentity);
                Response.Redirect("~/Login.aspx");
            }
            else
            {
                StatusMessage.Text = result.Errors.FirstOrDefault();
            }
        }
    }
}

```

از آنجا که OWIN Cookie Authentication و ASP.NET Identity هستند، فریم ورک از برنامه نویس اپلیکیشن انتظار دارد تا برای کاربر یک آبجکت از نوع [ClaimsIdentity](#) تولید کند. این آبجکت تمام اطلاعات اختیارات کاربر را در بر می‌گیرد، مثلاً اینکه کاربر به چه نقش‌هایی تعلق دارد. همچنین در این مرحله می‌توانید اختیارات (Claims) جدیدی به کاربر اضافه کنید.

شما با استفاده از `AuthenticationManager` که متعلق به OWIN است می‌توانید کاربر را به سایت وارد کنید. برای این کار شما متد `SignIn` را فراخوانی می‌کنید و آبجکتی از نوع `ClaimsIdentity` را به آن پاس می‌دهید. این کد کاربر را به سایت وارد می‌کند و یک کوکی برای او می‌سازد. این فراخوانی معادل همان [FormAuthentication.SetAuthCookie](#) است که توسط ماثول استفاده می‌شود. [FormsAuthentication](#) روی پروژه خود کلیک راست کرده، فرم وب جدیدی با نام `Login` بسازید.



فایل `Login.aspx` را باز کنید و کد زیر تغییر دهید.

```
<%@ Page Language="C#" AutoEventWireup="true" CodeBehind="Login.aspx.cs"
Inherits="WebFormsIdentity.Login" %>

<!DOCTYPE html>
<html xmlns="http://www.w3.org/1999/xhtml">
<head runat="server">
    <title></title>
</head>
<body style="font-family: Arial, Helvetica, sans-serif; font-size: small">
    <form id="form1" runat="server">
        <div>
```

```

<h4 style="font-size: medium">Log In</h4>
<hr />
<asp:PlaceHolder runat="server" ID="LoginStatus" Visible="false">
  <p>
    <asp:Literal runat="server" ID="StatusText" />
  </p>
</asp:PlaceHolder>
<asp:PlaceHolder runat="server" ID="LoginForm" Visible="false">
  <div style="margin-bottom: 10px">
    <asp:Label runat="server" AssociatedControlID="UserName">User name</asp:Label>
    <div>
      <asp:TextBox runat="server" ID="UserName" />
    </div>
  </div>
  <div style="margin-bottom: 10px">
    <asp:Label runat="server" AssociatedControlID="Password">Password</asp:Label>
    <div>
      <asp:TextBox runat="server" ID="Password" TextMode="Password" />
    </div>
  </div>
  <div style="margin-bottom: 10px">
    <div>
      <asp:Button runat="server" OnClick="SignIn" Text="Log in" />
    </div>
  </div>
</asp:PlaceHolder>
<asp:PlaceHolder runat="server" ID="LogoutButton" Visible="false">
  <div>
    <div>
      <asp:Button runat="server" OnClick="SignOut" Text="Log out" />
    </div>
  </div>
</asp:PlaceHolder>
</div>
</form>
</body>
</html>

```

محتوای فایل *Login.aspx.cs* را نیز مانند لیست زیر تغییر دهید.

```

using Microsoft.AspNet.Identity;
using Microsoft.AspNet.Identity.EntityFramework;
using Microsoft.Owin.Security;
using System;
using System.Web;
using System.Web.UI.WebControls;

namespace WebFormsIdentity
{
  public partial class Login : System.Web.UI.Page
  {
    protected void Page_Load(object sender, EventArgs e)
    {
      if (!IsPostBack)
      {
        if (User.Identity.IsAuthenticated)
        {
          StatusText.Text = string.Format("Hello {0}!", User.Identity.GetUserName());
          LoginStatus.Visible = true;
          LogoutButton.Visible = true;
        }
        else
        {
          LoginForm.Visible = true;
        }
      }
    }

    protected void SignIn(object sender, EventArgs e)
    {
      var userStore = new UserStore<IdentityUser>();
      var userManager = new UserManager<IdentityUser>(userStore);
      var user = userManager.Find(UserName.Text, Password.Text);

      if (user != null)
      {
        var authenticationManager = HttpContext.Current.GetOwinContext().Authentication;
        var userIdentity = userManager.CreateIdentity(user,

```

```
DefaultAuthenticationTypes.ApplicationCookie);

        authenticationManager.SignIn(new AuthenticationProperties() { IsPersistent = false },
userIdentity);
        Response.Redirect("~/Login.aspx");
    }
else
{
    StatusText.Text = "Invalid username or password.";
    LoginStatus.Visible = true;
}
}

protected void SignOut(object sender, EventArgs e)
{
    var authenticationManager = HttpContext.Current.GetOwinContext().Authentication;
    authenticationManager.SignOut();
    Response.Redirect("~/Login.aspx");
}
}
}
```

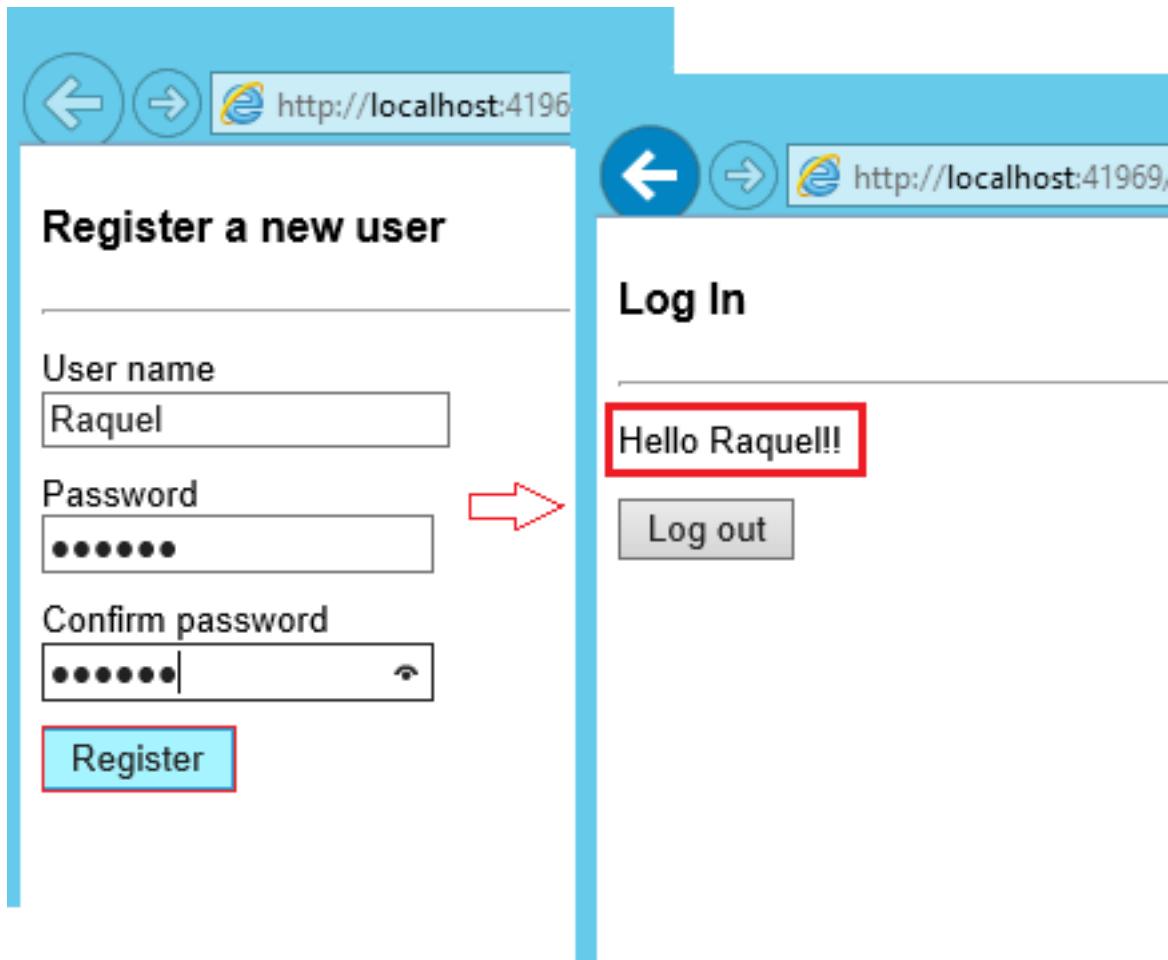
متدهای `Page_Load` حالا وضعیت کاربر جاری را بررسی می‌کند و بر اساس وضعیت `Context.User.Identity.IsAuthenticated` تصمیم گیری می‌کند.

نمایش نام کاربر جاری: فریم ورک `ASP.NET Identity` روی [System.Security.Principal.Identity](#) متدهایی نوشته است که به شما امکان دریافت نام و شناسه کاربر جاری را می‌دهد. این متدها در اسمبلی `Microsoft.AspNet.Identity.Core` وجود دارند. این متدها جایگزین [HttpContext.User.Identity.Name](#) هستند.

متدهای `SignIn`

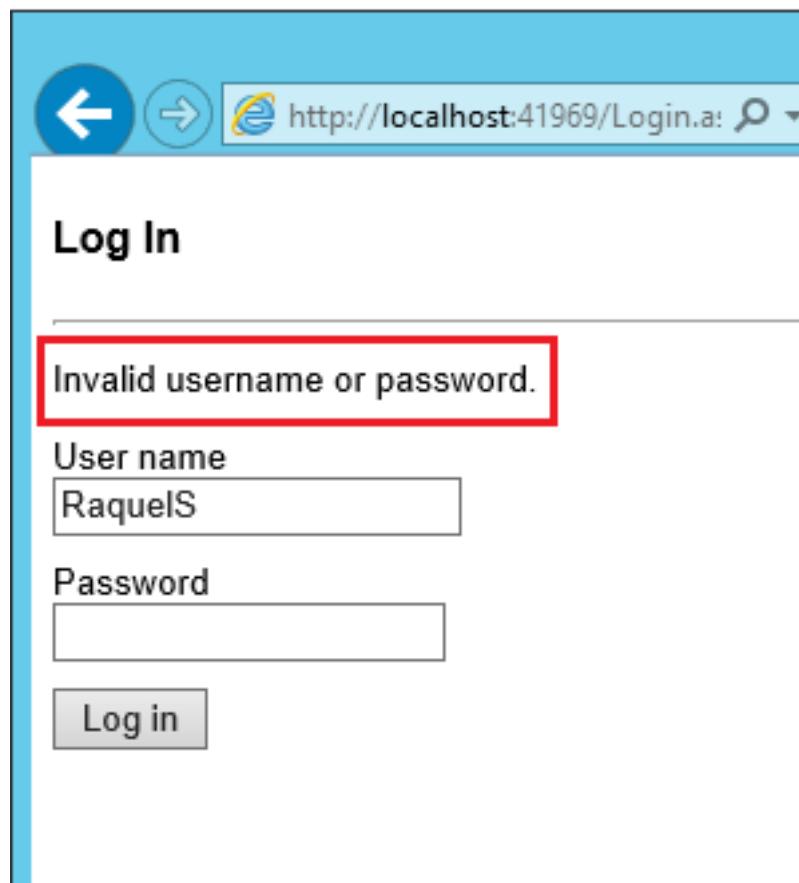
این متدهای `CreateUser_Click` را که پیشتر بصورت خودکار ایجاد شده جایگزین می‌کند و پس از ایجاد موفقیت آمیز حساب کاربری، کاربر جاری را به سایت وارد می‌کند. فریم ورک `OWIN` متدهایی روی `System.Web.HttpContext` افزوده است که به شما این امکان را می‌دهند که یک ارجاع از نوع `IWinContext` بگیرید. این متدها در اسمبلی `Microsoft.Owin.Host.SystemWeb` وجود دارند. کلاس `OwinContext` خاصیتی از نوع `IAuthenticationManager` دارد که امکانات احراز هویت موجود برای درخواست جاری را معرفی می‌کند.

پروژه را با `Ctrl + F5` اجرا کنید و کاربر جدیدی بسازید. پس از وارد کردن نام کاربری و کلمه عبور و کلیک کردن دکمه `Register` باید بصورت خودکار به سایت وارد شوید و نام خود را مشاهده کنید.



همانطور که مشاهده می‌کنید در این مرحله حساب کاربری جدید ایجاد شده و به سایت وارد شده است. روی Log out کلیک کنید تا از سایت خارج شوید. پس از آن باید به صفحه ورود هدایت شوید.
حالا یک نام کاربری یا کلمه عبور نامعتبر وارد کنید و روی Log in کلیک کنید.

متد UserManager.Find مقدار null بر می‌گرداند، بنابراین پیام خطای "Invalid username or password" نمایش داده خواهد شد.



نظرات خوانندگان

نویسنده: Programmer
تاریخ: ۱۴:۴۱ ۱۳۹۲/۱۰/۱۹

با عرض سلام و تشکر بابت ترجمه روانتون. خیلی وقت بود که منتظر همچین پستی بودم. اینکه بشه با EF عملیات احراز هویت رو با مکانیسمی قویتر از Membership انجام داد. اگر ممکنه همین مثال رو در قالب پروژه MVC انجام بدید. ممنون

نویسنده: آرمین ضیاء
تاریخ: ۱۸:۹ ۱۳۹۲/۱۰/۱۹

سلام، متشرکم.

ASP.NET Identity بصورت پیش فرض در قالب پروژه های VS 2013 استفاده میشه. در پست های قبلی بیشتر درباره این فریم بحث شده که می تونید مراجعه کنید. برای اطلاعات بیشتر به [ASP.NET Identity](#) سر بزنید.

نویسنده: کامران
تاریخ: ۱۶:۰ ۱۳۹۲/۱۲/۲۶

سلام.

من اگر بخواهم لیست کاربرایی که یک نقش خاص مثل "Admin" رو دارن لیست کنم چطور میتونم دسترسی داشته باشم؟

نویسنده: غلامرضا
تاریخ: ۳:۴۹ ۱۳۹۳/۰۵/۳۰

سلام و میبخشید آیا به غیر از روش ایداعی [این سایت](#) روش دیگه ای برای استفاده از identity با db first وجود دارد؟ اگه هست لطفا راهنمایی کنید.

نویسنده: غلامرضا
تاریخ: ۱۶:۳۲ ۱۳۹۳/۰۵/۳۱

جواب رو پیدا کردم اینم لینکش. [فیلم](#)

کتابخانه‌ای برای تولید و ارسال ایمیل توسط نماهای ASP.NET MVC است. برای شروع این کتابخانه را به پروژه خود اضافه کنید. پنجره **Package Manager Console** را باز کرده و فرمان زیر را اجرا کنید.

```
PM> Install-Package Postal
```

شروع به کار با **Postal** در کنترلرهای خود را در کد زیر مشاهده می‌کنید.

```
using Postal;

public class HomeController : Controller
{
  public ActionResult Index()
  {
    dynamic email = new Email("Example");
    email.To = "webninja@example.com";
    email.FunnyLink = DB.GetRandomLolcatLink();
    email.Send();
    return View();
  }
}
```

نمای ایمیل را در مسیر `Views\Emails\Example.cshtml` جستجو می‌کند.

```
To: @ViewBag.To
From: lolcats@website.com
Subject: Important Message
```

```
Hello,
You wanted important web links right?
Check out this: @ViewBag.FunnyLink
```

```
<3
```

پیکربندی **SMTP**

ایمیل‌ها را توسط **SmtpClient** ارسال می‌کند که در فریم‌ورک دات نت موجود است. تنظیمات **SMTP** را می‌توانید در فایل `web.config` خود پیکربندی کنید. برای اطلاعات بیشتر به [MSDN Documentation](#) مراجعه کنید.

```
<configuration>
  ...
  <system.net>
    <mailSettings>
      <smtp deliveryMethod="network">
        <network host="example.org" port="25" defaultCredentials="true"/>
      </smtp>
    </mailSettings>
  </system.net>
  ...
</configuration>
```

ایمیل‌های **Strongly-typed**

همه خوششان نمی‌آید از آبجکت‌های دینامیک استفاده کنند. علاوه بر آن آبجکت‌های دینامیک مشکلاتی هم دارند. مثلًا قابلیت

قدم اول - کلاسی تعریف کنید که از Email ارث بری می‌کند.

```
namespace App.Models
{
    public class ExampleEmail : Email
    {
        public string To { get; set; }
        public string Message { get; set; }
    }
}
```

قدم دوم - از این کلاس استفاده کنید!

```
public void Send()
{
    var email = new ExampleEmail
    {
        To = "hello@world.com",
        Message = "Strong typed message"
    };
    email.Send();
}
```

قدم سوم - نمایی ایجاد کنید که از مدل شما استفاده می‌کند. نام نما، بر اساس نام کلاس مدل انتخاب شده است. بنابراین مثلاً نمایی با نام Example.cshtml نمایی با نام ExampleEmail لازم دارد.

```
@model App.Models.ExampleEmail
To: @Model.To
From: postal@example.com
Subject: Example

Hello,
@Model.Message
Thanks!
```

آزمون‌های واحد (Unit Testing)

هنگام تست کردن کدهایی که با Postal کار می‌کنند، یکی از کارهایی که می‌خواهید انجام دهید حصول اطمینان از ارسال شدن ایمیل‌ها است. البته در بدنه تست‌ها نمی‌خواهیم هیچ ایمیلی ارسال شود.

یک قرارداد بnam IEmailService و یک پیاده سازی پیش فرض از آن بنام EmailService ارائه می‌کند، که در واقع ایمیل‌ها را ارسال هم می‌کند. با در نظر گرفتن این پیش فرض که شما از یک IoC Container استفاده می‌کنید (مانند StructureMap)، آن را طوری پیکربندی کنید تا یک نمونه از IEmailService به کنترلرهای تزریق کند. سپس از این سرویس برای ارسال آبجکت‌های ایمیل‌ها استفاده کنید (بجای فراخوانی متدهای EmailService).

```
public class ExampleController : Controller
{
    public ExampleController(IEmailService emailService)
    {
        this.emailService = emailService;
    }

    readonly IEmailService emailService;

    public ActionResult Index()
    {
        dynamic email = new Email("Example");
        // ...
        emailService.Send(email);
        return View();
    }
}
```

این کنترلر را با ساختن یک Mock از اینترفیس `IEmailService` تست کنید. یک مثال با استفاده از [FakeItEasy](#) را در زیر مشاهده می‌کنید.

```
[Test]
public void ItSendsEmail()
{
    var emailService = A.Fake<IEmailService>();
    var controller = new ExampleController(emailService);
    controller.Index();
    A.CallTo(() => emailService.Send(A<Email>._))
        .MustHaveHappened();
}
```

ایمیل‌های ساده و

ارسال ایمیل‌های ساده (`plain text`) و HTML را بسیار ساده می‌کند. قدم اول - نمای اصلی را بسازید. این نما `header` را خواهد داشت و نماهای مورد نیاز را هم رفرانس می‌کند. مسیر نما `\Views\Emails\Example.cshtml` است.

```
To: test@test.com
From: example@test.com
Subject: Fancy email
Views: Text, Html
```

قدوم دوم - نمای تکست را ایجاد کنید. به قوانین نامگذاری دقต کنید، `Example.Text.cshtml` به `Example.cshtml` مسیر فایل `\Views\Emails\Example.Text.cshtml` است.

```
Content-Type: text/plain; charset=utf-8

Hello @ViewBag.PersonName,
This is a message
```

دقت داشته باشید که تنها یک `Content-Type` باید تعریف کنید.

قدم سوم - نمای HTML را ایجاد کنید (باز هم فقط با یک `Content-Type`). مسیر فایل `\Views\Emails\Example.Html.cshtml` است.

```
Content-Type: text/html; charset=utf-8

<html>
  <body>
    <p>Hello @ViewBag.PersonName,</p>
    <p>This is a message</p>
  </body>
</html>
```

ضمیمه‌ها

برای افزودن ضمایم خود به ایمیل‌ها، متده `Attach` را فراخوانی کنید.

```
dynamic email = new Email("Example");
email.Attach(new Attachment("c:\\attachment.txt"));
email.Send();
```

جاسازی تصاویر در ایمیل‌ها

یک `HTML Helper` `Postal` دارد که امکان جاسازی (`embedding`) تصاویر در ایمیل‌ها را فراهم می‌کند. دیگر نیازی نیست به یک URL خارجی اشاره کنید.

ابتدا مطمئن شوید که فایل web.config شما فضای نام Postal را اضافه کرده است. این کار دسترسی به HTML Helper مذکور در نمایهای ایمیل را ممکن می‌سازد.

```
<configuration>
  <system.web.webPages.razor>
    <pages pageBaseType="System.Web.Mvc.WebViewPage">
      <namespaces>
        <add namespace="Postal" />
      </namespaces>
    </pages>
  </system.web.webPages.razor>
</configuration>
```

متدهای **EmbedImage** تصویر مورد نظر را در ایمیل شما جاسازی می‌کند و توسط یک تگ `` آن را رفرنس می‌کند.

To: john@example.org
From: app@example.org
Subject: Image

```
@Html.EmbedImage("~/content/postal.jpg")
```

سعی می‌کند تا نام فایل تصویر را، بر اساس مسیر تقریبی ریشه اپلیکیشن شما تعیین کند.

ASP.NET بیرون از Postal

می‌تواند نمایهای ایمیل‌ها را بیرون از فضای ASP.NET Postal رندر کند. مثلا در یک اپلیکیشن کنسول یا یک سرویس ویندوز. این امر توسط یک View Engine سفارشی میسر می‌شود. تنها نمایهای Razor پشتیبانی می‌شوند. نمونه کدی را در زیر مشاهده می‌کنید.

```
using Postal;

class Program
{
    static void Main(string[] args)
    {
        // Get the path to the directory containing views
        var viewsPath = Path.GetFullPath(@"..\..\Views");

        var engines = new ViewEngineCollection();
        engines.Add(new FileSystemRazorViewEngine(viewsPath));

        var service = new EmailService(engines);

        dynamic email = new Email("Test");
        // Will look for Test.cshtml or Test.vbhtml in Views directory.
        email.Message = "Hello, non-asp.net world!";
        service.Send(email);
    }
}
```

محدودیت‌ها: نمی‌توانید برای نمای ایمیل هایتان از Layout‌ها استفاده کنید. همچنین در نمایهای خود تنها از مدل‌ها (Models) می‌توانید استفاده کنید، و نه ViewBag.

برای در برداشتن نام، در آدرس ایمیل از فرمت زیر استفاده کنید: Email Headers

To: John Smith <john@example.org>

برخی از header‌ها می‌توانند چند مقدار داشته باشند. مثلا Bcc و CC. اینگونه مقادیر را می‌توانید به دو روش در نمای خود تعریف کنید: جدا کردن مقادیر با کاما:

Bcc: john@smith.com, harry@green.com
Subject: Example

etc

:header و یا تکرار

```
Bcc: john@smith.com  
Bcc: harry@green.com  
Subject: Example
```

etc

ساختن ایمیل بدون ارسال آن

لازم نیست برای ارسال ایمیل هایتان به `Postal` تکیه کنید. در عوض می‌توانید یک آبجکت از نوع `System.Net.Mail.MailMessage` تولید کنید و به هر نحوی که می‌خواهید آن را پردازش کنید. مثلاً شاید بخواهید بجای ارسال ایمیل‌ها، آنها را به یک صفحه پیام مثل `MSMQ` انتقال دهید یا بعداً توسط سرویس دیگری ارسال شوند. این آبجکت `MailMessage` تمامی `Header`‌ها، محتوای اصلی ایمیل و ضمایم را در بر خواهد گرفت.

کلاس `EmailService` در `Postal` متدهای `CreateMailMessage` و `CustomProcessMailMessage` را فراهم می‌کند.

```
public class ExampleController : Controller  
{  
    public ExampleController(IEmailService emailService)  
    {  
        this.emailService = emailService;  
    }  
  
    readonly IEmailService emailService;  
  
    public ActionResult Index()  
    {  
        dynamic email = new Email("Example");  
        // ...  
  
        var message = emailService.CreateMailMessage(email);  
        CustomProcessMailMessage(message);  
  
        return View();  
    }  
}
```

در این پست با امکانات اصلی کتابخانه `Postal` آشنا شدید و دیدید که به سادگی می‌توانید ایمیل‌های `Razor` بسازید. برای اطلاعات بیشتر لطفاً به [سایت پژوهه Postal](#) مراجعه کنید.

مکانیزم مسیریابی ASP.NET MVC است، که یک URI را به یک اکشن متده نگاشت می‌کند. ۵ MVC نوع جدیدی از مسیریابی را پشتیبانی می‌کند که Attribute Routing یا مسیریابی نشانه‌ای نام دارد. همانطور که از نامش پیداست، مسیریابی نشانه‌ای از Attribute ها برای این امر استفاده می‌کند. این روش به شما کنترل بیشتری روی URL‌های API‌های اپلیکیشن تان می‌دهد.

مدل قبلی مسیریابی (conventional-routing) هنوز کاملاً پشتیبانی می‌شود. در واقع می‌توانید هر دو تکنیک را بعنوان مکمل یکدیگر در یک پروژه استفاده کنید.

در این پست قابلیت‌ها و گزینه‌های اساسی مسیریابی نشانه‌ای را بررسی می‌کنیم.

چرا مسیریابی نشانه‌ای؟

فعال سازی مسیریابی نشانه‌ای

پارامترهای اختیاری URI و مقادیر پیش فرض

پیشوند مسیرها

مسیر پیش فرض

محدودیت‌های مسیرها محدودیت‌های سفارشی

نام مسیرها

(Areas)

چرا مسیریابی نشانه‌ای

برای مثال یک وب سایت تجارت آنلاین بهینه شده اجتماعی، می‌تواند مسیرهایی مانند لیست زیر داشته باشد:

{productId:int}/{productTitle}

نگاشت می‌شود به: ProductsController.Show(int id)

{username}

نگاشت می‌شود به: ProfilesController.Show(string username)

{username}/catalogs/{catalogId:int}/{catalogTitle}

نگاشت می‌شود به: CatalogsController.Show(string username, int catalogId)

در نسخه قبلی ASP.NET MVC، قوانین مسیریابی در فایل RouteConfig.cs تعریف می‌شدند، و اشاره به اکشن‌های کنترلرهای نحو زیر انجام می‌شد:

```
routes.MapRoute(
    name: "ProductPage",
    url: "{productId}/{productTitle}",
    defaults: new { controller = "Products", action = "Show" },
    constraints: new { productId = "\d+" })
);
```

هنگامی که قوانین مسیریابی در کنار اکشن‌متدات تعريف می‌شوند، يعني در یک فایل سورس و نه در یک کلاس پیکربندی خارجی، درک و فهم نگاشت URL‌ها به اکشن‌ها واضح‌تر و راحت‌می‌شود. تعريف مسیر قبلی، می‌تواند توسط یک attribute ساده بدین صورت نگاشت شود:

```
[Route("{productId:int}/{productTitle}")]
public ActionResult Show(int productId) { ... }
```

برای فعال سازی مسیریابی نشانه ای، متده `MapMvcAttributeRoutes()` را هنگام پیکربندی فراخوانی کنید.

```
public class RouteConfig
{
    public static void RegisterRoutes(RouteCollection routes)
    {
        routes.IgnoreRoute("{resource}.axd/{*pathInfo}");
        routes.MapMvcAttributeRoutes();
    }
}
```

همچنین می توانید مدل قبلی مسیریابی را با تکنیک جدید تلفیق کنید.

```
public static void RegisterRoutes(RouteCollection routes)
{
    routes.IgnoreRoute("{resource}.axd/{*pathInfo}");
    routes.MapMvcAttributeRoutes();

    routes.MapRoute(
        name: "Default",
        url: "{controller}/{action}/{id}",
        defaults: new { controller = "Home", action = "Index", id = UrlParameter.Optional }
    );
}
```

پارامترهای اختیاری URI و مقادیر پیش فرض

می توانید با اضافه کردن یک علامت سوال به پارامترهای مسیریابی، آنها را `optional` یا اختیاری کنید. برای تعیین مقدار پیش فرض هم از فرمت `parameter=value` استفاده می کنید.

```
public class BooksController : Controller
{
    // eg: /books
    // eg: /books/1430210079
    [Route("books/{isbn?}")]
    public ActionResult View(string isbn)
    {
        if (!String.IsNullOrEmpty(isbn))
        {
            return View("OneBook", GetBook(isbn));
        }
        return View("AllBooks", GetBooks());
    }

    // eg: /books/lang
    // eg: /books/lang/en
    // eg: /books/lang/he
    [Route("books/lang/{lang=en}")]
    public ActionResult ViewByLanguage(string lang)
    {
        return View("OneBook", GetBooksByLanguage(lang));
    }
}
```

در این مثال، هر دو مسیر `/books` و `/books/1430210079` به اکشن متده `View` نگاشت می شوند، مسیر اول تمام کتاب ها را لیست می کند، و مسیر دوم جزئیات کتابی مشخص را لیست می کند. هر دو مسیر `/books/lang` و `/books/lang/en` به یک شکل نگاشت می شوند، چرا که مقدار پیش فرض این پارامتر `en` تعریف شده.

پیشوند مسیرها (Route Prefixes)

برخی اوقات، تمام مسیرها در یک کنترلر با یک پیشوند شروع می شوند. عنوان مثال:

```
public class ReviewsController : Controller
{
    // eg: /reviews
```

```
[Route("reviews")]
public ActionResult Index() { ... }
// eg: /reviews/5
[Route("reviews/{reviewId}")]
public ActionResult Show(int reviewId) { ... }
// eg: /reviews/5/edit
[Route("reviews/{reviewId}/edit")]
public ActionResult Edit(int reviewId) { ... }
}
```

همچنین می‌توانید با استفاده از خاصیت [RoutePrefix] یک پیشوند عمومی برای کل کنترلر تعریف کنید:

```
[RoutePrefix("reviews")]
public class ReviewsController : Controller
{
    // eg.: /reviews
    [Route]
    public ActionResult Index() { ... }
    // eg.: /reviews/5
    [Route("{reviewId}")]
    public ActionResult Show(int reviewId) { ... }
    // eg.: /reviews/5/edit
    [Route("{reviewId}/edit")]
    public ActionResult Edit(int reviewId) { ... }
}
```

در صورت لزوم، می‌توانید برای بازنویسی (override) پیشوند مسیرها از کاراکتر ~ استفاده کنید:

```
[RoutePrefix("reviews")]
public class ReviewsController : Controller
{
    // eg.: /spotlight-review
    [Route("~/spotlight-review")]
    public ActionResult ShowSpotlight() { ... }

    ...
}
```

مسیر پیش فرض

می‌توانید خاصیت [Route] را روی کنترلر اعمال کنید، تا اکشن متدهای این کنترلر را بعنوان یک پارامتر بگیرید. این مسیر سپس روی تمام اکشن متدات این کنترلر اعمال می‌شود، مگر آنکه یک [Route] بخصوص روی اکشن‌ها تعریف شده باشد.

```
[RoutePrefix("promotions")]
[Route("{action=index}")]
public class ReviewsController : Controller
{
    // eg.: /promotions
    public ActionResult Index() { ... }

    // eg.: /promotions/archive
    public ActionResult Archive() { ... }

    // eg.: /promotions/new
    public ActionResult New() { ... }

    // eg.: /promotions/edit/5
    [Route("edit/{promoId:int}")]
    public ActionResult Edit(int promoId) { ... }
}
```

محدودیت‌های مسیر ها

با استفاده از Route Constraints می‌توانید نحوه جفت شدن پارامترها در قالب مسیریابی را محدود و کنترل کنید. فرمت کلی {parameter:constraint} است. بعنوان مثال:

```
// eg: /users/5
[Route("users/{id:int}")]
public ActionResult GetUserById(int id) { ... }

// eg: users/ken
[Route("users/{name}")]
public ActionResult GetUserByName(string name) { ... }
```

در اینجا، مسیر اول تنها در صورتی انتخاب می‌شود که قسمت `id` در URI یک مقدار `integer` باشد. در غیر اینصورت مسیر دوم انتخاب خواهد شد.

جدول زیر `constraint` هایی که پشتیبانی می‌شوند را لیست می‌کند.

محدودیت	توضیحات	مثال
alpha	کاراکترهای الفبای لاتین را تطبیق (match) می‌دهد (a-z, A-Z).	{x:alpha}
bool	یک مقدار منطقی را تطبیق می‌دهد.	{x:bool}
datetime	یک مقدار <code>DateTime</code> را تطبیق می‌دهد.	{x:datetime}
decimal	یک مقدار پولی را تطبیق می‌دهد.	{x:decimal}
double	یک مقدار اعشاری 64 بیتی را تطبیق می‌دهد.	{x:double}
float	یک مقدار اعشاری 32 بیتی را تطبیق می‌دهد.	{x:float}
guid	یک مقدار GUID را تطبیق می‌دهد.	{x:guid}
int	یک مقدار 32 بیتی <code>integer</code> را تطبیق می‌دهد.	{x:int}
length	رشته‌ای با طول تعیین شده را تطبیق می‌دهد.	{x:length(6)} {x:length(1,20)}
long	یک مقدار 64 بیتی <code>integer</code> را تطبیق می‌دهد.	{x:long}
max	یک مقدار <code>integer</code> با حداقل مجاز را تطبیق می‌دهد.	{(x:max(10)}
maxlength	رشته‌ای با حداقل طول تعیین شده را تطبیق می‌دهد.	{(x:maxlength(10)}
min	مقداری <code>integer</code> با حداقل مقدار تعیین شده را تطبیق می‌دهد.	{(x:min(10)}
minlength	رشته‌ای با حداقل طول تعیین شده را تطبیق می‌دهد.	{(x:minlength(10)}
range	مقداری <code>integer</code> در بازه تعریف شده را تطبیق می‌دهد.	{x:range(10,50)}
regex	یک عبارت با قاعده را تطبیق می‌دهد.	{\${x:regex(^\\d{3}-\\d{3}-\\d{4})}}

توجه کنید که بعضی از constraint ها، مانند "min" آرگومان‌ها را در پرانتز دریافت می‌کنند.
می‌توانید محدودیت‌های متعددی روی یک پارامتر تعریف کنید، که باید با دونقطه جدا شوند. عنوان مثال:

```
// eg: /users/5
// but not /users/1000000000 because it is larger than int.MaxValue,
// and not /users/0 because of the min(1) constraint.
[Route("users/{id:int:min(1)}")]
public ActionResult GetUserById(int id) { ... }
```

مشخص کردن اختیاری بودن پارامتر ها، باید در آخر لیست constraints تعریف شود:

```
// eg: /greetings/bye
// and /greetings because of the Optional modifier,
// but not /greetings/see-you-tomorrow because of the maxlength(3) constraint.
[Route("greetings/{messagemaxlength(3)?}")]
public ActionResult Greet(string message) { ... }
```

محدودیت‌های سفارشی

با پیاده سازی قرارداد IRouteConstraint می‌توانید محدودیت‌های سفارشی بسازید. عنوان مثال، زیر یک پارامتر را به لیستی از مقادیر قابل قبول محدود می‌کند:

```
public class ValuesConstraint : IRouteConstraint
{
    private readonly string[] validOptions;
    public ValuesConstraint(string options)
    {
        validOptions = options.Split('|');
    }

    public bool Match(HttpContextBase httpContext, Route route, string parameterName,
RouteValueDictionary values, RouteDirection routeDirection)
    {
        object value;
        if (values.TryGetValue(parameterName, out value) && value != null)
        {
            return validOptions.Contains(value.ToString(), StringComparer.OrdinalIgnoreCase);
        }
        return false;
    }
}
```

قطعه کد زیر نحوه登録 constraint این را نشان می‌دهد:

```
public class RouteConfig
{
    public static void RegisterRoutes(RouteCollection routes)
    {
        routes.IgnoreRoute("{resource}.axd/{*pathInfo}");

        var constraintsResolver = new DefaultInlineConstraintResolver();
        constraintsResolver.ConstraintMap.Add("values", typeof(ValuesConstraint));

        routes.MapMvcAttributeRoutes(constraintsResolver);
    }
}
```

حالا می‌توانید این محدودیت سفارشی را روی مسیرها اعمال کنید:

```
public class TemperatureController : Controller
{
    // eg: temp/celsius and /temp/fahrenheit but not /temp/kelvin
    [Route("temp/{scale:values(celsius|fahrenheit)}")]
    public ActionResult Show(string scale)
    {
```

```

        return Content("scale is " + scale);
    }
}

```

نام مسیر ها

می توانید به مسیرها یک نام اختصاص دهید، با این کار تولید URIها هم راحت‌تر می‌شوند. عنوان مثال برای مسیر زیر:

```
[Route("menu", Name = "mainmenu")]
public ActionResult MainMenu() { ... }
```

می‌توانید لینکی با استفاده از Url.RouteUrl تولید کنید:

```
<a href="@Url.RouteUrl("mainmenu")">Main menu</a>
```

ناحیه ها (Areas)

برای مشخص کردن ناحیه ای که کنترلر به آن تعلق دارد می‌توانید از خاصیت [RouteArea] استفاده کنید. هنگام استفاده از این خاصیت، می‌توانید با خیال راحت کلاس AreaRegistration را از ناحیه مورد نظر حذف کنید.

```
[RouteArea("Admin")]
[RoutePrefix("menu")]
[Route("{action}")]
public class MenuController : Controller
{
    // eg: /admin/menu/login
    public ActionResult Login() { ... }

    // eg: /admin/menu/show-options
    [Route("show-options")]
    public ActionResult Options() { ... }

    // eg: /stats
    [Route("~/stats")]
    public ActionResult Stats() { ... }
}
```

با این کنترلر، فراخوانی تولید لینک زیر، رشته " /Admin/menu/show-options " را بدست میدهد:

```
Url.Action("Options", "Menu", new { Area = "Admin" })
```

به منظور تعریف یک پیشوند سفارشی برای یک ناحیه، که با نام خود ناحیه مورد نظر متفاوت است می‌توانید از پارامتر AreaPrefix استفاده کنید. عنوان مثال:

```
[RouteArea("BackOffice", AreaPrefix = "back-office")]
```

اگر از ناحیه‌ها هم بصورت مسیریابی نشانه ای، و هم بصورت متداول (که با کلاس‌های AreaRegistration پیکربندی می‌شوند) استفاده می‌کنید باید مطمئن شوید که رجیستر کردن نواحی اپلیکیشن پس از مسیریابی نشانه ای پیکربندی می‌شود. به هر حال رجیستر کردن ناحیه‌ها پیش از تنظیم مسیرها بصورت متداول باید صورت گیرد. دلیل آن هم مشخص است، برای اینکه درخواست‌های ورودی بدرستی با مسیرهای تعریف شده تطبیق داده شوند، باید ابتدا attribute routes، سپس area و در آخر default route register شوند. عنوان مثال:

```
public static void RegisterRoutes(RouteCollection routes)
{
    routes.IgnoreRoute("{resource}.axd/{*pathInfo}");
```

ASP.NET MVC 5 ↳ Attribute Routing

```
routes.MapMvcAttributeRoutes();
AreaRegistration.RegisterAllAreas();
routes.MapRoute(
    name: "Default",
    url: "{controller}/{action}/{id}",
    defaults: new { controller = "Home", action = "Index", id = UrlParameter.Optional }
);
}
```

نظرات خوانندگان

نویسنده: منصور جعفری
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۲/۲۹ ۰:۲۷

سلام

الان من در قسمت route.config به این صورت کدهام تعریف شده

```
public static void RegisterRoutes(RouteCollection routes)
{
    routes.IgnoreRoute("{resource}.axd/{*pathInfo}");
    routes.MapMvcAttributeRoutes();
    routes.MapRoute(
        name: "Default",
        url: "{controller}/{action}/{id}",
        defaults: new { controller = "Home", action = "List", id = UrlParameter.Optional }
    );
}
```

و اومدم توی کنترل Home و اکشن موبوط به اون که دارای یک پارامتر دریافتی برای پیج هست این کد رو تعریف کردم:

```
[Route("Page/{page?}")]
public ActionResult List(int page=1)
```

اما وقتی برنامه رو اجرا میکنم خطای 404 رو میده. ممنون میشم راهنمایی کنید مشکل از کجاست.

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۲/۲۹ ۱:۱۱

برای ریشه سایت ویژگی زیر را هم باید اضافه کنید:

```
[Route("~/")]
```

نویسنده: منصور جعفری
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۲/۲۹ ۱۲:۳۳

ممنونم که پاسخ دادید یعنی باید به این شکل بنویسم

```
[Route("~/Page/{page?}")]
public ActionResult List(int page=1)
```

نیازی به تعریف اکشن یا RoutePrefix نیست؟

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۲/۲۹ ۱۲:۴۵

قابلیت ترکیب دارند:

```
[Route("~/")]
[Route("Page/{page?}")]
public ActionResult List(int page=1)
```

نویسنده: یاشار راشدی
تاریخ: ۱۳۹۳/۰۳/۲۹

در صورتی که از Area ها استفاده کنید باید بالای هر کنترلر داخل Area Prefix مربوط به Area را اضافه کنید و گرنه Exception دریافت می‌کنید.

```
[RouteArea("Admin")]
[RoutePrefix("menu")]
[Route("{action}")]
public class MenuController : Controller
{
    // eg: /admin/menu/login
    public ActionResult Login() { ... }

    // eg: /admin/menu/show-options
    [Route("show-options")]
    public ActionResult Options() { ... }

    // eg: /stats
    [Route("~/stats")]
    public ActionResult Stats() { ... }
```

توضیحات بیشتر

<http://blogs.msdn.com/b/webdev/archive/2013/10/17/attribute-routing-in-asp-net-mvc-5.aspx#route-areas>

در این آموزش قصد دارم چگونگی ایجاد یک سیستم اعلام وضعیت آب و هوا را مشابه آنچه که در سایت [گوگل](#) می‌بینید برای شما توضیح دهم. باید توجه داشت من این آموزش را با ASP.NET MVC نوشتمن ولی شما می‌توانید با اندک تغییراتی در کدها، آنرا در ASP.NET Web فرمز نیز استفاده کنید. برای گرفتن آب و هوای هر شهر از RSS‌های اعلام وضعیت آب و هوای یاهو استفاده می‌کنم و توضیح خواهیم داد که چگونه با RSS آن کار کنید.

آب و هوای هر شهر در یاهو به صورت یک لینک یکتا می‌باشد؛ به شکل زیر:

<http://weather.yahooapis.com/forecastrss?w=WOEID&u=c>

حال می‌خواهیم کوئری استرینگ‌های این لینک را برای شما توضیح دهم. هر شهری بر روی کره زمین یک WOEID یکتا و منحصر بفرد دارد که شما به پارامتر w عدد WOEID شهر موردنظر خود را می‌دهید. بعد از مقدار دهی پارامتر w، وقتی این لینک را در آدرس بار مرورگر خود می‌زنید، RSS مربوط به آب و هوای آن شهر را به شما می‌دهد. مثلاً WOEID تهران عدد 28350859 می‌باشد. و این لینک RSS اطلاعات آب و هوای تهران را در قالب یک RSS به شما نمایش خواهد داد.

- خوب، حالا پارامتر دوم یعنی پارامتر u چکاری را انجام می‌دهد؟
- * چنانچه مقدار پارامتر u برابر c باشد، یعنی شما دمای آب و هوای شهر مدنظر را بر اساس سانتیگراد می‌خواهید.
- * اگر مقدار پارامتر u برابر f باشد، یعنی شما دمای آب و هوای آن شهر موردنظر را بر اساس فارنهایت می‌خواهید.

برای گرفتن WOEID شهرها هم به این سایت بروید <http://woeid.rosselliot.co.nz> و اسم هر شهری که می‌خواهید بزنید تا WOEID را به شما نمایش دهد.

در این مثال من از یک DropDownList استفاده کردم که کاربر با انتخاب هر شهر از DropDownList، آب و هوای آن شهر را مشاهده می‌کند. مرتبه Action مربوط به صفحه Index به صورت زیر می‌باشد:

```
[HttpGet]
public ActionResult Index()
{
    ViewBag.ProvinceList = _RPosition.Positions;
    ShowWeatherProvince(8);
    return View();
}
```

در اینجا من لیست شهرها را از جدول می‌خوانم که البته این جدول را چون بخش مهمی نبود و فقط شامل ID و نام شهرها بود در فایل ضمیمه قرار ندادم و نام شهرها و ID آنها را بر عهده خودتان گذاشتمن. حال تابعی را که آب و هوای مربوط به هر شهر را نمایش می‌دهد، به شرح زیر است:

```
public ActionResult ShowWeatherProvince(int dpProvince)
{
    XDocument rssXml=null;
    CountryName CountryName = new CountryName();
    if (dpProvince != 0)
    {
        switch (dpProvince)
        {
            case 1:
                {
                    rssXml =
XDocument.Load("http://weather.yahooapis.com/forecastrss?w=2345768&u=c");
                }
        }
    }
}
```

```

        CountryName = new CountryName() { Country = "Iran", City = "Azarbeyejan-e
Sharqli" };
        break;
    }
    case 2:
    {
        rssXml =
XDocument.Load("http://weather.yahooapis.com/forecastrss?w=2345767&u=c");
        CountryName = new CountryName() { Country = "Iran", City = "Azarbeyejan-e
Qarbi" };
        break;
    }
    case 3:
    {
        rssXml =
XDocument.Load("http://weather.yahooapis.com/forecastrss?w=2254335&u=c");
        CountryName = new CountryName() { Country = "Iran", City = "Ardebil" };
        break;
    }
    case 4:
    {
        rssXml =
XDocument.Load("http://weather.yahooapis.com/forecastrss?w=28350859&u=c");
        CountryName = new CountryName() { Country = "Iran", City = "Alborz" };
        break;
    }
    case 5:
    {
        rssXml =
XDocument.Load("http://weather.yahooapis.com/forecastrss?w=2345787&u=c");
        CountryName = new CountryName() { Country = "Iran", City = "Esfahan" };
        break;
    }
    case 6:
    {
        rssXml =
XDocument.Load("http://weather.yahooapis.com/forecastrss?w=2345775&u=c");
        CountryName = new CountryName() { Country = "Iran", City = "Ilam" };
        break;
    }
    case 7:
    {
        rssXml =
XDocument.Load("http://weather.yahooapis.com/forecastrss?w=2254463&u=c");
        CountryName = new CountryName() { Country = "Iran", City = "Bushehr" };
        break;
    }
    case 8:
    {
        rssXml =
XDocument.Load("http://weather.yahooapis.com/forecastrss?w=28350859&u=c");
        CountryName = new CountryName() { Country = "Iran", City = "Tehran" };
        break;
    }
    case 9:
    {
        rssXml =
XDocument.Load("http://weather.yahooapis.com/forecastrss?w=2345769&u=c");
        CountryName = new CountryName() { Country = "Iran", City = "Chahar Mahall
va Bakhtiari" };
        break;
    }
    case 10:
    {
        rssXml =
XDocument.Load("http://weather.yahooapis.com/forecastrss?w=56189824&u=c");
        CountryName = new CountryName() { Country = "Iran", City = "Razavi
Khorasan" };
        break;
    }
    case 11:
    {
        rssXml =
XDocument.Load("http://weather.yahooapis.com/forecastrss?w=2345789&u=c");
        CountryName = new CountryName() { Country = "Iran", City = "Shomali
Khorasan" };
        break;
    }
    case 12:
    {
        rssXml =

```

ایجاد سیستم وضعیت آب و هوا مانند گوگل (بخش اول)

```
XDocument.Load("http://weather.yahooapis.com/forecastrss?w=2345789&u=c");
    CountryName = new CountryName() { Country = "Iran", City = "Jonubi
Khorasan" };
        break;
    }
case 13:
{
    rssXml =
XDocument.Load("http://weather.yahooapis.com/forecastrss?w=2345778&u=c");
    CountryName = new CountryName() { Country = "Iran", City = "Khuzestan" };
        break;
}
case 14:
{
    rssXml =
XDocument.Load("http://weather.yahooapis.com/forecastrss?w=2255311&u=c");
    CountryName = new CountryName() { Country = "Iran", City = "Zanjan" };
        break;
}
case 15:
{
    rssXml =
XDocument.Load("http://weather.yahooapis.com/forecastrss?w=2345784&u=c");
    CountryName = new CountryName() { Country = "Iran", City = "Semnan" };
        break;
}
case 16:
{
    rssXml =
XDocument.Load("http://weather.yahooapis.com/forecastrss?w=2345770&u=c");
    CountryName = new CountryName() { Country = "Iran", City = "Sistan va
Baluchestan" };
        break;
}
case 17:
{
    rssXml =
XDocument.Load("http://weather.yahooapis.com/forecastrss?w=2345772&u=c");
    CountryName = new CountryName() { Country = "Iran", City = "Fars" };
        break;
}
case 18:
{
    rssXml =
XDocument.Load("http://weather.yahooapis.com/forecastrss?w=20070200&u=c");
    CountryName = new CountryName() { Country = "Iran", City = "Qazvin" };
        break;
}
case 19:
{
    rssXml =
XDocument.Load("http://weather.yahooapis.com/forecastrss?w=2255062&u=c");
    CountryName = new CountryName() { Country = "Iran", City = "Qom" };
        break;
}
case 20:
{
    rssXml =
XDocument.Load("http://weather.yahooapis.com/forecastrss?w=2345779&u=c");
    CountryName = new CountryName() { Country = "Iran", City = "Kordestan" };
        break;
}
case 21:
{
    rssXml =
XDocument.Load("http://weather.yahooapis.com/forecastrss?w=2254796&u=c");
    CountryName = new CountryName() { Country = "Iran", City = "Kerman" };
        break;
}
case 22:
{
    rssXml =
XDocument.Load("http://weather.yahooapis.com/forecastrss?w=2254797&u=c");
    CountryName = new CountryName() { Country = "Iran", City = "Kermanshah" };
        break;
}
case 23:
{
    rssXml =
XDocument.Load("http://weather.yahooapis.com/forecastrss?w=2345771&u=c");
    CountryName = new CountryName() { Country = "Iran", City = "Kohgiluyeh va
```

```

Buyer Ahmad" };
                                break;
                }
        case 24:
        {
            rssXml =
XDocument.Load("http://weather.yahooapis.com/forecastrss?w=20070201&u=c");
            CountryName = new CountryName() { Country = "Iran", City = "Golestan" };
            break;
        }
        case 25:
        {
            rssXml =
XDocument.Load("http://weather.yahooapis.com/forecastrss?w=2345773&u=c");
            CountryName = new CountryName() { Country = "Iran", City = "Gilan" };
            break;
        }
        case 26:
        {
            rssXml =
XDocument.Load("http://weather.yahooapis.com/forecastrss?w=2345782&u=c");
            CountryName = new CountryName() { Country = "Iran", City = "Lorestan" };
            break;
        }
        case 27:
        {
            rssXml =
XDocument.Load("http://weather.yahooapis.com/forecastrss?w=2345783&u=c");
            CountryName = new CountryName() { Country = "Iran", City = "Markazi" };
            break;
        }
        case 28:
        {
            rssXml =
XDocument.Load("http://weather.yahooapis.com/forecastrss?w=2345780&u=c");
            CountryName = new CountryName() { Country = "Iran", City = "Mazandaran" };
            break;
        }
        case 29:
        {
            rssXml =
XDocument.Load("http://weather.yahooapis.com/forecastrss?w=2254664&u=c");
            CountryName = new CountryName() { Country = "Iran", City = "Hamedan" };
            break;
        }
        case 30:
        {
            rssXml =
XDocument.Load("http://weather.yahooapis.com/forecastrss?w=2345776&u=c");
            CountryName = new CountryName() { Country = "Iran", City = "Hormozgan" };
            break;
        }
        case 31:
        {
            rssXml =
XDocument.Load("http://weather.yahooapis.com/forecastrss?w=2253355&u=c");
            CountryName = new CountryName() { Country = "Iran", City = "Yazd" };
            break;
        }
    }
    ViewBag.Location = CountryName;
    XNamespace yWeatherNS = "http://xml.weather.yahoo.com/ns/rss/1.0";
    List<YahooWeatherRssItem> WeatherList = new List<YahooWeatherRssItem>();
    for (int i = 0; i < 4; i++)
    {
        YahooWeatherRssItem YahooWeatherRssItem = new YahooWeatherRssItem()
        {
            Code = Convert.ToInt32(rssXml.Descendants("item").Elements(yWeatherNS +
"forecast").ElementAt(i).Attribute("code").Value),
            Day = rssXml.Descendants("item").Elements(yWeatherNS +
"forecast").ElementAt(i).Attribute("day").Value,
            Low = rssXml.Descendants("item").Elements(yWeatherNS +
"forecast").ElementAt(i).Attribute("low").Value,
            High = rssXml.Descendants("item").Elements(yWeatherNS +
"forecast").ElementAt(i).Attribute("high").Value,
            Text = rssXml.Descendants("item").Elements(yWeatherNS +
"forecast").ElementAt(i).Attribute("text").Value,
        };
        WeatherList.Add(YahooWeatherRssItem);
    }
}

```

ایجاد سیستم وضعیت آب و هوا مانند گوگل (بخش اول)

```
        ViewBag.FeedList = WeatherList;
    }

    return PartialView("_Weather");
}
```

قسمت `SwitchCase`, `مقدار` و `Value` مربوط به هر آیتم `DropDown` را که شامل یک اسم شهر است، میگیرد و `RSS` مربوط به آن شهر را بر میگرداند.
حالا کد مربوط به خواندن فایل `Rss` را برایتان توضیح می دهم : حلقه `for` 0 تا 4 (که در کد بالا مشاهده می کنید) یعنی اطلاعات 4 روز آینده را برایم برگردان.
من تگ های `High` , `Low` , `Day` , `Low` , `High` , `Day` , `Low` , `High` را در این حلقه `For` می خوانم که البته مقادیر این 4 روز را در لیستی اضافه می کنم که نوع این لیست هم از نوع `YahooWeatherRssItem` می باشد. من این کلاس را در فایل ضمیمه قرار دادم. اکنون هر کدام از این تگ ها را برایتان توضیح می دهم:

`code` : هر آب و هوای کدی دارد. مثلا آب و هوای نیمه ابری یک کد ، آب و هوای آفتابی کدی دیگر و ...
`Low`: حداقل دمای آن روز را به ما می دهد .
`High`: حداکثر دمای آن روز را به ما می دهد .
`day`: نام روز از هفته را بر میگرداند مثلا شنبه ، یکشنبه و
`text`: که توضیحاتی می دهد مثلا اگر هوای آفتابی باشد مقدار `sunny` را بر میگرداند و ...

خوب، تا اینجا ما `Rss` مربوط به هر شهر را خواندیم حالا در قسمت `Design` باید چکار کنیم .
کدهای `html` صفحه `Index` ما شامل کدهای زیر است :

```
@{
    ViewBag.Title = "Weather";
}

<link href("~/Content/User/Weather/Weather.css" rel="stylesheet" />
@section scripts{
    <script src="@Url.Content("~/Scripts/jquery-1.6.2.min.js")" type="text/javascript"></script>
    <script src="@Url.Content("~/Scripts/jquery.unobtrusive-ajax.min.js")"
type="text/javascript"></script>
    <script type="text/javascript">
        $("#dpProvince").change(function () {
            $(this).parents("form").submit();
        });
    </script>
}
<h2>Weather</h2>
<div id="Progress">
    <img src("~/Images/User/Other/ajax-loader.gif" />
</div>
<div id="BoxContent"> @Html.Partial("_Weather")</div>

@using (Ajax.BeginForm(actionName: "ShowWeatherProvince", ajaxOptions: new AjaxOptions {
    UpdateTargetId = "BoxContent", LoadingElementId = "Progress", InsertionMode = InsertionMode.Replace }))
{
<div style="padding-top:15px;">
    <div style="float:left; width:133px; ">Select Your Province</div>
    <div style="float:left"> @Html.DropDownList("dpProvince", new
SelectList(ViewBag.ProvinceList, "Id", "Name"), "Select Your Province", new { @class =
"webUserDropDown", @style = "width:172px" })</div>
</div>
}
```

و کدهای `Partial Weather` که است به صورت زیر است:

```
@{
    List<Weather.YahooWeatherRssItem> Feeds = ViewBag.FeedList;
}
<div>
```

```

{@
    HtmlString StartTable = new HtmlString("<table class='WeatherTable' cellspacing='0'
cellpadding='0'><tbody><tr>");
    HtmlString EndTable = new HtmlString("</tr></tbody></table>");
    HtmlString StartTD = new HtmlString("<td>");
    HtmlString EndTD = new HtmlString("</td>");
}
<div style="width: 300px;">
@{
    @StartTable
    foreach (var item in Feeds)
    {
        @StartTD
        <div>@item.Day</div>
        <div>
            @{
                string FileName = "";
                switch (item.Code)
                {
                    case 0: { FileName = "/Images/User/Weather/Tornado.png"; break; }
                    case 1: { FileName = "/Images/User/Weather/storm2.gif"; break; }
                    case 2: { FileName = "/Images/User/Weather/storm2.gif"; break; }
                    case 3: { FileName = "/Images/User/Weather/storm2.gif"; break; }
                    case 4: { FileName = "/Images/User/Weather/15.gif"; break; }
                    case 5: { FileName = "/Images/User/Weather/29.gif"; break; }
                    case 6: { FileName = "/Images/User/Weather/29.gif"; break; }
                    case 7: { FileName = "/Images/User/Weather/29.gif"; break; }
                    case 8: { FileName = "/Images/User/Weather/26.gif"; break; }
                    case 9: { FileName = "/Images/User/Weather/drizzle.png"; break; }
                    case 10: { FileName = "/Images/User/Weather/26.gif"; break; }
                    case 11: { FileName = "/Images/User/Weather/18.gif"; break; }
                    case 12: { FileName = "/Images/User/Weather/18.gif"; break; }
                    case 13: { FileName = "/Images/User/Weather/19.gif"; break; }
                    case 14: { FileName = "/Images/User/Weather/19.gif"; break; }
                    case 15: { FileName = "/Images/User/Weather/19.gif"; break; }
                    case 16: { FileName = "/Images/User/Weather/22.gif"; break; }
                    case 17: { FileName = "/Images/User/Weather/Hail.png"; break; }
                    case 18: { FileName = "/Images/User/Weather/25.gif"; break; }
                    case 19: { FileName = "/Images/User/Weather/dust.png"; break; }
                    case 20: { FileName = "/Images/User/Weather/fog_icon.png"; break; }
                    case 21: { FileName = "/Images/User/Weather/hazy_icon.png"; break; }
                    case 22: { FileName = "/Images/User/Weather/2017737395.png"; break; }
                    case 23: { FileName = "/Images/User/Weather/32.gif"; break; }
                    case 24: { FileName = "/Images/User/Weather/32.gif"; break; }
                    case 25: { FileName = "/Images/User/Weather/31.gif"; break; }
                    case 26: { FileName = "/Images/User/Weather/7.gif"; break; }
                    case 27: { FileName = "/Images/User/Weather/38.gif"; break; }
                    case 28: { FileName = "/Images/User/Weather/6.gif"; break; }
                    case 29: { FileName = "/Images/User/Weather/35.gif"; break; }
                    case 30: { FileName = "/Images/User/Weather/7.gif"; break; }
                    case 31: { FileName = "/Images/User/Weather/33.gif"; break; }
                    case 32: { FileName = "/Images/User/Weather/1.gif"; break; }
                    case 33: { FileName = "/Images/User/Weather/34.gif"; break; }
                    case 34: { FileName = "/Images/User/Weather/2.gif"; break; }
                    case 35: { FileName = "/Images/User/Weather/freezing_rain.png"; break; }
                    case 36: { FileName = "/Images/User/Weather/30.gif"; break; }
                    case 37: { FileName = "/Images/User/Weather/15.gif"; break; }
                    case 38: { FileName = "/Images/User/Weather/15.gif"; break; }
                    case 39: { FileName = "/Images/User/Weather/15.gif"; break; }
                    case 40: { FileName = "/Images/User/Weather/12.gif"; break; }
                    case 41: { FileName = "/Images/User/Weather/22.gif"; break; }
                    case 42: { FileName = "/Images/User/Weather/22.gif"; break; }
                    case 43: { FileName = "/Images/User/Weather/22.gif"; break; }
                    case 44: { FileName = "/Images/User/Weather/39.gif"; break; }
                    case 45: { FileName = "/Images/User/Weather/thundershowers.png"; break; }
                    case 46: { FileName = "/Images/User/Weather/19.gif"; break; }
                    case 47: { FileName = "/Images/User/Weather/thundershowers.png"; break; }
                    case 3200: { FileName = "/Images/User/Weather/1211810662.png"; break; }
                }
            }
            <img alt='@item.Text' title='@item.Text' src='@FileName'>
        </div>
        <div>
            <span>@item.High°</span>
            <span>@item.Low°</span>
        </div>
        @EndTD
    }
}
@EndTable
</div>

```

</div>

من عکس‌های مربوط به وضعیت آب و هوا را در فایل ضمیمه قرار دادم.
چنانچه در مورد RSS وضعیت آب و هوای یاهو اطلاعات دقیق‌تری را می‌خواهید بدانید به این [لينك](#) بروید.
در آموزش بعدی قصد دارم برایتان این بخش را توضیح دهم که بر اساس IP بازدید کننده سایت شما، اطلاعات آب و هوای شهر بازدید کننده را برایش در سایت نمایش دهد.

[Files-06bf65bac63d4dd694b15fc24d4cb074.zip](#)

موفق باشید

نظرات خوانندگان

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۲/۱۱ ۰:۵

ممnon از شما. چند نکته جزئی در مورد بهبود کیفیت کدها. در View‌های MVC باید کدنویسی صرفا به نمایش اطلاعات View خلاصه شود. یعنی switch داخل آن بهتر است تبدیل به یک extension method شده و نهایتاً استفاده شود (برای تمیز کردن View). همچنین استفاده از 1 و 2 switch و 10000 اصطلاحاً به magic code مشهور هستند. یعنی مشخص نیست معنای این اعداد چی هست. این‌ها را عموماً بهتر است تبدیل به enum کرد و بعد استفاده نهایی.

نویسنده: شقایق اشتربی
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۲/۱۲ ۸:۳۹

ممnon از شما که مشکل کد نویسی من را گفتید .extension method helper‌ها منظورتون همون هاست ؟ لینکی دارید که در مورد این extension method آموزشی داده باشد چون من می‌خوام کدهامو تا جایی که می‌شود بهینه بنویسم .

نویسنده: شاهین کیاست
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۲/۱۲ ۹:۱۵

یک مثال در [اینجا](#)
قسمت آخر (If‌های شرطی را در View‌ها را در متدهای کمکی کپسوله کنید)

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۲/۱۲ ۹:۵۱

قسمت switch ای را که در View نوشتشد، تبدیل کنید به یک متدهای کمکی خارج از View: (مهم نیست متدهای مخصوص باشد یا خیر؛ فقط داخل View نباشد)

```
public static string GetFileName(int code)
{
    switch (code)
    {
        case 0: return "/Images/User/Weather/Tornado.png";
    //...
}
```

بعد یک خاصیت محاسباتی به نام FileName به مدل مورد استفاده اضافه کنید:

```
public class YahooWeatherRssItem
{
    public int Code { get; set; }
    //...
    public string FileName
    {
        get { return Util.GetFileName(Code); }
    }
}
```

به این صورت View از کدهای محاسبات یافتن FileName خالی می‌شود.

نویسنده: علی
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۲/۱۲ ۱۰:۷

یه راه دیگه هم استفاده از Yahoo Query Language هست، می‌توانید با کوئری زیر اطلاعات آب و هوای شهر مورد نظر رو در قالب JSON دریافت کنید

ایجاد سیستم وضعیت آب و هوا مانند گوگل (بخش اول)

```
select * from weather.forecast where woeid in (select woeid from geo.placefinder where text="CityName")
```

نویسنده: شقایق اشتربی
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۲/۱۲ ۱۰:۱۳

یه سوال دیگه که داشتم اگر بین کدهایمان ، کد html وجود داشت باز هم باید آنها را از view جدا کنیم و به صورت extension بنویسیم؟

یا اینکه جداسازی کدها از View را زمانی انجام می‌دهیم که چندین خط کد پشت سر هم نوشته باشیم و بین آنها کد html بی نباشد ؟

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۲/۱۲ ۱۰:۴۱

- نه الزاماً. اگر چندین جا استفاده و تکرار می‌شود یا منطق طولانی دارد، روش « [نوشتن HTML Helpers ویژه، به کمک امکانات Razor](#) » می‌تواند مفید باشد.

- منطق قرار گرفته در View فقط باید کار «نهایی» نمایشی را انجام دهد. اگر در View مثلاً مستقیماً با دیتابیس کار می‌کنید، محاسبات مرتبط با فیلد خاصی را انجام می‌دهید و کلا هر منطقی که «نهایی» بودن نمایش اطلاعات را زیر سؤال ببرد، باید از View جدا شده و به کنترلر و زیرساخت آن منتقل شود.

نویسنده: محسن تقی پور
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۲/۲۰ ۰:۸

میشه راجبه این روش کمی بیشتر توضیح بدین

نویسنده: Anaritius
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۲/۲۱ ۰:۴۴

سلام
ممnon از مقاله خوبتون
اماکنش هست سورس کد webForm ش رو هم بذارید و اسه دانلود؟
ممnon

نویسنده: علی
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۲/۲۱ ۱۰:۸

[اینجا](#) یک مثال از نحوه کار با YQL رو توضیح داده

نویسنده: ع پارسایی
تاریخ: ۱۳۹۳/۱۱/۱۸ ۱۶:۳۶

با سلام

امکان داره بگید در اکشن، قسمت ViewBag.ProvinceList = _RPosition.Positions چه کار میکنه و RPosition کارش چیه؟

نویسنده: ع پارسایی
تاریخ: ۱۳۹۳/۱۱/۲۱ ۱۹:۳۴

با سلام؛ در مطلب گفته شده برای گرفتن WOEID شهرها به فلان سایت بروید و هر کشوری رو بخواهیم باید ببریم و دستی واردش اما من دیتابیس یا هر چیز دیگری رو میخوام که قابلیت این رو داشته باشه که کاربر با وارد کردن کشور و شهر بتونه آب و هوا رو

ببینه، شما میتوانید راهنمایی ام کنید که چه کار باید بکنم و یا منبعی برای دیتابیس مختصات جغرافیایی کشورها وجود دارد؟ ممنون میشم کمکم کنید. با تشکر

بسیار پیش می‌آید که یک کنترلر را به یک اکشن فیلتر خاص مزین کنیم. در این صورت تمامی اکشن‌های موجود در کنترلر مربوطه مجباً به اجرای اکشن فیلتر مورد نظر می‌شوند. اما بسیار پیش می‌آید که نخواهیم یک اکشن خاص در کنترلر مذکور اکشن فیلتر مورد نظر را اجرا کند.

یک راهکار ساده اما (به نظر شخصی من) غیر منطقی این است که تک تک اکشن‌های را که می‌خواهیم اکشن فیلتر مورد نظر را اجرا کنند، مزین کنیم و اکشن‌هایی که نمی‌خواهیم اکشن فیلتر مورد نظر را اجرا کنند به اکشن فیلتر مورد نظر مزین نمی‌کنیم. اما فرض کنید تعداد اکشن‌های ما زیاد باشند؛ به نظر این روش غیر منطقی و غیر بهینه است.

یکی از مشکلاتی که در یکی از پروژه‌ها حدود سه روز وقت من را گرفت همین کار بود. زمانی که از یک تصویر امنیتی جهت مقابله با ربوت‌های استفاده می‌کردم به این مشکل برمی‌خورد کردم. کنترلر من به یک اکشن فیلتر فشرده سازی محتوا مزین بود. در نتیجه اکشنی که تصویر امنیتی را تولید می‌کرد نیز اکشن فیلتر فشرده سازی را اجرا می‌کرد و پس از فشرده سازی باعث می‌شد که تصویر امنیتی نشان داده نشود، چون فرمات تصویری آن بهم ریخته بود. یک راهکار را که پس از جستجو به آن رسیدم، جهت استفاده دوستان مطرح می‌کنم.

برای اینکه از اجرای چنین اکشن فیلتر‌هایی جلوگیری کنیم نیاز است کمی اکشن فیلتر مورد نظر را دستکاری کنیم.

برای این کار باید مراحل زیر را انجام داد:

1- ابتدا یک Attribute خالی را تعریف می‌کنیم.

2- سپس اکشن فیلتر دلخواه را تعریف کرده و در زمان اجرا بررسی می‌کنیم اگر متده (اکشن) مورد نظر با Attribute تعریف در مرحله یک مزین شده بود، در نتیجه اکشن فیلتر را اجرا نمی‌کنیم.

3- هر اکشنی را که نمی‌خواهیم اکشن فیلتر تعریفی مرحله 2 را اجرا کند، آن را به Attribute مرحله یک مزین می‌کنیم. به این ترتیب می‌توانیم از اجرای اکشن فیلتر دلخواه روی متدها یا اکشن‌های دلخواه جلوگیری کنیم. در ادامه نحوه تعریف آنها را در زیر مشاهده می‌کنید.

1- تعریف یک DisableCompression دلخواه مثلاً با نام Attribute

```
[AttributeUsage(AttributeTargets.Class | AttributeTargets.Method, AllowMultiple = false, Inherited = true)]
public sealed class DisableCompression : Attribute { }
```

2- تعریف اکشن فیلتر دلخواه مثلاً با نام CompressionFilter

```
[AttributeUsage(AttributeTargets.Class | AttributeTargets.Method, Inherited = true, AllowMultiple = false)]
public class CompressionFilter : ActionFilterAttribute
{
  public override void OnActionExecuting(ActionExecutingContext filterContext)
  {
    bool disabled = filterContext.ActionDescriptor.IsDefined(typeof(DisableCompression), true) ||
filterContext.ActionDescriptor.ControllerDescriptor.IsDefined(typeof(DisableCompression), true);
    if (disabled)
      return;
    کدهای دلخواه اکشن فیلتر مورد نظر // 
  }
}
```

3- در این مرحله هر اکشنی را که نمی‌خواهیم اکشن فیلتر را اجرا کند به Attribute با نام

مزین میکنیم DisableCompression.

```
[CompressionFilter]
public abstract class BaseController : Controller
{
}

public class SomeController : BaseController
{
    public ActionResult WantThisActionCompressed()
    {
        // code
    }

    [DisableCompression]
    public ActionResult DontWantThisActionCompressed()
    {
        // code
    }
}
```

با این کار اکشن [اکشن فیلتر](#) WantThisActionCompressed [CompressionFilter](#) را اجرا می‌کند اما اکشن DisableCompression شده‌است، پس در نتیجه [اکشن فیلتر](#) DontWantThisActionCompressed بر روی آن اجرا نخواهد شد.